بعون خالق سخن آفرین و بانی آسمان و زمین جل جلاله

الحمد لله والمنة که این رسالهٔ مجموعهٔ طب سراپا حکمت و مجموعهٔ صحت ...

میزان الادویه

الفاظ الادویه

فرهنگ نصیریه

مخزن الادویه

حسب فرمایش تاجر عالی وقار سراپا تمیز جناب شیخ عبد العزیز ...

در مطبع خاص فیض اختصاص ثمر هند واقع لکهنؤ طبع یافت

ماه ذی الحجه سنه ۱۲۶۳ھ

بعون خالق سخن آفرین و بانی آسمان و زمین
الحمد لله والمنة که این رساله مجموعهٔ طب سراپا حکمت محمد صحت مسمی به
میزان الادویه
الفاظ الادویه
حسب فرمایش تاجر عالی وقار سراپا تمیز شیخ عبد العزیز صاحب

بسم الله الرحمن الرحیم

هُوَ اللهُ الْاَحَدُ الصَّمَدُ که پایهٔ حقیقت بیچونیش از دائرهٔ دریافت و احاطهٔ شناخت بشریت و تفکر ادراک کنه ذاتش کاشف انوار تجلیات شیونات و فنونات او ست عز شانه که آناً فاناً بفحوای کُنْتُ کَنْزًا مَخْفِیًّا فَاَحْبَبْتُ اَنْ اُعْرَفَ خود بخود از خود بصفات لاتناهی جلوه ظهور فرموده و معنی را بتجمل صورت و صوت را آئینه معنی نموده و بقدرت کامله اِنَّ اللهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ هر فردی از افراد ممکنات را بتجلی خاص الخاص متجلی الاحکام و مخصوص ساخته بحکمت بالغه اَللهُ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ هر ذره از ذرات کائنات را بمعانی خاص که حقائق اشیا عبارت ازان ست بخلعت اسما مخلع گردانیده و هر اسمی را مخصوص بصفتی و هر صفتی را منسوب باسمی کرده نقطه هوهویه جزو لایتجزی را بحسب آمیزش شیونات بنقوط نقطورا بحروف و حروف را بکلمه و کلمه را بکلام ارتباط معنوی موهبت فرموده از کتم علم بعالم عین آورده و انشای هزاران هزار اسرار بدیعه و نقوش غریبه بموجب مَا شَآءَ اللهُ کَانَ وَمَا لَمْ یَشَآءْ لَمْ یَکُنْ بکاف کن مفوض داشته سرگرم ایجاد و تقدیر گردانیده و همگی کلیات عناصر اجرام را در جزئیات موالید ثلاثه سرانجام ظهور بخشیده و بظهور واجب الوجودی استظهار ممکنات گشت

تا جماد را که منشار نشو و نما نبات ست و نزد حکما روحانی از جماد و نبات لوح و قلم مراد بحرکت
ارادی اَلنّٰٓا نٓ وَالْقَلَمِ وَمَا یَسْطُرُوْنَ پرده از روی کار خود برداشت جماد لوح شد
و نبات قلم حقیقت اَوَّلُ مَا خَلَقَ اللّٰهُ از تحرک قلم نقش هستی برگرفت وانبساط
نسبت تعینات بحقائق لامکان را مکانی بهم رسیده احدیی بواحد گرویده بیچونی بچگونگی
بعبارت چون و چرا گنجیده صور را آمیزشی بنقوش دست داد تاویل صورت و نقش درمیان
آمد و آلت و سبب واسطه صناعت مصور و مسبب گردیدند و مضمون رُبَّ وَاحِدٍ یَعْدِلُ
اَلْفًا یعنی بسا یکی که هزار میگردد بوضوح پیوست عدل که لازمه امتزاج اعتدال مزاج حقیقت
و مجازیست علم ظهور برافراخت میم معنی بر فرق معرفت نهاد و برد نمائی جلوه حیوان
بامر نَفَخْتُ فِیْهِ مِنْ رُّوْحِیْ پرده از روی کار نهان و آشکارا فروهشت و جهت
اثبات دعوی لَیْسَ كَمِثْلِهٖ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ مرجع گفت و شنفت آمده
حکمت پوشیده را آشکارا ساخت یعنی معنی عدم صورت وجود گرفته اسما بمسمی شناخته شد
و تمهید وَالْبَلَدُ الطَّیِّبُ یَخْرُجُ نَبَاتُهٗ بِاِذْنِ رَبِّهٖ وَالَّذِیْ خَبُثَ لَا یَخْرُجُ اِلَّا
نَكِدًا ایجاد بنت نبات و نبات مصدر روی حیات که کنایت از حیوان ست گشت
و بحسب اعتدال حقیقی وحدت بکثرت گرائید و جلوه شهود و منظر اتم که مستجمع جمیع بروز
و مکنونست از ظهور شرف حضرت محمدی بختم انجامید صلی الله علیه و آله وسلم تفسیر جَفَّ
الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ بروی بیان آمد و بچندین ظهور و تجلیات زبان نطق حالی
باشیا عطا فرموده که آثار خواص هر شیء و شاهد حال نطق آن شیء ست پس باین حیثیت
بمقتضای وَاِنْ مِّنْ شَیْءٍ اِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهٖ جمیع مکونات و اشیا لحظة فلحظة
با برابر سپاس انواع تجلیات خواه بلفظ صوت و خواه بنقش معنی می از محمدت سرائی غافل
نباشد هرگاه همگی ستایش ظهور آثار تجلیات باشد و عالم و عامل و احد واحد و سبب
و مسبب و حمد و محمد و نظر مبصران وحدت گزین یکی بود کجاست ثانی و گوشنی لمولفه

عالم همه طلسم می بینم من * جائی نه بدون رسم می بینم من * از روی زمین گرفته تا چرخ
برین * یک نقطه هزار قسم می بینم من * سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا یَقُولُونَ عُلُوًّا
کَبِیرًا ابیات از حکیم العزیز بدنا بید * هرچه واکرد آنچنان شاید * نظری پاک
اینچنین ببیند * نازنین جمله نازنین ببیند * زهی شرافت فضل و کمال و حبذا
رفعت مقام و وصال صاحب لوای لَوْلَاکَ لَمَا خَلَقْتُ الْاَفْلَاکَ که بمفتاح وَ
مَا اَرْسَلْنَاکَ اِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِینَ سبب گشاد کار عقود خَتَمَ اللهُ عَلَی قُلُوبِهِمْ
وَعَلَی سَمْعِهِمْ وَعَلَی اَبْصَارِهِمْ آمده بود ای کُنْتُ نَبِیًّا وَآدَمُ بَیْنَ الْمَاءِ وَالطِّینِ
شرف امتیاز وَعَلَّمَ آدَمَ الْاَسْمَاءَ کُلَّهَا به آدم خاکی ارزانی داشته و بنیروی حکم وَلَا
رَطْبٍ وَلَا یَابِسٍ اِلَّا فِی کِتَابٍ مُبِینٍ تجلیات فیوض وافیات را تشئونات
لاتتناهی و تعینات بیحد و غایت نصیبه نظارگیان صور و معانی نموده بجهة احصای
تفاصیل جزوی مجمل کلی بدست آورده که بدین پیغمبر امین انگشت قدرت تاثیرش باشاره
وَمَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُولٌ مشرف بذکر اِنْشَقَّ الْقَمَرُ عقل خبیر از سیر تورای صنعت
نمایش باپای وَمَا عَلَی الرَّسُولِ اِلَّا الْبَلَاغُ در اول مَا خَلَقَ اللهُ مستعر اثر
لطافت کلام معجز نظامش احکام و آیات صحف پیشینیه منسوخ و از شرافت نام گرامیست
انتظامش آثار و بینات ملل دیرینه مکسور کمترین احتشام اقتدار آنرا از دوار اسرار کبریا دیده
گشایی سر الانبیا اینکه در لباس صورت کسوت معنی را سراپا ظاهر و باطن انگاشته و در عالم ظاهر
علم باطن را سرمایه صورت و معنی پنداشته و مودت اهل بیت او که بموجب کریمه اِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ
لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا بطهارت ازلی مخصوص
اند بمنطوق قُلْ لَا اَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی بشرافت لم یزلی منصوص
سرمایه نجات گم شدگان وادی ضلالت و تیه غوایت ست و محبت عترت او که وَآتِ
ذِی الْقُرْبَی حَقَّهُ در شان ایشان نازل ست زاد و راحله سرگشتگان بادیه جهالت و مضیق

منزلت چون صیت وبدبهٔ رسالت وطنطنهٔ جلالتش کون ومکان را فرو گرفته صلی الله
علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین وآوازهٔ اکرام وافضال صحبهٔ واجب التجلیل والاجلال وتبعهٔ
خیر العاقبة والمآلش که سالکان مراحل معنی ورناسکان مشاعر صورت را از بادیهٔ هامون
ضلالت وبیابان اختلاف بدار الملک هدایت وایتلاف آورده با قاصی ودانی رسیده
رضی الله عنهم اجمعین احوط آنست که رعایت ادب وپاس امر رب بر ذمهٔ طبع وطبیعت که مورد
نفایس وودایع اند لازم دانسته برنجای زبان گستری خدیو کشور جهانبانی عذب البیان
گردد تا در محکمهٔ أَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ از سلوک مسالک
ورسوم مراسم اسلاف بندگی انصاف بیرون نباشد حمداً لک ثم حمداً لک که اولی الامر
آوان گیتی خداوند کشورستان اورنگ آرای سریر گورکان مطلع نجوم سپهر سلطنت و
کامگاری منبع رسوم حق شناسی ودینداری آسمان شاه جم جاه کیوان بارگاه برجیس سعادت
مریخ صولت ناهید عشرت قمر شرافت آفتاب تابان هلال رکاب گنبد خلافت منزلت سلیمان همت
عالم عامل مرشد کامل خسرو گیهان گشای شهنشاه جهان آرای خداوند عدالت پیرای
المخصوص بعنایت سبحانی ظل الله ابو المظفر شهاب الدین محمد شاهجهان بادشاه صاحب
قران ثانی هست که بیمن متابعت سنت نبوی واطاعت طریقت مصطفوی علم دولت
وارشاد ورایت رشد وهدی برافراشت ودر توهم مسائل دقیق ونقوش سرائر تحقیق بر صفحهٔ
جان ودل چنان معتقدان صادق ومسترشدان واثق وموافق بنگاشت آئینش همه مطابق
با آئین اسلام واحکامش همه موافق بنص کلام وزبان حال را از شورش فتن وآشوب
حوادث نگاه داشته ودر معموری خراب آباد معموری چنان همت گماشته که جمهور انام از خواص
وعوام با اختلاف واتفاق در بسط امن وبسیط امان مرفه الحال وفارغ البال آسوده
دل وشگفته خاطر اند ولقد رایج دانش از جنس کاسد جهل امتیاز تمام دارد ابیات خدایا
تو این شاه درویش دوست که آسایش خلق در ظل اوست بسی بر سر خلق پاینده دار

بمقدمه و نتیجه و خاتمه **مقدمه** مشتمل ست بر چهار فائده **فائده اول** در بیان تصحیح
اعراب **فائده دوم** در بیان علامات زبان هر دیار **فائده سوم** در تحقیق طبایع
و درجات آن و علاماتیکه منسوبست بآن و ذکر مجملی از دوا الطبیع و در بیه و قوت
فائده چهارم در بیان مختار و شربت و مصلح و بدل ادویه و علامات آن **نتیجه** در ذکر الفاظ
دوا بطریق اثبت و بیان علامات آن **خاتمه** در بیان ادویهٔ کثیر المنفعت
که در کتب قدیمه کمتر ست و ذکر آنها چون پادزهر و مومیائی و چوب چینی و چای و قهوه
و تنباکو امید از دقیقه رسان این فن آنست که اگر بر سهوی و خطائی آگاهی یابند
بقلم انصاف اصلاح فرمایند و بالله التوفیق و به المستعان **مقدمه** مشتمل بر چهار
فائده **فائده اول** در بیان تصحیح اعراب پوشیده نماند که در تحقیق اعراب لغتی تتبع
صحاح الادویه این مؤلف اختیارات بدیعی و برخی از جاهای ثقات و کتب معتبره
لغت تازی و فرهنگهای فارسی سند کرده هر جا اشاره باول سیر و مراد از حرف نخستین
لفظست و از ثانی حرف دوم که متصل نخستین ست و نمره ملینه عبارت از همزه مکسوره
که بصوت کاف تازی ست بر ها و قفیه جهت اضافت مانند شجرهٔ مریم که همزه بر ها
دارد و موحده نشان حرف باست و فوقانی اشارت بحرف تا و مثلثه ایما بثا و
واو معروف مانند واو یکه در کافورست پس هر جا که بسکون او نوشته شده اراده
واو معروفست و واو مجهول مانند واو یکه در دوغ و شورست و واو معدوله واو یکه مکتوب شود
و تلفظ در نیاید مانند واو یکه در خواجه کتابتست و تحتانی عبارت از یاست و تحتانی معروف
مانند تحتانی که در زنجبیل و نیل نبشته و سکون تحتانی مراد از تحتانی معروفست و تحتانی مجهول حنا و سیر
چند بیشتر مرقومست و چهار حرف پارسی که بران نقطه بنویسند پ چ ژ گ مودی بفارسیست
و مهمله بیان حرف نقطه دار و مهمله تفسیر حروف بی نقط **فائده دوم** در بیان
علامات اصطلاح و زبان هر دیار و سرزمین مثلا از عربی ع که حرف اول او ست و

و همچنین از فارسی ف و از هندی هـ و از مشهور و معروف و مذکور م مرقوم ساخته
و اسامی بیاره دیگر را برا سه نقش پذیر گردانیده **فائده سوم** در تحقیق طبایع ادویه
و دواء علامتیکه منسوب بآن و ذکر مجملی از دوا الطبع و درجه و قوت و خاصیت
بدانکه نزد جمهور اطباء مزاج کیفیتی ست که بهم میرسد از اول استحالهٔ امتزاج ان که آنرا
هرگاه بر دوا اطلاق کنند طبع نامند و طبایع بیرون نباشند از نُه کیفیت چهار
ازان کیفیات اربعهٔ بسیطه که حرارت و برودت و یبوست و رطوبت باشد و چهار
دیگر که مرکب بکیفیات اربعه و یکی اعتدال فرضی اطباء و تبیین از طبع طا و از حرارت ح
و از برودت ب و از رطوبت ر و از یبوست ی و از معتدل مع منتقش
گردانیده و اطباء دوا را در کیفیت و اثر منحصر بچهار پایه قرار گرفته هر پایه را درجه خوانند
چه هر چه دوا در بدن شود و منفعل گردد از حرارت غریزی خالی ازان نیست که احداث
میکند در بدن کیفیتی زائد بر چیزیکه انسان راست یا نمی کند اگر احداث نمی کند
آنچیز را معتدل گویند و اگر احداث می کند محسوس میشود یا نمی شود اگر نمیشود
در درجه اول گویند و دانسته میشود تاثیرش از تکرار تناول یا اکثار مقدار و اگر
محسوس میشود بجائی میرسد که ضرر میکند یا نمی کند اگر نمی کند در درجه دوم گویند
و اگر میرسد بجد ضرر منجر بهلاک میشود یا نمیشود اگر نمیشود درجه سوم گویند
و اگر منجر بهلاک میشود در درجه چهارم گویند و آنرا دوای سمی نیز گویند و آن
غیر سم ست زیراکه قتل دوای سمی بکیفیت ست و قتل سم بصورت نوعیه اطلاق
سم بر وی بتشبیه ست او السم و الهلاک و الا در حقیقت دو ست و هر درجه را سه مرتبه
اعتبار کرده اند عالی و سافل و متوسط بینهما کلیه حکماست که گرم در تجاوز نمی کند
حرارت او از درجه اول از برای آنکه اگر حرارت زیاده شود بر این مقدار فانی میسازد
رطوبت را لیس از برای اینست که یافته نمیشود دوای گرم در درجه دوم و سوم الا

آنکه یابس باشد و هر چیز که گرم باشد در درجه چهارم پس او یابس
است در درجه چهارم بعینها و درجات را حساب هندسه که از یکی و از
دوم و از سوم و از چهارم ۴ در چیز تحریر آورده اکنون مجملی از ادویه قوم میسازد بطبع
و درجه و قوت و خاصیت و مراد از قوت و خاصیت یعنی افعال آن د ا
چنانکه سقمونیا مسهل صفراست و سنا مسهل سوداست و دارچینی مفتح و علی هذا القیاس
پس علامت ق اشارت از وست ادویه حاره یعنی گرم در درجه اول افسنتین
بابونه مر تخم کتان حمص ریا و حلزون بری شاهتره صبر لوف لادن گرم در
درجه دوم اصل الغرب اصل مازریون سپید و سیاه استاقس که نوعی از اکلیل الملک
ست بادرنج برنجاسف بلسان بزرالانجره و برگا و چند بید ستر بلسه وردی عصا
زیتون دبق راعی الابل زرنا و ند طویل و مدحرج زعفران شبت تر و خشک غراب
مستحکم عسل عصاره قثاء الحمار فراسیون قصب الذریره عنصل قشور شجرة الخضرا
و ورق او کما فیطوس کرفس کبریت کندر سیعه مصطکی ملح و تخم الکوا... گرم
در درجه سوم انیسون اسارون افتیمون پودینه جبلی جاوشیر برگ فنجنگشت
تر و برگ او تخم فنجنگشت حماما حاشا حرمل خرلقین سیر و بلنجه سداب شیح ارمنی
محرق سکبینج شیلم شب محرق شراب کهنه جمیع انواع شیر شعر محرق صوف محرق
قار فودنج نهری قشور قصب محرق قنه کرویا کرفس کوهی و بری کمادریوس
کاشم مر جوز مرزنجوش نانخواه نعناع وج ینبوب گرم در درجه چهارم انواع یتوع
اصل ثوم جمیع اشیاء محرق زبد البحر سداب بری فربیون قسط قطران کراث گرم
بارد یعنی سرد در درجه اول اصل السوس اقاقیا ناشسته برگ بنفشه بلوط برادة آبنوس
برگ قصب بسفایج ثمر علیق نیل بهمن رطب جاورس خشخاش دهن ورد لب
زجاج زنجفر سرق شجره بنق عجم الزبیب کثری ماسیثا نشاسته هندبا سرد در درجه دوم

اقاقیا مغسول اطراف زیتون بقلہ یمانیہ لبطیخ برگ ہلیون برگ زیتون قبطونیا
جمار خوخ خیار رصاص زیتون خام سماق شحم اترج طحلب عفص اخضر کدو
لسان الحمل مغز کلم ماش سرد در درجہ سوم بقلۃ الحمقا برسیاوشان جلنار حی العالم
کبیر وصغیر حماض اترج حب العلیق خام ورد روغن او خشخاش سیاہ عصی الراعی قطف
تفاح سرد در درجہ چہارم جمیع اشیاء مخدرہ مثل افیون وغیرہ شوکران لبن خشخاش
یابس یعنی خشک در درجہ اول آباغالس اصل النیل اصل السوس بابونہ
بادام شیرین پرسیاوشان بسفایج پوست وجوز ولب تخم خربوزہ تخم انجرہ
حب الغار حی العالم کبیر وصغیر خزانۃ الصخر دفلی رازیانہ روغن جوز زعفران
سعد سویق الشعیر صعتر صمغ جوز کندر کمثری ورق سوسن خشک در درجہ
دوم اصل المر اصل اللوف بیخ نیلوفر بسفایج بلسان ترب جندبیدستر تربۃ الخضر
وبرگ او راعی الابل زراوند زفت سنبل الطیب سنبل رومی شلیم شاہترج
شراب کہنہ شجرہ مصطلی شہدانج تخم الزبیب عسل قفر الیہود قصب الذریرہ
قشور کندر کرفس کہنہ قشور اترج کرنب لبن جاوشیر مرمکی مصطکی نسج العنکبوت
خشک در درجہ سوم اقاقیا انیسون اسارون افسنتین ایہل افیتمون اصل الماذریون
اطراف کرنب خشک اصل قنطافلن برگ وتخم فنجنکشت بلسان پوست جوز
سوختہ بورہ بلوط جلنار حاشا حماض اترج حب العلیق حلتیت حمص خربقین
خنثی محرق دارشیشعان دخن رباد قشور قصب رباد حلزون بہمی روغن ترب
زروفا سرطان محرق سلیخہ سرو سداب بستانی سماق سرکہ شیح ارمنی محرق شب محرق
شونیز شراب کہنہ شحم بلوط شعر محرق صبر صعتر صوف محرق غار فوتنج نہری فرا سیون
قاشرسین قنطوریون اسالیون فادانیا قیصوم کرویا کرفس بری کما دریوس کما فیطوس
قرصنہ بخور مشکطرامشیع نانخواہ نطرون بیخ ورق غار ینبوت خشک در درجہ چہارم

قوم جرول سداب بری قطران کرم کرات حفنه عیر لذع آذان الفار اصل السعد
اصل قنطافلن انزروت بیاض رقیق بیض برگ غرب وگل او وعصارہ
برگ او باقلا بیخ نیلوفر بسفایج توتیا تخم انجرہ ورق اوتر مس ثلج جاورس
جمیع اجزاء شجر سدر وجمیع انواع طین حب الصنوبر بردی عصارہ زیتون سوسن
قشور جوز محرق کثیرا الحیۃ الطیبس لسان الحمل تمر رطب یعنی تر در درجۂ اول برگ
بنفشہ حمص خصیۃ الثعلب خوخ روغن گل عصارہ سوسن قسطر کاہو لسان الثور
تر در درجہ دوم بقلہ یمانیہ بقلۃ الحمقا بطیخ سرق طحلب قسرع مشمش ادویہ ملینہ
مائل آقاقیا انزروت بزر قطونا بسپایدار بقلۃ الحمقا بقلہ یمانیہ برگ بنفشہ
خشک خشخاش دبق دلب دم الاخوین رصاص سرمق شوکران شجر جوز طحلب
قسطر قثا بستانی کدو کاہو لسان الحمل ماشیا مشمش ورق علیق میانہ در
گرمی وسردی اصل خنثی سپستان باقلا حمص حب صنوبر جزیرہ خصیۃ الثعلب
زیت عذبہ زیتون خسرس شمع شجر مصطکی طین طوس طین سابوس عدس
فاوانیا عصارہ سوسن ناشر قشور اشج مرزنجوش لیمون میانہ در تری وخشکی اصل
جوز ضماد خصیۃ الثعلب زیت عذبہ مخدرات یعنی ادویہ کہ بخوابانند حس و حرکت را
افیون اسبند اصل اللفاح اذان الفار اصل الذرت بیخ مولد جنگلی بیخ تخم و برگ تنباکو
جوز ماثل سراج القطرب شیلنی شوکران قنب کا تخم کندر لبن الخیل اونگ جنگلی سرج الغم
مسہلات صفرا اجاص افتیمون بنفشہ خشک تمر ہندی ترنجبین خیار شنبر
سقمونیا شاہترہ شیر خشت شیرم صبر گلسرخ لبلاب بارزیون ہلیلہ زرد مسہلات
بلغم بسفایج تربد حب النیل جدول فرفیون شحم حنظل غاریقون قنطوریون قثاء الحمار
ماہی زہرج ماہودانہ مسہلات سودا افتیمون آملہ اسطوخودوس بالنگو
بسفایج حجر لاجورد سنا غاریقون کشوث ہلیلہ کابلی مقیات یعنی دوائیں قے آوردہ

آب کدوی تلخ پوست وتخم خربزه بوره تخم ترب وبرگ آن تخم شبت تخم حرحیر
تخم بادزیون خربق سکنجبین کنگر زرد کندش لوبیاء سرخ موتیرج ماء العسل نمک هندی
مفتحات یعنی ادویه که سده بکشاید اذخر انیسون افسنتین اسطوخودوس افتیمون
ایرسا ترمس جنطیانا حماما حاشا حرمل دارچینی رازیانه زیره زعفران زراوند شاهتره
صعتر غاریقون فاوانیا فراسیون فنطوریون قردمانا کرفس کبابه کرسنه کشوث
مرزنجوش نانخواه بلیون **ملطفات** ادویه که تلطیف وتقطیع اخلاط غلیظه کند
ابهل اسقیل اسطوخودوس اقحوان انجره اذخر ایرسا بوره بابونه بورق بنفشه بید ستر جعده
حاماض حب البان حرف حاشا حرمل خردل دارچینی زرنباد خسک زراوند سکبینج سداب
سیر سرکه صعتر عاقرقرحا فنجنکشت قرطم قردمانا کمادریوس سنکطر اشیح نمام نانخواه
وج **مدرات** ادویه که ادرار بول وحیض وعرق کند ابهل اقحوان انیسون انجدان
برنجاسف بابونه برسیاوشان ترمس تخم گزر جند بیدستر جعده سعد سداب زرنباد
خسک رازیانه دارچینی حبة الخضراء جاوشیر جنطیانا سلیخه شونیز عروق عود فاوانیا
فراسیون قردمانا قنطوریون قسط کبابه کرفس کمادریوس سعد مرزنجوش سنکطر اشیح
نانخواه نمام **مفتتات** ادویه که سنگ بریزاند اسارون برنجاسف برسیاوشان
بادام تلخ تخم خربزه خسک حجر الیهود رازیانه سعد سکبینج صمغ آلو نخود سیاه **قابضات**
ادویه که طبیعت راببندد اذخر امرود برنج بلوط بسد باقلا بیخ بارتنگ تخم شاهسفرم
تخم گل سرخ ومر الاخوین زعرور سماق طباشیر طین مختوم عدس کهربا کندر کزمازک گلنار
مصطکی سعور ونار دین نشاسته نبق نخود ورق زر **محللات** ادویه که غلظ وصلابت
تحلیل بدهد اکلیل الملک اشق اسقیل اذخر اسارون اقحوان برسیاوشان بابونه
برنجاسف باقلا بورق ترمس جعده جاوشیر حاشا خرزهره خطمی خروع روباه ترنگ
زرفت زراوند سوسن صمغ بطم غاریقون قنه کمادریوس کماه کبر گلادن نمام مرزنجوش

صابون ع معروف
عاقرقرحا عقیق معروف معروف
عنبر ک معروف
کما فوذ ریوس کاذی
کلکر قنذه کبابه قینج
کوکب
کاسنی کمون بابلی
کمافیطوس کامخ

مختار عبارت از اجناس هر دواست که همواره در هر آن مستعمل اطباست و مراد از تعیین مقدار خوردن هر دواست و استعمال آن و آن موقوفست بدانستن وزن اوزان چند مشهور مثلاً مطابق رسالهٔ اوزان میر محمد مؤمن استرآبادی مثلاً حبه یکجو میانه فتسو دو جو میانه قیراط چهار جو گهونگچی که بفارسی سرخ و بهندی رتی گویند یکجو میانه که عبارتست از هشت برنج باشد ماشه هشت سرخ توله دوازده ماشه ٹانک چهار ماشه وانگ و دانق چهار سرخ و سدس سرخ درهم و درم سه ماشه و یک سرخ مثقال چهار ماشه و سه و نیم سرخ استار و سیر شاهی یک نیم توله و دو ماشه اوقیه و وقیه هفت و نیم مثقال رطل بغدادی نوزده سیر شاهی من طبی چهل استارست مصلح داروئیکه ضرر دوای دیگر باز دارد بدل آنکه هرگاه در نسخه دوائی باشد که بهم نرسد دوای دیگر قائم مقام آن سیدانند و قول کلی در بدل آنست که اگر دوای یافته نشود بدل ثمر او بوزن آن بیخ وی بود و بدل رق و وانگ وزن آن تخم او باشد پس از مختار خ و از شربت ش و از مصلح ص و از بدل ل ثبت نموده نتیجه در ذکر الفاظ ادویه بدانکه اسامی ادویه اثبت بعلامت ترقیم که از ان حرف نخستین مراد است و تنسیق کاشارت بحرف ثانی که متصل نخستین است و تمنیق که ایما از حرف اخیر کلمه است مرتسم گردانیده عبارت کثیر را باشارات قلیل مضمون گشته مسافت دور و دراز بر جویندگان و سالکان این راه کوتاه ساخت ترقیم الهمزه تنسیق الالف وتمنیق السین المهمله آآ غیس دمشقی و مصری و بربری بفتح همزه اول و ثانی و سکون راء مهمله و کسر غین معجمه و سکون تحتانی و سین مهمله یا معجمه ف بیخ درخت زرشک طح ای ۲ تمنیق اللام آطریلال یونانی بفتح همزه اول و ثانی و کسر طاء مهمله و راء مهمله و سکون تحتانی و لام و الف و لام ثانی و بقول علامه قطب الدین شیرازی

بر وزن افعیلال و در نسخه دیگر بوزن فاعیلال م انزا در مصر جز التسبالین
و در شام رجل الغراب گویند ف تخم خلال خلیل گویند ه کاکنگی و شتی بین
طح ۱ ــ ۲ خ تخم وی تمنیق النون آلسپن بوزن فاعلن ف سپند سوختنی
تمنیق الباء الموحده و تمنیق الالف ابرکاکیا بفتح همزه و باء موحده
و سکون راء مهمله و کاف و الف و کسر کاف ثانی و تحتانی و الف ثانی و بعضی در
اخیر موحده نیز می آرند ع نسج العنکبوت و بشیرازی کرتینه گویند ف کمه و تنیده
عنکبوت ه مکڑی کا جالا ط ی ۱۱ ابن الماء ع ف مرغابی ابوخلسا بفتح اول
و ضم موحده و سکون واو و فتح خاء معجمه و سکون لام و سین مهمله و الف ف
شنگار و بهوچه ط ح ی ۲ خ سیاه بسیار ورق سطبر پیخ ش تا دو درم مضر
دماغ صداع آورد مصلح آن روغن بنفشه تمنیق الفوقانی آلبست بمد اول و فتح ثانی
و سکون سین مهمله و فوقانی ف گوشت ترنج و چه پالنک ه بجوری کا گودا
ط ح دانح گوشت پالنک دانه که آنرا بالنو خوانند اکثر مصریان مرکب گویند
تمنیق الجیم آلبوج ف بمد و فتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو و جیم
م قند تمنیق الدال المهمله آبرود ف بمد همزه و سکون ثانی و ضم راء مهمله
سکون واو و دال مهمله م سنبل ه جهرو گویند نیلوفر تمنیق الراء المهمله آبار
ع بمد اول و ثانی و الف و راء مهمله ف سرب سوخته ه بنگ بفتح موحده و خفاء
نون و سکون کاف فارسی ط ب ی ۲ ل اثمد ابرار بفتح اول و سکون ثانی و راء
مهمله و الف و راء مهمله ثانی م حی العالم ابقر بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف
ف شوره ه باجی ط ح ی ۳ ش نیمدرم ص کثیرا و عسل ل ملح اندرانی ابن
طابع ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون باطاء مهمله و الف و ها و راء مهمله ف
کلیک تمنیق السین المهمله ابن عرس ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون

سنبل و نصف وزن او پوست اترج تمنیق النون آبرون بمد اول و بلی مد نیز
و سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون واو و نون ع حی العالم آبکون بمد اول و سکون
ثانی و ضم کاف فارسی و سکون واو و نون هم نشاسته گیهون کاهیر تمنیق الواو
آبوف بمد اول و ضم ثانی و سکون واو هم گل نیلوفر تمنیق الهاء ابرار القطع
بفتح اول و سکون ثانی و راء مهمله والف و ضم راء مهمله ثانی و سکون لام و ضم قاف
و طاء مهمله مشدد و خفاء هاء هم تخم حی العالم ابره ف بضم اول و سکون ثانی و فتح
راء مهمله و اظهار هاء ع خیار ی و ترکی تو غذ رے ابرهمیع بکسر اول و سکون ثانی و
کسر راء مهمله و فتحها و سکون تحتانی و کسر میم و فتح تحتانی ثانی و ها و الف همیه نیز گویند
ف هیست مانند زیره باج طمع آبکامه ف ترشی نان ست که آب در آفتاب
نگاهدارنده کانجی آآبگینه ع بمد اول و سکون ثانی و کسر کاف فارسی و سکون تحتانی
و فتح نون و هاء مخفی ف شیشه کانچ ابن حبه ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون
و فتح حاء مهمله و موحده مشدده و هاف نان تمنیق التحتانی ابن اوی ع بکسر همزه و
سکون ثانی و کسر نون و همزه والف و واو والف مقصوره ف شغال آبی
ف بمد اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ع سفرجل ه بهی و نام نوعی از انگور طبیعت
آن معح ب دلش اب ی تا وسی درم هم عسل و الیسون تمنیق الموحده
فارسی و تمنیق اللام ف ابل بفتح اول و موحده فارسی و سکون لام ع
طراثیث طب حی س ق قابض و مقوی کبد و معده ص در باب به شکر ش
تا ده درم ل ثلث وزن آن عفص و دو ثلث آن قرظ و نصف وزن آن قشر
بیض محرق خ تیز بو تمنیق النون الیسان ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی
یاسین مهمله و الف و نون هم سنگ فشان ع تمیس آپیون بفتح اول و سکون
ثانی فارسی و ضم تحتانی و سکون واو و نون هم افیون طب ۴ و گویند ۳

گل مفتح ورقابض مسدد ومنوم ومحلل مسکن او وجاع ص جندبیدستر و زعفران و دارچینی
وفرفیون وجدوار و زنجبیل و فلفل سیاه بق از یکعدس تا چهار قیراط و زیاده از یک دانگ
ممنوع ل ۳ وزن او بزرالبنج و بوزن آن تخم لفاح یا پوست بیخ آن یا بوزن آن
تودری سفید گفته اند تنسیق التاء الفوقانی و تمنیق الجیم اترج ع بضم اول
وسکون فوقانی وضم راء مهمله وسکون جیم ف ترنج ۵ بجوراط پوست زرد او
ح ی ۲ و گوشت سفید را ترشی ب ی ۲ و تخم ح رق مفرح و مقوی ل سوداء و
ملطف و مدرخ بزرگ زرد نش از تخم او دو مثقال جهة گزیدگی عقرب بآب گرم
و گویند نیم مثقال ص شراب خشخاش ل آب لیمو تمنیق الراء المهمله اثرار بفتح
اول وسکون ثانی ثاء مثلثه و راء مهمله والف و راء مهمله ثانی ف زرشک ۵ زرک
طب ی خ شقاف آتش خوار بفتح اول و فتح ثانی وسکون شین معجمه وضم خاء معجمه
با واو معدوله والف م آتشخواره تمنیق السین المهمله اثناسیس بفتح اول و
سکون ثانی و نون والف و کسر سیم وسکون تحتانی و سین مهمله ف بابونه بری
انیس ۵ بفتح اول و کسر ثانی وسکون تحتانی و سین مهمله طح ۳ ی اق مقوی باه
و باهضم تمنیق النون اثان ع بفتح اول و ثانی والف و نون ف ماده خر ۵ گدهی
تمنیق الهاء آتش خواره ف بفتح اول مرغیکه اکثر آتش خورد تنسیق الثاء المثلثه
و تمنیق الدال المهمله اثمد بکسر اول وسکون مثلثه و کسر میم وسکون دال مهمله ف
سنگ سرمه ۵ انجن طب ای ۲ ق مجفف و حابس م رخ براق ریزنده ش نیم درم
ص شکر و کتیرا ل آب ار تمنیق القاف اثلق بفتح اول وسکون ثانی و فتح لام وسکون
قاف ف تخم پنجنکشت ۵ سنبهالو کی بیج طح ی ۳ تمنیق اللام اثل ع بفتح
اول وسکون ثانی و لام ف گز ۵ جهاو تنسیق الجیم و تمنیق اللالف اجل کیا
بفتح اول جیم وسکون لام و کسر کاف فارسی و تحتانی والف ف بشین ۵ لس و سیمیا

تمیق الجیم اج ف بضم اول و سکون جیم م کد و تمیق الدال المهمله
اجموده بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون واو و دال مهمله ع بزر الکرفس
طح ی ۲ ق مفتح محلل ص انیسون ش از یک درم تا سه درم تمیق الراء
المهمله آجر ع بمد اول و ضم ثانی و سکون راء مهمله ف خشت پخته ہ اینٹ
طح ی ۳ ق مجفف خ غیر مستعمل ش از روغن او یک مثقال ص روغن بنفشه ل
غرف تمیق الصاد المهمله اجاص ع بکسر اول و فتح ثانی مشدد و الف و صاد
مهمله ف آلوہ آڑو طب د ۲ ق ملین و مسهل صفرا خ رسیده بزرگ شیرین ش
پانزده دانه ص گلنگبین یا عسل یا عناب ل آلو هندی تمیق النون اجاین ہ بفتح
اول و سکون ثانی و واو و الف و کسر تحتانی و سکون نون ف نانخواه ہ طح ی
۳ ق مجفف محلل ریاح ملین ص کشنیز و ترمس ش تا سه درم ل شونیز تمیق الهاء
اجهوره ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ها و راء مهمله و خفاء ها ہ چچیڑہ و تمیق التحتانی
اجوائن خراسانی ہ ع بزر البنج تنسیق الحاء المهمله و تمیق الالف احلب
دباره می بکسر اول و سکون حاء مهمله و فتح لام و سکون موحده و کسر دال مهمله و تحتانی
والف م شبرم تمیق الضاد المعجمه احریض ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و سکون
تحتانی و ضاد معجمه ف درخت کاجره ہ بیج کسنبه و گویند اقحوان
است طح ای ۲ تمیق التحتانی احداق المرضی ع بکسر اول و سکون ثانی و دال مهمله
والف و ضم قاف و سکون لام و فتح میم و راء مهمله و ضاد معجمه و الف مقصوره ف بابونه
کا طح متن ی ۲ تنسیق الخاء المعجمه و تمیق التاء الفوقانی اخروٹ ہ بفتح اول
و سکون خاء معجمه و ضم راء مهمله و سکون واو و فوقانی هندی ع جوز ف چارمغز و گردگان
تمیق الراء المهمله اخلساء البقر ع بفتح اول و کسر ثانی یا سین مهمله مشدد و الف و ضم
همزه و سکون لام و فتح موحده و قاف و سکون راء مهمله ف سرگین گاؤ ہ گوبر

محلل ورام اخکر ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون را مہملہ
انگشت افروختہ ہ انگارا تمنیق السین المہملہ اخینوس بفتح اول و کسر ثانی و
سکون ثانی و ضم نون و سکون واو و سین مہملہ ف خرونبہ نبطی ہ الکیبج نباتی ست
سیاہ پوست کہ مثل کنول در تالابہا و آبہار وید تمنیق الطاء المہملہ اخریطیر بفتح
اول و سکون ثانی و کسر را مہملہ و سکون تحتانی و طا مہملہ م فرابیون ف گندنا
بری ہ بن کا گندنا تمنیق اللام اخیل ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و
سکون لام م بوقلمون ست و آن مرغیست کہ عرب آنرا شوم میگیرند و بزبان
اہل گیلان دادہ کو گویند تمنیق المیم اخرم ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح را
معجمہ و سکون میم ف مازریون تمنیق النون اخیون یونانی بفتح اول و سکون ثانی
و ضم تحتانی و سکون واو و نون نباتی ست ع راس الافعی تمنیق الہاء اخبروسہ
بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحدہ و ضم را مہملہ و سکون واو و فتح سین مہملہ و خفا ہا م
دوسرف گندم دشتی ہ بن گیہون تمنیق الدال المہملہ و تمنیق اللام ادادا
بمد اول و ثانی و فتح دال مہملہ و الف ف زنجبیل تہم ادرک ق ملین ادادا
بفتح اول و دو دال مہملہ و دو الف ف درخت کردانطہ ح ی ہ آدنجان ف بفتح (لفظ یونانی ۱۲)
اول و سکون ثانی و کسر با جیم و الف م اجہرہ چیچڑہ تمنیق الکاف ادرک بکسر اول
و سکون ثانی و فتح نیز و کسر را مہملہ و سکون کاف ف آلوچہ و بفتح اول و را مہملہ
زنجبیل تر تمنیق النون ادمن ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون نون
ہم مشک خالص ع اذفر تمنیق الہاء ادہیارہ بمد اول و کسر ثانی و اظہار ہا و
سکون تحتانی با جیم و الف و فتح را مہملہ و خفا ہا ف خار و اثر گون ہ چرچیرا
تمنیق الیاء التحتانی اذراسقی بفتح اول و ثانی و الف و را مہملہ و الف ثانی
و کسر قاف و سکون تحتانی ف فلوس ماہی ہ کچلا ط ح ی ہ ق محمد حسن قی کردن (لفظ یونانی ۱۲)

گندم ... گویند منفعت وسے آنست کہ چون بآب اکل بردار القولنج طلا کنند بغایت نافع بود مجرب ست طبیعت او گرم و خشک

بتشیر تازه و در روغن بادام ادوی ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر او وتحتانی
مجهول تبرکی اکبر گویند ع وج ہ بج تنسیق الذال المعجمه وتمنیق الباء الموحده
اذان الارنب بمد اول وذال معجمه والف وضم نون وسکون لام وفتح همزه وسکون
را مهمله وفتح نون ثانی وسکون موحده هم نوعی از لسان الحمل و ورق آن بهین تر
از آذان الجدی ست ف ورق بارتنگ اذان الدب ع بضم دال مهمله مشدد
وسکون موحده هم بوصیر ف گوش خرس تمنیق الذال المهمله اذن العبد ع بضم ال
وسکون لام وفتح عین مهمله وسکون موحده ودال مهمله هم نوعی از عصی الراعی تمنیق
الواو المهمله اذان الفار ع بسکون لام با فا و الف و را مهمله هم مرزنگوش و
مرزنجوش که چوهه کنی طح اذخر ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر خا معجمه وسکون ذ مهمله
ف کور گیاه و گیاه مکی که کند بیل م گنده راج و راج هنس و رو هنس طح ی ۲
ق مفتح ملطف قابض محلل مقوی معده خ باریک سخت خوشبو ش بیدر م تا مثقال
ص بگلاب شستن و صندل بوئیدن ل بیخ او یا قصب الذریره یا بوزن او سنبل و
ثمن وزن زعفران تمنیق السین المهمله اذان القسیس ع بسکون لام وفتح قاف
وکسر سین مهمله وسکون تحتانی و سین مهمله ثانی هم نوعی از حی العالم اذریاس بمد و
ضم ثانی وسکون را مهمله و یا تحتانی والف و سین مهمله ف صمغ سداب کوهی
تمنیق اللام اذان الغزال بسکون لام وکسر غین معجمه و زا معجمه والف ولام ثانی
هم نوعی از لسان الحمل اذان الفیل ع بکسر فا و سکون تحتانی و لام ف پیلگوش
ولوف و گویند ریحان وادی مرزنگوش و اذان الفاجمین ست صمغ العناب
گویند که برگ درخت ساگون اذناب الخیل ع بفتح اول وسکون ثانی و نون
والف وضم موحده وسکون لام وفتح خا معجمه وسکون تحتانی ولام ثانی ع لحیة التیس
فا سلیح ہ درخت سس یا درخت بط تمنیق النون اذاراقیون بمد اول ثانی و

الف و رای مهمله و فتح همزه و سکون فا و ضم تحتانی و سکون واو و نون ف نوعی از کفشیر باشد تمنیق النون
آذرگون و آذریون و آذرسون نیز گویند بمد اول و ضم ثانی و سکون رای مهمله و
ضم کاف فارسی و سکون واو و نون نوعی از شقائق که کنارهای آن بغایت
سرخ رنگ شود و میانه اش سیاه آذریون بمد اول مع فتح ثانی و سکون رای مهمله
و ضم تحتانی و سکون واو و نون و آذریون نیز گویند ف نوعی از لاله کوهی و بعضی گویند
نوعی از اقحوان است طح ی ۲ ق محلل خ بری ش بخور ص ع سل بل ع بیاض
ل بازرد یا بهار تمنیق الواو آذربوی بمد اول و ضم ثانی و سکون رای مهمله و ضم موحده
و سکون واو هم گل اشنان و آن زرد میشود و بوته اش پرخار میباشد و بیخ آن
کلیم شوی است ف فلارا آذریو بمد اول و ضم ثانی و سکون رای مهمله و ضم تحتانی
و سکون واو همی است فارسی معرب بوکه او را با آتش نسبت کرده اند ف گل زرد
که با آفتاب میگردد و گویند چوبک اشنان طح ی ۳ ش تا یکدرم ل تخم اترج و
نیمو زن او باد آورد تمنیق الهاء آذربویه ف بمد اول و ضم ثانی و سکون رای
مهمله و ضم موحده و سکون واو و فتح تحتانی و خفای ها ۸ آذریو تمنیق التحتانی
اذان الجدی ع بسکون لام و فتح جیم و سکون دال مهمله و تحتانی مجهول هم لسان الحمل
ف ورق بارتنگ تمنیق الراء المهمله و تمنیق الالف ارقوا بفتح
اول و رای مهمله و ضم قاف و واو و الف ف سهک گندم ۵ کهیلا ارسطاریون
بفتح اول و کسر ثانی و سکون سین مهمله و طای مهمله و الف ف بنگ ارطاماسیا
و فتح اول و سکون رای مهمله و طای مهمله و الف و میم و الف ثانی و کسر سین مهمله
و تحتانی و الف ثالث و ارطیمسیا بکسر طای مهمله و سکون تحتانی ثانی نیز گویند ف
برنجاسپ و بوی مادران طح ی ۲ ارسطلوخیا بفتح اول و کسر گویند
و سکون سین مهمله و فتح طای مهمله و ضم لام و سکون واو و کسر خای معجمه یا تحتانی و

٢٣

نون وفتح تحتانی وکسر موحده وسکون زا فارسی م لبلاب ع طرخون ۵ محیط التنفیق
السین ارس ف بضم اول وسکون ثانی وسین مهمله درختی ست که در طرف
چین وزیر باد بهم رسد وازان کافور چیده اند حاصل شود ونیز سرو کوهی تنفیق
الطاء المهمله ارقطع بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون طار
مهمله ف پلنگ ارباط یونانی بفتح اول وسکون ثانی ومیم والف وطار مهمله
۵ گل کیوره تنفیق الغین المعجمه ارغ ف بضم اول وسکون ثانی وغین معجمه
بادام وپسته وگردگان وفندق ونارگیل وامثال آن که اندرون آن تیز و
تلخ وبدبوی شده باشد تنفیق الکاف اراک ع بفتح اول وثانی والف وکاف
۵ درخت پیلو طح ٣ ی اق مفتح خ تیز بوش از ثمرا و یکمثقال ارباک بفتح
اول وسکون ثانی وفتح میم والف م درخت کیوره طح ٣ ی ا تنفیق اللام
ارمال رومی بفتح اول وسکون ثانی ومیم والف ولام م چوبی ست خوشبو
چون قرنفل ازمین خیزد وگویند ارماک طح ٣ ی ا خ بو لیش بوی قرنفه ماند
ل چوب کاوی یا لادن تنفیق المیم ادم رومی بفتح اول وسکون ثانی
وفتح دال مهمله وسکون میم ف کل م ماذریون ارقم ع بفتح اول وسکون
ثانی وفتح قاف وسکون میم ف مار ابلق سپید وسیاه تنفیق النون ازبیان
ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر موحده وتحتانی والف ونون ف تلخ دریا
۵ جبینکا ط نمکسود او ح ی خ تازه ص روغن بادام تلخ ل ربیتا ارجان
بفتح اول وسکون ثانی وجیم والف ونون ف بادام کوهی ۵ جنگلی بادام
ارجوان ع بضم اول وسکون ثانی وضم جیم وواو والف ونون بهار درختی
ف ارغوان طب ی ارو شیران بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله
کسر شین معجمه وتحتانی مجهول وراء مهمله والف ونون ف نوعی از سیر تلخ ف

ارزن بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وسکون نون نام علتیست ع
دخن ه چینه وبنرافارسی م درخت بادام تلخ کوهی ارسانیقون یونانی بفتح
اول وسکون ثانی وسین مهمله والف وکسر نون وسکون تحتانی وضم قاف
وسکون نون نون ثانی ف زرنیخ زرده هر تال ارسقیلون بفتح اول و
سکون ثانی وفتح سین مهمله وکسر قاف وسکون تحتانی وضم لام وسکون واو
ونون م ارسانیقون ارقان بفتح اول وسکون ثانی وقاف والف ونون
ف حناء هندی اریانیقون بفتح اول وسکون ثانی ومیم والف وکسر نون
وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو ونون ثانی ع بزر البنج ارسنیون ومی
ست بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وکسر نون وسکون تحتانی ونون
ثانی م فلفل ف انار دشتی ه جنگلی انار ارسیان بفتح اول وسکون ثانی
وکسر میم ویا تحتانی والف ف نوشادر تمنیق الواو اربوف بفتح اول
وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو م امرود ار دشیر ار وبفتح اول و
سکون ثانی وفتح دال مهمله وکسر شین معجمه وتحتانی وسکون راء مهمله والف
باد ال مهمله ثانی والف وراء مهمله وواو ف نوعی از مرو تلخ تمنیق الهاء ارا
رومی بفتح اول وثانی وهام مصطکی ارجتبینه بفتح اول وسکون ثانی وکسر
جیم وسکون تحتانی وکسر قاف وفتح نون وهاء خفیه نجار معجمه وفانیز گویند
ف زریره ه اسپرک ارزه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وخفاء ها
م زفت وآن چیزیست شبیه بقطران که از درخت صنوبر تازه حاصل شود و
صنوبر نده آن ست که بر ند بها ر دانه ف بفتح اول وسکون ثانی وواو
والف وفتح نون وخفاء ها م نوعی از شیر تمنیق التحتانی ارفنانی یونانی
بکسر اول وفتح ثانی وسکون دال وفتح فا ونون والف وکسر نون ثانی و

وسکون تحتانی ع قثاء الحمار رطبی رومی بفتح اول وسکون ثانی وکسر طاء مهمله
وسکون تحتانی ف درخت دوزک هم سپیدار غاموی بفتح اول
وسکون ثانی وغین معجمه والف وضم میم وسکون واو وکسر نون وسکون
تحتانی نباتی ست در شکل مانند خشخاش بری وبلون مانند شقایق النعمان
چنانچه فرقی در میان این وشقایق نتوان کردهم ماميثای سرخ طبری
ارنب بحری ع حیوانی ست دریائی صدفی شکل واز سمومات ست ه سمندر کا
سسا ارنب بری ع بفتح اول وسکون را وفتح نون وسکون موحده وفتح
موحده ثانی وکسر راء مهمله مشدده وسکون تحتانی ف خرگوش ه استناط
ح ۲۱ ق مجفف خ سیاه بیابانی فربه که سگ صید کرده باشد ش بقدر
اعتدال ص روغن زردل ثعلب تلنسیق الزاء المعجمه آزاد درخت ف
بمد اول وزاء معجمه والف ودال مهمله وفتح دال مهمله ثانی وراء مهمله وسکون خاء معجمه
وفوقانی ع درخت طاغک ه بیت طح ی ۲ گویند ح ۲ ای ال در درازکن و
سوورق شهدانه تمنیق الجیم الفارسی ازیچ بفتح اول وسکون ثانی وکسر غین
معجمه وسکون جیم فارسی ف پاره ایست بر سر درختیکه پیچد خشک سازد ع
عشقه تمنیق الدال المهمله ازاد ف بمد اول وثانی والف ودال مهمله
درسرو وگویند سوسن سفید وگویند درختی ست که میوه ندهد همانا سرو وسوسن ا
بدان اعتبار آزاد خوانند وگویند درختی ست بلند قد که بیشتر در گیلان شود
بلندیش شصت گز و هفتاد گز رسد وشاخهایش مانند درخت صنوبر وبالا
وتنه اش راست وهموار و چوبش تا بالا بر یک منوال ست وصفا وجوهر او
لیکن از چوب سر چوب چنار ریزه تر باشد وگویند نوعی از ماهی ست در گیلان هم
وگویند درختی ست که چون بهائم برگ وچوب او بخورند بمیرند وگویند درخت

ولکسر رای مهمله وسکون نون وجیم گیاهی ست ع لحیة التیس طب ی ف
حابس ودمل سرنج ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر رای مهمله وسکون نون
ف سرنج وشنگرف راولی ه سندور وسیندور طب ای ۲ ق مجفف خ
بسیار سرخ ص اسفیدباجات ل اسفیداج یا مرداسنگ اسفانج بکسر اول وسکون
ثانی وفتح لام وسکون نون وجیم ع لحیة التیس اسفنج ع بکسر اول وسکون ثانی
وفتح فا وسکون نون وجیم ف ابر مرده وابرکین وگویند حیوان دریائی ست
بدان سبب که چون سست بر روی خود را درکشد وقتیکه بسیر در آب وچهار ریسمال
اندازه سوا باول طح ای ۲ ق مجفف مجلی خ تازه ش یکدرم ص رب [illegible]
بافانیذ ل قرطاس سوخته اسفیداج ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر فا وتحتانی
مجهول ودال مهمله والف وجیم ف سپیداب از سرب ه [illegible] طب ی
گویند ۳ ق مجفف مسکن ومحلل خ پاک سفید خوشبو ص اسفیده رصاص قند
وصمغ عربی ونشوربای حرب ل خبث الرصاص با مرداسنگ تنبیق الخا المعجمه
اسفاناخ ع بکسر اول وسکون ثانی وفا والف ونون والف ثانی وخای معجمه
ف اسپاناخ ه ساگ پالک طب ادی ۲ گویند صح ب ق ملین ش بقدر
حاجت ص فلفل ودارچینی وآبکامه ل کدو یا بقله یمانیه اسود سالخ ع بفتح اول
وسکون ثانی وفتح واو ودال مهمله سین مهمله والف وکسر لام وسکون خای معجمه
ف مار سیاه ه کالاناگ تنبیق الدال المهمله استخوان بند ف بضم اول وسکون
ثانی وضم فوقانی وخای معجمه وواو معدوله والف وسکون نون وفتح رای مهمله وسکون
نون ثانی ودال مهمله ع جای استهول کننده بکسر اول وسکون ثانی وضم فوقانی
والظهار با وسکون واو ولام وفتح کاف وخفا نون وسکون دال ایضا ه کرانم کند
اسع بفتح اول وثانی ف شیره بالکه اسفرود ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح فا

وضم راء مهمله و واو مجهول مرغی ست کوچک مانند گنجشک و بر سران چند پر بلند باشد
مثل شاخ ع قطاه اسفندا سفید هم خردل سفید ف تخم سپندان ه اسبند
طح بی ۳ ق مخدر تمنیق الراء المهمله استار ف بکسر اول وسکون ثانی
وفتح فوقانی وراء مهمله والف وراء مهمله ثانی ع عدس اسغر ف بضم اول وسکون
ثانی وضم غین معجمه هم خارپشت ه شاهی استقنقور ع بکسر اول وسکون ثانی و
فتح قاف وسکون نون وضم قاف ثانی وسکون واو وراء مهمله هم سقنقور ف
ریگ ماهی و نهنگ و شتی ه ریت مچهلی اسمار ف بمد اول و فتح میم وسکون ثانی
ومیم والف وراء مهمله هم درخت مورد آسمندر ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح
میم وسکون نون وفتح دال مهمله سمندر ه آگ کا کیرا اسیر ع بضم اول وکسر ثانی
وسکون تحتانی ف کاهش ه گاندل طب | تمنیق السین المهمله
اس ع بمد اول وسکون سین مهمله ف نام درخت مورد که آنرا اسمار گویند و نیز
آنرا حب الآس گویند و شگوفه آن خوشبو شود و هر کس که آنرا ببوید و خواب کند
محتلم گردد اسبوس ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحده فارسی وضم تحتانی و
سکون واو ع بزر قطونا م بنگوه اسبغول اسطلس یونانی بکسر اول وسکون ثانی
وفتح فوقانی وسکون طاء مهمله وفتح لام هم فقر الیهود چیزیست چون مومیائی
اسطر ماطوس یونانی بضم اول وسکون ثانی وفتح طاء مهمله وسکون راء مهمله ومیم و
الف وضم طاء مهمله ثانی وسکون واو ف اسپند اسطوخودوس رومی بضم اول
وسکون ثانی وضم طاء مهمله وسکون واو وضم خاء معجمه وسکون واو ثانی وضم دال
مهمله وسکون واو ثالث از جزیره سخاوس خیزد و موافق الارواح نیز گویند
م شاهسفرم رومی ه دهار و گویند سندهی طح ای ۲ ق ملطف منضج مسهل
سودا و مقوی و مفرح دل خ تازه سرخ مایل بسبزی تلخ خریف مش ازجرم او

و و درم تا ثلثه درم و در مطبوخ تا هفت درم ص صمغ عربی یا کتیرا و گویند حماما یا بزرد
یا سکنجبین و گویند مقل ل فراسیون یا مرو یا افیتمون نصف وزن و نیم وزن با تخم
اسفیوس بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله یا معجمه
ع بزرقطونا ف بنگوه اسبغول اسقاقس بکسر اول و سکون ثانی و قاف و الف
و کسر قاف ثانی و سین مهمله م نوعی از اکلیل الملک طح ی ۲ اسقوریدوس یونانی
بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون واو و کسر را مهمله و سکون تحتانی و ضم دال
مهمله و سکون واو ثانی ف پنیرمایه اسقولوس یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف
و سکون واو و ضم لام و سکون واو ثانی بیخی ست م خنثی ف گیاه سریشم ه سریشا
کا کهانس ح ی اسیوس بضم اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله
ثانی سنگی ست سبک که زود ریزان شود و از نم دریا نمک بر وی بندد و آنرا زهره آسیوس
خوانند ف نمک چینی ه چین کالون طح ی تمیق الضاد المعجمه اسد الارض ع بفتح
اول و ثانی و ضم دال مهمله و سکون لام و فتح همزه ثانی و سکون را مهمله و ضاد معجمه ایضا
ع حرباف بوقلمون ه گرگٹ و باصطلاح کیمیاگران سیماب تمیق الکاف اسپرک
ه بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده فارسی و را مهمله و سکون کاف ع اکلیل الملک
و زرد ریا استخوان رنگ ف بضم اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و خا معجمه با واو سیوم
والف و سکون نون و فتح را مهمله و نون ثانی و کاف م همامی تمیق الکاف الفارسی
استرنگ بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و را مهمله و سکون نون ع بیروج ف
مردم گیاه ه لکهمنا لکهمنی تمیق اللام اسپغول ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح موحده
فارسی و ضم خا معجمه و سکون واو و لام م بنجال مرغان اسقیل ع بکسر اول و سکون
ثانی و کسر قاف و سکون تحتانی و لام ف پیاز دشتی ه کانده طح ی ۲ گویند
ق مقطع محلل ملطف مفتح منضج مشهی لش یکمثقال ص حماما یا شیر تازه که در عقیش

۳۱

بیزند بجوشانند و یکدو ساعت بعد از ان صافی کنند سکنجبین و در چشم چکانند سفیدی را که در چشم بود نافع آید و این مجرب ست

انیسون

بنوشنه ل بلیوس یا اسقوردیون یا لوف یا قرومانا یا وج یا بیخ کبر تمنیق المسیح
اسپرغم و اسپرهم ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحده فارسی وسکون رای مهمله
وفتح غین معجمه و اسپرم ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحده فارسی وسکون رای مهمله
ومیم ساکن گلهای ریاحین یا اسفرم بکسر اول وسکون ثانی وکسر فا وفتح رای مهمله وسکون
میم ف سورنجان تمنیق النون اسارون ع بفتح اول وثانی والف وضم رای مهمله وسکون
واو ونون بیخ گیاهی ست ه تگر طح ی ۲ ق ملطف مفتح محلل منفتح خوشبو شود ستطبیان
باریکی وسطبری بش نیم درم تا سه مثقال ص موبزج یا سقل ل بلیلج وزن وج یا شش یک
آن حماما یا قرومانا وحب بلسان یا نیموزن خولنجان یا زنجبیل یا الفنتین وگویند سلیخه وزن نیاد
اسن ف بفتح اول وسکون ثانی ونون م خربوزه نورسیده اسران ف بفتح اول
وسکون ثانی ونون م دوغ اسطفلین وسطفلین یونانی بکسر اول وسکون ثانی
وفتح طای مهمله وسکون فا وکسر لام وسکون تحتانی ودر لغت اول وکسر فا وسکون تحتانی
در لغت ثانی ف زردک ه گاجر طح د اسفیداج الجصاصین ع بکسر اول سکون
ثانی وکسر فا تحتانی مجهول با دال مهمله والف وضم جیم وسکون لام وفتح جیم ثانی وصاد
مهمله مشدد والف وکسر صاد مهمله ثانی وسکون تحتانی ف چونه قلعی ه کلی اسطولین
بضم اول وسکون ثانی وضم طای مهمله وسکون واو ونون ف زردک اسقوردیون
یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو ورای مهمله وفتح دال مهمله وضم تحتانی
وسکون واو ثانی ونون م ثوم بری ست ع ثوم الحیة ف سیر مار وسیر دشتی ه جنگلی
لهسن طح ی ۴ ل عنصل کوچک یا ثوم المذکر اسقوروون بضم اول وسکون
ثانی وضم قاف وسکون واو وضم رای مهمله وسکون واو ثانی ع خبث الحدید ف
ریم آهن ه کیٹ اسقولوقندریون یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم قاف و
سکون واو وضم لام وسکون واو ثانی وفتح قاف ثانی وسکون نون وفتح دال مهمله

وسکون راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثالث م سقولوقندریون ف زنگی دار

واسقید ولیون یونانی بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی وضم

دال مهمله وسکون واو وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ثانی ونون م کاکنج ف عرو

پس پرده تمنیق الماء آس بنگ ع بمد اول وکسر ثانی وسوحده وسکون نون وفتح

کاف وخفاء هاء ف سورد طب ا ی ٢ گویند ٣ ف قابض ومقوی دل خ خسروانی

تیرپوش از تخم او یکمثقال ص بنفشه تازه ونیلوفر وروغن آنهال ورق توت یا

عصاره زرشک یا گل حنا استه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی م تخم میوه

وخسته استینه ف بمد اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی وفتح نون و

هاء مخفی م تخم مرغ اسخاره رومی بکسر اول وسکون ثانی وخاء معجمه والف وفتح راء مهمله و

خفاء هاء ف تودری اسروره بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو وفتح

راء مهمله ثانی وهاء مخفی م سنبل الطیب اسغرنه ف بضم اول وسکون ثانی وضم غین

معجمه وسکون راء مهمله وفتح نون وخفاء هاء م خارپشت اسگنده ه بفتح اول وسکون

ثانی وفتح کاف فارسی وخفاء نون وفتح دال مهمله واظهار هاء دوامی مشهور هندی ست

طح ق مبهی تمنیق التحتانی آس بری ع بمد اول وکسر ثانی وفتح سوحده وکسر راء مهمله

وسکون تحتانی ف مورد اسفرم تلنسیق الشین المعجمه وتمنیق الالف اشترکا ف

بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وراء مهمله با کاف والف ع عنقا اشترگیا ف

بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهمله وکسر کاف فارسی با تحتانی

والف م اشترخار اشمو سا بفتح اول وسکون ثانی با تحتانی والف کسرفا با میم والف

ثانی وکسر میم ثانی وسکون تحتانی ثانی با شلثه م عصاره مامیثا طب ی ل وسا

طلا کردن بوسش وبندی یا حضض تمنیق الدال المهمله اشنا زداود ف بفتح اول

وسکون ثانی با نون والف وکسر زاء معجمه ودال مهمله الف وضم همزه وسکون واو ودال مهمله

مبرد بیر دیجوان حیوان بشیر دار از دو بخور و شیر زیاده میشود و خوردن آن نیز باعث نشاط و سرور میگردد و در دوم گرم و در سیوم معتدل

و در فصل الف

ثانی هم سعوفا خشک تمیق الراء المهمله اشترخارف بضم اول وسکون ثانی و
ضم فوقانی وسکون راء مهمله وخاء معجمه والف وراء مهمله ثانی هم شترخار عبوالنا شترغار
بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهمله وغین معجمه والف وراء مهمله
ف بیخ درخت انکدان ست طح ۳ گویند ۲ خ رومی ص سرکه ل انجدان
اشترسورف بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهمله وضم سین
وواو مجهول گویند که در جنگلی از جنگلهای مغرب درختی ست که برگهای آن اکسیر است
ودران جنگل مورچه بهم رسد که بکلانی بز باشد همین که کسی بآن جنگل بجهت بدست آوردن
برگ درخت اکسیر در آید آن موران درو درآویزند ودر زمان پاره پاره اش کنند لهذا
کسی از ترس آن موران بآن جنگل در نتواند آمد وآن را اشترمور نیز گویند اشغرف بضم
اول وسکون ثانی وضم غین معجمه هم خارپشت تمیق السین المهمله استالوس
بکسر اول وسکون ثانی وکسر فوقانی ولام والف وضم تحتانی وسکون واو وسین مهمله
هم وار شیشعان ه کاپهل تمیق الشین المعجمه اشراش ع بکسر اول وسکون ثانی
وراء مهمله والف وشین معجمه ثانی هم عربی ف سریشم ه سریس تمیق الصاد المهمله
اشخیص یونانی بکسر اول وسکون ثانی وکسر خاء معجمه وسکون تحتانی وصاد مهمله هم نوع
از مازریون تمیق القاف اشق ع بضم اول وثانی وسکون قاف وبقول صاحب
مهذب بفتح اول هم صمغ طراثیث است بعضی گویند صمغ توت یا صمغ اشترغار طح ی ۲ ف
علک خ سفیدی که دانه درشت داشته باشد ووصل شود خیدر ص بروفا
وگویند بادام نشاسته ل وشخ الکوا اسکنبیج یا خرول سفید تمیق اللام اشقاقل
ع بکسر اول وسکون ثانی وقاف والف وضم قاف ثانی وسکون لام ف شقاقل
ف کذر صحرائی ه بهارلی گاجر تمیق المیم اشکلیل مشم بفتح اول وسکون ثانی
وکسر کاف وتحتانی مجهول وسکون لام وفتح جیم فارسی وسکون شین معجمه وسین

تمنيق الفوقاني اصابع الفتيات
موحده ف بیخ نی ہ سرکنڈ یلی جرطح ی ۲ ... ع بفتح اول وسکون ثانی والف وکسر موحده وضم عین مهمله وسکون لام وفتح
فا وکسر فوقانی وفتح تحتانی والف وفوقانی ثانی ف انگشت کنیزکان وآن
فرنجمشک ست یعنی بالنگوی خورده تلسی اصل الذرت ع بفتح اول وسکون
ثانی وضم ولام وذال معجمه مشدد وفتح راء مهمله مشدد وسکون تاء فوقانی ف بیخ غله
جوار طب ی ق مخدر تمنيق الجيم اصل الرازيانج ع براء مهمله مشدد والف
وزاء معجمه وتحتانی والف ثانی وفتح نون وسکون جیم ف بیخ بادیان ہ سونفکی
جر تمنيق الحاء المهمله اصل اللفاح ع بضم لام وتشدید لام ثانی مکسور وفتحاء
مفتوح والف وحاء حطی م بیروج ف سابیرک ہ لکھمنا لکمنی ق مخدر تمنيق
الواو المهمله اصابع صفر ع بفتح اول وثانی والف وکسر موحده وعین مهمله وکسر صاد
مهمله ثانی وسکون فا وراء مهمله ف کف مریم وکف عایشه طح ی ۲ ل سعد و
ہرا چشان اصل الجاوشیر ع بجیم والف وواو وکسر شین معجمه وسکون تحتانی ف
بیخ گاوشیر جاوشیر اصل الکبر ع بفتح کاف وموحده وراء مهمله ف بیخ کبر اصل اللوز المر
ع بفتح لام مشدد با ثانی وسکون واو وضم زاء معجمه وسکون لام ثالث وضم میم ف
بیخ بادام تلخ ہ کڑوی بادام کی جڑ اصل المرع بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون
لام ثانی وضم میم ف بیخ مر طح ی ۲ تمنيق السين المهمله اصابع هرمس
ع بفتح اول وثانی وکسر موحده وعین مهمله وضم ہاء وسکون راء مهمله وضم میم وسکون
سین مهمله ف گل سورنجان طح ی ۲ ل سورنجان اصل السوس ع بضم سین
مهمله مشدد وسکون واو ف بیخ مهک ہ ملهٹی وملہٹی ط مع ح ب دی گویند
ب ی انش یکدرم تا دو درم اصل الکرفس ع بفتح کاف وراء مهمله وسکون قاف
بیخ کرفس ہ اجموکی جڑ تمنيق الضاد المعجمه اصل السوس الابيض ع بضم سین مهمله

درطعام بجهت ترشی آنرا استعمال کنند سرد وخشک است در درجه دوم وقابض است ایوسا بیخ سوسن آسمان گون است

مشدد و سکون واو و فتح سین مهمله ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح تحتانی و سکون
ضاد معجمه ف بیخ سوسن سفید که در روم و سیاه بنفشه میروید و مشهور است به بیخ بنفشه
و گویند قسط شیرین تمنیق الفاء اصل الاصفع ع بمد همزه و فتح صاد مهمله و سکون فا
بیخ کبر اصل اللوف ع بضم لام مشدد ثانی و سکون واو ف بیخ پیلگوش طح ی ۳
تمنیق الکاف اصطرک بفتح اول و کسر نیز و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و راء مهمله و سکون
کاف ف میعه و گویند صمغی ست که از درخت روم حاصل میشود و گویند زیتون ست
طح ۳ ی اگویند ح ی ۲ تمنیق اللام اصل التنبول ع بفتح فوقانی مشدد و سکون
نون و ضم موحده و واو مجهول و لام م بیخ پان کا کلیجن اصل الفلفل ع بکسر هر دو فا
و سکون هر دو لام ف بیخ فلفل دراز و فلفلمویه کا پیپلا مول ل دار فلفل اصل النیل
ع بکسر نون مشدد و سکون تحتانی ف بیخ حب النیل کا کوا دودی کی جڑ طح ی ۱
تمنیق النون اسطفین ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و کسر فا و سکون تحتانی
و نون م اسطفین که مذکور شد اصل الرسن بفتح راء مهمله مشدد و الف و فتح سین مهمله و
نون ف بیخ زنجبیل شامی گویند نوعی از فیلجوش ست طح ی ۲ گویند اصل البازریو
ع با میم و الف و فتح زای معجمه و سکون راء مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ف بیخ بنجنکشت
طح ی ۳ تمنیق الهاء اصل الکثاء ع بضم کاف با مثلثه و الف و اظهار ها ف بیخ کرفس
اصول الاربع ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم لام ثانی و فتح همزه و سکون راء مهمله و
فتح موحده و عین مهمله و ها ف بیخ کاسنی و بیخ رازیانه و بیخ کبر و بیخ کرفس تمنیق التحتانی
اصابع العذاری ع بکسر غین معجمه و ذال معجمه و الف و کسر راء مهمله و تحتانی ف نوعی از
انگور سیاه و آنرا انگور زیتونی خوانند کالی داکه طح د اصل الانجدان الخراسانی
ع بفتح همزه و سکون نون و ضم جیم با دال مهمله و الف و کسر نون ثانی و سکون لام ثالث
و ضم خاء معجمه با راء مهمله و الف و سین مهمله و الف ثانی و کسر نون م انشترغار اصل الخنثی

وسکون تحتانی وکسر قاف وتحتانی ثانی ف دوشاب تنبیق الفاء وتمیق الفوقانی
آفتاب پرست ف نیلوفر و بوقلمون را نیز گویند وگلیست که بهر جانب آفتاب بگردد
برگهایش و بدان جانب کنند واهل هند گل کبود را گویند تنبیق الجیم افشرج ع
بفتح اول وسکون فا وضم شین معجمه وفتح راء مهمله وسکون جیم ف معرب افشرده یعنی
عصاره هر چیز افرغنج بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح غین معجمه وسکون نون
کهشوت تنبیق الراء المهمله افکار بفتح اول وسکون ثانی با کاف والف وراء مهمله
نکهنی تنبیق الکاف آفتاب کردک بمد اول وسکون ثانی با فوقانی والف وضم
وفتح کاف فارسی وسکون راء مهمله وفتح دال مهمله وکاف م آفتاب پرست افرنجمشک بفتح
اول وکسر اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون نون وفتح جیم وکسر میم وسکون
شین معجمه ف بالنگوی خورد وریحان قرنفلی ه گویند تلسی طح ی ۲ ص مفرح
ل قرنفل افشک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه وسکون کاف م
شبنم تنبیق النون افاسون بفتح اول وثانی والف وضم سین مهمله وسکون واو
ونون ف روغن ترب ه مولی کا تیل افتیمون بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی
وسکون تحتانی وضم میم وسکون واو ونون ه اکاس بیل م امربیل طح ی ۳ ف مسهل
سودا بفتح وفشی خ افریطی یا مقدسی سرخ تخم تازه ش از مطبوخ پنج درم تا هفت درم
وا ز جرم او دو درم تا سه درم ص کتیرا یا رب سیب یا سکنجبین یا روغن بادام ل حاشا
بکوزن ونیم یا تربد بوزن او یا اسطوخودوس م بسفایج افربیون بفتح اول وثانی و
سکون راء مهمله وکسر موحده وضم تحتانی وسکون واو ونون م فربیون ف حبشی
ز قوم سینه کار دو افسان ف بفتح اول وسکون ثانی با سین مهمله والف و
نون م سنگ فسان افسنتین بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله وسکون نون
وکسر فوقانی وسکون تحتانی ف برنجاسف کوهی وگویند نوعی از درمنه ه مجری دستار

طح ای ۲ گویند ۳ ق مفتح و مسهل صفرا و قاطع دیدان خ تازه زردش از جرم او
تا دو درم و در طبیخ از پنج درم تا هفت درم و از عصاره او یکدرم تا یک مثقال ص انیسون
یا نیلوفر ل جده یا شیح ارمنی یا قیصوم و در تقویت معده اسارون یا تیموزن ن
بلیله زرد افلاطون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و ضم طا مهمله
و سکون وا و میم مقل ه گوگل طح ۳ ی ۲ و گویند ح ۲ ق جالی و محلل و ملین با قوت تریاقیت ص
در باب بیکیترا و در باب کبد زعفران ش یکدرم ک دو ثلث آن مرکی ربع آن اسقوطری فیلن
یونانی بفتح اول کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم لام و سکون او ف دیند کوهی نیون می قار
بفتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون واو ف شیر خشخاش انیم طب ۳ ی ۳ ق مخدر و مسکن او جاع
نخ در آب گرم زود حل شود و در آفتاب گرم نرم شود ش یکعدس تا دو عدس ص
فلفل دارچینی و سکنجبین و گویند بذر کرفس و جند بیدستر ل سه و زن وی بذر البنج و
بیلوزن لفاح تمیق الماء اقاقیا بفتح اول و ثانی و الف و کسر او و فتح تحتانی خضاب
ف دارو های گرم چون قرنفل و خولنجان و دارچینی آفلنج بکسر اول و سکون
ثانی و فتح لام و سکون نون و فتح جیم م فلنجه تخمیست مانند خردل و بیشتر در عطریات
استعمال کنند نخ چون بشکنند بالندبوی سیب دهد تمیق التحتانی افنیع بفتح
اول و سکون ثانی و کسر عین مهمله و سکون تحتانی ف مار شهور طح ی ۳ ق ملطف
خ ماده اش از گوشت او سه مثقال ص تریاق ل مار تمیق القاف و تمیق الا
اقاقیا بفتح اول و قاف و الف و کسر قاف ثانی با تحتانی و الف ثانی م عصاره قرظ
و فلفل ط شسته وی ب ۲ ی ۳ و نا شسته ب ی ۲ ق قابض منقبض منش
شیهم ص لبوب ل حضض یا صندل و عدس مقشر یا سواد القصاه یا وصل الخمیر
اقلیمیاع یونانی بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و ضم تحتانی
ثانی و الف ف ثفلی ست یا دردی ست که بالای بوته طلا یا نقره باشد دوا ان

سیاه بود ست یونانی و دوم یبوست بد دشتاننه سوزن شالش و فورا در مادرزاد و چون سوزاک

می چسپید سیران چیزی از طلا و نقره چون جبها طاهر باشد ط مع ح ب ی ۳ ق
لجفف خ چون در سرکه ساعتی ره کنند طلا یا فضه از وجد الشوو و چندان نه خشند
وجبهای ثقیل زرین سیاه تایکل لشبقرت و بقدر شورش نیم مثقال ص روغن بادام ل
مردار سنگ سفید یا توتیا تمنیق السین المهمله افسوس بفتح اول وسکون ثانی و
ضم سین مهمله وسکون واو و سین مهمله ثانی م سوینج عسلی و بق تمنیق الطاء المهمله
اقطع بفتح اول و کسر ثانی وسکون طاء مهمله م قروت ف کشک و ینبوب ــے
تمنیق النون اقارون رومی بفتح اول و ثانی والف وضم راء مهمله وسکون واو و نون
ع عود الوج ف اگره بج اقحوان ع بضم اول وسکون ثانی وضم حاء مهمله با واو والف
و نون ف بابونه کا ثوه مرهٹی ط ح ی ۲ گوبندا گوبند ح ۳ ی ۲ ق محلل ملطف مد
منوم خ سبز برگ که بیرون گلش سفید و اندرون زرد باشد و تلخ بش و دوم تا شم
ص انیسون و گویند حب الآس ل شیح اقطن بینی بفتح اول وسکون ثانی و کسر طاء مهمله وسکون نون
ف ماش و لبلاب زی جنوباش ما سونگ اقویلا سمون رومی بفتح اول و ضم ثانی و کسر
واو وسکون و فتح تحتانی با لام والف و فتح سین مهمله و ضم میم وسکون واو ثانی ف
روغن بلسان تمنیق التحتانی اطنا ارانیقی و اقطنا لوقی یونانی بفتح اول وسکون ثانی
و کسر طاء مهمله با نون والف و فتح همزه و راء مهمله والف ثانی وسکون تحتانی و کسر قاف
وسکون تحتانی در لغت اول و ضم لام وسکون او و کسر قاف ثانی در لغت ثانی ف بادآورد
و بهاهه قیطی یونانی بفتح اول وسکون ثانی و کسر طاء مهمله درخت بیل کا هندی بیل کا درکمه
ثمان البرمان الهندی ع بفتح اول وسکون ثانی با میم والف و ضم عین مهمله و راء مهمله مشدد و با میم
مشدد ثانی والف ثانی و کسر نون وسکون لام و کسر یا وسکون نون ثانی و کسر دال
مهمله ف نارمشک ما ناکیسر اقومالی یونانی بفتح اول و ضم ثانی وسکون واو با میم والف
و کسر لام ع ماء العسل ف آب شهد کا شهد کا پانی تمنیق الکاف و تمنیق الالف

اهل هند جاوتری سے خواهند
گرم وخشک ست در دوم
بسبب [illegible]
هندی کا مونگه خوانند سرد ست
در یک درجه وخشک ست

ع بمد وضم اول وثانی ولام وفتح نون وسکون فا وسین مهمله الطهار هلم فرفیون
تمنیق التحتانی اکاهولی ه بمد اول وثانی والف وضم ها وسکون واو وکسر لام و
سکون تحتانی دوائی ست هندی دافع سپیو یعنی سوزاک تنسیق الکاف
الفارسی وتمنیق الفوقانی اکن هنت ه بفتح اول وکسر کاف فارسی وسکون نون
وفتح میم سکون نون ثانی وفوقانی ه اکونت وارنی طح تمنیق الراء المهمله
اگرف بکسر اول وثانی فارسی وسکون را مهمله وج ه بج وبفتح اول وثانی اگورف
بمد اول وضم ثانی فارسی وسکون واو خشت پخته که آنرا بعربی اجر گویند
تنسیق اللام وتمنیق الالف السا بفتح اول وسکون ثانی با سین مهمله والف ف
نام نخواه ه اجواین الواف بکسر اول وسکون ثانی با واو والف ع صبر تمنیق الموحده
آلب بکسر اول وثانی وسکون موحده ع ه ایلوا تمنیق المیم النج ف بمد اول وضم
ثانی وسکون نون وجیم م آلوچه الوج بفتح اول وضم ثانی وسکون واو ف کالزیلیه
وآن نوعی از ملعست تمنیق الراء المهمله النتاالعصافیر ع بفتح اول وسکون
ثانی وکسر سین مهمله وفتح نون وضم فوقانی وسکون لام ثانی وفتح عین مهمله وصاد مهمله
والف وکسر فا وسکون تحتانی ورا مهمله م لسان العصافیر ف اهرو اندر جو الغنجا
ف بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون نون با جیم والف میوه ایست
شبیه بزیبا آلو که رنگش سبز منقش وزرد ودیگر الوان نشود وطعمش میخوش بود م
گرده آلو وآلو گرده وغالو گرده تمنیق السین المهمله البانیس بفتح اول وسکون
ثانی با موحده والف وکسر نون وسکون تحتانی وسین مهمله ه سا گیج لالی الماس
بفتح اول وسکون ثانی ومیم والف ف ماس ه هیرا تمنیق الطاء المهمله البطبو
بفتح اول وکسر ثانی وسکون موحده وضم طاء مهمله وسکون واو وطاء مهمله ثانی
ف کشت برکشت ه بهنیهلی الطرومی بفتح اول وثانی ع سنبل الطیب ه بالچهر

تمنیق اللام آل ف بمداول وسکون لام نوعی از ماهی فلوس دارکه آنرا بال در
دال نیز خوانند و درختی ست که از بیخ آن رنگ سرخی حاصل شود مانند رنگ وقالب
داران جامه ازان رنگ کنند و در دواها بکار دارند تمنیق المیم آلم ف بفتح اول وضم
ثانی وسکون میم م ارزن تمنیق النون آلانیون رومی بفتح اول وثانی و الف
وکسر نون وضم تحتانی وسکون واو و نون ثانی م رسن تمنیق الواو آلاو ف بفتح
اول وثانی و الف و واو مجهول م آتش آلو ف بمد اول وضم ثانی نام میوه معروف
ع اجاص آلیو بفتح اول وسکون ثانی وضم تحتانی ه گولر تمنیق الهاء الغوته الگوته
ف بمد اول وسکون ثانی وضم غین معجمه در لغت اول وضم کاف فارسی در لغت
ثانی وسکون واو وفتح نون وخفا ها م سرخی که زنان بر روی مالند م غازه
آله بفتح اول وضم ثانی و اظهار ها ف عقاب ه کمیره و بفتح ثانی وخفاء ها ف ع
سقل ارزق و بمد اول وفتح ثانی وخفا ها ف ع سنبل الطیب آلیخ بفتح اول
وسکون ثانی وفتح تحتانی ف گوسفند ه دنبه کی پوچه طح رق طین خ نام
از حیوان فربه حیوان ص زنجبیل و فلفل و دارچینی و سرکه ل سمین تمنیق التحتانی
الاطینی رومی بفتح اول و ثانی والف وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی وکسر نون وسکون
تحتانی ثانی م لبلاب ه عشق پیچا الایچی ه بکسر اول و لام والف وکسر تحتانی وجیم
فارسی وسکون تحتانی ثانی ع قاقله آلسی ه بفتح اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله ع
بزرکتان تلنیق المیم و تمنیق الالف آمرا ه بمد اول و بی مدنیز وفتح میم و راء مهمله
و الف م میوه هندی ست مشابه بانبه تمنیق الفوقانی امروت فارسی بفتح اول
وسکون ثانی وضم راء مهمله و فوقانی م امرود آملبیت ه بفتح اول و ثانی وسکون
لام وکسر موحده وسکون تحتانی وخفاء نون و فوقانی م ثمر درخت هند ست
تمنیق الجیم آملج ع بمد اول وسکون ثانی وفتح لام ف آمله ه آورا طب ۲ گویند

ای ۲ ق قابض ومجفف ومقوی دماغ ومعده ومفرح دل وگویند مسهل سودا ج
سیاهی که لونش مائل بسرخی باشد وتیز بوی ش یکمثقال تا سه درم ص عسل
یا شراب بخیل شیر آمله یا الهلیله سیاه یا کنبهم وزن بلبلیه تمنیق الدال المهملة امرود
ف بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو ع ناشپاتی تمنیق السین
المهملة اموس بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وسین مهمله ف زنبان نانخوه
اجوائن تمنیق الضاد المعجمه اسارالارض ع بفتح اول وسکون ثانی وعین
مهمله والف وضم همزه وسکون لام وفتح همزه ثانی وسکون راء مهمله وضاد معجمه ف
زغار کرم م خراطین ه کینچوا تمنیق النون اماموں یونانی بفتح اول وثانی والف
وضم میم ثانی وسکون واو ونون م حماما اماسین رومی بفتح اول وسکون ثانی
وفتح عین مهمله والف وکسر سین مهمله وسکون تحتانی ونون ف آب غوره انگور
ه داکه کا پانی امغیلان ع بضم اول وکسر ثانی مشدد وغین معجمه وسکون تحتانی با لام
والف ف مغیلان ه کیکر وببول ط ب ی ۲ گویند ح ق قابض مجفف ش بقدر
حاجت ص بنفشه تلنیق النون وتمنیق الالف اناگیرا ف بفتح اول وثانی والف
وراء مهمله وکسر کاف فارسی وسکون تحتانی با راء مهمله والف ثانی م غوره خشخاش یعنی کوکنار
انتله سودا سریانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وفتح لام وهمزه ع بلیله وفتح سین مهمله
وسکون واو با دال مهمله ع ماه فرفین وجدوار ه نربسی انجبا بفتح اول وسکون ثانی و
کسر جیم وضم نون وسین مهمله والف م شنگار انخفطینا سریانی بفتح اول وسکون نون وفتح
وکسر حاء مهمله وسکون فا وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی ونون ثانی والف ع جلنار ف
گلنار انذزاف بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون راء مهمله با زاء معجمه والف
م گاوزهره وآن سنگی ست که در میان زهره گاو سکون شود ویا در میان شیر ونیش
وبیشتر از گاو هندوستان بهم رسد ومانند یا زهر بود ودر لون وخاصیت ع حجر البقر

انسا نا بفتح اول وسکون ثانی با سین مهمله الف باشلشع زبیب الجبل ف موبزج ه

لنده الطونیا یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم طاء مهمله وسکون واو وکسر نون و

تحتانی ف کاسنی رومی طب ر ا آ القریا رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف

وسکون راء مهمله وکسر دال مهمله وتحتانی ف بلادره بهلانوا انگارا بفتح اول وسکون

ثانی با کاف فارسی والف با راء مهمله ف اخگر انگوزا بفتح اول وسکون ثانی با کاف

فارسی وکسر راء مهمله وشین معجمه فاع عنب الثعلب ف روباه تربک ه مکوه وجه پوشن

انوباف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو با موحده فارسی هم کاسنی وگویند گاوزبان تلخ

آنولاه بمد اول وخفا نون ثانی وفتح واو با لام والف ف آملطب ی آنومیا

رومی بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر میم با تحتانی والف میم شقایق ف گل لاله

تمنیق الموحده آنب بفتح اول وثانی وسکون موحده ف بادنجان آلفخه الاخیه

ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وخاء معجمه وضم فوقانی وسکون لام وفتح همزه وسکون

راء مهمله وفتح نون ثانی ف پنیرمایه خرگوش تمنیق الفوقانی انزروت ع بفتح اول

وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وضم راء مهمله وسکون واو وفوقانی ف کنجده ه لامی طح

ای ثانی مدل واکال خ سفید یا گل بزردی نش نیدر بهم تا یکدرم حس صمغ عربی یا روغن

جوزل یکوزن نشاسته ونیم وزن صبر الفست ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وسکون

سین مهمله ف تنیده عنکبوت انکشت ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی

وسکون شین معجمه هم زگال ه کوبلا وخسته میوه ها نیز گویند تمنیق الجیم آنج ف به

اول وفتح ثانی وسکون جیم هم زعرور آنجوج بفتح اول وسکون ثانی وضم جیم وسکون

واو ف عود هندی اگر تمنیق الدال المهمله ابرود ف بفتح اول وسکون ثانی

وفتح موحده وضم راء مهمله و واو مجهول و دال مهمله هم امرود آندف بفتح اول وسکون ثانی

هم مهکع سوس انزرود ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وضم راء مهمله هم

بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون تحتانی وکسر راء مهمله وفتح دال مهمله وسکون شین وکسر فوقانی هم انجیر ادم ه گولر و گویند انجیر جنگلی ست ه کٹھو نبری النفخة الطبیع بفتح اول وسکون ثانی وفتح فاء وخاء معجمه وضم فوقانی وفتح ظاء معجمه مشدد و کسر موحده ف پنیر مایه آهو تنسیق الواو وتمیق الالف اوباد ایونانی بضم اول وسکون واو و بای میم والف ودال مهمله والف ثانی هم عصارهٔ قثاء الحمار تمیق الجیم اورنج ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون نون وجیم هم سک انگور بضم اول وواو مجهول ف چوب خوشهٔ انگور که انگورها ورچیده باشند اونگنج ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی وسکون نون وجیم هم سپستان اولنج ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام وسکون نون هم اورنج تمیق الدال المهمله اودهده بفتح اول وسکون ثانی مجهول ودال مهمله وکسر موحده واظهار هاء هم پان کالون اوسپید بضم اول وثانی ساکن وکسر سین مهمله وموحده فارسی وتحتانی مجهول ف نوعی نیلوفر هندی طرح می تمیق الذال المهمله اوذر یونانی بضم اول وسکون ثانی وفتح ذال معجمه وسکون راء مهمله ف آب باقی وجل وسرف بضم اول وثانی مجهول هم گردگان وبادام وجوز هندی و پسته وامثال آن که مغز آن ضایع و تیره شده باشد تمیق الزاء المعجمه اوزیع بضم اول وسکون ثانی وزاء معجمه ف مرغابی طرح تمیق السین المهمله اورس ف بفتح اول وسکون ثانی وزاء معجمه وسکون سین مهمله هم سروکوهی ع ابهل اوناتیس بفتح اول وسکون ثانی بانون والف وکسر نون ثانی وسکون تحتانی ف شگوفه انار تمیق العین المهمله وشع ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه وسکون عین مهمله ف جانور سمو تمیق النون اودا سالیون یونانی بضم اول وسکون ثانی ودال مهمله والف وسین مهمله والف ثانی وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ثانی هم کرفس کوهی اوقطاریون بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وطاء مهمله والف وکسر راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو هم غافث اوقیمون

وسکون ثانی وراو مهمله یا قاف والف م حنا ایرن بفتح اول وسکون ثانی وفتح رای
مهمله ف و ع ایرون بفتح اول وسکون ثانی وضم رای مهمله وسکون واو ف گوگرد
زرد ایقاقین بفتح اول وسکون ثانی وقاف والف وکسر قاف ثانی وسکون تحتانی
ع عمود ایهقان بفتح اول وسکون ثانی وضم ها با قاف والف م جرجیر بیابانی ه جنگلی ترہ

ترقیم الباء الموحدة وتمنیق الالف مع التمنیق الالف

باجراه بموحده والف وسکون جیم وفتح رای مهمله والف غلط البیت مشهور ف کاورس یا م رفا
بسکون دال مهمله فتح رای مهمله وواو م بیرروه بر نجا یا قلاع بکسر قاف بالام والف ه
باکلا ودال طح ب مع گویند ب ای ۲ وقسمی ست هندی که او را سیم گویند ق
قابض منضج محلل مهیج خ فربه بزرگ خشک ش ۵ ودرم ص صعتر ل ماش بالا بموحده
والف ولام والف ه بلا م بنج کاندل که از وی شخانه سازند و بر بالا را نیز گویند یا نجه گکوڑا
لا بنخفا نون وفتح جیم وانظار های هندی وفتح کاف اول وضم کاف ثانی و واو مجهول رای
مهمله هندی دوای هندی ست بانساه بنخفا نون وسین مهمله م اطریسا تمنیق الفوقانی
پاردست بسکون رای مهمله وفتح دال مهمله وسکون سین مهمله وفوقانی م آبنوس تمنیق
الجیم بابونج ع بضم موحده ثانی وسکون واو وفتح نون وسکون جیم ف بابونه
مرهتی وسونهل طح ۲ ی ق ملطف محلل مفتح بزرگ زرد گل ش یکقبضه و گویند
۲ مثقال ص عسل بابونه گل ل برنجاسف یا اکلیل الملک بادروج ع بموحده والف
ودال مهمله ساکنه وضم رای مهمله وسکون واو وجیم نوعی از ریحان ست که در کوه های
ف تره خراسانی ه بابری و بابچی که تلسی جنگلی ست طح ۲ ی ا ق محلل مقوی و
مفرح دل وحابس خون خ خوشبو تازه ش از تخم او ۲ درم ص بقلة الزهرا ل مرزنجوش
یا بادرنجبویه بادنج بموحده والف وکسر دال مهمله وفتح نون ف جوز هندی و نارگیل ه
ناریل و کھوپره بارج ف بموحده والف وفتح رای مهمله م سک انگور تمنیق الجیم القاف

باغج ف بفتح غین معجمه وسکون جیم فارسی م انگور نیم پخته تمنیق الدال المهمله ف
بسکون دال مهمله ومد همزه وفتح واو وسکون را مهمله ودال مهمله ثانی ع شوکة البیضا
ه دهماها وجوالنساطح ی اگویند ب اینچ او ب ی ۲ ق مجفف خ سفید ورق تازه
شش یکدرم ونیم ص افسنتین یا تخم کاهول شاهترج بارای کنده بموحده والف
ورای مهمله والف ثانی وکسر یا وسکون تحتانی وفتح کاف وخفا نون ودال مهمله بدون
ها یعنی بارای کنده نیز آمده بیخی ست هندی بارزد ع بموحده والف وفتح رای مهمله وسکون زای
معجمه م قنه ف بیرزد ه بریجا طح ۳ ی ۲ بارود سیاونی بموحده والف وضم رای مهمله و
خفا واو ف نمک چینی تمنیق الراء المهمله باببر بسکون موحده ثانی وفتح سین
مهمله وسکون رای مهمله ف برگ سنا مکی تمنیق السین المهمله بابلسن بسکون موحده
ثانی وفتح لام وسکون سین مهمله م خشخاش بالتس ف بموحده والف وضم فوقانی م ترنج
باسبوس ف بسکون سین مهمله وضم موحده وسکون واو م مرزنگوش باطسن بکسر طای
مهمله ع علیق وبضم طای مهمله م بالنگ ه توت وبجورا بالوس ف بضم لام وسکون واو
وسین مهمله م کافور سحوق بالبس ه بخفا نون ف فی طب ق بلبن تمنیق الطاء
المهمله باطباط بسکون هر دو طای مهمله ه غلهٔ رهر تمنیق القاف باروق بضم را
مهمله وسکون واو وقاف ف سفیدهٔ قلعی ه بنگ تمنیق الکاف بانک ف بفتح
نون وسکون کاف ع حب البان تمنیق الکاف الفارسی بادرنگ ف بسکون
دال مهمله وفتح رای مهمله وسکون نون وکاف فارسی م نوعی از خیار و ترنج باترنگ ف
بسکون رای مهمله وفتح فوقانی وسکون نون ع لسان الحمل بالنگ ف بفتح لام وسکون
نون نوعی از ترنج ست که بغایت نازک و شیرین باشد ه بجورا و نیز بادرنگ بانی بر
ه بکسر تحتانی وموحده ثانی ورای مهمله وخفا نون ف سرنگ کابلی تمنیق اللام بابل ف
بفتح کاف فارسی وسکون لام م آسیغول م بال ف نوعی از ماهی بزرگ که در دریا فرنگ

مغیلان ل بید مشک تمنیق النون بداسقان یونانی بفتح اول و ثانی والف و فتح
سین مهمله و قاف والف ثانی و نون ف بدسکان ل کشت بکنشت بدلون د
بکسر اول و سکون ثانی هندی و ضم لام و سکون واو ف نمک سیاه طبح بدلیون
سریانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو م مقل ه کوکل
تنسیق الواء المهمله و تمنیق الالف برنا بفتح اول و سکون ثانی م حشایج بکرا
ه بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و کسر جیم و فتح میم و سکون کاف بار ا مهمله ثانی م
جاول جهر او اوری که خود روست بر بتیا ه بکسر اول و فتح ثانی و سکون بای و فتح
فوقانی هندی و تحتانی ه کتائی بزرگ بر ایلیا یونانی بفتح اول و سکون راء مهمله و کسر
لام و سکون لام با تحتانی ع رازیانه ه سونف تمنیق الموحدة الفارسی برنجاسپ ف
بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون با جیم والف و سکون سین مهمله و بای موحده فارسی م
بوی مادران تمنیق الفوقانی برغشت ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح غین معجمه
و سکون سین مهمله با شین معجمه و فوقانی م گیاهی سبز که مانند اسپناخ ست آنرا
داخل آش سازند و خود رو بود و آنرا ابرند نیز گویند و بیشتر در زراعت گندم و دیگر
غلات و کنار جوی آب بروید تمنیق الدال المهمله هندی برجیه کندهی بکسر
اول و ثانی و سکون جیم فارسی و اظهار های هندی و فتح کاف و سکون نون و فتح دال
مهمله م بید التمنیق الواء المهمله برج بضم اول و سکون ثانی ف گندم ه گیهون
برهمی بفتح اول و سکون ثانی هندی شجر معروف هندیست ع ذات الذوانب
تمنیق الفا برجاف ف بضم اول و سکون ثانی با جیم فارسی والف و نا م غله جلبان
و ملک برنجاسف بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و جیم والف و سین مهمله ع قیصوم
ف برنجاسف بوی مادران که قسمی از افسنتین ست ه کندها تمنیق القاف برقوق
بفتح اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون واو و قاف ف مشمش ه خوبانی

وانطار ہاہم صابون بربزہ ف بکسر اول وثانی وتحتانی مجهول وفتح زاء معجمه وخفاء ہا
صمغی ست شبیه بمصطکی وسبک وخشک بود و مانند عسل صاف و تیز بو باشد هم
بازرد وتمنیق التحتانی بردی ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله وسکون یا
مثناة تحتانیه هم لوح که دریخ می اندازند و در مصر از و کاغذ سازند ف تنک ه تیراب
طب ی ۲ ق مجفف وبزبان فارسی نوعی از خرمای لطیف که آنرا سنگ اشکشک
نیز خوانند وظرف سنگی برچاپنیقی بفتح اول وسکون ثانی وطاء مهمله الف وکسر نون
وسکون تحتانی وکسر قاف ف بستان افروز وتاج خروس کا سرائی برغوثی بفتح اول
وسکون ثانی وضم عین مهمله وسکون واو وکسر مثلثه ع بزر قطونا ه اسبغول برنهبتی ه
بفتح اول وثانی وخفاء نون وکسر موحده ثانی وانطار ہاہم زرنبیخ کابلی ع بفتح اول
وثانی وسکون نون وجیم وکاف والف وضم موحده ثانی وکسر لام ف برنگ ه
بای برنگ طح ای ۲ ق قابض وقاطع دیدان خ کوچک سرخی مائل ش ده درم
باشیر تازه ص کثیرال بسن با د و وزن آن قنبیل برقی ه بضم اول وثانی وسکون
واو وکسر فوقانی هم پکهان بید بتنسیق الزاء المعجمه وتمنیق الالف بزر القثاع
بفتح اول وسکون زاء معجمه وضم راء مهمله وسکون لام وفتح قاف با مثلثه والف
ف تخم خیاره ککڑی کی بیج طب خ فربه ص سکنجبین ل تخم بادرنگ بزر الهندبا
بکسر ہا وسکون نون وضم دال مهمله وموحده ف تخم کاسنی ط مع ح ب ی خ
سیاه فربه بستانی ش دو درم تا سه درم ص سکنجبین بزر البقلة الحمقاء بکسر ہاء مهمله
وفتح موحده ثانی وسکون قاف وفتح لام وضم فوقانی وسکون لام ثانی وحاء مهمله
وفتح میم وقاف ف تخم تورک وخرفه ه لونیا کی بیج بزر قطونا ع بفتح اول وسکون
زاء معجمه وکسر راء مهمله وضم قاف وطاء مهمله وسکون واو ونون ف سبگو ه
اسبغول طب ۲ گویند سرد گویند مع ری ق راد خ سرخ سیاهی ی ل فربه گران

که در آب فرو رود ش د ۲ درم تا سه درم ص کثیرا ل حب السفرجل با تخم لسان الحمل با
بزر المرو د قبض تخم خرفه تمنیق الوصد ۵ بزر السداب ع بضم باء مهمله وضم سین
مهمله مشدد و دال مهمله مشدد و الف و سکون موحده ثانی ف تخم سداب ط ح ی
خ سیاه فربه ش یکدرم تا دو درم جهت فواق بلغمی ص کثیرا یا عسل ل سداب
بزر القنب ع بکسر قاف و فتح نون مشدد ف شهدانه و تخم بنگ ۵ بجیا کی بیج
بزر الکرنب ع بسکون لام و فتح کاف و سکون راء مهمله و فتح نون ف تخم کلم ط ح
ی خ تازه فربه تمنیق الفوقانی بزر الشبت ع بکسر شین معجمه مشدد و موحده و سکون
فوقانی ف تخم شبت ۵ سوئی کا بیج ط ح ی ۲ گویند مع ق مقی خ فربه ش دو درم
ص عسل ل دو وزن آن شبت بزر الفنجنکشت ع بسکون لام و فتح فا و سکون نون
و فتح جیم و سکون نون و فتح جیم و سکون نون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون شین
معجمه ۵ سنبهالو کی بیج ط ح ی ۲ گویند ۳ ح فربه ش دو درم ص شیر بزر البقلة
ع بکسر اللام المشدد و سکون قاف تخم شلغم ط خ رخ سرخ فربه ش دو درم ص
بزر البطیخ ل بزر الرطبة با تخم خربزه دو وزن تمنیق المثلثة بزر الکراث ع بضم کاف
و راء مهمله مشدده و الف ف تخم گندنا ط ح ی ۳ گویند ۲ و آن بعینه بگندنا ماند بسیار
سیاه خ شامی تازه فربه ش یکدرم تا دو درم ص عسل ل حرجیر بزر الکشوث ع بضم
کاف و شین معجمه و سکون واو ۵ امربیل کی بیج ط مع ح ب ی خ فربه ش دو درم ص
عسل ل بزر هندبا چهار دانگ وزن آن افسنتین تمنیق الجیم بزر البنج ع بسکون
لام و فتح موحده و سکون نون و جیم ف تخم بنج ۵ اجواین خراسانی ط نسیاه اجود
ی ۳ سفید او ب ی ۲ ق قابض حابس خون خ سفید و بعده سرخ ش یکدانگ
تا دو دانگ ص عسل و قی کردن با آب گرم و روغن و عسل ل افیون یا لفاح و خشخاش
بزر الرازیانج ع با راء مهمله مشدد و الف و سکون زاء معجمه یا تحتانی و الف ثانی و فتح

نون ف تخم بادیان ہ سونف کی بیج ل انیسون بزر الکاکنج ع بسکون لام با کاف
والف وسکون کاف ثانی وفتح نون ف تخم عروسک در پردہ بزغنج ف بضم
اول وسکون ثانی وضم غین معجمہ وسکون نون گویند کہ درخت بستہ یکسال میوہ
با مغز بار آورد ویکسال بی مغز وآن مغز دار البستہ گویند وبی مغز را باین نام خوانند
تمنیق الخاء المعجمہ بزر الاسفاناخ ع بسکون لام وکسر ہمزہ وسکون سین مہملہ وفتح
فا با نون والف وخاء معجمہ ہ تخم ساگ پالک طب دخ مائل بسرخی ش یکدرم
بس طین مختوم بزر البطیخ ع بسکون لام وکسر موحدہ وطاء مہملہ مشددہ وسکون تحتانی
ف تخم خربوزہ طح د گویندی اف خشک او سعت مفتح خ شیرین ش دو درم
تا پنجدرم ص عسل ل بادیان ل چلغوزہ تمنیق الدال المہملہ بزر الرشاد بفتح را مہملہ
مشددہ با شین معجمہ والف ودال مہملہ ع حب الرشاد ف تخم تره تیزک ہ ہالون کی
بزر القثد ع بسکون لام وفتح قاف وثاء مثلثہ ودال مہملہ ف تخم خیار بالنگ ہ ککڑی کی
بیج طب دخ ماخوذ از خیار زرد ش از پنجدرم تا دہ درم ص کتیرا ل تخم خیار زہ
بزر الورد ع بسکون لام وفتح واو وسکون را مہملہ ودال مہملہ ف تخم گل و آن زرد
وآن زردی میانہ گل ست طب ی ق قابض وحابس خون خ ماخوذ از گل
فارسی ش دو درم ص کتیرا تمنیق الراء المہملہ بزر الجرجیر ع بسکون لام وکسر جیم
وسکون را مہملہ وکسر جیم ثانی وسکون تحتانی ورا مہملہ ثانی ف تخم کہتکی ہ شرا
طح ی ۳ گویند ۲ ف منعظ باہ خ بستانی ش دو مثقال ص کتیرا ل خردل یا تخم
انجرہ یا خصی الثعلب یا بوزن آن تخم کندنا بزر الجزر ع بسکون لام وفتح جیم وزا معجمہ
ف تخم زردک ق مدر مفتی بزر العصفر ع بسکون لام وفتح عین مہملہ وسکون صاد مہملہ
وفا ورا مہملہ ف خسکدانہ ہ گوکہرو کسنبہ کی بیج تمنیق الزاء المعجمہ بزر بانج بفتح
اول وسکون زا معجمہ با موحدہ ثانی والف وزا معجمہ ثانی م بسباسہ ہ جاوتری

تمنیق السین المهمله بزر الخس ع بسکون لام و فتح خای معجمه و سکون سین مهمله
ف تخم کاهو طب ی خ سیاه فربه بستانی ش از یکدرم تا دو درم ص مصطکی
ل دو درم الاخوین بزر بلاسقلیس بضم موحده و کسر نیز و لام و الف و فتح سین مهمله و کسر
قاف و فتح نیز و سکون تحتانی ف تخم تره تیزک تمنیق الضاد المعجمه بزر الحماض
ع بفتح حاء مهمله و میم مشدد و الف ف تخم ترشاه چوکی کی بیج طب ی ۲ خ
فربه و سیاه مائل بسرخی ش دو درم ص تخم رازیانه یا کرفس ل لسان الحمل
تمنیق الطاء المهمله بفتح میم و سکون طاء مهمله م حب الفلفل ف انار دانه
دشتی تمنیق الغین المعجمه بزر غ ف بفتح اول و ثانی و سکون غین معجمه م وزغ بکل
وبک دغوک ع تمنیق القاف بزر اق ع بضم اول و ثانی و الف و قاف م لعاب
دهن وریق ه لار بزر السرمق ع بکسر سین مهمله و فتح نیز و سکون راء مهمله و فتح
میم ف تخم قطف ه بتهوے کی بیج ط مع ح پ ی اگونیح بزر السلق ع
بفتح سین مهمله مشدده و سکون لام و قاف ف تخم چغندر ط ب ص تخم سپین ل
تخم خطمی تمنیق الکاف بزر ک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و سکون کاف
بهیر کتان ه السی بزر سک ف بضم اول و کسر ثانی و سکون سین مهمله ع عدس ه
مسور بزر ک ف بضم اول و فتح ثانی جانوریست سیاه رنگ که نوش در ان باشد
و بیشتر در کنار آب و بر سر درخت نیز نشیند و آواز بلند کند تمنیق اللام بزر البصل
ع بسکون لام و فتح موحده و صاد مهمله و سکون لام ثانی ف تخم پیاز ط ح ی
ش دو درم ل هموزن تخم شلغم و هموزن تخم سپست دو وزن تخم گندنا
یکوزن آن تخم انجره بزر الفجل ع بسکون لام و ضم فا و سکون جیم ف تخم ترب
ه مولی کی بیج ط ح ۳ ی ۲ ف معی بهی خ فربه ش کشنیز یا سپستان و شکر
ل حب الرشاد بزر لسان الحمل ع بکسر لام مهمله و لام و فتح سین مهمله و الف و ضم

نون وسکون لام ثانی وفتح حاء مہملہ ومیم ف بارتنگ ہ خوب کلان طب
خ فربہ سیاہ سرخی مائل ش سہ درم ص عسل ل تخم حماض بستانی تمنیق المیم
بزر الخمخم ع بضم ہر دو خاء معجمہ وسکون ہر دو میم ف شفتک وگویند حب الفلفل
بزر النمام ع بفتح نون ومیم مشدد والف ف تخم سیسنبر ہ برنان کی بیج خشیا
بستانی ش سہ درم ص کثیرا ل تخم کتان وبادرنجبویہ تمنیق النون بزر الریحان
ع بفتح راء مہملہ مشدد ثانی وسکون تحتانی وفتح حاء مہملہ بالف ونون ف
تخم ریحان طح ی گویند مع ح ب ق قابض ح سیاہ فربہ کوچک خوشبوی
ش یکمثقال باب سرو یا گلاب ص مرزنگوش ل بزر المرو بزر الکتان ع بسکون
لام وفتح کاف با فوقانی مشدد والف ف بزرک ہ السی طح امع ی گو
مع ح ب گویند ب ی اق منضج ملین خ تازہ فربہ ش سہ درم ص عسل
ل حلبہ با عصارہ باقلا بزر المازریون ع بسکون لام با میم والف وفتح رای معجمہ
وسکون راء مہملہ وضم تحتانی وسکون واو ف تخم مازریون ہ کہ دون کی بیج ط
ح د ۲ خ بستانی ش دو درم ص عسل ل در تحریک باہ حب الفلفل ونیموزن
تودری ونیموزن شقاقل وجہت بیماری مثانہ نیموزن تخم کاکنج ودو دانک وزن
آن محلب بقدر شش یک آن عنب الثعلب وگویند بلیون حنظل تمنیق الواو
بزر المرو بفتح میم وسکون راء مہملہ وواو مجہول ف مرو اسنگ ف تخم مرو شاہ ہ
مروا کنوچا طح دخ تازہ وفربہ سرخی مائل ش دو درم ص گلنار ل بزر کتان
یا بزر قطونا تمنیق الصاد بزر الانجرہ بفتح ہمزہ وسکون نون وضم جیم وفتح راء مہملہ
وخفاء ہاف تخم گزنہ ہ انگن کی بیج طح ی ۲ گویند ی خ فربہ ش نیم مثقال
تا سہ درم ص کثیرا ل حرف وقرطمانا یا بزر کراث یا بزر جرجیر بزر الخرفہ ع بسکون
لام وضم خاء معجمہ وسکون راء مہملہ وفتح قاف تخم لونک ہ لونیا کی بیج طب ۳ ل

المهمله بسرع بضم اول وسکون ثانی ورا مهمله ف غوره وخرما طب ی ق
قابض ش از شراب او یکوقیه ص سکنجبین ساده ل خرنوب تمنیق الزاء المعجمه
بستان افروز بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی والف وسکون نون وفتح همزه
وسکون فا وضم رای مهمله وسکون واو وزای معجمه م برطانیقی ف گل تاج خروس
طب ی اق خ ورساینه خشک کرده ش دو درم تا چهار درم وگویند از تخم او
یکمثقال ص کندر بار از یانه ل حماض بسبایس بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده
ثانی بالف وفتح تحتانی وسکون سین مهمله ثانی نزد اهل مغرب ع رازیانه ف بادیان
ه سولف تمنیق الکاف بسک ف بفتح اول و ثانی وسکون کاف وبسنک ف
بفتح اول وثانی ونون ع اکلیل الملک تمنیق المیم بستام ف بکسر اول سکون
ثانی وفتح فوقانی بالف ومیم م بسدع بخ مرجان تمنیق الهاء بسباسه ع بفتح
اول وسکون ثانی وموحده ثانی والف وفتح سین مهمله ثانی وخفاء هاء ه جاپتری ط
خ ی اگویند ۲ ق ملطف مفتی معی خ زرد وسرخی مائل خوشبو ش دو دانگ تا درم
ص صندل وگلاب ل جوزبویه بسبه ف بفتح اول وثانی ع اکلیل الملک تمنیق
الشین المعجمه وتمنیق الالف بشنکراتناه بکسر اول وسکون شین معجمه وضم نون
وسکون کاف وراء مهمله والف وخفاء نون وفوقانی والف ثانی دوای هندی
تمنیق الزاء المعجمه بشنیز ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی
وزای معجمه م برنجاسف تمنیق الشین المعجمه بشبش بضم هر دو موحده وسکون هر دو شین
معجمه ف ورق حنظل ه اندراین کی پات تمنیق الغین المعجمه بشترغ بضم اول
وفتح نیز وسکون ثانی وضم فوقانی وفتح راء مهمله وسکون عین معجمه ع اکلیل الملک
ه اسپرک تمنیق النون بشولیون یونانی ورومی بضم اول وثانی وسکون واو
وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ثانی ونون ف بنگوه اسفول تمنیق المهمله

ابنلشکر یونانی بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون شین معجمه ثانی وفتح کاف
وخفا راء م جنطیانا تنمیم بفتح اول وسکون ثانی وفتح م انثمیرج ف چشمک ه
چاکسو تسنیق الصاد المهمله وتمیق الموحده بصل الذئب ع بفتح اول
وسکون صاد مهمله وضم لام وکسر ذال معجمه مشدده وسکون تحتانی و موحده م بلبوس
ف پیاز تلخ تمیق الراء المهمله بصاق القمر ع بضم اول وفتح ثانی وضم قاف و
سکون لام وفتح قاف ثانی ومیم وسکون راء مهمله ایصا ع رغوة القمر وحجر القمر وزبد القمر
ف سنگ ه چندر کانت بصل الفار ع بفتح اول و ثانی وضم لام وسکون لام ثانی
وفتح فا والف وسکون راء مهمله ایضا ع اسقیل عف پیاز موش ه کانده تمیق الزاء
المعجمه بصل الزیر ع بکسر زاء معجمه مشدده وسکون تحتانی وزاء معجمه ثانی م بلبوس
تمیق السین المهمله بصل النرجس ع بفتح نون مشدد وسکون راء مهمله وکسر
جیم وسکون سین مهمله ف پیاز نرگس ه نرگس کی جڑ طح ی ۲ ش و مثقال
جند قی تمیق القاف بصاق ع بضم اول وفتح ثانی والف وقاف ف لعاب
دهن ه لار طح د ق منضج محلل خ اصابیم تمیق اللام بصل العنصل ع بفتح
عین مهمله وسکون نون وضم صاد مهمله وسکون لام ثالث م اسقیل بصل ع
بفتح اول وسکون ثانی وثالث ف پیاز طح ی ہم گویند ح ہم د ۳ ق مقطع
ملطف محلل خ سفید ش از تخم بود و در مص سرکه د و غ ل کراث شامی تمیق الطاء
المهمله وتمیق الظاء المعجمه بطیخ ع بکسر اول وطاء مهمله مشدد وسکون تحتانی
وخاء معجمه ف خربزه ه خربزه طح د گویند ب ۳ ق مدر و مجلی و پوست او
منقی خ سمرقندی شیرین ص سکنجبین ساده ل و جلاب با قلاو بزر قطونا تمیق
السین المهمله بطارس یونانی بفتح اول و ثانی والف وکسر راء مهمله وسکون
سین مهمله م سرس تمیق الطاء المهمله بطباط سریانی بفتح اول وسکون ثانی

بامو حده ثانی والف وطاء مهمله ثانی ف کستته ه رت سکا طح ی ۲ ق قابض
خ سبز تازه ش دو درم ص کرفس ل حماض بطاع بفتح اول وسکون ثانی با موحده
ثانی ف قاذه ه هنس طح دف سمن ص سکه وپیاز و سیر خشک و وانداز ند
تمنیق المیم بطم ع بضم اول وسکون ثانی و میم م درخت جبة الخضرا طح ی ۲
ق محلل خ سبز تازه ص سفرجل ل فستق تمنیق النون بطراسالیون یونانی
بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله والف وسین مهمله والف ثانی وکسر لام وضم تحتانی
وسکون واو ونون م فطراسالیون بطراسیونانی کوه وسالیون کرفس
تخم کرفس کوهی ه پہاڑکی اجمود طح ی ۳ ق مفتح مدر خ سیاه ش یکدرم ل
شاه بلوط باد و وزن آن تخم کرفس با نیمونن فستین بطر الاون یونانی بکسر اول
وسکون ثانی باراء مهمله والف ولام والف ثانی وضم واو ع دهن الجرف لفظ
تمنیق التحتانی بطیخ نوع بکسر اول و ثانی مشدد وسکون تحتانی وکسر خاء معجمه وزاء
معجمه وقاف مشدد وسکون تحتانی ثانی ف خیار کد و هندوانه کا تربوز طب
د ۲ خ شیرین آبدار ص قند یا عسل با وی خورند یا بعد از و تنسیق العین المهمله
و تمنیق الموحده بعر الضبع بضم اول وسکون عین مهمله وضم راء مهمله وفتح ضاد
معجمه مشدد وسکون موحده ف سرگین سوسمار طح ا ی ل زبد البحر تمنیق الزاء
المعجمه بعر الماعز ع بمیم والف وکسر عین مهمله وسکون زاء معجمه ف پشک بز ه
بکری مینگنی ط مع ح ی ق منضج معفن خ تازه س ز و نگل تمنیق اللام بعر الجمال
بکسر جیم ومیم والف ولام ثانی ف پشکل شتران طح ی ا تمنیق النون بعر الضان
ع بضاد معجمه مشدد والف ونون ف پشکل میش طح ی ا تنسیق العین
المعجمه و تمنیق الالف بغراف بفتح اول وسکون غین معجمه وراء مهمله والف
خوک نر که آنرا گراز نیز گویند تنسیق القاف و تمنیق الالف بقلة الحمقاء ع

بفتح اول وسکون قاف وفتح لام فوقانی وسکون لام ثانی وضم حاء مہملہ وفتح میم قاف
والف ف تورک ہ ساگ لونیا کا طاب د ۳ گو عذب ۲ ق مغری وسکن
اوجاع خ بہن ورق ص کرفس گویند جرجیست بعضے گویند نعناع ل خس بقلۃ الزہرا
ع بفتح زاء معجمہ مشدد وسکون ہاء و حاء مہملہ والف م بقلۃ الحمقا تمنیق الواو
بقلۃ الضب ع بفتح ضاد معجمہ مشددہ ف بالنگو بری تمنیق الواو المہملۃ بقر
ع بفتح اول وثانی ف گاوہ بیل م بلیدہ بقلۃ الاضاع بفتح ہمزہ وسکون نون
با صاد مہملہ والف ف کلم بقم بفتح اول وسکون ثانی وفتح سیم م بکسط ح ی ۲
تمنیق السین المہملہ بقلۃ العدس ع بفتح عین مہملہ ودال مہملہ وسکون سین
مہملہ ف یوونیہ بہری بقیس بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف درخت
شمشاد تمنیق الفا بقلۃ الخطاطیف ع بضم خاء معجمہ وطاء مہملہ والف وطاء مہملہ
ثانی وسکون تحتانی م مامیران تمنیق القاف بق بفتح اول وسکون ثانی ف
پشہ ہ چھر تمنیق الکاف بقلۃ الملک ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام وضم
فوقانی وسکون لام ثانی وفتح میم وکسر لام ثالث وسکون کاف ف شاہترہ ہ
پت پاپڑہ تمنیق اللام بقلۃ الغزال ع بکسر غین معجمہ وزاء معجمہ والف ولام ثالث ف
م مشکطرامشیع تمنیق المیم بقلۃ الفارسیہ بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام و
ضم فوقانی وسکون لام ثانی با فا والف وفتح راء مہملہ وسکون سین مہملہ وکسر فوقانی
وسکون تحتانی ومیم م بادنجبیہ بقم ع بفتح اول وثانی مشدد ف بکم ہ درخت
آل وجیہ وپتنگ کہ صباغان بکار برند طح ی ۲ ق مجفف ح تازہ تش ا نہ
آب اودہ وزہر صواسط خود س ل قوہ تمنیق الہا بقلۃ الخراسانیہ ع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح لام وضم فوقانی وسکون لام ثانی وضم خاء معجمہ وراء مہملہ
والف وسین مہملہ والف ثانی وکسر نون وفتح تحتانی مشدد وخفاء ہا ف ترہ خراسانی

ه چوکی کاساگ طب بی ۲ گویند ابقلة الذهبیع بفتح ذال معجمه مشدد و سکون لام
وکسر موحده و فتح تحتانی مشدده ساگ تهوا و گویند پالک بقلة اثرجیع بهمزه ملینه
و با و ضم همزه و سکون فوقانی و ضم رای مهمله و کسر جیم و فتح تحتانی مشدده هم بادر نجبویه
بقلة یاردع بفتح موحده ثانیه و الف و کسر رای مهمله و فتح دال مهمله هم لبلاب تقلة اللینة
و لبقلة مبارکیع بفتح لام ثانی و کسر تحتانی مشدد و فتح نون در لغت اول و ضم میم و موحده
ثانی و الف و فتح رای مهمله و کاف در لغت ثانی هم سهر و نام بقلة الحمقا تجنیس الکاف
و تمنیق الفوقانی بکسمات بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله با میم الف نوعی از
نان که آنرا مربع بریده بپزند و در لیسمانها بکشند و توشه مسافران سازند و گویند ف
نان دو آتشه تمنیق الکاف بک ف بفتح اول و سکون کاف هم وزغ و چغر و کل ع
ضفدع تمنیق المنیم بکم ف بفتح اول و ثانی هم بقم تمنیق النون بکائن ه بفتح اول
و ثانی و الف تحتانی و سکون نون ف درخت بان تمنیق التحتانی بکچی ه بفتح
اول و ضم ثانی و کسر جیم فارسی دوا رهندیست بکرائی ف بفتح اول و سکون ثانی
با رای مهمله الف و کسر همزه و سکون تحتانی و بکروی بفتح رای مهمله و کسر واو میوه ایست
میان نارنج و لیموکه از نارنج کوچکتر و از لیمون بزرگتر و شیرین بود و در ولایت
ابک و شمانکاره بسیار باشد تنسیق الکاف الفارسی و تمنیق الراء المهمله
بگبر بفتح اول و سکون کاف فارسی و فتح موحده و سکون رای مهمله ف خیار چنبره
کربالا تمنیق الزاء المعجمه بگمازه بکسر اول و سکون ثانی فارسی با میم و الف و زای معجمه
م شراب تمنیق التحتانی بگنی ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی و کسر نون و سکون
تحتانی هم نثرابیکه از بیخ و جوار و ارزن و امثال آن سازند تنسیق اللام و
تمنیق الموحدة الفارسی بلنجاسپ ف بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون با جیم
و الف و سین مهمله و موحده فارسی هم بوی مادران تمنیق الجیم بلاج ف بفتح اول

۷۳

ولام والف گیاه لوخ که ازان بوریا بافند بلیلج ع بفتح اول کسر ثانی وتحتانی
مجهول وفتح لام ثانی ف بلیله بهیڑا طب اگویند ۲ ی ۳ ق قابض بلطف
مقوی معده خ زرد رسیده ش یکدرم تا سه درم ص عسل بالبوانیسون ودر
بوئیدن خیری ومرزنگوش ل آمله بادرق خبازی گویند فاغیه خشک ودو دانگ
وزن آن آس وشش یک آن ہلیله سیاه تمنیق الجیم الفارسی بلیخ ف بفتح اول
وثانی وسکون خاء معجمه م ذاک سیاه تمنیق الحاء المهمله بلیخ ف بفتح اول وثانی
وسکون حاء مهمله ف غوره خرما که اندک ترشی بهم رسانیده باشد کچی کهجور طب ی
تمنیق الواو المهمله بلادریج بفتح اول ولام والف وضم دال مهمله وسکون
ہبلاوان طح ی ۴ ق مقوی دماغ خ سیاه فربه که بعد از شکستن عسل بسیار دہد
نش نیم درم ص کتیرا یا روغن جوز یا مغز جوز یا شکر ل فندق بیخ وزن آن دو دانگ
ونیم وزن آن روغن بلسان ونارجیل م باغرول دگویند شش یک آن لفظ
بلارف بفتح اول وثانی والف م آذر بویه وآن بیخ گیاهیست که آنرا اشنان خوانند
تمنیق السین المهمله بلبوس بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده ثانی وسکون
واو وسین مهمله م بصل الزیره دگویند پیاز تلخ طح ی اگویند ۲ ق مقطع خ تازه
ص شیر تازه دوشیده ل بصل العنصل بلسن ق بضم اول لام ع عدس تمنیق الضاد
المعجمه بلوط الارض بضم اول وثانی وسکون واو وضم طاء مهمله وسکون لام ثانی
وفتح همزه وسکون راء مهمله وضاد معجمه م کمادریوس تمنیق الطاء
المهمله بلوط بضم اول وثانی وسکون واو مشهور بهمین نام ا
ب ی ۲ گویند ا گویند ی ۳ ق قابض
وحابس خون خ فربه بزرگ رسیده ش دو درم
تا ۳ درم ص بریان کرده یا شکر خوردن ل

شاه بلوط یا بوزن آن ثمر نوب بنطی تمنیق الفا بلنجاسف بکسر اول وثانی وسکون نو
یا جیم والف وفتح سین مهمله هم برنجاسف تمنیق الکاف بلک ف بکسر اول وسکون
ثانی هم آتشن بلوط الملک ع بسکون لام ثانی وفتح میم وکسر لام ثالث ف شاه بلوط
وگویند گردگان تمنیق اللام بلال ف بفتح اول ولام الف بلاد بل ف بفتح اول
وسکون ثانی ثمریست که پوست این را شل خوانند وتخم این را بل وتخم این بل
لا بیل ط ح ی ۲ گویند ق حابس لطن خ شیوه ش دو درم تا سه درم تمنیق النون
بلبین ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده ثانی وسکون نون هم خرفع بقلة الحمقا
بلسان ع بفتح اول وثانی وسین مهمله والف ونون شجره مصری مشهور ط ح ی ۲ گوینـ
ق ق لطف محلل خ خوشبوی ش نیم درم ص صندل ل زیتون وفتح بلسین
اول وسکون ثانی وضم سین مهمله انجیر سفید بلبطاون بفتح اول وسکون ثانی با طا
مهمله والف وفتح واو چولائی کا ساگ بلمون یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم میم
سکون واو هم سانج بلچیطون یونانی بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر سین مهمله
وسکون تحتانی وضم طاء مهمله وسکون واو ثانی ف گلنار وگویند میوه بل تمنیق الها
بلبکه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده ثانی وکاف وخفاء ها هم مسکه بلوایه
ف بفتح اول وسکون ثانی وواو والف وفتح تحتانی هم بالوایه ویرستوک بلهار ف بفتح
اول وسکون ثانی با ها والف وسکون راء مهمله وفتح موحده ثانی وسکون نون
وفتح دال مهمله بردتی وگویند کلتهی بلیله ف ع بلیلج تمنیق التحتانی بلبلی ف بضم
اول وسکون ثانی وضم موحده ثانی وکسر لام دوم وسکون تحتانی هم جبنسی زوالو
تمنیق النون وتمنیق الالف بنداه بفتح اول وخفاء نون وفتح دال مهمله والف
دوائی هندیست وآن عبارتست از رخنه که بر درخت دیگر روید تمنیق الفوقانی
بناست بکسر اول وفتح ثانی والف وسین مهمله ع صمغ البطم تمنیق الجیم بنفسج ع

بفتح اول و ثانی و سکون فا و فتح سین مهمله ف بنفشه ه بنوساطب ۲ ریز گویند
ب را گویند ا ف مسهل صفرا و بلین خ خوشبوی ش دو درم تا چهار درم خشک
او و پنج درم از تر ا و ص سفر جل ل نیلوفر و پرسیاؤشان بنج ع بفتح اول و سکو
ثانی و جیم م بنگ ف بنج و شبکران ه خراسانی اجوائن ب ۳ ی اق مخدر قابض
مسکن خ سفید ش دو درم ص عسل ل لفاح و خشخاش با افیون تمیق الدال المهملة
بنات الردع بفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی و فتح را مهمله مشدده و سکون
عین مهمله م سمار وغ ف کلاه ماران ه گگن هول و کهبنی تمیق الراء المهملة
بنات النارع بفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی با نون مشدد ثانی و الف و دو م
و را مهمله م انجره ف کزنه بنیره بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده ثانی و سکون را
مهمله م سپستان تمیق الشین المعجمه جنوباش ف بضم اول و ثانی و سکون او
با میم و الف ه غله مونگ تمیق القاف بندق بکسر اول و سکون ثانی و ضم دال
مهمله م فندق ف بادام کشمیری سه گوشه طح دمع گویند داق مبهیج
باالیده ش ده درم ص فانیذ ل بادام شیرین یا بوزن آن مغز جوز و بعضی گویند
چلغوزه تمیق الکاف بنبک ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی نوعی از ابریشم
نر یا پیست ه کرط تمیق الکاف الفارسی بنگ بضم اول و سکون ثانی و کاف
مانند قشور پیست که از بیخ مغیلان در زمین خیزد طح ی اق قابض مجفف خ
سفید فربه زرد سیاه خوشبو ل سنبل و بفتح اول و ثانی بفارسی
میوه بن و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی
خوشه خرما تمیق النون بنجنکشت ران بکسر اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون
شین معجمه کاف و فتح زا معجمه و واو و الف و نون ع لسان العصافیر نسلوبین
ه بفتح اول خفای ثانی و سین مهمله و ضم لام و سکون م او و فتح جیم فارسی م طباشیر

٧٥

طب بنبطافلون یونانی بکسر اول و سکون ثانی با طاء مهمله والف و فتح فا و ضم لام
و سکون واو ف بیخ پنجنگشت طب ای ۲ ق تا البض خ بیخ غلیظ ش ۲ مثقال
ص کرفس ل جلبنا بنکدان ف بضم اول و سکون ثانی و فتح کاف با راء مهمله
والف م بیخی که در ته دیگ بریان شده باشد کهین بن گیهون بفتح اول و
سکون ثانی و کسر کاف فارسی و تحتانی مجهول و ضم ها و سکون واو م آخر و سه
بن بضم اول و سکون ثانی ف آبکامه و تخم قهوه را نیز گویند و بفتح اول م سپوده و
تمنیق الواو بنکوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی کلاه مفلول تمنیق
الهاء بنتومه بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون واو و فتح میم و خفاء ها
ه اکاسن بیل بنقیع بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م علة البیت عدس مانند اغلب
غلا سهر طامع ی تمنیق التحتانی بیخ و شتی بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح
دال مهمله و سکون شین معجمه کسر فوقانی و سکون تحتانی کلاه جهتو را بندق هندی بکسر
اول و سکون ثانی و ضم دال مهمله و کسر قاف دها و سکون نون ثانی و کسر دال مهمله
ثانی ه ریٹها طح ی اش بست مثقال از روغن او تلنسیق الواو و تمنیق الالف
بوحا یونانی بضم اول و سکون واو با حاء مهمله ف ماه پروین تمنیق الموحده بول آکل
ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و فتح دال مشدده و واو والف و موحده ثانی
ف شاش بهار پایان بول الکلب ع بسکون لام ثانی و فتح کاف و لام ثالث
ف کمیز سگ تمنیق الجیم بوغنج ف بضم اول و سکون ثانی و فتح غین
معجمه و سکون نون ف سیاه دانه که کلونجی تمنیق الدال المهمله بوشاد ف
و یونانی بضم اول و ثانی مجهول و شین معجمه و الف ف شلغم تمنیق الراء المهمله بوتیما
ف بضم اول و سکون واو و کسر فوقانی و سکون تحتانی با میم والف م غم خورک
گویند که بر لب آب نشیند و از غم آنکه مبادا آب کمی پذیرد با وجود نهایت تشنگی

آب تخوره یونانی شقیقین نامند ع نمام ق گوشتش مقوی حافظه و مسهل بوصیر
بضم اول وسکون ثانی وکسر صاد مهمله وسکون تحتانی م مغیلان ه کیکر بوقیضا یونانی
بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی با ضاد معجمه والف ف درخت
پشه وسفیدار و دوار بول البقع بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام
ثانی وفتح موحده وقاف ف شاش گاو خ از گاو تر بول الحمار بسکون لام وکسر
حاء مهمله با میم والف ف کمیز خر تمنیق الزاء المعجمه بر زوف بفتح اول وسکون
ثانی و زاء معجمه م زنبور سیاه که بر گلها نشیند بو بوزا بستان افروز ف م
گل تاج خروس بول العنزع بفتح عین مهمله وسکون زاء معجمه ف شاش بز تمنیق السین
المهمله بول الجاموس ع با جیم والف ومیم وسین مهمله ف کمیز گاو میش بول الناس
ع ف شاش آدمی طح ی ۳ ق مجلی ص زبل نمک آب تمنیق الشین المعجمه
بوریطش یونانی بضم اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وکسر طاء مهمله م
ترشیشا تمنیق الفا بوف بضم اول وسکون واو ف جانور کوف و بوم که به
نحوست اشتهار دارد تمنیق القاف بورق بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله م
بوره ف تنکاره سها گه طح ۳ ی ۳ گویندی ۲ ق مجلی مقطع منقی ملطف مفرح بلغم
خ سفیداب هندی نش در حقنه یکدرم تا دو درم ص صمغ عربی ومضمضه بسرکه وشراب
ل نمک تلخ یا نمک اندرانی یا شب تمنیق الکاف بوکلک ف بضم اول وسکون ثانی
وفتح کاف ولام وسکون کاف ثانی م بن کوهی وضحاک دتبرکی خیلا غوج نامند
تمنیق الکاف الفارسی بورنگ بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون
نون وکاف فارسی م بادروج تمنیق اللام بول الابل ع بفتح اول وسکون
ثانی وکسر همزه وموحده ثانی وسکون لام ثالث ف کمیز شتر خ از شتر اعرابی بول
ه بضم اول وسکون ثانی م م تمنیق المیم بوم ف بضم اول وسکون ثانی

وسیم و الو تمنیق النون بو بودیون یونانی بضم هر دو موحده و سکون هر دو واو
و فتح دال مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثالث و نون م بسفایج بوتزیدان بضم اول
و سکون ثانی و فتح زای معجمه و سکون تحتانی با دال مهمله و الف بوزدان و گویند
سنا و رطح ی ۳ گوینج ۳ ی اق ملطفخ سطبر تازه سفید با خطوط شبکه دم
نا و ودرم ص عسل یا خردل ل ه و دزن آن بهمن سفید یا بوزن آن وج و نیم وزن آن
در شبادیا سورنجان بوغلصن یونانی و رومی بضم اول و سکون ثانی و فتح غین معجمه
و سکون لام و ضم صاد مهمله ع لسان الثور ف گاؤزبان بوقلمون بضم اول و سکون
ثانی و فتح قاف و ضم لام و میم و سکون واو ثانی ع حرباف آفتاب پرست و گرگٹ
بول الصبیان ع بکسر صاد مهمله مشدد و سکون موحده ثانی یا تحتانی و الف ف
کمیز کودکان بولوطیجوبی یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو ثانی و فتح
طاء مهمله و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و ضم خاء معجمه و سکون واو ثالث ف پرسیاوشان
ه هنسراج بوبادران ف بضم اول و سکون ثانی با میم و الف و فتح دال مهمله و ساء مهمله
والف ثانی و بوباران بحذف دال مهمله هم برنجاسف تمنیق الماء بوزنه و بوزینه
ف بضم اول و سکون ثانی و زای معجمه و فتح نون و خفای ها در لغة اول و کسر زای معجمه
و سکون تحتانی و فتح نون در لغة ثانی م میمون بوطانیه یونانی بضم اول و سکون ثانی
با طاء مهمله و الف و کسر نون و فتح تحتانی و خفاء ها ف سیاه دارو تمنیق التحتانی
بوره آمنی بضم اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و همزه مایینه و ها و فتح همزه و سکون راء
مهمله ثانی و فتح میم و کسر نون و سکون تحتانی م بورق بول الخنزیر البری ع بفتح
اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون لام ثانی و کسر خاء معجمه و سکون نون و کسر
زای معجمه و سکون تحتانی و کسر راء مهمله و سکون لام ثالث و فتح موحده و کسر راء مهمله
مشدد ثانی ف شاش خوک جنگلی بولسری لا بضم اول و سکون ثانی و لام و فتح

سین مهمله وکسر راء مهمله درخت مشهور هندیست که گل خوشبو دارد و هر چند گلش تیره گردد بسیار بوده و ثمرش بعینه ثمر کناریست و ماهی عظیم در رودها است تمنیق
الهاء وتمنیق الالف بهانتاه بفتح اول و اظهار ها والف و خفا نون با فوقانی و الف
ثانی ف بادنجان بهالاواه بکسر اول وسکون ثانی با لام والف و واو ف بلادر
بهنگراه بفتح اول وسکون ثانی و خفا نون و فتح کاف فارسی و راء مهمله الف
دوا عظیم النفع ست هندی م صعبره بهیراه بفتح اول وکسر ثانی و تحتانی و راء
مهمله ف بلیله ست تمنیق الموحده بهارسیب بفتح اول و ثانی والف وکسر راء مهمله
وسین مهمله و تحتانی مجهول و موحده ف گل سیب ق شهوی دماغ تمنیق الجیم بج
بفتح اول وسکون جیم ثانی م بوزیدان براج بفتح اول م سکون ثانی با راء مهمله
والف و فتح میم م بید مشک طامع بروج ف بکسر اول وسکون ثانی وضم راء
مهمله و واو مجهول م کنند هندی ه بریجان و گویند نوعی از بلور کبود تمنیق الدال
المهمله بهار امرود بفتح همزه وسکون میم وضم راء مهمله وسکون واو ف گل امرود
مقوی دماغ تمنیق الراء المهمله ف بهار بفتح اول و اظهار الف و راء مهمله م با بونه
و گویند گل کهنان و گل نارنج طح ی اق محلل خ زرد تازه اش یکمثقال ص زعفرو
ل جعده بهق الحجر ع بفتح اول و ثانی وضم قاف وسکون لام و فتح حاء مهمله وجیم
ع خراز الصخر ف گل سنگ و آن مانند زنگ چیزی بر سنگی نشیند بهوج پتره
بفتح اول وضم ثانی و اظهار آن و واو مجهول و جیم و فتح موحده فارسی و فوقانی مشدده
م درخت هندیست که در کشمیر از قشر او اوراق سازند و بسان کاغذ بر وکتابت
نمایند تمنیق الزاء بهروزف بکسر اول سکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو و زا
معجمه کاه بریجا تمنیق الکاف الفارسی بهانگ ه بفتح اول و اظهار ثانی والف خفاء
نون و کاف فارسی م قنب تمنیق اللام بهاتل ه بفتح اول و اظهار ثانی والف

٧٩

وخفاء نون و فتح فوقانی هندی و سکون لام م تشنج ف گل کننده بهودل ۸ بفتح
اول و ضم ثانی و اظهار آن و واو مجهول و دال مهمله هندی ع طلق ف ابرک تمنیق
النون بهمن و بهرمان ف بفتح اول و سکون ثانی با راء مهمله و الف و فتح میم و
سکون نون در لغت اول با میم و الف و نون در لغت ثانی یاقوت سرخ و غازه که
زنان بر روی مالند و گل خسکدانه بهمن م بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم مشهور
است بهمین نام و گویند اسکنده ولایتی ست سرخ ۵ بهمن سفید ۵ اسکن طرح ی
گویند ح د ۲ ق سمن مفرح و مقوی ول خ سرخ ش یکدرم ص انیسون ل تودری
و لسان العصافیر تمنیق الهاء بهاریه ف بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء مهمله
و حده ثانی و هاء ثانی ف گل آبی مقوی و ماغ بهرامه ف بفتح اول و سکون ثانی
با راء مهمله و الف و فتح میم و خفاء هاء ع بهرامج م بید مشک بهروجه و بهروزه ف بکسر
اول و سکون ثانی و ضم راء مهمله و واو مجهول و فتح جیم و بفتحا اول و زاء معجمه بلغت
ثانی و خفاء هاء ۵ بریجا تمنیق التحتانی بهارنگی ۵ بفتح اول و اظهار ثانی و الف و
فتح راء مهمله و سکون نون و کسر کاف فارسی و دوای هندیست تمنیق الیاء
التحتانی و تمنیق الالف بیش بیشا بکسر اول و سکون تحتانی و شین معجمه و کسر
فوقانی و تحتانی مجهول ثانی و شین معجمه ثانی م ماه فرنین تمنیق الفوقانی بید خشت
بکسر اول و ثانی مجهول و سکون دال مهمله و کسر خاء معجمه و سکون شین معجمه و فوقانی
ف شیر خشت بینت ۵ بکسر اول و ثانی مجهول و خفاء نون شجریست خاردار که
در هندا ز چوب او دسته چابک سازند و چل بنیت نیز قسمی از وست ف خیزران تمنیق
الخاء المعجمه بیخ مخ بکسر اول و ثانی مجهول و کسر خاء معجمه و ضم میم و سکون خاء معجمه
ثانی ۵ مدرتی بیض مسلوخ ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر ضاد معجمه و فتح میم و سکون
سین مهمله و ضم لام و سکون واو ف تخم مرغ جوشانیده یا بریان کرده

وسکون لام وفتح موحده ثانی وسکون طاء مهمله ف خلیه قانخ تازه تمنیق القاف
بیض مسلوق ع بکسر ضاد معجمه وفتح میم وسکون سین مهمله وضم لام وسکون واو ف
تخم مرغ بریان کرده وجوشانیده تمنیق الکاف بیخ مهک بفتح میم وسکون ها ه هرهی
بید مشک ف بکسر میم وسکون شین معجمه نوعی از بید است که از گل آن عرق کشند
تمنیق اللام بیض الحجل ع بفتح حاء مهمله وسکون جیم ولام ف خایه کبک ه بهی
خ تازه بیل بکسر اول وثانی مجهول م بل کل ای بیل تمنیق المیم بیض الحمام ع
بفتح حاء مهمله بامیم والف ف تخم کبوتر ه بهی بیض النعام ع بضم نون مشدد
وفتح عین مهمله باالف ف خایه شترمرغ خ تازه تمنیق الهاء بیجاده ف بکسر اول و
ثانی مجهول وجیم باالف وفتح دال مهمله م کهربا وکاهی وگویند سنگریزهای سرخ رنگست
که از جواهر فرومایه باشد وبعضے گویند بیجاده پر مرغ را جذب کند بیرزه ف بکسر اول وثانی
مجهول وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه ه بریجا بیحیله بروزن بحیله ف م خرفه بقلة
بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف م بنفشه که گفته شد تمنیق التحتانی بیخ چوبچینی
بضم جیم فارسی وسکون واو وکسر جیم ثانی ه چوبچینی کی جڑ که آنرا کوه کان چرن
را بیحا بامی چیپا نیز بیخ چینی ف بکسر اول وثانی مجهول وکسر خاء معجمه وجیم فارسی
وسکون تحتانی ثانی وکسر نون م چوب چینی وبیخ حیات بیخ شاهدشتی ف باشین
معجمه والف وفتح نون وهمزه ملینه وفتح دال مهمله وسکون شین معجمه ثانی وکسر فوقانی
ه کنگهی کی جڑ بیخ سورٹ جنگلی ه ق مخد بیرزی ف بکسر اول وثانی مجهول وراء مهمله
وکسر زاء معجمه ه بریجا توقیم الباء الفارسی وتنسیقه وتمنیق الالف پا آڈراه
بموحده فارسی والف ودال مهمله هندی وراء مهمله والف ثانی گل درخت هندیست
پاڈل بموحده فارسی والف وفتح دال مهمله هندی وسکون لام پارا ه بموحده فارسی
والف وراء مهمله ف سیماب طرح تمنیق الفوقانی هندی پاٹ ه بموحده فارسی والف

ف ابریشم تمنیق الدال المهملة پالکیان بسیده بموحده فارسی والف وفتح کاف
واظهار ها والف ونون وکسر موحده واظهار های ثانی وتحتانی مجهول م جنطیانا
تمنیق الدال المعجمة پانیذ ف بموحده فارسی وکسر نون وسکون تحتانی ع کعب الغزال
وفانیذ ه تباسه تمنیق الراء المهملة پاکره بموحده فارسی والف وفتح کاف وسکون
راء مهمله درخت هندیست که قسمی از درخت برست طب پاوزهر ف بموحده فارسی
والف وواو وفتح زاء معجمه وسکون هاء ف تریاک چه پاو بمعنی شوینده وپاک کننده است
ه زهر ه تمنیق الکاف پاچک ف بموحده فارسی والف وفتح جیم فارسی م سرگین گاو
که خشک شده باشد یا بدست آنرا چنین ساخته باشند بجهت سوختن ه اوپلی وتیروارد
یا ضم طعام پالک ه بموحده فارسی الف وفتح لام ف اسفاناخ طب تمنیق النون
پان ه بموحده فارسی والف ف برگ تنبول طح تمنیق التحتانی پاپری ه بموحده
فارسی والف وفتح موحده فارسی ثانی وکسر راء مهمله ف تمشا طب تنسیق التاء
الفوقانی وتمنیق الالف تیت پاپرا ه بکسر اول فارسی وسکون فوقانی وموحده
فارسی ثانی والف وموحده فارسی ثالث وراء مهمله هندی ف شاهتره طب تیتپاپا
ه بفتح اول فارسی وسکون فوقانی وکسر جیم وتحتانی دوای هندیست تمنیق الجیم
پترج ه بفتح اول فارسی وسکون فوقانی وفتح راء مهمله م سانج طح تنسیق الجیم
المعجمه وتمنیق الهاء پخته بفتح اول فارسی وسکون خاء معجمه وفتح فوقانی وخفاء ها
پنبه تنسیق الدال المهمله وتمنیق الکاف الفارسی پدم راگ ه بفتح اول
فارسی دال مهمله وفتح راء مهمله والف وکاف فارسی ف یاقوت سرخ تمنیق الهاء پدمه ف بفتح
اول فارسی دال مهمله نام درختی ست که بر بند هع غرب تلسیق الراء المهمله وتمنیق الدال المهمله
پرعدف بفتح اول فارسی سکون راء مهمله وفتح واو وسکون نون ع م امر وتمنیق الکاف پرلک ف
باول فارسی نوعی از فولاد جوهر دار پرسنگ وپرسلوک ف بکسر اول فارسی وثانی

پست ف بکسر اول وسکون ثانی وفوقانی ہم نیم آرد وآرد بریان کردہ بزبان
ترکی تلقان خوانند تمنیق الکاف الفارسی پستان سگ ف ہم پستان
ہ لسوڑہ تمنیق الکاف پستانک ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون وفتح
کاف فارسی وسکون کاف ثانی ثرا تمنیق الواو پست جو بکسر اول فارسی وسکو
ثانی وکسر فوقانی وفتح جیم ف آردجو تنسیق الشین المعجمہ وتمنیق الکاف پشک
بکسر اول فارسی وسکون شین معجمہ وکاف ف سرگین تمنیق اللام پشکل بکسر اول
فارسی وسکون ثانی وکسر کاف ف سرگین تنسیق الکاف وتمنیق الدال المہملہ
پلند ف بفتح اول فارسی ثانی وسکون نون ودال مہملہ بزبان جنوق نان تمنیق الکاف
الفارسی پکھراک ہ بضم اول فارسی سکون ثانی واظہار ہا با را مہملہ الف وکاف
فارسی ف لبراق تمنیق النون پکھب انجن ہ بضم اول فارسی وسکون ثانی وہا
وفتح موحدہ فارسی ثانی ہمزہ وسکون نون وفتح جیم وسکون نون ثانی وماہی
ہندیست جہت امراض چشم طرح تنسیق اللام وتمنیق الالف پلاس پاپڑا ہ
بفتح اول فارسی ولام والف وسکون سین مہملہ باموحدہ فارسی ثانی والف ثانی و
فتح موحدہ فارسی ثالث با را مہملہ والف ثالث ف درخت پلہ ہ ڈھاک کی بیج
تمنیق السین المہملہ پلاس ہ بفتح اول فارسی ف پلہ ہ ڈھاک طرح وطین
تمنیق الکاف پلستک ف بکسر اول وثانی وسکون سین مہملہ وضم فوقانی ہم
پستوک پلنگ مشک بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون و
کاف فارسی وکسر میم وسکون شین معجمہ ہم فرنجمشک ف
بالنگو خورد تمنیق اللام پلاس پیپل ہ بکسر اول فارسی
با لام والف وسین مہملہ وکسر موحدہ فارسی ثانی
وسکون تحتانی وفتح موحدہ فارسی ثالث ہ پارس پیپل

درخت هندیست پلپل ف بکسر هر دو موحده فارسی وسکون هر دو لام م فلفل
پکول ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح واو م ثمره هندیست که اکثر درگشت
برگ تنبول میکارند و ناخورش نیکوست طح تمنیق المیم پکرف بفتح اول
فارسی وسکون ثانی و میم م خاک تمنیق المها پلغده ف بفتح اول فارسی و ثانی
وسکون غین معجمه و فتح دال مهمله م تخم مرغ و میوه که پوسیده باشد پلک ف بفتح
اول فارسی و ثانی ه درختیست هلک و نیز بفارسی شیر حیوان نو زاینده که آنرا فله
در رنگ نیز گویند تمنیق التحتانی پلچی ف بضم اول وسکون ثانی وکسر جیم فارسی م
خرمهره پلیندی ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح تحتانی وسکون نون وکسر
دال مهمله نوعی از خربزه تنسیق النون وتمنیق الالف پنرنوا ه بضم اول فارسی
و ثانی وسکون راء مهمله وفتح نون ثانی و واو م بسکهپرا تمنیق الفوقانی پجنگشت
ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح میم وسکون نون ثانی وضم کاف فارسی
سکون شین معجمه ه درخت سبنهالو طح الگوینده ی ۳ ق محلل ملطف مفتی
خ تخم تازه ش یکمثقال ص صمغ عربی ل دو وزن آن شهد تمنیق الدال
المهمله پندف بفتح اول فارسی وسکون ثانی م غلیواژ تمنیق الواء المهمله
پنواطه ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی و واو والف دوای هندیست م قلت
طب ی تمنیق الکاف پنج پایک ف بفتح اول فارسی وسکون نون و جیم
و موحده فارسی ثانی والف و فتح تحتانی ع سرطان پنانک ف
بفتح اول فارسی با نون والف و فتح نون ثانی ع صمغ پنیرک
ف بفتح اول فارسی و کسر ثانی وسکون تحتانی و فتح
راء مهمله م گل خطمی تمنیق الکاف الفارسی پنک بفتح اول
فارسی وسکون نون و کاف فارسی م خوشه تمنیق المیم پنجه مریم

ستہ چمنی و
ہراسانی و سندو
ہر از انواع آن
ہتر بہتر ست
ہر دو فشکست
و در بر صاد اول
دامك
اور ار اندازو
رام بکسر نیز گویند
لغۃ داروی

۸۹

بفتح اول فارسی ه ہا بتہا جوطی تمیق الطاپنبہ اند ف کاسنو لا پنج پایہ ف جخنک
ہالیکڑا پنجہ گربہ ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح جیم وہمزہ ملینہ وضم کاف
فارسی سکون رار مہملہ وفتح موحدہ م بید مشک تلسیق الواو وتمیق الفوقانی
پوست ف بضم اول فارسی وسکون واو وفوقانی م چلکہ تمیق الشین المعجمہ
پوپش ف بضم اول فارسی وسکون ثانی و واو وفتح موحدہ فارسی ثانی ع ہہ
تمیق الکاف پوپک ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحدہ فارسی ثانی
ع ہہ پوستک ف بضم اول فارسی وثانی مجہول وفتح شین معجمہ م کرہ تمیق اللام
پوپل ف بضم اول فارسی وثانی مجہول وفتح موحدہ فارسی م فوفل و سپیاری تمیق الواو
پوپو بہر دو موحدہ فارسی وسکون ہر دو واو م ہدہد وآواز ہدہد تمیق الہاف پوپہ
بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحدہ فارسی واخفاء ہا ع ہدہد پوپنہ ف بضم اول
فارسی وثانی مجہول وفتح نون م خربوزہ وہندوانہ و دیگر میوہا کہ درون سان مفصل
و بوسیدہ باشد تمیق التحتانی پوت بنہاری کہ ف تخم خار واژگونہ م حرچیکی
پوش در ہندی بضم اول فارسی وسکون واو وکسر شین معجمہ وفتح دال مہملہ وسکون
راء مہملہ وفتح موحدہ وسکون نون وکسر دال مہملہ ثانی ف شیاف ست کہ از این
دور ہندی می آرند وان نباتیست کہ ہمچنان میگویند وشیاف میسازند طب ی ال
یا میثا عنب الثعلب یا بزر البنج یا حضض یا عصارہ ما میثا پھری کہ بضم اول فارسی
وثانی مجہول ف سبری ہندیست کہ ریشہا مثل انگور بر بیارہ میدواند بعینہ عنب الثعلب
ست وانتہا نی نخورش تلسیق الہا وتمیق الالف پہلسا بفتح اول فارسی
وانطمار ہا وسکون لام وسین مہملہ م میوہ مشہور ہندیست تمیق الدال المہملہ
پہریدہ بفتح اول فارسی وانطمار ہا وسکون رار مہملہ وفتح ہا ثانی درخت ہندیست
تمیق الراء المہملہ پہنور ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وضم نون

پنتیل بکسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح فوقانی ف برنج تنمیق النون پیغین
بفتح اول فارسی و سکون تحتانی و ضم غین معجمه و سکون نون م صداب تنمیق
الواو پیلوه بکسر اول فارسی و سکون ثانی و ضم لام ع اراک پینوف بکسر اول
فارسی و سکون ثانی و ضم نون ف دوغ ترش پخته م کشک قروت تنمیق الهاء
پیچه ف بکسر اول فارسی و ثانی مجهول و فتح جیم فارسی م سحاک پیله ف بکسر اول فارسی
و ثانی مجهول و فتح لام شکوفه ابریشم تنمیق التحتانی پی ف بفتح اول و سکون تحتانی ع عصب نس
ترقیم التاء الفوقانی و تنسیق و تنمیق الالف تال تکهاراه بفوقانی و الف
و لام و فتح میم و کاف فا ظهارها و الف ثانی و راء مهمله و دای مشهور هندیست تانبا
ه بفوقانی و الف و خفاء نون و موحده ف مس تنمیق الموحده تاکوب بر بری
بفوقانی و ضم کاف و سکون واو م فرفیون تنمیق الفوقانی تاسمصت بر بری
بفوقانی و الف و کسر سین مهمله و سکون میم و فتح صاد مهمله و سکون فوقانی ف ترشه
تنج تاغندست بربری بفوقانی و الف و فتح غین معجمه و سکون
نون و فتح دال مهمله و سکون سین مهمله فوقانی ثانی م عاقرقرحا
تنمیق الخاء المعجمه تاخ بفوقانی و الف و سکون خاء معجمه درختی ست که چوب آنرا
هیزم سازند آتش آن از هیزمهای دیگر بیشتر ماند و آنرا تاغ نیز گویند تنمیق الدال
المهمله تارد ف بفوقانی و الف و فتح راء مهمله م کشته که برگا و دیگر حیوانات
بجسپد تنمیق الراء المهمله تار ف بسکون راء مهمله درختیست شبیه به درخت خرما
که از ان آبی حاصل کنند که با نیفه در و سکر دوا کثر به ملک هندوستان شود و درازی
برگ آن از هر یک سکتر بیشتر و برهمنان کتابها بران نویسند و هندوان و زبان
السان بزه گوش خود پاره ساخته برگ آن درخت پیچیده دران نهند تالسفیر
بفوقانی و کسر لام و سکون سین مهمله و کسر فا و سکون تحتانی و کسر سین مهمله ثانی ف

تخم سپندان ه اسپند تالیسپتره بفوقانی والف وکسر لام وسکون تحتانی و
سین مهمله وفتح موحده فارسی وفوقانی مشدده دوای هندیست تامر بفتح میم
گل حماض تمنیق الغین المعجمه تاغ ف بفوقانی والف م درخت تاخ وتخم مرغ
تمنیق الکاف تارتنک ف بفوقانی والف وسکون راء مهمله وفوقانی ثانی وانون
ع عنکبوت تاشک ف بفوقانی والف وفتح شین معجمه م سکره ع زبده تافشک ف
بفوقانی والف وفتح فا وشین معجمه م دیوچه ع ارضه تارک ف بفوقانی والف واو
خرو کا وجوانه تمنیق اللام تال ف م درخت تاڑ تامول وتانبول م بفوقانی و
الف وضم میم و واو مجهول در لغة اول وسکون نون وضم موحده وسکون واو ف
برگ تنبول ه پان وناک بیل ب ای ۲ گویند ح ای ۲ ص فوفل بکات آرکه
مجموعه ل فرنفل تاول فلفتح واو م تاوک تمنیق النون تارین بفوقانی والف
وکسر راء مهمله وسکون تحتانی ونون وبی نون نیز آبیکه از درخت تاڑ حاصل شود
وآن شربتی بود که نشا اش باد در سر آرد تمنیق الواو تاهوف بفوقانی والف وضم
هام شراب عراقی تمنیق الهاء تارچوبه بفوقانی والف وراء مهمله وضم جیم فارسی واو
مجهول وفتح موحده م بلیون تاالانه ف بفوقانی والف ولام الف وفتح نون لغ
انشفتالو تمنیق التحتانی تالگی ف بفوقانی والف وسکون لام وکسر کاف فارسی
م کشنیز صحرائی تنسیق الباء الموحده وتمنیق الدال تبرزد ف بفتح فوقانی و
موحده وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه نبات وشکر سفید ونوعی از نمک سخت از قسم
نمک سنگ وقسمی از انگور در غایت شیرینی وصبر را نیز گویند تمنیق الراء المهمله تباشیر
ف بفتح اول وثانی والف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی م بنسلوچن تبرع بکسر
اول وسکون موحده ف زر وطلا ه سونا تمنیق النون تبرخون ف بفتح اول وثانی
وسکون راء مهمله وضم خاء معجمه وسکون واو ع عناب وگویند چوبی ست سرخ رنگ

بسیار سخت و گران واملس که شاطران ازان چوبستی سازند و گوبند سرخ بید گویند
تخم وگو بینونعی از تره که با طعام وزنان بخورند و آنها ترخوان و ترخون خوانند و معرب
آن طرخون تکان ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف و الف ف خاره ه کانتا
تمنیق الهاء تبزرف بفتح اول و ثانی و سکون رای مهمله و فتح زای معجمه م تبزر و تین بکسر
ع بکسر اول و سکون ثانی و نون و فتح میم و کاف مشدد م اذخر تنسیق الفوقانی
و تمنیق الکاف تریک بفتح اول و سکون ثانی و کسر رای مهمله و سکون تحتانی و کاف
م سماق تمنیق المیم تخم تف بضم هر دو فوقانی م سماق تمنیق التحتانی تتری
ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر رای مهمله م سماق تتلی بفتح و سکون ثانی و کسر لام
ه چوچی تنسیق الخاء المعجمه و تمنیق الموحده تخم جاروب ف م اطریلال
تمنیق الفوقانی تخم اسپست بکسر همزه و سکون سین مهمله و کسر بای فارسی و سکون
سین مهمله ثانی و فوقانی م بذر الرطبه تمنیق الخاء المعجمه تخ بفتح اول و سکون
ثانی ف کسنبه و کنجاره ه کهل تمنیق الضاد المعجمه تخم حماض بفتح حای مهمله و میم مشدد
والف و ضاد معجمه ه چوکی کی بیج تمنیق الکاف تخم ترک ف ع بذر الخرفه تمنیق
اللام تخم خلنجال ف بکسر خای معجمه و لام الف م اطریلال تخم گل ف بضم کاف
فارسی زر لفنی زردی سیانگل تمنیق المیم تخم شاهسفرم ع بذر الریحان ه
تمنیق النون تخم سپندان ه اسپند تخم کتان کاف و فوقانی و الف ه
السی تمنیق الهاء تخم بنب دیوانه بفتح موحده و سکون نون و کسر کاف فارسی
و دال مهمله و تحتانی مجهول با واو و الف و فتح نون ه خرسانی اجواین تخم پلپل
بفتح موحده فارسی و لام ه بلاس پاپڑه تخم خرفه ف بضم خای معجمه و سکون رای مهمله
و فتح فا ه لونیا کی بیج تمنیق التحتانی تخم تیراهی بکسر فوقانی ثانی و سکون تحتانی
و رای مهمله یاسمین و ا ت و کسر یا ف زردک ه مال کنکنی تخم شربتی ف تخمی است

۹۱

از قسم ریحان لیکن بسیار کوچک است تلنسیق الدال المهمله وتمنیق الواو تدرو
بفتح اول وضم دال مهمله وسکون واو جانوریست سرخ رنگ بیشتر در جاها
پیدا میشود تلنسیق الذال المعجمه تمنیق الجیم تذرج بفتح اول وذال معجمه وسکون
راء مهمله ف تذرو لاوا بنر طح ب ق گوشت او مقوی دماغ تمنیق الواو
تذروف بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وواو مجهول سرخ دشتی تلنسیق الواء
وتمنیق الالف تراب صیداع بضم اول وثانی والف وکسر موحده وفتح صاد مهمله و
سکون تحتانی ودال مهمله ف خاکیست از معدہ کوهی تربهلا بکسر اول وسکون
راء مهمله وفتح موحده فارسی واظهار ها ولام هم لفظی ست هندی که بعربی اطریفل
ست وآن عبارتست از ترکیب هلیله وبلیله وآمله ترکتا بکسر اول وسکون وضم
کاف با فوقانی هندی نیز لفظ هندیست که عبارت از ترکیب زنجبیل ودارفلفل
وفلفل گرد ترمرا بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم وراء مهمله جبجیر تمنیق الموحده
تربج بضم اول وسکون ثانی موصلی وبفتح اول وموحده فارسی هم قرا قرت و
کتاک سیاه ترابج بضم اول وفتح ثانی والف ف خاک مٹی تمنیق الجیم
ترنج ف بضم اول وفتح ثانی وسکون نون ع اترج بجورا تربدع بضم اول و
سکون ثانی وضم موحده نسوت ونانک تر طح ی ۳ ق مسهل بلغم خام یعنی
بیض مدور مصمغ مجوف ودر سوداء سفید تر وزود کوفته گردد ولیکن باریک نباشد
ودر سطبری میان خنصر وبنصر بود وبعد از کوفتن بچنین ریشه بر نیارد وتنگ سطح
باشد وقسم سیاه آنرا استعمال نکنند ص خراشیدن وچرب کردن به روغن بادام
پس کوفتن ش نیم درم تا یکدرم وگویند از درم ویکدرم تا دو درم ودر مطبوخ از سه
درم تا پنجدرم ل پوست لوت تا نیم وزن حب النیل م دو دانگ ونیم وزن صبر ودانگ
ونیم وزن حنظل وگویند ترس تمنیق الراء المهمله تره سبرف بفتح اول وثانی و

بیچون بازده
تخم مرغ
زنی کم دیگوار
نیاید بیان کنند
بغایت مفید و
درد در ساعت
بازنشیند واین
مجربست
از ده بهم وزن
تا یک درم

وهمزه ملینه ها وکسر میم وسکون تحتانی ۵ ترمرا تمنیق الزاء المعجمه ترازف بفتح اول
وثانی والف درخت صنوبر تر بزف بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده هم جدا
وخیار وبادرنگ بضم اول ه ترب تمنیق السین المهمله ترفاس بضم اول سکون
ثانی وفا والف هم کمات وسمارخ ترسع بضم اول وسکون ثانی وکسر میم
باقلای مصری وشامی ۵ جها الرطح ای ۲ ق مجلی بفتح مد محلل خ سفید فربه ک
بش دو درم ص نمک صعتر بنج کابلی وشیح ترکی وگویند فودنج یاد و وزن
باقلا یا لوبیا تمنیق الشین المعجمه ترخشن بفتح اول وسکون ثانی وکسر غین معجمه
هم نوعی از زردآلو تمنیق الفا ترف ف بفتح اول وسکون ثانی وفاکشک سیاه
وقراقروت ع سقل تمنیق الکاف ترابک ابالکع بها والف وکسر لام هم سم الفار
ه سنبلکما ترنبک ف بضم اول سکون ثانی وفتح موحده نوعی از انگور بفتح اول
وموحده فارسی قراقروت ترترک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی ثانی مهمله
ثانی جانوریست که در ماوراء النهر وختن صوفی گویند ترنک ف بضم اول وسکون
ثانی وضم فوقانی ثانی هم کبک ترک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله هم گیا
گندم خوراک ترنبک ف بفتح اول وثانی وسکون نون فتح دال مهمله وسکون نون ثانی هم ترترک تریاک
بفتح اول وسکون ثانی وفتح تحتانی والف وکاف هم پازهر تمنیق النون ترآیمان بفتح
اول وثانی والف وکسر تحتانی با میم والف ثانی ۵ هنس ترپایان بونانی بضم اول و نون
ثانی بادو موحده دو دالف هم غافث ف ترخان بفتح اول وسکون ثانی با خاء معجمه
والف نوعی از سبزی که مانند پودنه با نان بخورند ترخون ف بفتح اول وسکون ثانی
وضم خاء معجمه وسکون واو ع بقم ودعا قرقرحا ترنجان بضم اول وثانی وسکون نون
باجیم والف ف بادرنجبویه ترنجبین ف بفتح اول وثانی وسکون نون وجیم وکسر موحده
وسکون تحتانی نمی ست که بر خار شتر در خراسان وبخارا و قرشی نشیند طع ی

طبعش گرم بود باعتدال و در درجه ... و اندکی قابض ... زنبق گلی است مشهور که آنرا سوسن سپید خوانند و گویند روغن کنجد ...

ف ملیین مجلی قامع صفرا ﺦ تازه سفید که مانند خشت بندو وانیشاپور آید بیش از
هفت درم تا سی درم ص تمر هندی ل تثنیر خشت و نیموزن سکنجبین با آب غوره یا نبات
یا نیموزن او خیار چنبر ترنگبین ف بفتح اول وثانی وسکون نون و ضم کاف فارسی ع ترنجبین م
ف بفتح اول وثانی م گل انسین تریاق روستایان ف سیر ایسن تمیق المعا تراب الشاردة ف
بفتح شین معجمه مشدد والف وکسر را مهمله ثانی و فتح دال مهمله چهار راه خاک خبیه لیست تراب الطرق الاربعه
ف خاک چار راه کا چوراهی کی مٹی تربره ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح موحده و
را مهمله ثانی م تربک تربزه ف بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده و فتح زا معجمه م
هندوانه وخیار بادرنگ ر بضم اول م ترب تربه ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح
موحده م قراقروت ترگریه ف بضم کاف فارسی م بادرنجبویه تریاق الحیه ع ف
سنگیست که در کنج چشم گاو کوهی می باشد تمیق التحتانی تراب القی ع بفتح قاف
وسکون تحتانی م سم الفار ترهتی ه بفتح اول وسکون ثانی وضم ها وکسر فوقانی
ه کلانه سفید تریاق ترکی م موسیائی ﺦ اگر قدری از ان بر خون بسته بریزند خون را
روان سازد و اگر در شیر ریزند به بندد و تریاق فارسی م پازهر تلنسیق و تمیق الزاء
الفارسی ترف ف بکسر اول وسکون زای معجمه فارسی م برگ گیاه نو بر آمده تمیق الکاف
ترد ک ف بفتح اول وسکون ثانی فارسی و فتح دال مهمله وسکون کاف م کرم گندم
خوار تلنسیق السین المهمله و تمیق الکاف الفارسی تیس سگ ف بضم اول
وکسر سین مهمله و فتح سین مهمله ثانی م شابهانگ ع بفسخ الکلاب تلنسیق الشین
المعجمه و تمیق الجیم تشمیزج ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر میم وسکون تحتانی
و فتح زای معجمه ف چشمک ه چاکسو طح ی ﺦ سیاه براق فربه تمیق الشین المعجمه
تش ف بفتح اول م آتش تمیق النون تشتیوان یونانی بفتح اول وسکون ثانی
وکسر فوقانی وسکون تحتانی د واو والف م بسفایج تلنسیق الفاء و تمیق الالف

تفسار یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله با تحتانی م تا صیاف صمغ سداب
کوهی تمنیق الفوقانی تفتح ع بفتح اول وسکون ثانی م شکوکران تمنیق الحاء
المهمله تفاح ع بضم اول وثانی مشدده والف ف سیب طشیرین مع ح ب
دا ترش ب ی ۲ بیخوش مع ح ب ق مقوی ودافع ح حلوش از شراب وبکوفیه
عسل ل سفرجل تمنیق الراء المهمله تفورف بفتح اول وضم ثانی وسکون او
م خاک ع طین تمنیق الضاد المعجمه تفاح الارض ع بضم اول وثانی مشدد والف
وضم حا مهمله م بابونه تمنیق النون تفاح الجن ع بکسر جیم م بیروج تمنیق الواو
تفوف بضم اول وثانی م آب دهن تمنیق المثناه الفوقانیه تفته ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح نون م پرده عنکبوت تمنیق التحتانی تفاح ارمنی م خوبانی تفاح بری
م زعرور ف کیل تفاح پارسی م شفتالو تفاح مائی م ترنج تمنیق القاف
تمنیق الهاء تقده ع بکسر اول وسکون قاف وفتح دال مهمله ف کشنیز تقره ع بکسر
اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله م کرویا ف زیره رومی تمنیق وتمنیق الکاف
تک ف بفتح اول وسکون کاف گیاهیست که درمیان آب روید ودر مصر
ازان کاغذ سازند ع بردی وگویند گیاهیست که در گندم زار روید واز گیاه گندم سخت تر باشد
تمنیق المثلثه تکته ف بفتح اول وثانی بنه روسرگین گاو وگاومیش که بهت پهن سیاه خشک کنند
بجهه سوختن تمنیق الکاف الفارسی تمنیق الراء المهمله تگره بفتح اول وکاف فارسی طساوفن تمنیق السین
المهمله تگیس ف بفتح اول وثانی فارسی خسته انگور تمنیق الکاف الفارسی تگرک بفتح اول و
وثانی فارسی وسکون راء مهمله ف ژاله واولا تمنیق اللام وتمنیق الکاف
تلخ خوک وتلخ خبکوک ف نام تره ایست ع ترخشکون تلخک ف گیاهیست
بغایت تلخ وگویند حنظل تلک ف بضم اول وسکون لام م لوبیا وبکسر اول
وسکون ثانی م زعرور تمنیق اللام تل ه بکسر اول وسکون ثانی ف کنجد

۹۵

تمنيق النون تنكلبين ف بفتح اول وثانی وسکون نون وضم کاف فارسی کسره
وسکون تحتانی م ترنگبین تمنیق الواو تلوف بفتح اول ضم ثانی وسکون واوم
خار تمنیق التحتانی تلسی ه بضم اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله ف بادر نجبویه
تلی ه بکسر اول وثانی مشدده ف سیرزع طحال تنسیق المیم وتمنیق الحاء المهمله
تمساح ع بکسر اول وسکون میم باسین مهمله والف وحاء مهمله ف نهنگ ه مگر مچهه
تمنیق الراء المهمله تمر بفتح اول وسکون ثانی با صطلاح عبریان هنید نام ار ماول ورا طلع
گویند ودوم او را خلال نامند وسوم ویلح وچهارم او را بسر پنجم او را رطب وقسم ششم تمر خوانند
ف خرما ه کهجور طح را گویند ق محلی ملین خ فربه صادق الحلاوة ص بادام خشخاش
ل کشمش تمنیق اللام تملول بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون واوم قنابر
تمنیق المیم تمتم بکسر هردو فوقانی وسکون هردو میم م سماق وبضم هردو فوقانی
ف دم گاو کوهی م قسطاس تمنیق الواو تمره تنید و تمنیق التحتانی تمر هندی
ع ف خرمای هندی ه املی طب ۳ گویند ۲ گویند ب ی ۳ گویند ب دق قامع
مره مقوی ومفرح ول خ زرد شیره دار بغایت ترش از طبیخ او اسکرجه وگویند
پانزده درم وگویند نیم رطل ص شراب بنفشه وشراب خشخاش ل در جلاب اجاص
تنسیق النون وتمنیق الموحده تنوب رومی بفتح اول وضم نون وسکون
واوم صنوبر کوچک که از و قطران و زفت سازند ه درخت چیند طح ی ۲ ق
قابض ش از صمغ او یکمثقال ص باوام شیرین ل سر و تمنیق الراء المهمله تنکار ف
بفتح اول وسکون ثانی وکاف ع بورق ه سهاگه تمنیق اللام تنبول ف بفتح
اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واوم برگ پان ه ناگ بیل تمنیق النون
تن ه بضم اول وسکون نون گل نیست که صباغان از و رنگ میسازند و در عفش
البینه چون درخت نیب ست وبارش چون بار نیب تمنیق الواو تند و ف بفتح اول

وسکون ثانی وضم دال مهمله ع عنکبوت تمنیق الفاء تنستہ ف بفتح اول وثانی و
سکون سین مهمله وفتح فوقانی م بافتہ عنکبوت تلنسیق الواو وتمنیق الالف
توتیا بضم اول وسکون واو وکسر فوقانی با تحتانی والف الواصیت بهترینش
هندیست که آنرا توتیای سبز گویند وبهندی نیلا تهوتهه وبهریا تهوتها نامند
بعد ازان کرمانی که بیاضی توتیای سفالک وبهندی کهریه گویند طب ای ۲
ل شاذنج تمنیق الجیم توج ف بضم اول وسکون واو م بهی تویج ف بضم
اول وثانی مجهول وفتح تحتانی بیار ایست که بر هر درخت که پیچد آنرا خشک
کند ع عشقه تمنیق الدال المهمله توپال الحدید بضم اول وسکون ثانی و
موحده فارسی والف وضم لام وسکون لام ثانی وفتح حاء مهمله وکسر دال مهمله و
سکون تحتانی ف براده آهن توتیای زرد ف سنگ بصری ۸ کهرباق یاس
قیروح طب ای ۴ گویند ب ی ۲ تود ف بضم اول وسکون واو م توت
تمنیق الراء المهمله تورف بضم اول وسکون ثانی گیاهیست ترش مزه م
ترشه وساگ چوکا تمنیق الزاء المعجمه توتیای سبز ف نیلا تهوتهه تمنیق الواء الفارسی
توژف بضم اول وثانی مجهول وزاء فارسی پوست درختیست که بر کمان وتلاج
تیر وحنای زین وامثال آن کشند تمنیق السین المهمله توپال النحاس بضم
نون مشدد وحاء مهمله والف وسین مهمله ف براده مس طح ی ۳ تمنیق الضاد
المعجمه توت حامض ع بضم اول وسکون ثانی ف توت ترش وسیاه طب
ی ۴ گویند د گویند ی ۱ ف الملین خ سیاه بزرگ ش ازرب او کنند صف
جلنجبین ل اجاص تمنیق الغین المعجمه توغ ف بضم اول وسکون ثانی
چیزیست که آتش آن دیر ماند م تاغ وتاج تمنیق الکاف تونگ ف بضم
اول وثانی مجهول وفتح فوقانی ثانی جانوریست که سخن آموزد ع طوطے

97

سانده سیلسان هندی آلسوره خاصیت او گویند معتدل است و گویند سرد و تر است د اول سبوس بزر قطونا سبوس و سبوسه

دال مهمله ف پستان ه چوچی وچچیاخ از حیوان معتدل تلنسیق العین المهمله
وتمنیق الموحده ثعلب ع بفتح اول وسکون عین مهمله وفتح لام وسکون موحده
ف روباه ه لومری وتوبری تمنیق المیم ثعام ع بفتح اول وثانی والف
درمنا اسپند تلنسیق الغین المعجمه وتمنیق الواء المهمله ثغاریع بفتح اول
وغین معجمه والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وراء مهمله ثانی ف دستنبویه ه کری
تلنسیق الفاء وتمنیق النون ثفان بضم اول وفا والف ونون ف تخم
ترهٔ تیزک ه هالون تلنسیق اللام وتمنیق الصلیح ثلج ع بفتح اول وسکون لام
ف برف ه پالا طب ی تمنیق النون ثلثان بضم اول وسکون ثانی یا ثلثا
والف ونون ع عنب الثعلب تمنیق التحتانی ثلج چینی بفتح اول وسکون ثانی
وکسر جیم وجیم فارسی وسکون تحتانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی ف سنگ
سفید که در سرمه ها بکار می برند طب ی ق مجلی مش دو دانگ ص عملاً
سرطان بحری تلنسیق المیم وتمنیق الالف ثمرة الطرفاء ع بفتح اول و
سکون میم وراء مهمله وضم فوقانی وفتح طاء مشدده مهمله وسکون راء مهمله ثانی وفا
والف هم جزانج وعذبه ف گز مازو ه مائین طح ی انگویند ب ای ۲ ق قابض
تازه مش دو درم ص دوقو یا تخم کدو ل جوز المشر ویا نیموزن پوست انار یا آمله
تمنیق الراء المهمله ثمرة العرعر ع بفتح اول وثانی وراء مهمله وضم فوقانی وفتح
هر دو عین مهمله وسکون هر دو راء مهمله م جوز ابهل ه میوه بیر ثمرة الکبر ع بسکون
لام وفتح کاف وموحده ف کوزک طح ۳ گویند ۳ تمنیق القاف ثمرة العلیق
ع بضم عین مهمله وفتح لام وسکون تحتانی وقاف ف توت سگ طب ای ۳
تمنیق المیم ثمرة الدوم بضم دال مهمله وسکون واو ومیم م مقل مکی ه گوگل
تمنیق التحتانی ثمرة الشوک المصری ع ف بفتح اول وثانی وفتح راء مهمله وضم فوقانی

بجیم و الف و فتح میم و سکون کاف و فتح میم ثانی و سکون سین مهمله و سکون عین مهمله ۵ بهیلی جاورس
ع بجیم و الف و فتح واو و سکون را مهمله و سین مهمله ف کاورس ۵ باجرا ط ب ای ۲ ق قابض
مجفف ص روغن بادام یا شیر یا روغن کنجد یا روغن گاو ل از روغن تمنیق الشین المعجمه جاش
ف تخم کتان تمنیق الکاف جامه غوک ف سبزی که شبیه بابریشم در میان آب
بهم رسد تمنیق اللام جال ف ع اراک بجیم فارسی م قسمی از طائر جاهی بیا
ه بجیم و الف و بکسر تحتانی و فتح موحده فارسی و اظهار ها م جوز بوا تمنیق النون
جامن بجیم و الف و بضم میم و سکون نون م ثمر درخت هندیست مسطر تخم مانند
بانگور سیاه گرد باشد و دراز و بالیده ۵ بلیدا ط ی ق قابض تمنیق الواو جاوندار
ف بسکون نون و دال مهمله و الف و ضم را مهمله و سکون واو ع تریاق تمنیق الها
جاسح بجیم و الف بکسر میم و فتح سین مهمله و اخفار ها م باقلای قبطی و در مصر بسیار
باشد تمنیق التحتانی جادی ع بجیم و الف و بکسر دال مهمله و سکون تحتانی م زعفران
جالی ف بجیم و الف و کسر لام ع اراک ۵ درخت پیلو ق ملین جاپی تیری ۵ بجیم الف
و بکسر تحتانی و فتح موحده فارسی و فوقانی مشدد و کسر را مهمله م بسباسه جای ف
بجیم و الف و تحتانی مجهول ۵ گل چنبیلی و بجیم فارسی چیش حشیشی است که از جانب خطا
می آرند و آنرا در آب جوشانیده چون قهوه میخورند و آنرا صالی بصاد مهمله نیز
گویند تمنیق الباء الموحده و تمنیق الجیم جبلهنج بکسر اول و سکون موحده
و فتح لام و ها و سکون نون و کسر جیم ثانی م جبلاهنک جبلهنک ف جیر بهنک
و آن ثمر تخم زرد خارست بیخ وی تریاق زهر است و گویند تخم خربق سیاه است
س نیم درم تا یک درم لی خربق تمنیق القاف جبن طب عتیق ع بضم اول و
ثانی و کسر نون ف پنیر تر و کهنه طلطب یعنی ترب ای عتیق یعنی کهن
ج ی ۳ ق تر او مغذی ص عسل یا قند یا نعنع تمنیق النون جبسین ع بکسر اول

صاد و صالم سے مانند سقنقور تازه گرم و تر باشد و دلادوم چون نمک سود کنند ... مرارتش زیاده شود و رطوبتش کم و سقنقور ... اعضای ...

وسکون ثانی وکسر سین مهمله وسکون تحتانی ع حص ف گچ تمنیق المیم حبه
ف بفتح اول وثانی وخفاء ها م رب ترنج و امثال آن تلنسیق وتمنیق الثاء
المثلثه جبثیث ع بفتح اول وکسر مثلثه وسکون تحتانی ومثلثه ثانی ف درخت جوزه خرما
تلنسیق الخاء المعجمه وتمنیق الجیم الفارسی خچ فارسی بفتح اول وسکون
خاء معجمه وجیم فارسی م شب پره کلان که مانند غلیواز می باشد وسرنگون خود را
از درختان آویزد م خوبیواره طرباگر تمنیق النون ججن ف بفتح اول وکسر ثانی
وسکون جیم م چاکسو تلنسیق الدال المهمله وتمنیق الموحده جدب
ع بفتح اول وسکون دال مهمله حمار النجرع ف خرکره تمنیق الراء المهمله جدار
ع بفتح اول وسکون دال مهمله و واو والف راء مهمله م زدوار وماه فرفیین م ماه پرسین کا
نرسپی طح ی ۳ ق تریاق ومقوی ومفرح دل خ خطائی که بعد از سوختن بنفسجی نمایدش
بیهدرم تا نیم مثقال ص کشنیز خشک ل در تریاق سه وزن زرنباد تمنیق التحتانی جدی
ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح تحتانی ف بزغاله یعنی حلوان تلنسیق الواو المهمله
وتمنیق الالف جراسیاع بفتح اول وثانی والف وکسر سین مهمله وتحتانی والف ف الوبالو
جرجیر الماء ع بکسر هر دو جیم وتحتانی وسکون راء مهمله اول وضم راء مهمله ثانی وسکون لام میم الف وهمزه
ع قرة العین ف کرفس آبی تمنیق الموحده جرب ف بضم اول وفتح ثانی م دراج تمنیق الفوقانی
جرنوت بفتح اول وسکون ثانی وضم نون وسکون واو ف بادنجان کوهی تمنیق
المثلثه جریث ع بکسر اول وثانی مشدد وسکون تحتانی ف مارماهی تمنیق
الدال المهمله جراد ع بفتح اول وثانی والف ف ملخ ه تشیری طح ی ۲ ق
مدر عرق نخ قرحه ص خس وخیار تمنیق الراء المهمله جراد البحر ع بسکون لام
وفتح سومده وسکون حاء مهمله وراء مهمله ثانی اربیان ودبیان ف ملخ دریائی
جرجر ع بکسر هر دو جیم وسکون هر دو راء مهمله ع باقلا جرجیر ع بکسر اول وسکون ثانی

وکسر جیم ثانی وسکون تحتانی ٥ ترمراوگویند کف عایشه طح ی ۲ گویند س ق
ملطف مبهی خ بستانی کم صدت ش د ودرم ص کاسنی وکافور خرفه و سرکه ل
خردل بارشاد تمنیق القاف جر بداق ع بکسر اول سکون ثانی ومیم وفتح دال
مهمله والف وفتح نون ف کرم دانه تمنیق الکاف جرواسک ف بضم اول
وسکون ثانی و واو والف وفتح شین مهمله ع صرصره جهینگر تمنیق النون جروا
ع لفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله والف ف سوش ٥ جوها تمنیق التحتانی
جر المصری ع ترمس تنسیق الزاء المعجمه وتمنیق الجیم جرمانج ع بکسر اول
وسکون زاء معجمه باسیم والف وفتح زاء معجمه باسیم والف وفتح زاء معجمه ثانی ع ثمرة الطرفا
ف گزمازه وه مایین تمنیق الزاء المهمله خزرع لفتح اول وثانی ف گز زورک
٥ کاج طح سداق منضج مبهی خ زرد شیرین ش ده درم ل شلغم تمنیق التحتانی
جزاقلیطی وجزبری بکسر اول وراء مهمله و همزه وسکون قاف وکسر لام وسکون
تحتانی دکسر طاء مهمله وسکون تحتانی ثانی در لغت اول وفتح موحده وکسر راء مهمله ثانی
در لغت ثانی م شقاقل ف زردک دشتی تنسیق السین المهمله وتمنیق
الفوقانی جست ٥ لفتح اول وسکون سین مهمله ف توتیا تمنیق الدال المهمله
جساد بکسر وفتح اول وثانی ف زعفران تمنیق الواو جسروداروه لفتح اول وسکون
ثانی وفتح راء مهمله وسکون واو وبا دال مهمله والف وضم راء مهمله ثانی م خولنجان
ف خسرداروه کلیجن تمنیق التحتانی جسمی بفتح اول وسکون ثانی وکسر میم ف
خسک ٥ گوکهرو تنسیق وتمنیق الشین المعجمه جش ف لفتح اول وسکون
شین معجمه مهره ایست کبود که از آبگینه سازند ورنگش شبیه برنگ فیروزه باشد
تنسیق وتمنیق الصاد المهمله جص بفتح اول ف گچ طب ی
ق قابض مجفف خ سفید براق ص ستوربای جرب ل طین قیمولیا تنسیق العین

واشق و دهی بود بل ثقل داد و بند آن جاویدن هم وزن اود و گویند قدر سیوب قبل دسما

جاو شیر آن تا بریک ربع وزن آن سنگ آن عصاره آلمه و نو علیست از عطر و دانشکه ورا کت ترکیب کنند دا او یجان گو بیدکم خرما بسر نورسیده

المهمله وتمنیق المعا جده بضم اول وسکون عین مهمله وفتح دال مهمله و نوت
کبیر صغیر کبیر و براف عنبر بید گویند وصغیر و بید الشیرازی گل اربه خوانند و گویند
نوعی از درمنه است طح ۳ ی ۲ ق منضج ملطف مدر محلل قاطع دیدان خ
شامی صغیر تازه سفید بش بکیدهم ص حماما یا گزبره ل در اخراج دو دوا درار
حیض پوست جوف انار تریا فوه فلفل جبلی یا شیح تنسیق الغین المعجمه وتمنیق
الفوقانی جغرات بضم اول وسکون غین معجمه با راء مهمله و الف م ماست
ع صقراط جغشت ف بفتح اول وثانی وسکون شین معجمه تره ایست که در
ابتدای بهار بیشتر از جمیع سبزیها بر دمد و آنرا با سرکه نانخورش سازند تمنیق الهاء
جغاره ف بفتح اول وثانی و الف وفتح راء مهمله وخفاء ها م بیخ جغشت ع نان
ارنب تنسیق الفاء وتمنیق الطاء المهمله جغت البلوط ف پوست
بیرون بلوط ط ب ی ا تمنیق الکاف جغتک ف بضم اول وسکون
ثانی وفتح فوقانی مرغیست که نر آن یک بال دارد و بر جانب دیگر قلابه و ماده ا
نیز یک بال دارد و بر جانب دیگر حلقه هرگاه که فرود آیند از همدیگر جدا شوند و بچرا
مشغول گردند و همین که میل پرواز کنند نر آن قلابه را در حلقه بال ماده اندازند و
باهم پرواز کنند ع لاینفک و بفتح اول فارسی وثانی طائر کاردانک تمنیق الیحتا
جغری ع بفتح وضم اول وسکون وکسر راء مهمله ف کفری یعنی پوست بهار خرما و ده
خ خوشبول سورو نیلوزن پوست انار و نیلوزن گلسنج باد نبال خود و با جلنا
تنسیق الکاف الفارسی وتمنیق المعا جگرنه ف بفتح اول وکاف فارسی و
سکون راء مهمله وفتح نون وخفاء ها نوعی از کلنگ که کوچک تر باشد و بر گرد
سرهای سیاه باشد که آنرا مردم بر سر گذارند تنسیق اللام وتمنیق الالف
جلماتا سریانی بفتح اول وسکون لام با میم والف مثلثه ف خیار بالنگ یعنی

۱۰۵

سکر العشر نوعی از شکر است که ... عسر فرود آید چنانکه ...

باذرنک تمیق الواو جلبوب بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون
واو م لبلاب تمیق الدال المهمله جلدج بکسر اول وسکون ثانی ودال مهمله
ف پوست ط حمر اط مع ف مغری وبدل وجالبس مع خ پوست حیوان شیرخوار
ص سرکه وکرم ۲ بارد ل اکارع جلمبح بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف
برف ط با الاطبا هی تمیق الراء المهمله جلنار ع بضم اول ف گلنار ان
گل انار بری ست که بغیر از ان ثمری ندارد ب ۱ ی ۲ گویند ب ی ۳ ق قابض
خ فارسی یا مصری ش از یک نیم درم تا دو درم ص کثیرا بار دغن بادام ل حقت
یا شنگوفه انار یا طراثیث تمیق الزاء المعجمه جلوز بکسر اول وفتح ثانی وسکون واو
ف چلغوزه وگویند بادام کوهی طح آگویند ۲ ی ۱ تمیق الشین المعجمه جلبش
ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وشین معجمه ف حلبه تمیق القاف جلباق
ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون معجمه با موحده والف ف نبخ خماض بری تمیق الکاف
جلوزک ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح نون درخت خربوزه تمیق الکاف
الفارسی جلبهنگ بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وها وسکون نون کاف فارسی
م جلبهنک جلنگ بکسر اول وفتح ثانی وسکون لام م جلوبنک ملح آبی که بهندی جهینگ گویند
تمیق اللام جل ع بضم اول وسکون لام ف گل و کلال بفتح اول وبهندی
آس گویند وبفارسی پرنده ایست که چون بلبل خوش آواز بود تمیق النون
جلجلان ع بضم اول وسکون ثانی وضم جیم ثانی ولام والف ونون ف کشنیز خشک
جلنجبین ع بضم اول وفتح ثانی وسکون نون وضم جیم وکسر موحده وسکون تحتانی
ف گلقند عسل جلنسری بضم اول وسکون ثانی وفتح نون وسکون سین مهمله
کسر را مهمله وسکون تحتانی ف ورد چینی جلبیان بضم اول وسکون ثانی با تحتانی
والف نون ف غله ایست مانند عدس بشیرازی شو خوانند تمیق الواو جلبوف

بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو سنبر نبیست شبیه به نعناع چلبداره
بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ودال مهمله والف وضم را مهمله و واو خس
تمنیق المهاء چلغوزه ف بکسر اول ثانی رمی تلزی سکون ثانی وضم غین معجمه وسکون واو
وفتح زای معجمه وها حب الصنوبر الکبار چلکوجا بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی
وواو مجهول باجیم ثانی والف چلنجبیر سریانی بفتح اول وثانی وسکون نون وضم
جیم ثانی وسکون واو مجهول وفتح جیم ثالث و های است بوده بری چلپ بضم اول وفتح
ثانی مشدد وخفاء ها نباتی ست که درجای نمناک روید سپید و ام وگد برو تخم
برگ ندارد م سما روغ ه کهٹ رس بفتح اول سرگین شتر تمنیق التحتانی چلجلا
حبشی بضم اول وسکون ثانی وضم جیم ثانی بالام ثانی والف وضم نون وسکون
لام ثالث وفتح حاء مهمله و موحده وکسر شین معجمه وسکون تحتانی ف خشخاش سیاه
وگویند پوده بری ست چلجلان مصری ف بنش تنسیق المیم تمنیق القوقی
جمست ف بفتح اول وجیم وسکون سین مهمله وفوقانی سنگی بنفش ست گویند که
چون در ظرف جمست هر چند شراب خورند مستی نکند واگر پاره جمست در قدح
اندازند همین عمل کند و چون در زیر بالین نهند خواب نیکو بینند تمنیق الدال المهمله
جمدع بفتح اول وثانی وسکون دال مهمله ف تیج ه پالا تمنیق الواء المهمله جمارابر
ع بفتح اول وثانی مشدد والف وضم راء مهمله وفتح نون مشدد وسکون ها وراء
مهمله ثانی م جار النهر لبلباط جماع بفتح اول وثانی مشدد والف ف مغز سر
درخت خرما که پنیر خرما گویند طب ی اگویند ب ۳ خ تر وشیرین ص خرما
با عسل ل حماض تمنیق الزاء المعجمه جمیز ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
وزاء معجمه ف انجیر ادم ه گولر تمنیق اللام جمل ع بفتح اول وثانی وسکون لام
ف شتر و اونٹ تمنیق المیم جمجم بربری بکسر هر دو جیم وسکون هر دو میم

۱۰۷

ف بیخی ست که بشقاقل ماند در رنگ و گویند که از زمین می خیزد و اشرالبستون
زرین از زمین بر کشند و در میان اهل چین عزیز دارند و گویند که از ترکستان
خیزد و معروف بود بحبیم خطائی جسفرم بفتح اول و ثانی و سکون سین مهمله و فتح
فا و را مهمله و سکون میم ف ریحان سلیمانی مرزنجوش یا نیموزن شیح و نیموزن عنب الثعلب
تمنیق النون جمان بضم اول و ثانی و الف و نون م جلیدا سو تمنیق الواو جمهلو ف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح ها و ضم لام و سکون واو م سنگ تمنیق الهاء جمعیره
بفتح اول و سکون ثانی و کسر عین مهمله و سکون تحتانی و فتح را مهمله و خفا ر ها ه
بهنگرا تمنیق التحتانی جمه چینی بفتح اول ع ثلج چینی جمهوری ع بفتح اول و سکون
ثانی و ضم ها و سکون واو و کسر را مهمله تحتانی ف شراب مثلث تمنیق النون و تمنیق
الالف جنطیانا یونانی بکسر اول و سکون نون و کسر طا مهمله با تحتانی الف و نون
و الف ثانی بیخ سرخ رنگ ست باندازه انگشت سطبر تر و بنام پادشاهی خوانند
که او را شاه جنطی گفتندی ما پکهان بید و گویند درخت سنبل رومی طح ۲ ی ۲ ق
مفتح سفرج خ رومی لبسیار سرخ خوشبوش نیم مثقال ص اسقولوقندریون یا ریوند
ل یک نیموزن اسارون و نیموزن پوست بیخ کبر و زراوند مدحرج تمنیق الدال
المهمله جنبید بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده و سکون تحتانی م صعتر تمنیق
الراء المهمله جناح النسر بفتح اول و ثانی و الف و ضم خا معجمه و فتح نون مشدد
و سکون سین مهمله م باقلا جنجر بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم ثانی ف کشته
جند بیدستر بضم اول و سکون ثانی و دال مهمله و کسر موحده و تحتانی مجهول و فتح
دال مهمله ثانی و سکون سین مهمله و فتح ثانی ف آتش بجکان و کند بیدستر خصایه
حیوان بحری خصیه سگ آبی ما خایه او و بلا و طح ی ۳ گویند ۲ ق ملطف مدح
نام دو خصیه بهم پیچیده و رقیق پوست که بعد از شکستن رنگش سیاه بود و درو زر قت

۱۰۹

دسبکی میانه باشد و بولش قوی و جریش ام اشته باشد ش ربعدرم تا یکدرم و گویند یکمثقال یاد و مثقال ل وج ویکنیم وزن فلفل تمنیق الشین المعجمه جناح ابیش ع بفتح اول و ثانی و الف وضم حاء مهمله و سکون لام وکسر موحده و سکون تحتانی م کنکر تمنیق القاف جناح مطلق ع بضم میم و سکون طاء مهمله و فتح لام و سکون قاف م راسن و گویند پیلگوش تمنیق اللام جندل ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله ف سنگ و بفتح اول فارسی ف صندل سفید تمنیق النون جلنار ع بضم اول و سکون ثانی وکسر موحده وضم دال مهمله و راء مهمله مشدد و میم مشدد و الف و نون ف گل انار بستانی بشیرازی کلک انار گویند ۵ انار کی کلی جنطیان بکسر اول و سکون ثانی م جنطیانا تمنیق الهاء جنطوریه بفتح اول و سکون ثانی وضم طاء مهمله و سکون واو وکسر راء مهمله و فتح تحتانی ام ہام قنطوریون تمنیق الواو تمنیق الالف ۵ جوانسا بفتح اول و واو و الف و خفاء نون با سین مهمله و الف ثانی ف خارشتر جوزبوا بفتح اول و سکون ثانی و زاء معجمه و فتح موحده و واو و الف ۵ جای پهل طح یـ ق ملطف دهقوی کبد و معده خ سنج فرح ش و دو درم ص عسل با صندل ل یک نیم وزن سنبل الطیب یا لبسباسه تمنیق الموحده جوز الطیب ع بکسر طاء مهمله و سکون تحتانی م جوز بوا تمنیق الفوقانی جوزت ع بضم اول و ثانی مجهول و فوقانی کهونگچی تمنیق الجیم جوز المرج بفتح اول و سکون ثانی وضم زاء معجمه و سکون لام و فتح میم و راء مهمله و سکون جیم م حب کاکنج تمنیق الراء المهمله جوارسه بضم اول و فتح ثانی و الف و راء مهمله غلط الیست ف ذرت جوالکها ۵ بفتح اول و ثانی و الف و فتح کاف و اظهار ها و الف ثانی م نطرون تمنیق الزاء المعجمه جوزع بفتح اول و سکون ثانی و زاء معجمه ف گردگان ۵ اخروٹ طح یـ گویند ح ۲ ی اق محلل مبهی خ رقیق پوست ش تنقیه رحم یا ده درم ص سکنجبین

بفتح اول واظهار ها والف وضم همزه وسکون واو ع طرفاف گز تمیق الهاء چوانه

ف بضم اول وثانی وسکون واو وبا دال مهمله والف وفتح وخفا ها درختی ست که

تمغ آنرا کلک وکوزه گویند وحرستها تنسیق التحتانی وتمیق الالف چینیا بکسر

اول وسکون تحتانی وخفا نون وموحده والف ف زر رچوبه تنسیق الکاف

چیوک بکسر اول وسکون تحتانی وفتح واو وسکون کاف ه گنجشکی تمیق اللام

پیپال ها بفتح اول وسکون ثانی با موحده فارسی والف ولام ع حب السلاطین

م جمال گوته تمیق الواو چیلدار وبکسر اول وسکون ثانی ولام با دال مهمله الف

وضم را مهمله م سرخس ل در اخراج دود برنگ کابلی یا قنبیل تمیق الهاء چیوه ف

بکسر اول وسکون ثانی وفتح واو وخفا ها م سیماب ترقیم الجیم الفارسی وتمیق

الموحده چاب ها بجیم فارسی والف وبی الف نیز موحده م دوای هندیست

که بلیل ثمر اوست تمیق الکاف چاوک ف بجیم فارسی والف وفتح واو م

چکاوک ه طایر جل تمیق اللام چال ف بسکون لام قسمی از مرغ جرز خبازی

ه نوعی از ماهی تمیق النون چارکون بسکون را مهمله وضم کاف فارسی وسکون

واو ونون م بر باره جای تیری تمیق الواو چاکسوه بسکون کاف وضم سین

مهمله وسکون واو م تشمیزج ف چشمک تمیق التحتانی چای بتحتانی مجهول

حشیش خسکی ست که از جانب خطای آرند ودر آب جوشانیده چون قهوه

می نوشانند وآنرا اصای بصاد مهمله نیز گویند تنسیق الموصله الفارسی وتمیق الشین

المعجمه چپش ف بفتح اول فارسی وضم ثانی فارسی م بزنگ ساله تمیق الغین المعجمه

چپاغ ف بکسر اول فارسی با فارسی ثانی والف م نوعی از ماهی تمیق الکاف

چپوک ف بضم اول فارسی وثانی وسکون واو وکاف م تخشک تنسیق التاء

الفوقانی وتمیق الالف چتیره ه بکسر اول فارسی وسکون فوقانی هندی

۱۱۱

وفتح جیم فارسی ثانی وراء مهمله بالف ف خار واژگونه تمنیق الجیم الفارسی فی تمنیق
الالف چچینڈاه بفتح اول وکسر جیم فارسی ثانی وتحتانی مجهول وخفاء نون ودال مهمله
هندی ف سایه پرور ثمر تره هندیست بدرازی خیار ورانند وهیات توری ناخوره
ست تمنیق الواو چچوف بضم اول وثانی فارسی پستان تنسیق الدال المهمله
وتمنیق الالف ف چدرو البضم اول فارسی ودال مهمله وسکون راء مهمله با واو والف
هم رتنی صبر تنسیق الراء المهمله وتمنیق الالف چراتیاه بکسر اول فارسی باراء
مهمله والف وکسر تحتانی وفوقانی ع قصب النهر وتمنیق الدال المهمله
چرغندف باول فارسی روده گوسپند را گویند که بگوشت پر کرده باشند هم کلمه تمنیق الزاء المعجمه
ف چرز بفتح اول فارسی وسکون ثانی وزاء معجمه هم خبار تمنیق الشین المعجمه ف
چرش بفتح اول فارسی وسکون ثانی وکسر موحده وسکون شین معجمه هم چسپدلی
تمنیق الغین المعجمه چرغ ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی هم جانور پرنده شکاری
تمنیق الکاف چربک ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده وسکون کاف
هم شیر وقیماغ ه ملائی چرکف ف بفتح اول وسکون ثانی مرغیست که خود را از درخت
آویزد چروک ف بفتح اول فارسی وضم ثانی سکون واو هم نان تمنیق اللام چرغول
ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون واو ع لسان الحمل تمنیق الواو
چربوف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو هم چربش تمنیق الهاء
چراغله ف بفتح اول فارسی وثانی والف وسکون غین معجمه وفتح لام هم کرم شب تاب
چرغنده ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح غین معجمه وسکون نون وفتح دال
مهمله روده گوسفند که بگوشت پر کرده باشند هم کلمه تمنیق التحتانی چرونجی ه بکسر
اول فارسی وفتح ثانی وسکون واو وخفاء نون وکسر جیم ف نقل خواصه تمنیق
الزاء المعجمه وتمنیق الدال المهمله ف چرند بفتح اول فارسی وسکون ثانی جانور

مانند بلغ که در تابستان و هوای گرم بیشتر بهم رسد و بسیار فربا کند تمنیق الزاء المعجمه
چزف بفتح اول فارسی و سکون ثانی هم میمون تمنیق الغین المعجمه چرغ ف بکسر اول
فارسی سکون ثانی هم خارپشت تمنیق الکاف چرک ف بکسر اول فارسی و سکون
ثانی هم خارپشت تلنسیق و تمنیق الشین المعجمه چشم گاوتیش ف بفتح اول
فارسی با کاف فارسی هم بابونه تمنیق الکاف چپمک ف بفتح اول فارسی و سکون شین
معجمه و فتح میم هم چاکسو تمنیق المیم چشام ف بفتح اول فارسی و ثانی و الف و چشخام
ف هم باضافت خاء معجمه مابین شین و الف و چشم ف بحذف الف هم چاکسو تمنیق الواو
چشم گاو ف بفتح اول فارسی با کاف فارسی هم بابونه تلنسیق الغین المعجمه و تمنیق
الدال المهمله چغد ف بضم اول فارسی سکون ثانی پرنده ایست [illegible]
اشتهار دارد الو تمنیق الراء المهمله چغندر ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون
نون و فتح دال مهمله سلق تمنیق الزاء المعجمه چغز بفتح اول فارسی و ثانی و سکون
زاء معجمه هم گیاه [illegible] تمنیق الغین المعجمه چغ ف بضم اول فارسی [illegible]
تمنیق الکاف چغاک ف بضم اول فارسی و ثانی و چغوک ف بضم اول و ثانی و
سکون واو هم کنجشک تمنیق الهاء چغواره ف بفتح اول فارسی و ثانی و سکون
راء معجمه با دال مهمله و الف و فتح راء مهمله هم جل یک [illegible] سوال [illegible] ف بضم اول فارسی
و سکون ثانی و فتح نون هم کنجشک تلنسیق و تمنیق الکاف چکاوک ف بفتح
اول فارسی و کاف و الف و فتح واو و سکون کاف ثانی پرنده ایست از کنجشک
اندک بزرگتر خوش آواز بود هم جل ع قبره و ابو الملیح و در عراق [illegible]
[illegible] بانیر گویند تمنیق الهاء چکاسه ف بفتح اول فارسی و ثانی و الف و فتح
سین مهمله هم خارپشت تمنیق الیاء التحتانی چکری ف بضم اول فارسی و سکون ثانی
و کسر راء مهمله نوعی از ریواس تلنسیق الکاف الفارسی و تمنیق الراء المهمله

چلندر ف بضم اول وکاف فارسی وسکون نون وفتح دال مهمله م چقندر تمنیق الکاف
چلک ف بفتح اول فارسی وضم ثانی فارسی م کنجشک وچلوک ف بفتح اول فارسی
وضم ثانی فارسی و واو مجهول م کنجشک وخرفه را نیز گویند تمنیق التحتانی چکانی ف
بفتح اول فارسی وثانی مشدد فارسی والف وکسر نون م نوعی از خربزه تلنسیق
اللام وتمنیق الکاف چلانک ف بضم اول فارسی ولام والف وفتح نون م
سرگین کرد آنک ع جعل تمنیق الهاء چلیپاسه ف بکسر اول فارسی سکون ثانی
یا سوحده فارسی والف وفتح شین مهمله وخفاء ها چسپکلی چیپکلی چلپاپه ف بکسر اول فارسی و
سکون ثانی وکسر جیم فارسی ثانی وفتح لام م لاک پشت ه کچهوا تلنسیق المیم و
تلنسیق الشین المعجمه چمش ف بفتح اول فارسی وسکون میم م چاکسو تمنیق المیم
چم ف بضم اول فارسی وسکون میم م ثلث انگور که شیره آن گرفته باشند وبکسر اول
چاکسو م جل بک ه سوال تلنسیق النون وتمنیق الالف چنپا ه بفتح اول
فارسی وسکون نون وموحده فارسی شجر هندیست که گلش خوشبو بوی صنوبریست
وتخمی ست درمیان گل وی که مسکرست ط ب ی تمنیق الفوقانی چندر کانت
ه بفتح اول فارسی سکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون را مهمله وکاف والف وخفاء
نون ثانی ع حجر القمر تمنیق الراء المهمله چندر ف بضم اول فارسی سکون ثانی و
فتح دال مهمله م چقندر چنگار ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وکاف فارسی الف
م خرچنگ ع سرطان تمنیق الکاف چنبک ف بضم اول فارسی وسکون ثانی
وفتح موحده م سنگ آهن ربا ع مقناطیس تمنیق النون چندن ه بفتح اول فارسی
وسکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون لام ع صندل سفید چنگلاهی ف بفتح اول
فارسی وسکون ثانی وکاف فارسی با لام والف وکسر ها وسکون تحتانی م غلیواژ
تلنسیق الواو وتمنیق الالف چنوره با ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح زای

۱۱۴

ع بهمزه وسین مهمله ف تخم مورد طب ی ۲ خ بستانی فربه رسیده تازه بش
سم درم تا پنجدرم ص صمغ عربی گل آب ورق ان یا صعتر حب الانبرباریس ع
بفتح همزه وسکون نون وفتح موحده وسکون راء مهمله با موحده ثانی والف وکسر راء
مهمله ثانی وسکون تحتانی وسین مهمله ف زرشک حب الریباس ع بکسر راء مهمله مشدد و
وسکون تحتانی با موحده ثانی والف ف تخم ریباس طب ی خ تازه ل احمر
بستانی تمنیق الطاء المهمله حب الضراط ع بکسر ضاد معجمه مشدد و باراء مهمله والف
وطاء مهمله م سست و مازریون تمنیق العین المهمله حب الخروع ع بکسر خاء
وسکون راء مهمله وفتح واو وسکون عین مهمله ف تخم بید انجیر ارنڈی طح ش
مغز پسته و نیموزن تخم تربز و نیموزن مغز چلغوزه حب القرع ع بفتح قاف وسکون
راء مهمله ف تخم کدو طب ر ۲ خ ماخوذ از کدوی که با آب شیرین پرورش
یافته باشد ش ۳ درم ص تخم کرفس ل کثیرا یا مغز تخم هندوانه تمنیق القاف
حب العلیق ع ف تخم توت سگ گل طخام و روغن او ب ی ۲ حبق ع بفتح
اول و ثانی سکون قاف ف تمنیق الکاف حب الملوک ع م ماهوانه ه جمالگوٹه تمنیق
اللام حب الاثل ع بفتح همزه وسکون مثلثه ولام ف گزمازج حب السفرجل ع
بفتح سین مهمله وفا وسکون راء مهمله وفتح جیم ف بهدانه ه بهی کے بیج طب د
۲ خ ماخوذ از به ترش ش دو درم ص قندل بزر قطونا حب القلقل ع بکسر
قاف وسکون هر ولام ف تخم انار دشتی طح د ۲ گویندی ق مرطب ش
دو درم ص عسل یا قندل سفات و حب الصنوبر و توذری سفید و چهار دانگ
وزن آن مغز تخم خیارین و نیموزن اهل و گویند نارجیل حب النیل ع بکسر نون
وسکون تحتانی ولام ه تخم کلنگوا و کوادودی طح ی ۲ گویند ۳ ق مسهل
بلغم خ بستانی ش از نیم درم تا یک درم و در مطبوخ تا هفت درم ص ما لیدن

که در میان آن فتح یابند حجر الافروج ع بفتح همزه و سکون فا و ضم را مهمله و سکون واو
ف سنگی ست که از بلاد روم خیزد و سنگی بود که بر روی آب بایستد حجر الفضه
تمیق الدال المهمله حجر الیهود ع بفتح تحتانی و ضم ها و سکون واو ف
سنگ جهودان که بر زیتون ماند و خطوط بسیار بر وست طعم گویند ب ای
ق سفتت خ زیتونی شکل ش نیمدرم ص سکنجبین سفرجلی ل جهت نقرس مس
حجر لازورد ع بالام و الف و سکون زا معجمه و فتح واو و سکون را مهمله ف سنگ لاجورد
تمیق الراء المهمله حجر الاحمر ع بفتح همزه و سکون حا مهمله و فتح میم ف سنگی ست
بلون بسد و از جمله سموم قتاله ایست حجر البقر ع بفتح موحده و قاف ف سنگی ست
که در زهره گاو بهم رسد و آن پازهرست ع جاؤ زهرج ف گاو زهره لاکای ر و هن حجر البلور
ع بضم موحده و لام ثانی و سکون واو ف سنگ بلور حجر الطلوع ع بضم طا مهمله شده
م حجر الدم حجر القمر ع بفتح قاف و میم م بزاق القمر چندر کانت که بشب در افزون
ماه یابند در بلاد عرب حجر القیشور ع بفتح قاف و سکون تحتانی و ضم شین معجمه و سکون
واو و را مهمله ف نوعی از کفدریا حجر النسر ع بفتح نون مشدد و سکون سین مهمله و را مهمله
م التمکمت که کرنجوا حجر النمر ف بفتح نون مشدد و کسر میم ف سنگی ست که در بادیه
بهم رسد حجر النار ع بفتح نون مشدد و الف ف سنگ چقماق و وی مختلف الالوان
می باشد طب ا ی ۳ ق در درا مجفف خنازیر و مندمل قروح عسر الاندمال
جمله اعضا و تعلیقا و لتة بسته بر ران حامله ها نافع عسر ولادت حجر النوع ع بفتح
نون مشدد و سکون واو م قیشا تمیق السین المهمله حجر اناغاطس
یونانی بفتح همزه و نون و الف و غین معجمه و الف ثانی و کسر طا مهمله ف سنگی
که چون بسایند برنگ خون ماند حجر التیس ع بفتح فوقانی مشدد و سکون تحتانی
ف پازهر شبانکاره و پازهر حیوانی و آن از بز صحرائی حاصل میشود که خوردن

۱۲۱

مجربست نهایت پاک بیاکند دفع نقرس سیاه کند موی را ظهر کرده دفع سلون با تذبیل نشره

مفلعسست که زہر ہرا حجر المقناطیس ع بکسر میم و سکون قاف و فتح نون و الف
و کسر طاء مہملہ و سکون تحتانی و سین مہملہ ف سنگ آہن ربا ہ حمک ستہ تمنیق الطاء المہملہ
حجر السطرطیاع بفتح سین مہملہ مشدد و سکون طاء مہملہ و کسر حاء مہملہ و تحتانی و طاء مہملہ ثانی ف
سنگ مر تمنیق الفا حجر الخطاطیف ع بفتح خاء معجمہ و طاء مہملہ و الف و کسر طاء مہملہ ثانی و
و سکون تحتانی و فاف سنگ پرستوک چون بچہ نخستین پرستوک در افزونی ماه
باشی شکمش بشگافی دو پاره سنگ برآید یکی یکرنگ و دیگری برنگ مختلف
حجر الشفاف ع بفتح شین معجمہ مشدد و فا مشدد و الف م حجر قیشور تمنیق القاف
حجر مشقق ع بضم میم و فتح شین معجمہ و قاف مشدد و سکون قاف ثانی ف سنگیست
زرد از بلاد مغرب خیزد و تو بر تو بود شخ زعفرانی زرد و ریزنده شگافتہ تو بر تو تمنیق
الکاف حجر الدیک ع ف سنگی ست کہ در شکم خروس یابند حجر الکرک بفتح کاف
و راء مہملہ و سکون کاف ثانی ف سنگی ست بغایت سفید بر ساحل بحر سند بہم رسد طب ع
تمنیق اللام حجر الاہل ع بفتح اول و سکون ثانی و لام ف کبک لا آتش خوار تمنیق المیم حجر الحمام
بفتح حاء مہملہ با میم و الف و میم ثانی ف سنگی ست کہ در کبوتر یابند حجر الدم ع
بفتح دال مہملہ مشدد ف شادنج حجر الرخام ع بضم راء مہملہ مشدد و ثانی با خاء معجمہ
و الف م طین قیمولیا سنگی سفید مشہورست و وی اقسام باشد شخ سفید طب
سوی ف قاطع نزف الدم و بدل حباحات باسرکہ و محلل اورام و ذرور قاطع لعاب
تمنیق النون حجر الزیتون ع بفتح زاء معجمہ مشدد و سکون تحتانی و ضم فوقانی و
سکون واو و نون م حجر الیہود حجر المسن ع بکسر میم و فتح سین مہملہ و سکون نون ف سنگ فسان
تمنیق الہاء حجر الاسا کفہ ع بفتح ہمزه با سین مہملہ و الف و کسر کاف و فتح فاء خفا
ف سنگی ست کہ کفشگران آوزار بدان تیز کنند حجر الحیہ ع بفتح حاء مہملہ و تحتانی
مشدد و ہاء ف سنگ مار و یا زہره سانپ کا من و آن معدنی ست و حیوانی حیوانی را

صبسبلوار
پیپارسے
آلو د ہندسے
گنوار و معیس
بعضے گنوار
گہیند ویکنوع
پیرسقو مرایت
از خراسان
سے آید جو شاند
بندر کرده بهنده

از افعی گیرند و آنرا پادزهر و بادمهره و مارمهره خوانند و آن بلون مار بود و امتحانش آنست که چون در آب بیندازند در حرکت آید حجر مثانه ع بفتح میم و مثلثه والف و فتح نون ف سنگی ست که در مثانه آدمی هم رسد ه پتهری حجر مشویه ع بفتح میم و سکون شین معجمه و کسر واو و فتح تحتانی مشدد ف کلس و نوره ه چونه کلی تمنیق التحتانی حجر ارمنی ع بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله و فتح همزه و سکون راء مهمله ثانی و فتح میم و کسر نون ف گل ارمنی ط ب ی ا ق سهل خ سبز مائل بسفیدی باندک کبودی و پس از شکستن چشمهای و مانند و میخ باشد و بعد از تر کردن بوی طفل یا بوی گل خوش و بهش نیم درم تا نیم مثقال ص مغسول ل یکنیم وزن حجر لاژورد حجر اعرابی بفتح همزه و سکون عین مهمله با راء مهمله ثانی والف و کسر موحده ف سنگ سنگ بشیرازی سنگ زخم حجر اللبنی ع بفتح لام مشدد و موحده و کسر نون ف سنگ شیرین چون او را آب بسایند بشیر مانند حجر بحری ع بفتح موحده و سکون حاء مهمله ثانی و کسر راء مهمله م مرجان ه مونگا و پیال حجر حبشی ع بفتح حاء مهمله ثانی و موحده و کسر شین معجمه ف سنگیست سبز رنگ مانند یشم حجر حدیدی ع بفتح حاء مهمله ثانی و کسر دال مهمله و سکون تحتانی و کسر دال مهمله ثانی ف خماهن ه مندل حدیدی حجر خزفی ع بفتح خاء معجمه و زاء معجمه و کسر فاء و تحتانی ف سنگ مصریست مانند خزف و زود از هم بشگافد و صفایح بر یکدیگر دارد حجر روشنائی ع بضم راء مهمله ثانی و واو مجهول و سکون شین معجمه یا نون والف و کسر همزه م قشیشا حجر عسلی ع ف سنگی ست که چون بسایند رطوبت وی بغایت شیرین بود و بقوت شادنه باشد حجر قبطی ع بکسر قاف و سکون موحده و کسر طاء مهمله ف سنگی ست مصری بغایت سست در آب زود حل شود و گاذران مصر کتان بدان شویند حجر هندی ف نوعی از شادنه هندیست تلنیق الدال المهمله و تمنیق الفوقانی حداث ع بضم اول و دال مهمله والف و فوقانی ف

۱۲۳

تو اسمنڈ ستقل پلید پارسی ابیض ستقل از کوہ نیز الزوری اودے درخت

سنوٹش کہ لکڑی چوب ہے مار وجبلیہ تمنیق الصیم صدیع ع بفتح اول ودال مہملہ م
حنظل خشک حدید ع بفتح اول وسکون تحتانی ودال مہملہ ثانی ف آہن
ہ لوہا طب ی ف مجفف خ فولاد ص مرطبات ل نحاس تمنیق القاف حدق
ع بفتح حاء مہملہ ودال مہملہ وسکون قاف ف بادنجان ہ بیگن تلنسیق الواء
المہملہ وتمنیق الالف حرا ع بضم اول وفتح راء مہملہ والف م سداب کوہی
ولبشیرازی گور خرخوانند طح ی وحراة بزیادتی تاء فوقانی بعد الف نیز آمدہ حرشا
رومی بفتح اول وثانی مہملہ والف وشین معجمہ والف ثانی ف خردل بری ہ جنگلی
رائی حربا سریانی بکسر اول وسکون ثانی وموحدہ ف آفتاب پرست وبوقلمون
ہ گرگٹ حرف المائی ع بضم اول وسکون ثانی وضم فا وسکون لام با میم والف
ممدودہ حرفیست کہ در آب روید مانند قرة العیون طح ی ۲ گویند ۳ تمنیق
الموحدہ حرب ع بکسر اول وسکون ثانی ع طلع ف بہار خرما تمنیق الواء المہملہ
حریر ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف ابریشم تمنیق الشین المعجمہ
خریش ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف ماریکہ بر پوست او نقطہای
سیاہ وسفید باشد وگویند کرگدن تمنیق الضاد المعجمہ حرض ع بضم اول وثانی
وسکون ضاد معجمہ م اشنان تمنیق الفاء حرشف ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح
شین معجمہ وسکون فا م کنگر طح م ح دگویند د ۱ گویند ب گویند ح ۲ ق ۱ مدرحیض
خ تر وتازہ ش اصمغ او بکار ص سرکہ ل لیمون حرف ع بضم اول وثانی ع
حب الرشاد ف تخم تیزک تمنیق اللام حرمل یونانی بفتح اول وسکون ثانی
وفتح میم ف بلخی ست کہ بال ندارد و سبز بود حرمل ع بفتح اول وکسر وسکون
ثانی وفتح میم وبضم نیز آمدہ ف تخم سپندان ہ اسپند سوختنی طح ی ۲ گویند
۴ ف ملطف خ فربہ ش نیم مثقال ص لعوق ربوب فوائد ل تخم سداب

اصلاح سپندان گویند سرد و خشک ست درجہ دوم و بعضی گویند خشک در درجہ سوم سخت و گران سنگ و زرد رنگ با بوی خشک زعفران

یاقرداناپا تخم ترب م فوتنج تمنیق النون حرجوان یونانی بفتح اول وسکون ثانی
وفتح جیم و واو والف م حرجل حردون سریانی بکسر اول وسکون ثانی وضم دال مهمله
وسکون واو ف حیوانی ست مانند سوسمار که بیونانی سالامندرا خوانند واز جمله
سموم قتاله ست حزا الشیاطین ع بکسر اول وسکون ثانی وضم زاء معجمه وفتح شین
معجمه مشدد و با تحتانی والف وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی ثانی م آطریلال حرفقان
رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا و قاف والف ع سم الفار تلنسیق الزاء المعجمه
وتمنیق الراء المهمله خرازا الصخر ع بضم اول وفتح تیر و زاء معجمه والف وضم زاء معجمه
ثانی وفتح ضاد معجمه مشدد وسکون خاء معجمه و راء المهمله ع زهر الحجر ف گل سنگ و آن
چیزیست مانند سبزی روی آب بر سنگ پیدا شود طب ی ا تلنسیق السین
المهمله وتمنیق الکاف خسک ع بفتح اول و سین مهمله ف خار خسک ه گوکهرو هست
چنکهار طب ی گوینیدح آ گوینیدح ب گوینیدح ی ۲ ق مقوی منفخ مفتت
سنقطع بستانی سبز تازه ش مقدار م تا ده درم و گویند دو درم تا بیست درم بدل ع
حقنه ص روغن بادام یا کنجد و گویند ورد عصی الراعی تمنیق اللام حسل ع
بفتح اول و ثانی ف بچه نوزاد ضب تلنسیق الشین المعجمه وتمنیق الالف
حشیش بزر قطونا ع ف گیاه بنگو طب سخ تازه و تر تمنیق الفوقانی
حشیش الغافث ع م برگ غافث تمنیق الجیم حشیشة الزجاج ع بضم زاء
معجمه مشدد وفتح جیم والف ف گیاه آبگینه نباتی ست که در آبها روید طب
ی ف رادع ش از عصاره او ده درم ص فوتنج ل لسان الحمل تمنیق الصاد
المهمله حشیش البرص ع بفتح موحده و راء مهمله م آطریلال تمنیق اللام
حشیفیل ع بفتح اول و سکون ثانی وکسر فاء و سکون تحتانی وضم فاء ثانی م
شقاقل حشیش الطحال ع بکسر طاء مشدد مهمله و حاء مهمله والف و لام م

۱۲۵

در خواص حیوانات آورده اند که وی سالی نر و سالی ماده می باشد و از عجائب خواص وی آنست که سگ بر بالای وی ایستاده باشد

اسقولوقندریون ف زنگی ار و تمنیق الهاء خشیشه د و دیه بضم دال و سکون او
و کسر دال مهمله ثانی و فتح تحتانی مشدد و ثانی خفار یا م اسقولوقندریون تمنیق
التحتانی خشیش خراسانی ف دریته خراسانی تلنسیق الصاد المهمله
و تمنیق الجیم حصاة الاسفنج ع بفتح اول با صاد مهمله و الف و ضم فوقانی
و سکون لام و کسر همزه و سکون سین مهمله و فتح فا و جیم م حجر الاسفنج تمنیق المیم
حصرم ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر ا مهمله ف غوره انگوره کچی داکه طب ۱
ی ۳ ق قابض خ صادق المحموضه بش دوا و قیه ص انیسون و عسل یا گلنگبین
ل حماض اترج یا ریباس تمنیق الهاء حصرمیه ع بکسر میم و فتح تحتانی مشدده ف
نام طعامی ست تلنسیق و تمنیق الضاد المعجمه حضض ع بضم اول و فتح ضاد
معجمه و سکون ضاد معجمه ثانی ف بلل ه رسوت طمع ح ب گویند ح ۲ ب ا ق
محلل با ذک قبض و حابس م خ جهت ورمهای وجهت موی هندی ص نرجس
ل فیلزهرج با فوفل و صندل مساوی یا یا میثا یا اقاقیا و زعفران تلنسیق الفا
و تمنیق الالف حفاء ع بضم اول با فا و الف ممدوده م پروی و لوح تلسیق
اللام تمنیق الموحده حلبلاب ع بفتح اول و سکون لام و فتح موحده با لام
ثانی و الف و موحده ثانی م لبلاب حلبیب ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده
و سکون تحتانی م سونجان هندی طح ی ۲ گویند ۳ تمنیق المثلثه
حلتیت ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و سکون تحتانی و مثلثه با فوقانی
ف انگوزه کا هینگ طح ی ۴ گویند ۳ ق ملطف مهی خ مشتی و سفید که
زود حل شود ش نیم مثقال ص اشق و جوز بوا و گویند ابر باریس ل محرق
که بسیار جوشانیده باشند یا جاوشیر و سکبینج تمنیق الراء المهمله حلاق الشعر
ع بفتح اول و لام مشدد و الف و ضم قاف و فتح شین معجمه مشدد و سکون عین مهمله

ف آہک و نورہ تمنیق اللام حلاحل و حلحل بفتح اول و ثانی والف وکسر حاء مہملہ
ثانی و سکون لام ثانی در لغت اول و بکسر ہر دو لام در لغت ثانی م پیاز بلبوس
تمنیق المیم حلم ع بضم اول و ثانی مشہور کنہ قراد منہ کلی کرمی ست کہ اکثر بگوش
سگ و دیگر حیوانات می چسپد تمنیق النون حلزون بفتح اول و سکون ثانی و ضم زاء
معجمہ و سکون واو و نون ف نوعی از صدف م شنخ پہنکہ طب ی و خاکستر بری
اوح اق مجفف ص خواکہ قابض ل صدف تمنیق الواو حلیموع بفتح اول
وکسر ثانی و سکون تحتانی و ضم میم و سکون واو ف بیخ حماض بری تمنیق الہاء
حلبہ ع بضم اول و سکون ثانی و فتح موحدہ و خفاء ہاء م سمینہ و شنبلیت لا میتھی
طح ی آ گویند ح سرق منضج ملین ش د دورم و در حقنہ تا بست ورم
ص روغن قسط تلخ ل بزرکتان و اکلیل الملک حلیفہ ع بضم اول و فتح ثانی
و سکون تحتانی و فتح فاء و ہاء م حرف کوخر و سداب کوہی تمنیق المیم و تمنیق
الالف حماماع بفتح اول و میم و الف و میم ثانی و الف ثانی م مالم ج طح ی ۲
گویند ۳ ق منضج مفتح مغثی و مقوی کبد و سنوم خ ارمنی ذہبی خوشبو ش د دورم
ص ورد ل تمام یا یاسمین خشک و گویند اشنہ و سنبل حمیرا ع بضم اول و فتح ثانی و
سکون تحتانی باراء مہملہ الف م شنکار تمنیق الموحدہ ۱۴ حماض الارنب ع بکسر اول
با میم و الف و ضم ضاد مہملہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون راء مہملہ و فتح نون
و سکون موحدہ م کشوث تمنیق الجیم حماض الاترج بضم ہمزہ و سکون فوقانی
و ضم راء مہملہ ف ترشہ ترنج طب ی ۳ ص شراب خشخاش ل حماض لیمو تمنیق
الراء المہملہ حماض البقر ع بفتح موحدہ و قاف ف حماض بری حماض نہر
بفتح نون و سکون ہاء م حماض بستانی حمر ع بضم اول و سکون ثانی و راء مہملہ ف خرما ہندی
۱۵ انبلی حمص الامیر ع بکسر اول و فتح ثانی مشدد و ضم ضاد مہملہ و سکون لام

۱۲۷

فتح ہمزہ وکسر میم وسکون تحتانی ف خا خسک تمنیق الصاد المہملہ حمص ع
بفتح اول وکسر ثانی مشدد وسکون صاد مہملہ ف نخود وچنی طح را گویندی گویند ۳ مع ح
ق مد رمبی قابض طح خ سفید بزرگ ص خشخاش ل باقلا تمنیق الضاد المعجمہ
حمر الارض ع بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مہملہ وسکون لام وفتح ہمزہ وسکون راء
مہملہ ثانی دم خراطین حمض ع بفتح اول وثانی وسکون ضاد معجمہ م اشنان تمنیق الطاء المہملہ
حماط ع اول کسر ثانی والف طاء مہملہ م نوعی از حمیرا تمنیق اللام حمل ع بفتح اول وثانی وسکون
لام ف بره حلوان تمنیق المیم حماحم ع بفتح اول وثانی والف وکسر حاء مہملہ ثانی
وسکون میم ثانی ف بستان افروز طح ی ۲ حمام ع بفتح اول وثانی با الف ومیم ف کبوتر
ہیر یوا طح ی ۲ حمحم ع بضم ہر دو حاء مہملہ وسکون ہر دو میم ف گاوزبان تمنیق التحتانی
حمار اہلی ع ف خره گدہا ط لمش ح ی ۲ حمار وحشی ع ف گورخر طح ی ۳ حماض
بستانی ع بفتح اول وثانی مشدد والف وضاد معجمہ ف ترشینک وچقندر صحرائی
وساگ چوکا ط ب ی ۲ ق قابض لطف خ بستانی ترش ص شراب عناب
ل تخم حماض وتخم ریباس یا بابتنگ یا تخم مورد تلنیق النون وتمنیق الالف
حنا ع ہندی طب ای ۲ ق قابض خ نباتیست سبز کہ در حال خورد وکرده
باشند ش جہت قوبہ نیم مثقال واز تخم این جہت دماغ دو مثقال ص سپستان
یا کتیرا ل آس تمنیق الشین المعجمہ حنا قریش ع بکسر اول با ثانی والف وکسر
ہمزه وضم قاف وفتح راء مہملہ وسکون تحتانی وشین معجمہ م خراز الصحر تمنیق اللام
حنظل ع بفتح اول وسکون نون وفتح ظاء معجمہ وسکون لام ف خربزه تلخ ہ اندراین کا پہل طح
۳ ی ۲ گوینده ح ی ۲ ق مسہل محلل ش تازه زرد ورسیده ہندی ش از یک
قیراط تا یکدرم واز تخم او نیمدرم واز عسل او یکدانگ ونیم دانگ ص کتیرا یا مصطکی وصمغ
ونشاستہ ل حرمل وچہاردانگ وزن آن قثاء الحمار یا حب النخر وع وچہار دانگ

128

وزن آن قند ق گویند و وزن احسب النیل و نیمه وزن نیلج نقطی و نیمه وزن محمود و
تمنیق النون خنا محجنون بفتح میم و سکون جیم و ضم نون و سکون واو ف
وسمه یعنی ورق نیل تمنیق الهاء خناء الغولء ع بضم همزه و سکون لام و ضم غین
معجمه واو مجهول و فتح لام م البغلسا و شنکار خنطرو سیه بکسر اول و سکون ثانی
و فتح طاء مهمله و خفاء ها و ضم راء مهمله و سکون واو و کسر میم و فتح تحتانی مشدده میم
خندروس ف کاکل و جو برهنه خنطع ف گندم ه گیهون طح مع ی
ف بضم خ میان سرخ و سفید نرم بسیار قریه تمنیق التحتانی حندقوقی ع بفتح اول
و سکون ثانی و فتح دال مهمله و ضم قاف و سکون او و کسر قاف ثانی روف انده
قوقه و و لیه ا پست و آن سبزه ایست بری طح ی ۲ گویند ۳ ق لطف مدخ
بستانی ش و درم ص هندبا ل رطب تنسیق الواو و تمنیق الفوقانی حوت
ع بضم اول و سکون ثانی ع سمک ف ماهی ه مچهلی تمنیق الراء المهمله حور بفتح
ف بضم اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و همزه و سکون سین مهمله و فتح فا و سکون
نون یا دال مهمله الف و راء مهمله ثانی م بستان افروز حومر بفتح اول سکون ثانی و فتح
میم و سکون راء مهمله ف تمر هندی تمنیق الکاف حوک بفتح اول سکون ثانی و کاف م بادروج
تمنیق المیم حجم بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون میم ف گلسرخ ه کلال کا پهول
تمنیق الهاء حوانه بضم اول سکون ثانی با میم و الف و فتح نون و ها م ذو ثلاثه
اوراق و طریقین ه سمنس کوهی تمنیق التحتانی خواری ع بفتح اول و ثانی
و الف و کسر راء مهمله و تحتانی ف آرد گندم از حریر بیخته ه میدا جوزرومی بفتح اول و سکون
ثانی و زاء معجمه م جوزرومی که گویند کبر با صمغ ایست طب ی ق مجفف ش
یک مثقال ل و لب تنسیق الیاء التحتانی و تمنیق اللام حیطل بکسر اول و سکون
تحتانی و فتح ضاد معجمه و سکون لام م حدق تمنیق المیم حی العالم ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد

وسکون لام با عین مہملہ والف وفتح لام ثانی گویند نوعی از سرخ مروست وآن دو
دوا که از جمیع دوا برومی کار آید و بتجربه رسیده وبزبان هندی شهدئی زرد گل ست طب
سه ی اف را ع خ بستانی ش از آب و بحد برم ص طین ارمنی یا یبوند ل عصاره
کاهو یا عنب الثعلب تمنیق الحاء حیح بفتح اول وثانی مشدد وخفاء ہا ف مار
سانپ وناگ طح ی ۲ ق ملطف خ افعی تمنیق التحتانی حیات الموتی ع بفتح
اول وثانی والف وضم فوقانی وسکون لام فتح میم وسکون واو وفتح فوقانی
ثانی والف مقصوره م قطران توقیم الخاء المعجمه وتلنسیق وتمنیق الالف
خاراف بخاء معجمه والف وراء مہملہ م سنگ سخت خامالا ف بمیم والف ثانی ولام
وفتح الف ثالث ممدوده م مازریون تمنیق الموحدة خانق الذئب ع بخاء معجمه وبکسر نون
وضم قاف وکسر ذال معجمه مشدده وسکون تحتانی وموحده م خربق سیاه فخال نگی آن
کشنده گرگ ست و کتکی طح ی ۳ خانق الکلب ع بسکون لام وفتح کاف
وسکون لام ثانی ف فلوس ماهی ه کچلا تمنیق الموحدة الفارسی خاسپ
بکسر سین مہملہ وسکون موحده فارسی م سیب تمنیق الفوقانی خارپشت
ف بسکون راء مہملہ وضم موحده فارسی وسکون شین معجمه م قنفذ ه ساہی
تمنیق الدال المهملة خاود ف بسکون دال مہملہ م غلیواز تمنیق الراء
المهملة خارشتر ف بکسر راء مہملہ وضم شین معجمه وفوقانی وسکون راء مہملہ ثانی
جنسی از خار که شتر آنرا برغبت بخورد وآنرا اشترخار نیز گویند خانق النمر ع بکسر نون
وضم قاف وفتح نون ثانی مشدد وکسر میم نوعی از مازریون وآن کشنده پلنگ
وگرگ وسگ وخوک ست ومانند آن طح ی ۲ گویند ب ی ۲ خایه گیرف
بفتح تحتانی وخفاء ہا وکسر کاف فارسی م سکون تحتانی ع ریتلا تمنیق الزاء المعجمه
خایه زین ف بفتح تحتانی وخفاء ہا وکسر راء مہملہ وتحتانی مجهول وزای معجمه خایکینه

اول کیمیا بیمار را گویند باب الخاء اظفار الطیب مرقوم ظلف قسم چارپایه که بشگافته باشد عرب آن را ظلف گویند خاء مع سین نیز

ع حجه تلنسیق السین المهمله خا مادریوس ف و یونانی بمیم والف ثانی و فتح
دال مهمله و سکون را مهمله و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله هم کمادریوس ف
از نام وارویی تلخ خا مالادن لوقس یونانی بمیم والف ثانی و لام والف ثالث
و ضم واو و کسر نون و ضم لام و سکون واو ثانی و کسر قاف هم مازریون سفید نوع
بیونانی سفید خا مالادن مالس یونانی بمیم ثانی والف رابع و لام ثانی مالس یونانی
سیاه هم مازریون سیاه و نیز اسم حرباست خا مانیطس یونانی بمیم والف ثانی و کسر
نون و سکون تحتانی و کسر طا مهمله هم کمافیطوس ف ماش ارو خایه دیس ف
بفتح تحتانی و خفا ها و کسر دال مهمله و سکون تحتانی و سین مهمله هم کمات تمنیق الشین
المعجمه خاوش ف بضم واو و سکون شین معجمه هم خیابی که برای تخم نگاه دارند
خانه ریش بفتح نون و خفا ها و کسر را مهمله و تحتانی مجهول ف کلاه ماران [illegible]
لی رومی تمنیق العین المهمله خالع ع بکسر لام و سکون عین مهمله ف خرما بامی
تمام نخته تمنیق الکاف خانق الملک ع بکسر نون و ضم قاف و سکون لام و فتح میم
و کسر لام ثانی و سکون کاف ساماوران [illegible] داوران خایه کیر گ ف بکسر کاف فارسی
و سکون تحتانی و فتح را مهمله ع رتیلا تمنیق اللام خا دل ف بضم واو و سکون لام
م سورچه تمنیق المیم خا الم ف بضم لام و سکون میم هم [illegible] شراب تمنیق النون
خا لاون یونانی بخا معجمه والف و لام والف ثانی و ضم واو و نون ع [illegible] ف کاکل
و جو برهنه خا الیدونیون یونانی بخا معجمه والف و کسر لام و سکون تحتانی و ضم
دال مهمله و سکون واو و کسر نون و ضم تحتانی ثانی و سکون واو ثانی و دو نوع است
بزرگ آن را ف زرد چوبه گویند و کوچک آن را هم ماسیران خا مالادن یونانی بمیم
والف ثانی و لام والف ثالث و ضم واو و هم مازریون ف است و دو گویند
نام حرباست خا ما میلن یونانی بمیم والف ثانی و کسر میم ثانی و سکون تحتانی

خبث النحاس ع بضم نون و حاء مهمله و الف و سین مهمله م توبال النحاس ف ... طح
ی ۳ ق قابض مجفف اکال خ بسیار تنگ ش ... و الحال ... صمغ ...
تمنیق الصاد المهمله خبث الرصاص ع بکسر راء مهمله و صاد مهمله و الف
و صاد مهمله ثانی ف ... طبی ... تمنیق الکاف خبزدوک ف بفتح اول
و ثانی و سکون زاء معجمه و ضم دال مهمله و سکون واو و کاف ...
... که آنرا اهل شیراز خبزدوک گویند تمنیق الواو خبزدوف بفتح اول و ثانی
و سکون زاء معجمه و ضم دال مهمله م خبزدوک تمنیق الهاء خبث الفضه ع
بکسر فاء و فتح ضاد معجمه مشدده و خفا ها ف چرک نقره خ سبز تنگ تمنیق التحتانی
خبازی بضم اول و ثانی مفتوح و الف و کسره زاء معجمه و سکون تحتانی ف نوعی
از خطمی طب را گویند صح ح ب ق ملین خ بری ش جهة سعال و سقال
ل خطمی تنسیق الباء الموحدة لا الفارسی و تمنیق الکاف خبک ف بفتح
اول و موحده فارسی و سکون کاف م نان بزرگ تنسیق التاء الفوقانی و
تمنیق الجیم ختفرج ف بفتح اول فوقانی و سکون فا و فتح راء مهمله م خرف
تمنیق القاف خترق بفتح اول و سکون فوقانی و فتح راء مهمله م ... تمنیق
الکاف ختم الملک ع بفتح اول سکون ثانی و ضم میم و سکون لام و فتح میم ثانی
و کسر لام ثانی ف گل مختوم تنسیق الثاء المثلثه و تمنیق الراء المهمله
خثار البقر ع بکسر خا و ثاء مثلثه و الف و ضم همزه و سکون لام و فتح موحده و قاف
ف سرگین گاو ه گوبر طح ... منضج محلل ش ... تنسیق الدال المهمله
و تمنیق القاف خدرنق بفتح اول و دال مهمله و سکون راء مهمله و فتح نون و سکون
قاف ع عنکبوت تمنیق اللام خداع الرجال ع بضم اول و فتح ثانی و الف
و ضم عین مهمله و کسر راء مهمله مشدده با جیم الف م بزر البنج تنسیق الراء المهمله

وتمیق الالف خرس گیا ف بکسر اول و سکون دوم مهمله و سین مهمله و کسر کاف فارسی
یا تحتانی والف نباتی ست که بیخ آن شقاقل ست خرما ف بضم اول و سکون
ثانی با میم الف کهجور طح رض بادام و خشخاش و سکنجبین وکاهو تمیق الفوقانی
خربت ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده م بط کلان ق قابض خرنوت ف
قسمی از توت باشد زبون وبی مزه تمیق الجیم خرنهج بفتح اول و سکون
ثانی و فتح زا معجمه و سکون ها و فتح را مهمله و سکون جیم ف خرزهره کنیر خرنیج ف
بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون نون م خرگس خرو والدیک والدجاج
ع ف مرغ خروس و ماکیان کا بیٹ مرغی کی تمیق الجیم الفارسی خروچ
ف بضم اول و ثانی و واو مجهول م خروس تمیق الحاء المعجمه خربزه تلخ ف
اندراین کا پھل تمیق الدال المهمله خرادف بفتح اول و ثانی والف م
غلیواز خربق اسود ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون قاف
کٹکی طح ی ۳ ق مسهل خ متوسط و فربهی ولاغری و گره دار مجوف و سیاه
سعد باشد که درین ریشه های باریک باشند ش نیم درم ص بادام وکتیرا و کندش
و پوست بیخ کبر مساوی یا نیم وزن مازریون و چهار دانگ آن غاریقون و نیم وزن
ماهیزهرج یا کلیکج خرندف بفتح اول و ثانی و سکون نون گیاهی ست مانند
اشنان تمیق الراء المهمله خرورف بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله
ف م غلیواز کا چیل خرف ع حمار گدھا خرو الفارع بکسر اول و سکون ثانی
و ضم واو و سکون لام با فا والف ف بشکل موش کا چوہے کی مینگنی تمیق
الزاء المعجمه خبوزف بضم موحده فارسی و سکون واو م شترک کلان
خرپواز ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و تحتانی مجهول با واو والف
و زا معجمه م شترک کلان بمقدار غلیواز که خود را سرنگون کرده از درختها بیاویزد

ه بزباگرا تمنیق الشین المعجمه خرگوش ف بضم کاف فارسی و واو مجهول
م ورق بارتنگ وارنب خرموش ف موشی ست که اندک از خرگوش کوچک
بوده گهونس تمنیق الضاد المعجمه خربق ابیض ع گویند بیخی ست که پوست
وی متمل ست و بیخ کبر ماند و بطعم از خربق سیاه تلخ تر بوده چنیس طح ی
گویند ۲ ق مقی خ سفید زرد و شکنند در چون بخایند لعابی ظاهر شود در وو ز بانرا
نگزد و بعد از ان سخت بگزد و ش و رقی نمید رص مصطکی ل جوز القی ماهیزهرج
خردل ابیض ع م اسفند سفید تمنیق العین المهمله خرفع ع بکسر اول و سکون
ثانی و فتح فا و سکون عین مهمله م ثمر درخت عشره آگمه کا پهل خروالضفدع ع بکسر
اول و سکون ثانی و ضم واو و فتح ضاد معجمه مشدد با فا و الف و کسر دال مهمله م طحلب
ف جامه خواب بک و بیزره سوال خروع ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح واو
ف بید انجیره ارندطح ی ۲ ق محلل بلین خ بحری عق ده دانه مقشر ص
کتیرا با صمغ ل تخم تر بخ خریع ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م جسلو
تمنیق الفا خرکوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف و سکون واو و فا
از بوم که بغایت بزرگ باشد تمنیق القاف خرفق ع بفتح اول و سکون ثانی
و فتح فا و سکون قاف ف تخم سپندان خرنق بکسر اول و سکون ثانی و کسر نون
ف بچه خرگوش تمنیق الکاف خرچلوک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
جیم فارسی و ضم کاف و سکون واو و کاف ثانی م ستنبویه کا بچری خرک
ف بفتح اول و ثانی م خرباد خشک م خارک خرکونشک ف م ورق بارتنگ
خرو یک ف بضم اول و ثانی و سکون واو و فتح ها م مرجان کا پیال و
تمنیق الکاف الفارسی خرچنگ ف بفتح جیم فارسی و سکون نون م
پنجپایه کیکڑا تمنیق اللام خرچال ف بفتح اول و سکون ثانی با جیم فارسی

۱۳۵

والف م چیز بزرگ خردل ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله ه رائی حط
ح ی ۴ ق محرق کاوی بلطف بستانی تازه فربه سرخ که بعد از کوفتن زرد باشد
ش دو مثقال وگویند بدرم ص صندل وگلاب وکافور ونمک هندی ل دو وزن
حب الرشاد ود وزن تخم شلغم خرغول ف بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمه
و واو مجهول م گیاه بارتنگ وریم آنچه بزبان سعدی بمر تنبد روف نامند ع
لسان الحمل ه خوب کلان خرپای ابوجهل ه کبیح تمنیق النون خراطین ع بفتح
اول وثانی والف وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی ف زغازه کینچوا طح ای ۲
ق ملحم ش جهت یرقان ۵ و درم ص روغن بادام یا زیت ل زلو خرآهن ف
بفتح اول وسکون ثانی ومد همزه وفتح ها نوعی از علف ه لوها خراتین ع بفتح اول
وثانی والف وکسر یا وسکون تحتانی ف زلوه جونک وگویند خراطین خرنطان
بفتح اول وسکون ثانی وفتح نا وطاء مهمله والف م بنتوسه ۵ اکاس بیل ل سنبل
خرنسیان بفتح اول وسکون ثانی وکسر سیم با تحتانی والف م چند بید ستر تمنیق الو
خرچکو بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وفتح جیم فارسی وضم کاف ه تخم کواچ
خرد بکسر اول وضم ثانی م گل خیر وتمنیق الماخرنبه ف بفتح اول وسکون ثانی و
فتح موحده و فوقانی وخفاء ها م خربت خرزهره ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح راء معجمه
وسکون ها وفتح راء مهمله ثانی ع دفلی ه کنیر خرسته ف بکسر اول وثانی وسکون
سین مهمله وفتح فوقانی م جونک خرغول ف بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمه
و واو مجهول وفتح لام م خرغول خرفه ف بضم اول وسکون ثانی وفتح فا م تورک
خرمهره ف بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون ها وفتح راء مهمله م سفید مهره ه
سنکهه خروسه ف بضم اول وثانی و واو مجهول وفتح سین مهمله م تدرو خروه ف
بضم اول و واو مجهول واظهار ها م خروس خره ف بفتح اول وثانی م گنجاره

تمیق التحتانی خرامی بکسر اول وثانی والف وکسر میم وسکون تحتانی ف گل خیری
بری طح ی ۲ ق محلل ص بنفشه ل مرزنجوش وبابونه خردل فارسی بفتح دال
مهمله وکسر لام با فا والف ورا مهمله وسکون سین مهمله ف تخم سپندان خرمای هندی
بضم اول وسکون ثانی والف وکسر تحتانی وها وسکون نون وکسر دال مهمله ف تمر هندی
خرنوب شامی بفتح اول وسکون ثانی وضم نون وسکون واو وکسر موحده یا بین
وکسر میم ف کسر گا ذرونی طب ی ۲ گوینده ح ق قابض خ خشک شیرین فربه
نش پنجدرم تا ده درم ص عسل ل شاه بلوط خرنوب مصری بکسر میم وسکون صاد و
مهمله وکسر را مهمله م قرظ خرنوب نبطی بفتح نون ثانی وسکون موحده وکسر طا مهمله
ب ی ۲ ق قابض خ بزرگ نش سه درم ص جربی ل عذبه یا مازوی بی سوخ
یا طراثیث یا قرظ خرنوب هندی بکسر ها وسکون نون وکسر دال مهمله ف خیار چنبر
خیری ف بکسر اول وثانی گلی ست زرد رنگ که میان آن سیاه باشد م خیری
وهمیشه بهار خرفه بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وسکون ها ف کوخ تمیق الفا
خرف بفتح اول وثانی وسکون فا ه بهنگری طب ی ق مجفف خ خرف سفو
ص جلاب ل قیشور تمیق الکاف خروک ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو
وکاف م سنگین گردان ع جعل تمیق النون خرمیان بفتح اول وسکون ثانی
وکسر میم با تحتانی والف ونون م جند بیدستر تمیق الهاء خرنده ف بفتح
اول وثانی وسکون نون وفتح دال مهمله وخفا ها ع حشرات الارض تمیق
السین المهمله وتمیق الالف خسته خرباه گنج تمیق الواو المهمله خس الحمار
بفتح اول وضم ثانی مشدد وسکون لام وکسر ها مهمله یا میم والف ورا مهمله م
شنکار تمیق السین المهمله خس ع بفتح اول ف کاهو طب د ۳ گرنه
۲ ق منوم خ تازه بستانی سبز پهن ورق نش دو مثقال ص کرفس ونعناع

۱۳۷

ال ہند با و بفارسی جانوریست کہ پاہای باریک دارد و برروی آب بدود و خستہ
او شبیہ بدانہ جو باشد کوچک تر از جو و گویند مرغیست سفید رنگ کہ بزرگ تر
از کلنگ باشد تمنیق الفا خستفع بفتح اول و ثانی و سکون فا و قاف گردکان ہ
اخروٹ تمنیق القاف خستق بکسر اول و سکون ثانی م معصفر تمنیق الکاف
خسک ف بفتح اول و ثانی ع خسک ہ گوکہرو بکسر اول و سکون ثانی م گل معصفر
تمنیق الواو خسوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم واو مجہول م خستہ خسرو دارو
بضم اول م خولنجان تمنیق الفا خستہ ف م تخم میوہا مانند شفتالو و خرما خسکدانہ
ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف با دال مہملہ و الف و فتح نون م تخم معصفر تمنیق
التحتانی خسروی ف م نوعی از شراب چکیدہ تمنیق الشین المعجمہ و تمنیق
الفوقانی خشک پشت ف لاک پشت تمنیق الراء المہملہ خشکار بضم اول و
سکون شین معجمہ با کاف و الف ف آردی کہ از وی نخالہ نگرفتہ باشند ہ بن چھنا آٹا
خشیسار ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و نون با سین مہملہ و الف نوعی
از مرغابی کہ پشت آن سیاہ و میان سرش سفیدی باشد تمنیق الزاء المعجمہ
خشب الشونیز ع بفتح اول و ثانی و ضم موحدہ و شین معجمہ مشدد ثانی و واو مجہول
و کسر نون و سکون تحتانی چوب سیاہ دانہ گویند سیسارون تمنیق الشین
المعجمہ خشخاش ع ف کوکنار ہ جو ستر اط ابیض یعنی سفید بری او اسود
یعنی سیاہ بری ۳ گونہ اند ہم گویند د خ سفید تازہ فرستی از سفید او دو درم
تا پنج درم و از سیاہ نیم درم ص عسل یا قند یا عصارہ لسان الحمل یا از زبان ل انجم
یا وام مقشر تمنیق الفا خشیف ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف برف
تمنیق اللام خشل بفتح اول و ثانی م مقل تمنیق النون خشکنجبین بضم اول و سکون
ثانی و فتح کاف و سکون نون و ضم جیم و کسر موحدہ و سکون تحتانی م عسل خشک

که از کوهستان فارس خیزد طح ی ل یکیموزن عسل تمنیق الواو خشوع بفتح
اول وضم ثانی ضغرماهی زبون تمنیق الها خشکنانه ف بضم اول وسکون ثانی
وکاف بانون والف وفتح نون ثانی نان بی نانخورش تلنسیق الصاد المهمله
تمنیق الموحدة خصی الکلب ع بضم اول بیخی ست مانند خصیة الثعلب خصیة الثعلب
ع بضم اول وسکون ثانی طح دا گویند مع ق مهیج شیرین فربه که از ولوبی تمنی
آیدش یکمثقال تا دو مثقال و گویند بخور حص آمدن بوزیدان با تخم تربوز یا تخم
خرجیر یا تخم انجیر یا تخم اسپست یا سقنقور یا شقاقل تمنیق الراء المهمله خصیة البحر
ع م جند بیدستر تمنیق السین المهمله خصی الفرس هم جلبوب تمنیق اللام
خصیة الایل ف خایه بز کوهی خصیة العجاجیل بفتح عین مهمله و جیم با الف بکسر جیم ثانی
وسکون تحتانی ف خایه گوساله تمنیق الها خصیبع بضم اول وسکون ثانی وفتح
تحتانی ف خایه بیلری طح گویند ب ی خ خایه خروس فربه تلنسیق
الضاد المعجمه و تمنیق الفا خضفع ع بفتح اول وضاد معجمه ف خربزه نارسیده
و خربزه خور و خضلا ف بفتح اول وسکون ثانی با اللام والف م درخت مقل
تلنسیق الطاء المهمله و تمنیق الراء المهمله خطر ع بکسر اول وفتح طاء مهمله
وسمه تمنیق الفا خطاف ع بضم اول با ثانی مشدد والف ف پرستوک که لهنیا و
پت دیهی اح ی ا ق مفتت حصاة ل سرگین گا و تمنیق النون خطبان
بفتح اول و ثانی با موحده والف هم حنطیانا تمنیق التحتانی خطمی بفتح بفتح اول
وسکون ثانی و کسر میم گل مشهور ست طب د گویند ح ق ملین منضج محلل خ سبز
تازه کوهی سفید گل ص عسل یا کتیرا ل نیلوفر یا خبازی تلنسیق الفا و تمنیق الجیم
خفج بفتح اول وسکون فا و جیم هم خردل بری خفرج ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
را و مهله ع بقلة الحمقاء تمنیق الشین المعجمه خفاش ف بفتح اول و ثانی مشدد

۱۳۹

والف م شیره هندی همگاد ط ح دخ بزرگ ص شخاش تمنیق الفاء حف
ف بلفتح اول گیاهی ست که آتش زود گیرد و آنرا بر زیر سنگ آتش زنه نهاده
چماق خ برنند تا آتش بگیرد م پده ع مرخ تنسیق اللام و تمنیق الدال المهمله
خلدع بلفتح اول وسکون لام ف موش کور و انگشت برگ ه چکچوندر تمنیق الواو
المهمله خلر لضم اول و فتح ثانی مشدد م جنسی ست مانند کرسنه تمنیق الفاء
خلاف ع بکسر اول ف درخت بید ط ب ی اق مجفف خ کنار چشمه سته باشد
ش از آب اوبست مثقال ص گلاب یا مرزنجوش ل گل حنا و گل کرم تمنیق
القاف خلوق ع بلفتح اول و ضم ثانی و سکون واو م زعفران تمنیق اللام
خلال خلیل بکسر اول م درخت آطریلال خلال ع بلفتح اول ف غوره خرما
خل العنصل ع ف سرکه پیاز دشتی خل ع بلفتح اول و ثانی مشدد ف سرکه ط ب
ی ۳ گوینده ب ای ۳ ق ملطف مقطع خ خل خمر ص سکر و روغن بادام و بضم اول
و سکون ثانی ف خاکستر تمنیق الواو خلوف بضم اول و ثانی م الو تمنیق
الفا خلیع بلفتح اول و ثانی مشدد و خفا و با ف شراب ترش تمنیق التحتانی خلال
ماسولی بکسر اول م اذخر خلبای بلفتح اول و ثانی با موحده والف و کسر تحتانی مجهول
م قنعف بیرز و تنسیق المیم و تمنیق الفوقانی خمستا انگشت ف بلفتح
اول و سکون میم و کاف فارسی لاسبنها و تمنیق الراء المهمله خمر الحمار ع بلفتح اول
و سکون ثانی و ضم راء مهمله م اشنجار خمر ع بلفتح اول و سکون ثانی ف شراب انگوری
ما داکه مطح ی ۲ ق ملطف خ ریحانی معتدل القوام زرد رنگ خوشبوی آنکه
ادویه در و کنند و سیاه نو و کهن ش هفتاد و دو مثقال ص فواکه ترش ل انبذه
خمیر ع بلفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م فطیر ط ب ۲ داق منضج خ معتدل
ملح ص جلنجبین تمنیق القاف خمستا وراق ع بلفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله

غبار آن را در دهان بزند که دندان را بریزاند گویند شیر خشت است زقوم دگویند انگزه است دگویند با قندیون ست وغالیه ایست

وضم فوقانی وفتح همزه وسکون فی او با را مهمله و الف و قاف م سنبهالو تمنیق اللام
خمل بفتح اول وسکون میم و للام م ستونجان تمنیق النون خمان بفتح اول وثانی و
الف م خامارا قطی خماهن ف بضم اول وسکون ثانی و همزه وفتح ها سنگی ست
حدید یکسیاه و آن دو نوع ست یکی نر دوم ماده و نر آن بغایت سخت و تیره رنگ بود چون
آب سایند سرخ شود مانند شنگرف و گویند ظرف آن سر خند یعنی شراب خورند و مستی
نیارد و ع صندل حدید تخفیف النون وتمنیق الراء المهمله خنگسار ف بکسر
اول وسکون نون وکاف فارسی با سین مهمله و الف م شوره که جز و بارود ست و
تمنیق السین المهمله خندروس ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وضم را
مهمله وسکون واو ع حنطه رومی ف کاکل وگندم صحرائی و جو برهنه طح ی گویند
ح وتمنیق الکاف خنجک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم م درینه وبکسر اول
درخت بن تمنیق اللام خندریل بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وکسر را مهمله
وسکون تحتانی ف کاسنی تبری تمنیق النون خندیقون بفتح اول وسکون ثانی
وکسر دال مهمله وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو ف شرابست که از عسل
و شراب کهن یا مثلث سازند طح ی تمنیق الطاء خنجره بفتح اول وسکون ثانی
وفتح جیم و را مهمله ف خیار هندی تمنیق التحتانی خنثی ع بضم اول وسکون ثانی
وفتح مثلثه والف مقصوره ف بیخ گیاه بیرشن طح ی ۳ گویند ب دق محلل و
محلل ثق بیخ درم وانثر شگوفه او و درم ص شوربای جرب ل فوه و مغاث
تمنیق الواو وتمنیق الالف خواف بفتح اول با واو والف م گوشت خوکاب
بضم اول وسکون ثانی و موحده وفتح کاف ف تخم بارتنگ تمنیق الفوقانی خر
بفتح اول وثانی وسکون سین مهمله ف خرپزه تمنیق الجیم الفارسی خوچ ف
بضم اول وسکون ثانی م گل بستان افروز تمنیق الخاء المعجمه خوخ ع بفتح اول

وسکون ثانی ف شفتالوه الو وطب ر ۲ گویند ق قاسع مروخ انچه استخوان
زود از جدا شود وش یک کف ص بخیل بی باهل بل ششمش تمنیق الواو المهملة خوش نظر
بضم اول وثانی مجهول وسکون شین معجمه وفتح نون وظاء معجمه م کلگه وگویند سرخ
تمنیق الصاد المهملة خوص بفتح اول م ورق بقل بر ورق نخل و ورق نارگیل
را بدین نام خوانند تمنیق العین المهملة خوع اقرع بفتح اول وسکون ثانی وکسر
خاء معجمه ثانی وفتح میم وسکون قاف وفتح راء مهمله م سانج هندی تمنیق الکاف
خواتیم الملک ع ف گل مختوم ونیز ختم الملک گویند بحذف واو ویاء تحتانی خوزدو
ف بفتح اول وثانی وسکون زاء معجمه وضم دال مهمله وواو مجهول م غبیره وکج کل
ف بضم اول وسکون ثانی ع خزیر تمنیق اللام خوال ف بفتح اول وثانی
والف م دوده که از چراغ حاصل شود ع مرکب تمنیق النون خولان ع بفتح اول
وثانی والف ونون م حضض خولنجان بضم اول وثانی مجهول وکسر لام وسکون
نون با جیم والف کلیجن طلح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف مهیج سرخ سطبر
کم گره شش نیم درم تا یک درم ص کتیرا وچیزهای چرب وصندل وکافور یا ابریشم
ل تبر نقل یا قرفه ودرد گرده وقوت باه یک نیم وزن دارچینی ونیم وزن
قریض خون سیاوشان بضم اول وسکون ثانی وکسر نون بسین مهمله یا تحتانی
والف وضم واو با شین معجمه والف ثانی ع دم الاخوین وگویند بقم ووجه تسمیه آنکه
چون افراسیاب سیاوش را کشت جائیکه خون او ریخته و در آنجا این نبات رسته
که بیراو وکبی تمنیق الواو خوللوف بضم اول وثانی مجهول وفتح لام وضم لام
ثانی وسکون واو ثانی رازیانه بری تمنیق الهاء خواجه گیاه بضم اول با ثانی
معدوله والف وفتح جیم فارسی وخفاء هاء وکسر کاف فارسی با تحتانی والف که
با لنسا خوجه ف بضم اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی م گل بستان افروز خوخ

فوخ فلیوق اسقه بفتح اول وسکون ثانی وکسر خاء معجمه ثانی وفتح قاف وکسر لام و
سکون تحتانی وقاف وفتح همزه وسکون سین مهمله وفتح فوقانی م قاقله خود خرده
ف بضم اول وثانی مجهول ع کسر دال مهمله وضم خاء معجمه ثانی وراء مهمله و واو مجهول ثانی ع
الطیار هام گل تاج خروس خوی ناه ف بضم اول وثانی مجهول و تحتانی بانون والف
والطیار هام خراطین تنسیق الیاء التحتانی وتمنیق الالف خیربوا بفتح اول و
سکون تحتانی وکسر راء مهمله وفتح سوحده و واو مشدده والف ع قاقله صغار تمنیق ا
خیروج بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو وجیم م خبازی خیشفوج
بکسر اول وسکون ثانی وشین معجمه وضم فا وسکون واو ف بنبه انه تمنیق الدال المهمله
خبیدف بکسر اول وسکون ثانی ودال مهمله م خو بید که عبارت از جو وگندم نخوده
باشند تمنیق الواء المهمله خیار چنبر و خیار شنبر بکسر اول باثانی والف وراء مهمله وفتح
جیم فارسی وسکون نون وفتح سوحده وسکون راء مهمله ثانی در لغت اول و فتح شین
معجمه در لغت ثانی ه گرمالا و املتاس و رهن بهیرا و باندر پوری و باندر لکری
طامع ح ب ق محلل و ملین و مسهل صفراء هندی سطبر سیاه رسیده به عسل
و فلوس و پوستش براق ورقیق باشد ور وقت استعمال از قلم بیرون آرند ش
پنج درم تا پانزده درم ص روغن بادام و مصطکی و انیسون و عناب یا آب انجبار
ل تخمین و سه وزن آن مویز بی دانه و اندکی ترید تمنیق الواء المهمله خیار ف
بکسر اول باثانی والف وراء مهمله یا در نگ ه کهیرا طب د ۲ تمنیق النون خیزران
ف بکسر اول وسکون ثانی مجهول وضم زاء معجمه یا راء مهمله والف و نون ه چوب نیب
طح د ۲ مع ی ق مفتت حصاة ش دو درم ص خافشل بیخ غلیق تمنیق
الواو خیار کدو ف بکسر اول باثانی والف وکسر راء مهمله وفتح کاف وضم دال مهمله
وسکون واو ع هندوانه ه تربوز ب د خطمی خیلوف بکسر اول باثانی وضم لام

وسکون میم ف انار تمنیق النون دالون بالفتح فوقانی وسکون واو ونون ف
بیخ حب السلاطین هم حمال گوٹے کی جڑ دار پرنیان ف بکسر راء مہملہ وفتح موحدہ فارسی
وسکون راء مہملہ ثانی وکسر نون باتحتانی والف ف چوب بقم دار شیشعان بکسر
راء مہملہ وشین معجمہ وسکون تحتانی وفتح شین معجمہ ثانی عین مہملہ والف ثانی وکاہ مہملہ
طح ای ۲ ق قابض نخ گران سرخی مائل خوشبو سطبر اندکی تلخ ش یکدرم تا دودرم
ص دو قوی یار ازیانہ ل اسارون یا اترة الطرفا یا چہار دانگ وزن آن زرا وندہ
نیمو وزن آن دروبیخ یار ایک سعد دار قن بکسر راء مہملہ وفتح قاف ف شفتالو تمنیق
الہاء دار پرزہ ف بالفتح موحدہ فارسی سکون راء مہملہ وفتح زاء معجمہ ونفسا ہام
فراشترک دار کیسہ بکسر راء مہملہ وکاف وسکون تحتانی وفتح سین مہملہ هم بستیا
وگویند حالیسفر و آکمہ بفتح کاف وانہار ہاع عنب ف انگور دالپوزہ ف
بسکون لام وضم موحدہ فارسی وواو مجہول وفتح زاء معجمہ هم فراشترک تمنیق
التحتانی داروی بکسر دال مہملہ ثانی وتحتانی وضم راء مہملہ وسکون واو وکسر میم
سکون تحتانی ثانی هم ہو فاریقون دار یوی ف بسکون راء مہملہ وضم موحدہ
وواو مجہول ع عود دار چینی ع بکسر راء مہملہ وصاد مہملہ وسکون تحتانی وکسر نون ہ
وال چینی طح ی ۳ گویند ۲ ق ملطف مفتح مدر مقوی ل وکبد ومعدہ ومبہی خ
سیلانی خوشبو سرخ تیز طعم شیرینی آمیز ش یکدرم ص اسارون ل پوست سلیخہ و نیولفر
کبابہ یا ابہل یا زرنب یا خولنجان تنسیق الباء الموحدہ وتمنیق الالف وباء بضم
اول با موحدہ مشددہ والف ف کدو وتمنیق الموحدہ وبابب بضم اول باء ثانی والف
وموحدہ ثانی هم سنبل سنبر تمنیق الواء المہملہ و بودار بفتح اول وضم ثانی وسکون واو
با دال مہملہ ثانی والف وراء مہملہ هم تمنیق السین المہملہ دلبس ع بکسر اول
وسکون ثانی وسین مہملہ ف روشانہ خرمائی طح رخ بصری آتش ندیدہ کہ

از رطب فارسی گرفته باشد ص بادام وکاهو وخشخاش سکنجبین تمنیق القاف
دبق بکسر اول وسکون ثانی وقاف م موبزج عسلی طح ۲ ی ۳ ق محلل ملین
لخ تازه املس که در وی نقش گرائی وبر نقش سیاه سرخی مائل ص زرنبا ولیموی
عاقرقرحا وچهار دانگ زن آن جوز السرو ونیموزن آن اهل تمنیق اللام
دبول بفتح اول وضم ثانی وسکون واو ولام ف روغن کتان
تمنیق الفا دباله ف بفتح اول وثانی والف وفتح لام دخفا ره م
ترنج وبله بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام ف بار درخت کر بیره
تثنیث تلنسیق وتمنیق الجیم دجاج ع بضم اول باجیم والف وجیم ثانی
ف ماکیان که کوکڑی وبزبان شاهجهان اباد مرغی طح ع ح ق گوشت او
سعذی ومقوی باغ خ آنکه بیضه نداده باشد ص نان پاک ل دراج دج ع بفتح
اول ف مرغ بری که طیخام بزبان دهلی مرغا تمنیق الراء المهمله وجرع بفتح اول
وکسر ثانی ف لوبیا تلنسیق الخاء المعجمه وتمنیق الالف دخسیسا بضم
اول وسکون خاء معجمه وکسر سین مهمله وسکون تحتانی باسین مهمله ثانی والف ف
روغن بلسان تمنیق الخاء المعجمه دخ ف بضم اول وسکون خاء معجمه م گیاه جهت
که از میان آب بروید وازان حصیر بافند م لو خ تمنیق المیم دخت مریم بضم
اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وفتح میم وسکون راء مهمله وفتح تحتانی وسکون میم
ثانی ف پوست درخت سبهنالو که چهال سبهنالو کی تمنیق النون دخان ع بضم
اول باثانی والف ونون ف دود که دهوان طح ی ق ملطف مجفف ص
شراب خشخاس دخن ع بضم اول وسکون ثانی ف ارزن که چینا طب ی
گویند ۳ گو منبح ص تند مصطکی ل برنج تلنسیق وتمنیق الدال المهمله
دد ف بفتح اول وسکون دال مهمله ثانی م جانوران درنده چون شیر وببر وگرگ

وسکون شین معجمه م نوعی از خیار که آنرا کلونده و دشتی نیز گویند تمنیق العین
المهمله د عجع ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون عین مهمله ف
شاخل ه ا ر هر تمنیق الفاء د خیف ف بضم اول و سکون ثانی و ضم خاء معجمه
م زنبور سیاه تمنیق اللام د رازدنبال بفتح اول و ثانی و الف و زاء معجمه و ضم
دال مهمله و سکون نون با موحده و الف ثانی و لام ف گاوگاو مثیش ر دی الخل
ع بضم اول و سکون راء مهمله و کسر دال مهمله ثانی و ضم تحتانی مشدد و سکون لام
و فتح خاء معجمه ف دردی سرکه طلح ی ق مجفف شخ کمنه ص وغن گل ل
شب با سرکه یا شراب تمنیق المیم د رازدم ف بفتح اول و ثانی و الف و زاء معجمه
و ضم دال مهمله ثانی و سکون میم ف م سک ه کته تمنیق النون د خت گلچکان
ف بفتح اول و ثانی و سکون خاء معجمه و کسر فوقانی و ضم کاف فارسی و سکون
لام و فتح جیم فارسی با کاف الف و نون ه درخت مهوا د رون بفتح اول و ثانی و سکون نون
م نوالاجونک تمنیق الفاء د خت سبنه ف بضم سین مهمله و سکون نون و
فتح موحده و خفاء ها جانوریست که درخت را سوراخ کند و سبز رنگ باشد م
سبزک ه کلناس دردمه ف بضم اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله ثانی هم دردی
شراب و آب و روغن و امثال آن درگاله و درکاله ف بفتح اول و سکون
ثانی با کاف فارسی و الف و فتح لام در لغت اول م ضم کاف فارسی با لام و الف
و فتح لام ثانی در لغت ثانی هم نج درمنه ف بفتح اول و ثانی و سکون میم و فتح نون
و خفاء ها جوهری اخوان درونه ف بفتح اول م ضم ثانی و واو مجهول و فتح نون
گیاهیست که شبیه بگزدم باشد هم درونج عقربی دره ف بفتح اول م ثانی مشدد
و مخفف و م شکینه تمنیق التحتانی درونج عقربی غ بفتح اول و ضم ثانی و سکون
واو و فتح نون و سکون جیم و فتح عین مهمله و سکون قاف و فتح راء مهمله و کسر موحده

وسکون تحتانی ۵ الوس طح ی ۳ ق ملطف ومفرح ومقوی ل خ رومی مثـ
نیم درم تا یکدرم ص بازیانه یا نشاسته ل زرنباد دو دانگ وزن آن قرنفل ف
گویند عاقرقرحا دو وزن سه سنجان دری ف بفتح اول وکسر ثانی م نوعی از
کبک تلنبیق وتمنیق السین المهمله دس ف بضم اول وسکون سین مهمله
م گل پخته تمنیق الهاء وستنبویه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون
نون وضم موحده ووا و مجهول وفتح تحتانی وخفا ها ع شمام ۵ کچری تلنبیق ا
المعجمه وتمنیق الراء المهمله دشمرف بفتح اول وسکون شین معجمه وفتح میم
وسکون راء مهمله م شاخل ع درج ۵ ارهر تمنیق التحتانی دشتی ف بضم اول
وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی م زلوه جونک تلنبیق الفاء وتمنیق
الراء المهمله دفار بفتح اول با فا والف وراء مهمله ۵ گنوار تمنیق التحتانی دفلی ع
بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی ف خرزهره ۵ کنیر طح ی ۳ ف
محلل خ سطبر بزرگ ورق بسیار تلخ سرخ گل سخت شرش نیم درم تلنبیق القاف
وتمنیق النون دقطانا نون بفتح اول وسکون قاف با طاء مهمله والف ومیم
والف ثانی وضم نون وسکون واو ولون م مشکطرامشیع تلنبیق اللام ف
تمنیق الموصله دل آشوب ف بکسر اول وسکون لام ومد همزه وضم شین معجمه
وسکون واو وموحده م پنج انگشت ۵ سنبهالو دلب ع بضم اول وسکون ثانی
ف درخت چنار طح جوز و پوست اوی اگویند ۳ ب ا و چوب او ب دق
مجفف خ تازه ص عود یا دارچینی ل قشور رمان تمنیق المثلثه دلبوث
بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو ومثلثه ف نوعی از سوسن بر
تمنیق السین المهمله دلینس بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر وفتح
نون وسکون سین مهمله ف نوعی از صدف کوچک تمنیق العین المهمله دلاع

ع بضم اول با ثانی مشدد و الف و عین مهمله ف هندوانه تمنیق الکاف دلک
ف بفتح اول و ثانی و میم و سکون کاف م پنیر تر و لیک بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی ف ثمر گل چون گل بریزد و آن ثمر حاصل شود تمنیق الکاف الفارسی لنک
ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و کاف فارسی م غلاف خوشه خرما تمنیق اللام
و لدال بفتح اول و سکون ثانی با دال مهمله ثانی و الف و لام ف خارپشت ...
تمنیق النون دلفین بضم اول و فتح ثانی و کسر فا و سکون تحتانی و نون ف ماهی
بزرگ سیاه رنگ که سرش بخوک ماند ع خنزیر البحر ف خوک ماهی تمنیق الهاء دلمه
ف بفتح اول و ثانی و میم و خفاء ها م پنیر تر دله ف بفتح اول و ثانی م گربه صحرائی
و بکسر اول م دل تمنیق المیم و تمنیق الجیم دم الدجاج ع بفتح اول و ضم
میم مشدد و دال مهمله مشدد ثانی با جیم و الف و جیم ثانی ف خون ماکیان خ ماخوذ
از طایر سلیم تمنیق السین المهمله دم التیس ع بفتح اول و ضم میم مشدد و کسر فوقانی
مشدده و سکون تحتانی و سین مهمله ف خون بز کوهی خ ماخوذ از بز کوهی چهار ساله
در وقتیکه انگور رنگ گیرد حلقش ببرند و خون اول و آخر بگیرند و آنچه متوسط باشد
بستانند و در دیگ سنگین کنند تا سر شود پس قرصها ساخته خشک سازند و از غبار
محافظت نمایند و در جای نمناک ننهند تمنیق العین المهمله دم الضفدع ع
بفتح اول و ثانی مشدد و فتح ضاد معجمه مشدد و سکون فا و فتح دال مهمله ثانی و سکون
عین مهمله ف خون غوک خ از ضفدع زرد و سبز تمنیق الغین المعجمه دماغ ع
بکسر اول با ثانی و الف و غین معجمه ف مغز سر ه بهیجا طب رق ملین مقوی
دماغ و مبهی خصوصاً مغز سر دماغ گنجشک و بره بسیار مبهی ست خ ماخوذ از مرغهای کوهی
و از مواشی مغز بره و گوساله ص پودنه و فلفل و خردل و دارچینی و سرکه ل مغز ساق
تمنیق القاف دمسق ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله و سکون قاف

و قرط بکسر قاف نوعی از کراث ای گندنا و بفتح اول و ثانی ترکیب و آن ثمر درخت خار دار است اقاقیا عصاره او ست قرع

ف ابریشم سفید تمنیق المیم دبادم بفتح اول وثانی والف وفتح دال مهمله ثانی و
سکون میم ثانی ع حجر الدم دم الحمام ع بسکون لام وفتح حاء مهمله با میم ثانی والف
ومیم ثالث ف خون کبوتر خ خون طائر سلیم دم ع بفتح اول وسکون ثانی ف
خون ه لوهو طح رق مغذی ص نانخواه ل جگر تمنیق النون دم الاخوین ع
بسکون لام وفتح همزه وخاء معجمه واو وسکون تحتانی ونون ف خون سیاوشان
ه هیرادکهی وگویند لبقم سکه طاب ۲ ی ۲ گویند ح ا ی ۲ ق قابض طبیخ مجفف وحابس
دم وبدل خ چکیده صافی که اصلا چوب ورگ نباشد ش نیمدرم ص صمغ عربی کتیرا
یا بوزیدل عصاره او یا خس الحمار یا اقاقیا دم الانسان ع بفتح اول وضم ثانی
مشدد وسکون لام وکسر همزه وسکون نون با سین مهمله والف ف خون آدمی
دم الثعبان ع بضم مثلثه مشدد وسکون عین مهمله با موحده الف م دم الاخوین
تمنیق الهاء دمسه ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله وخفاء ها م ابریشم
سفید ع دمسق دمسیجه ف بضم اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله وسکون تحتانی
وفتح جیم فارسی م کازرک ع صعوه ه ممولا تلنسیق النون وتمنیق الدال المهمله
دند ف بفتح اول وسکون نون ودال مهمله ثانی م باتوع حب السلاطین ه جمال گوٹا
طح ی ہ ق مسهل خ چینی بعد از وسنجری بعد از وهندی ش یکینم حبه تا دوحبه
گویند ددوا انگست تا نیمدرم ص نشاسته دلبضم اول ف نوعی از زنبور تمنیق الراء
المهمله دنقر بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون راء مهمله ف شوره ه
باجی طح ی تمنیق الهاء دنقه بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وخفاء ها ف
یاسمین ه چنبیلی تنسیق الواو وتمنیق الالف دوبا ف بضم اول مهمله واو مجهول
با موحده فارسی والف کرم سبزیست که در درخت بلوط یابند وبان ابریشم امثال
آن رنگ کنند تمنیق الهاء المهمله دوباسوح بضم اول وثانی مجهول با موحده

والف وضم راء مهمله وسکون واو ثانی وحاء مهمله کاکنج تمنیق الخاء المعجمه دو خ ف
بضم اول وسکون ثانی وخاء معجمه مر لخ و دخ تمنیق الراء المهمله دو دالکرمرع
بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله ثانی وسکون لام وفتح هاء مهمله وکسر راء مهمله
وسکون تحتانی وراء مهمله ثانی ف کرم ابریشم دو سر بضم اول وثانی مجهول وفتح
سین مهمله م کاکل جو برهنه وگندم صحرائی طح رای ۲ گویند ب ق مسهل
خ سیاه ش دو درص کثیر اهقل ل تموزن حب النیل تمنیق الزاء المعجمه
دو دالقرمرع بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله ثانی وسکون لام وکسر قاف
وسکون راء مهمله وکسر میم وسکون زاء معجمه ف کرم ابریشم سرخ طب ی تمنیق
الصاد المهمله دو صع بضم اول سکون ثانی وصاد مهمله ف آبی ست که آهنت
تافته در وانداخته دو قص بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف ع لصل تمنیق الغین
المعجمه دو غ ف بضم اول سکون ثانی مجهول وغین معجمه چپاچه تمنیق الکاف
دو الک ف بضم اول با ثانی والف وفتح لام وسکون کاف ع اشنه که چهریلا
دو لک بضم اول با ثانی والف وفتح لام ف فلغلمویه تمنیق اللام دو ال ف
بضم اول با ثانی والف ولام م زهر و بعضی گویند الیسر ف پوست بیخ زیتون دو بال
ف بضم اول وثانی مجهول با موحده والف ولام م زهر دو دیل ف بضم اول
وکسر ثانی وتحتانی مجهول م ابریشم کنده که از پیله حاصل شود که دو کتاغ میان
او باشد تمنیق المیم دو دم ع بضم اول وسکون ثانی ومیم م درخت مقل تمنیق
الواو دو دقوع بضم اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون واو ف تخم جزبری
کبیج وی شقاقل ست وگیاه وی خرس گیاه ۳ لالاکاطح ۳ ی اف سنفج بلطف
خ تازه در وش بکید رص تخم سورد یا بلوط یا مصطکی یا طباشیر ل بدو وزن تخم گذ
یاوه وزن تخم کرفس و یا نخواه تمنیق الهاء دو اد الهیع بفتح اول وثانی والف ضم

بجوشانند تا بروغن آید و در ظرف آبگینه نگاه دارند و گویند که زیر بهر چیش نشتر شگافته
نزدیک تشگافش شیشه آویزند که در و بچکد طح ی ۲ گویند ۳ دهن السوسن بضم سین
مهمله مشدده و واو مجهول و فتح سین مهمله ثانی م روغن سوسن ل روغن خانه دهن النسرین
بفتح نون مشدد و سکون سین مهمله و کسر راء مهمله و سکون تحتانی م روغن نسرین ل
روغن باوام دهن بضم اول و سکون ثانی ف روغن طح دق ملین نخ تازه تمنیق
الما دهان ف بفتح اول و اظهار ثانی و الف و فتح نون و خفا ء ها و بی الف نیز م ریختا
نوعیست سبز رنگ و تلخ و از کان مس حاصل شود ع د نخ دهن الانجره ف بسکون
لام و فتح همزه و سکون نون و کسر جیم و فتح راء مهمله ف روغن گزنه ل روغن خسکدانه
تمنیق التحتانی دها تکی بفتح اول و اظهار ثانی و الف و فوقانی و کسر کاف و سکون
تحتانی م گل دهاوی دهن الخیری بکسر خاء معجمه و سکون تحتانی و کسر راء مهمله ف
روغن خیری ل روغن حنا دهن السوالی بکسر سین مهمله مشدده با واو و الف و کسر لام
ف روغن کتان دهن العسلی بفتح عین مهمله و سین مهمله و کسر لام م اوپالی تمنیق التحتانی
و تمنیق الالف دیاقوذا یونانی بفتح اول و کسره آن با تحتانی و الف و ضم قاف
و سکون واو با دال مهمله و الف ثانی ف شراب خشخاش که با پوست پزند دیوپا
ف بکسر اول و ثانی مجهول و واو با موحده فارسی ع عنکبوت و گیاهی ست که بعربی
آنرا جند قوقی خوانند تمنیق الفوقانی دیواسپست بکسر اول و ثانی مجهول واو
مجهول و کسر همزه و سکون سین مهمله و کسر موحده فارسی سکون سین مهمله ثانی و فوقانی
م جند قوقی تمنیق الراء المهمله دینار بکسر اول و سکون ثانی با نون و الف و راء
مهمله م تخم کشوث دیودار بکسر اول و تحتانی مجهول و واو مجهول با دال مهمله ثانی و
الف و بیدارست و آن صنوبر هندی ست ف درخت مازو یا جینده طح ی
تمنیق السین المهمله دیفرجس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و راء مهمله

۱۵۷

وکسر موحده وسکون موحده ثانی ه درخت بر تنسیق وتمنیق الموحده ذباب ع
بضم ذال معجمه با موحده والف وموحده ثانی ف مگس ه مکهی طرح ق ملین شتی تمنیق
اللام ذبال ع بضم اول با ثانی والف ولام ف کاسه پشت وسنگ پشت تنسیق
الراء المهمله وتمنیق الفوقانی ذرت ع بضم اول وفتح راء مهمله مشدده وسکون فوقانی
ه غله جواری طب ی تمنیق الجیم ذراریح ع بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهمله
ثانی وسکون تحتانی ف حیوانی ست از مگس بزرگتر بقدر زنبور سرخ لیکن با بکتر و
نقطها سیاه بر ان و آن سم قاتل ست ه بندلی طرح ی خ ذهبی رنگ ف بغسر ب
نشن یک طسوج ص شیر تازه وروغن بادام وجلاب ملین مختوم و باید که آنها را در کوزه
کنند وسر کوزه به لته کتان بسته سرنگون بر بخار سرکه جوشان گذارند تا مخنوق
بگیرند ملینوث یا کرم سبز که در درخت صنوبر می باشد تمنیق الفاء ذرق الخطاطیف
بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون لام وفتح خاء معجمه وطاء مهمله والف وکسر طاء
مهمله ثانی وسکون تحتانی وقاف سرگین پرستوک تمنیق القاف ذرق بفتح اول
وثانی هم جند قوقی ونیز اطلاق می کنند بر لیشکل وسرگین تمنیق التحتانی ذرانی
ع بفتح اول وثانی والف وکسر نون ف نمک سفید تنسیق الفاء وتمنیق الراء
المهمله ذفرک بفتح وکسر اول وسکون فا وفتح کاف تخم کرفس کوهی تمنیق التحتانی
ذفری رومی بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله نوعی از سداب بری ست تنسیق
اللام وتمنیق الواو ذلو بضم اول ولام وسکون واو ه جونک تنسیق النون
وتمنیق الراء المهمله ذنب الفارع بفتح اول ونون وضم موحده وسکون لام
با فا والف ف بارتنگ تمنیق اللام ذنب الخیل ع بسکون لام وفتح خاء معجمه
سکون تحتانی ولام م لحیة التیس تنسیق الواو وتمنیق الفوقانی ذو ثلاث
شعبات ع بضم اول وسکون واو وفتح مثلثه ولام والف ومثلثه ثانی وفتح عین مهمله

وسوده مشدد والف ثانی و فوقانی م زعرور ذ و ثلاث شوکات ع بفتح شین معجمه
وسکون واو با کاف والف ثانی م شکاعا تمنیق العین المهمله ذ خمسة اصابع
ع ف پنجنگشت تمنیق القاف ذ خمسة اوراق ع بفتح همزه وسکون واو با رای مهمله
والف ثانی و قاف ف پنجنگشت تنسیق الهاء و تمنیق الموصله ذ بهبع بفتح
اول و ها ف زره سوناطح مع ق ورقش مقوی دل ش یک قیراط عسل
ومشک تنسیق الیاء التحتانی و تمنیق الموصله ذ بیبع بکسر اول وسکون
تحتانی و موحده ف گرگ ه بیطریا تمنیق النون ذ بفانج بکسر اول وسکون
ثانی با فا والف و نون ف زهر قاتل تنقیل الراء المهمله و تنسیق الواو
تمنیق الالف رانا یونانی براء مهمله والف و نون والف ثانی ف انار
سکون واو با راء مهمله ثانی م خارپشت تمنیق الجیم ... رومی بکسر فوقانی وسکون
تحتانی و فتح نون وسکون جیم م صمغ درخت صنوبر ف زنگباری طح ی ۲ ق
... المحلل قیروطی سفیده رومی یا ایل کهوی صنوبر یا زص اسفیداج ... رو
ل ... وعلک البطم یا زفت کمن رانیانج ع براء مهمله والف وسکون زای معجمه با تحتانی
والف ثانی و فتح نون م رازیانه ف بادیان ه سونف طح ی ۱ ق منفتح مفتت
... بستانی ش از پوست او یک مثقال تا دو درم ص صندل و کافور یا زعرور ل تخم
کرفس راسن ع بفتح نون ف نارکیل تمنیق الحاء المهمله راح ع بسکون ها و مهمله ف
شراب تمنیق الدال المهمله راوند ع بفتح اول والف و فتح واو وسکون نون و دال مهمله
ف ... ریباس ... م ریونده ریوند چینی طح گویند صع گویند ح ۳ ی ۲ گویند
ح ی ۳ ق مقوی ... چینی که بعد از سحق زعفرانی شود و بعد از شکستن رنگش
بگونهای گاوزبان ... ریوند چینی میخوانند و مانند سم اسپ باشد که اصلا سوراخی درو
نباشد ش ... تا دو درم و گویند دانگی تا یکدرم ص صمغ عربی یا ماء الهندبا ل ...

بکسر اول و سکون ثانی و فتح لام و خفاء ہا ف تورک م بقلة الحمقا و بفتح اول ف
سمار وغ تلنسیق و تمنیق الخاء المعجمه رخ ف بضم اول و سکون ثانی خاء معجمه جانوریست
مشهور که مانند عنقا وجود خارجی ندارد چنانچه در شطرنج مهرهٔ بنام او موسوم ست
تمنیق المیم رخام ع بضم اول و فتح ثانی و الف و میم ف سنگی ست سفید طب ی
گوید ح ف مجلی خ سفید ص روغن گل ل شاخ ایل سوخته تمنیق النون رچین ف بضم
اول و سکون ثانی و کسر موحده فارسی و سکون تحتانی و نون م قروت طح ی ۲
گویند بمعنی دوغ تمنیق الهاء رخمه ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و خفاء ہا ف مرغ
مردار خوار دخنه ف بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م کاغذ رضینه بفتح اول و کسر ثانی
و سکون تحتانی و فتح نون م ریگباری تلنسیق الدال المهمله و تمنیق الواو رونجو
بفتح اول و دال مهمله و سکون نون و ضم جیم و سکون واو ف کرم دیوک ع ارضه تمنیق الهاء
روه لا بکسر اول و فتح ثانی مشدده و اظهار ہا دوای هندیست تلنسیق و تمنیق الزاء المعجمه
رزف بفتح اول و سکون زاء معجمه م بیاره انگور وانگور و زیر را نیز گویند تمنیق الهاء
رزه ف بفتح اول و ثانی و خفاء ہا م عنب الثعلب لا مکو تلنسیق السین المهمله
و تمنیق الفوقانی رسوت ہ بفتح اول و سکون سین مهمله و فتح واو و سکون فوقانی
داروی هندیست که در امراض چشم بکار دارند م حضض تمنیق السین المهمله
رس ف بفتح اول و سکون سین مهمله م طلا و نقره و مس و آهن و سیماب و دیگر فلزات
کشته تمنیق الهاء رسته ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م شیرینی ست
شبیه بقیروت ع کعب الغزال ہ بتاشا تلنسیق الشین المعجمه و تمنیق الفوقانی
رشت ف بفتح اول و سکون شین معجمه و فوقانی م خاک تمنیق الدال المهمله رشاد
ع بفتح اول و ثانی م تره تیزک طح ی ۲ منضج محلل خ سنبستانی بش د و مثقال
ص هندبا و تخم کرفس ل جبجیر تمنیق الشین المعجمه رش ف بفتح اول و سکون

ثانی م قسمی از غرباکه بالبیده وسیاه رنگ بود ونوعی از انجیر وسیماب تمنیق الکاف رشک
ف بضم اول وسکون ثانی وکاف ع عقرب ه بچهو تمنیق الهار شینه بفتح اول وکسر
ثانی وسکون تحتانی وفتح نون م زنگباری تنسیق وتمنیق الصاد المهمله
رصاص ع بکسر اول وفتح صاد مهمله والف وصاد مهمله ثانی ف قلعی وارزیز ه رانگا
ورانگ طب ل ۲ گویند ی ق سوخته او مندل خ انچه نرم تر باشد ل اثمد تنسیق
الطاء المهمله وتمنیق الموحده رطب ع بضم اول وفتح ثانی ف خرما تر ه
پند کهجور طح ۲ داخ چینی ص بادام وخشخاش باوی خوردن وبعد از ان مغز کاهو
یا خیار یا شکر یا سکنجبین خوردن تمنیق الهاء رطبع ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده
ف اسپست تر طح د ق منضج خ سبز تازه ص خرنوب ل جند قوقی تنسیق العین
المهمله وتمنیق الدال المهمله رعادع بضم اول با عین مهمله والف ودال مهمله م
عیوالی ست دریائی ف ماهی رعاده تمنیق المیم رعی الحمام ع بفتح اول وسکون
ثانی وضم تحتانی وسکون لام وفتح حاء مهمله با میم والف ومیم ثانی غلا الیست غالب
الا غلدا سهر تنسیق الغین المعجمه وتمنیق الثاء المثلثه رغث بفتح اول وسکون
ثانی ومثلثه ف گلنار تمنیق الهاء المهمله رغوة الملح بکسر اول وسکون ثانی وفتح
واو وضم فوقانی وسکون لام وکسر میم وسکون لام ثانی وطاء مهمله کف آب نمک
تمنیق الراء المهمله رغوة القمر بسکون لام وفتح قاف ومیم م حجر القمر تمنیق
النون رغوة الحجامین ع بسکون لام وفتح حاء مهمله با جیم مشدد والف وکسر میم و
سکون تحتانی ف ابر مرده تنسیق القاف وتمنیق الالف رقعا بفتح اول و
سکون قاف وفتح عین مهمله م خس تنسیق السین المهمله رقاقس بضم اول و
وفتح ثانی والف وکسر قاف ثانی م خصی الثعلب وگویند لعبت بربر
تمنیق القاف رق ع بفتح اول وسکون قاف ف پوست سنگ پشت

تمنیق النون رقون ع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو ونون م ضنا تمنیق الهاء
رقعه بضم اول وسکون ثانی وفتح عین مهمله م اسم هجی ست سرخ رنگ بہر داروی
که جبر کسر کند آنرا رقعه خوانند مثل انجبار و قبوبه و خاباراقطی تنسیق الکاف
وتمنیق الموحدة الفارسی رکت پهپه بفتح اول وکاف وسکون فوقانی
وضم موحده فارسی واظهار های وسکون موحده فارسی ثانی ف خرزهره سرخ م
لال کنیر تمنیق الهاء رکاسپه ف بضم اول وفتح ثانی والف وفتح سین مهمله وجیم
خارشت تنسیق المیم وتمنیق الدال المهمله رماد ع بفتح اول وضم
ف خاکستره راکه طح ی ف مجفف خ خاکستر بلوط ش نمیدر م ص جلاب
وروغن گل تمنیق الراء المهمله رمان البر ع بضم اول وفتح ثانی مشدد والف
وضم نون وسکون لام وفتح موحده وراء مهمله مشدد درختی ست که بدرخت انار
ماند کوچکتر ازو وحب فلفل دانه وبیست مغاث بیخ اوست تمنیق السین المهمله
رماس ف بفتح اول وثانی والف م مصطگی تمنیق الضاد المعجمه رمان حامض
ع بضم اول وثانی مشدد والف وکسر نون با حاء مهمله والف ثانی وکسر میم ثانی
وسکون ضاد معجمه ف انار ترش طب ی گویند صع ری خ سبز رگ دهاقنه
از شراب او ص رمان حلویا زنجبیل مربا یا حلوای عسل یا قندل حص م تمنیق اللام
رمان السعال ع بضم سین مهمله مشدد با عین مهمله والف م خشخاش رمل ع
بفتح اول وسکون ثانی ف ریگ ماهی ه ریت تمنیق المیم رم ع بکسر اول ف
مغز خاک تمنیق الواو رمان حلو ع بضم حاء مهمله ف انار شیرین طب دا گویند
مع ح ق مقوی دل خ رسیده املسی ش دو وقیه از شراب او ص رمان حامض
با او یا لیمون تنسیق النون وتمنیق الالف رنگیناف بفتح اول وسکون نون
وکسر کاف فارسی وسکون تحتانی با نون ثانی والف م شنقرنگ تمنیق الدال المهمله

رند بفتح اول وسکون ثانی م سور رزلف بفتح اول وسکون ثانی ف بید مشک
تمنیق الکاف الفارسی رنگ بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی برکوهی
تمنیق الواو وتمنیق الالف روپاه بضم اول وسکون واو با موحده فارسی
والف ف لقره وبموحده تازی م روباه تربک روجناه بضم اول وسکون ثانی
وفتح جیم با فوقانی بهم کیس روح توتیاه بضم اول وسکون ثانی وحاء مهمله وضم فوقانی
وسکون واو ثانی وکسر فوقانی با تحتانی والف ه جست روهینا ف بضم اول
وثانی مجهول وکسر ها وسکون تحتانی با نون والف م پولاد جوهردار روی توتیا
بضم اول وسکون ثانی وتحتانی مجهول وضم فوقانی وسکون واو ثانی وکسر فوقانی
ثانی با تحتانی ه جست تمنیق الجیم روسختج ع بضم اول وسکون ثانی وفتح
سین مهمله وسکون خاء معجمه وفتح فوقانی وسکون جیم ف مس سوخته طح ی ۳
ق مجفف اکال مجلی خ رقیق سق نیمدرم ص صمغ وکتیرا ل توبال روبج بضم اول
وسکون ثانی وفتح نون م ریوند تمنیق الخاء المعجمه روخ ف بضم اول وسکون
ثانی وخاء معجمه گیاهی ست که از میان آب بروید واز ان حصیر بافند م لوخ
تمنیق السین المهمله رئوس ع بضم اول همزه وسکون واو ف سرها ط
ح رق مغذی خ سرهای حیوانات معتدل الرطوبت ل اکارع وبضم وسکون
واو ف روباه روناس ف بضم اول وثانی مجهول با نون والف ع فوه الصبغ
روهنس ه بضم اول وثانی مجهول وفتح ها وسکون نون م کندهیل ع اذخر
تمنیق الشین المعجمه روشا الحمار الوحش ع بفتح اول وسکون ثانی وضم
وسکون لام وکسر حاء مهمله با میم والف وکسر راء مهمله ثانی وسکون لام ثانی وفتح
واو وسکون حاء مهمله ثانی ف سرگین گورخر تمنیق الکاف روباه تربک ف
بضم اول وسکون ثانی مجهول با موحده والف واظهار ها وضم فوقانی وسکون راء مهمله

هندوی کاپهن اگویند گرم وخشکست در سیم درجه کیکر بپارسی عرسف ... گویند ... بزرگی را گویند کنکر نسوده ... کنکر را گویند

ثانی وفتح موحده ثانی وسکون کاف ع عنب الثعلب ر ودک ف بضم اول و
ثانی مجهول وفتح دال مهمله جانوریست که هر چندش بزنند فربه شود وآنرا تبرکی
وشف خوانند واز پوستش پوستین سازند ر وشنک ف بضم اول وثانی
مجهول وفتح شین معجمه نون دار ولی ست هندی مانند کمات خشک م شاطل
تمنیق النون ر وبیان ع بضم اول وثانی مجهول بکسر موحده با تحتانی والف
ونون م ربیان ف بلخ دریائی که جهینگا ر وین ف بضم اول وثانی مجهول با تحتانی
مفتوحه مجیهه تمنیق الواو ر و تخوف بفتح اول وثانی وسکون نون وضم جیم و
سکون واو ثانی ع ارض تمنیق الها ر وچیده بضم اول وثانی مجهول وفتح جیم
واظهار ها ف نیله گاو ر وس انگزده ف بضم اول وسکون ثانی وسین مهمله و
فتح همزه وسکون نون وضم کاف فارسی وسکون زاء معجمه وفتح دال مهمله ع
عنب الثعلب چه روس روباه وانگزده دانه انگور ر وین پیچیده بضم اول وثانی
مجهول وفتح تحتانی وکسر نون وموحده فارسی وسکون تحتانی ثانی وکسر جیم فارسی
وسکون تحتانی ثالث وفتح دال مهمله ناگیسر تمنیق التحتانی روباه ترکی با ظهار ها
وضم فوقانی وسکون راء مهمله وکسر کاف م خارپشت ر وئی ف بضم اول وسکون
ثانی ع صفره کالنی تلنسیق الهاء وتمنیق الواو المهمله ریح الفار بفتح اول و
سکون ثانی وضم جیم وسکون لام با فا والف م سم الفار ف مرگ موش که
سنکهیا تمنیق التحتانی ر هشی ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه ف
آرد که از کنجد سازند طح تلنسیق الیاء التحتانی وتمنیق الالف ریٹھا که
بکسر اول وسکون تحتانی وفتح فوقانی هندی واظهار ها ع بندوق هندی ریکا
که بکسر اول وسکون ثانی وضم نون با کاف والف ف تخم چنبلشت تمنیق
الفوقانی ریسعت یونانی بکسر اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون سین مهمله

۱۶۵
باب اللام

وفتح عین مهمله م سعد تمنیق الصاد ریباج بکسر اول وسکون ثانی با موحده والف
وفتح نون ف نوعی از سرطان بحری طب د ا ریتایج بکسر اول وسکون ثانی
با فوقانی والف وفتح نون م باشیج ریاج ف بکسر اول وثانی مجهول با واو والف
م ریباس تمنیق الدال المهمله ریحان ع اکد بفتح اول وسکون ثانی با حاء مهمله
الف وکسر نون با دال مهمله والف ثانی وضم همزه وسکون واو ودال مهمله ثانی ف رنگوش تمنیق الراء المهمله
ریخوف بکسر اول وثانی مجهول وفتح خاء معجمه سر نوعی از بازی تمنیق السین المهمله ریباس ع وبکسر اول و
ثانی مجهول با موحده والف ف ریواس ریباج ریوند چینی بیخ او طب ی ۲ ق قامع مره و مفرح
و مقوی دل خ فارسی ش از شراب و یکو قیه ص اترج مربا ل حماض اترج یا غوره
تمنیق الشین المعجمه ریش ع بکسر اول وسکون ثانی وشین معجمه ف پر یکیه
تمنیق النون ریحان سلیمان بفتح اول وسکون ثانی وحاء مهمله والف وکسر نون
وضم سین مهمله وفتح لام وسکون تحتانی ثانی وفتح میم والف ثانی ونون ثانی م
مرزنجوش ریحان ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح حاء مهمله با الف ف ناز بویه
کالی تلسی طح ی ۲ ق محلل خ خوشبو ش از تخم او دو درم ص گلاب و کنز م
وخیار ل تخم مرو ریم آهن ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم ومد همزه وفتح ها ف
چرک آهن ه لوه سنگهان وکیت ریهقان بفتح اول وسکون ثانی وفتح ها با قاف
والف ف زعفران تمنیق الواو ریلوف بکسر اول وسکون ثانی وضم لام م
سنجار ریوجوف بکسر اول وسکون ثانی وفتح واو وسکون نون وضم جیم واو م
دلوک ع ارضه تمنیق الهاء ریکاسه ف بکسر اول وثانی مجهول با کاف والف
وفتح سین مهمله م خار پشت ریگ زاده ف بکسر اول وثانی مجهول وکاف فارسی
با زای معجمه والف وفتح دال مهمله م ریگ ماهی ع سقنقور ریبع بکسر اول وفتح
ثانی ف شش ه پهیپهڑا طح ر ق قلیل الغذا ش دو درم ص نان میده

۱۶۶

دبثانی مجهول و اظهار ها خاک شور تمنیق التحتانی زلسی ف بکسر اول و ثانی مجهول
و کسر سین مهمله و سکون تحتانی م نوعی از انگورست ترقیم الزاء المعجمه
و تنسیق الالف و تمنیق الجیم زاج ع بزاء معجمه و الف و جیم ف زاک ه
پهٹکری و آن انواع باشد سفید را شب و قلقدیس و سرخ را سوری و سبز را
قلقند و زرد را قلقطار و سبز را زاک سیاه نیز نامند و به هندی کسیس خوانند
و زاک زرد را بهندی هیراسیس م زاک لک و زاک ترکی را نیز هندی کسیس خوانند
طح ی ۳ ق قابض محرق مفرح خ مصری براق زرد ریزنده و پاک و نوعی شیر
تازه زنان و سکه باشکر ل شهد زاج ف بکسر راء مهمله زرشک تمنیق الجیم
الفارسی زانچ ف بکسر غین معجمه و سکون جیم فارسی م زاغ تمنیق القاف زاوق
بضم همزه و سکون واو ف سیماب تمنیق اللام زاخل بکسر خا معروف درخت
زقوم گویند که درخت آگ زازال ف بهر دو زای معجمه بعد الف م مرغی سیاه
پای کوتاه که بر زمین نشیند نتواند بر خواست و ابصر سیوک باشد تمنیق الهاء زافه
ف بفتح اول و الف و فتح فا و خفا ها م خارشت تنسیق و تمنیق الموحده
زبل الذئب ع بفتح اول موحده و ضم لام و کسر ذال معجمه مشدده و سکون تحتانی
و موحده ثانی ف سرگین گرگ خ که از بالای خار بگیرند و سفید و ندر استخوان
و موی یابند و از زبل سگ که از استخوان خورده باشد ل زبل کلب بیبع
بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف موینر م کشمش ط گوشت اوج داو و انداو
ب ی ۲ ق ملین منضج ش ده درم ص خیار لنگ سبز یا عسل ل عناب یا مویز
منقی تمنیق الدال المهمله زباد ع بفتح اول و ثانی و الف ف تراوش خصیه
سنتی جانوریست گربه آسا زباد و سپید و شاخ طح ۳ مع ۲ خ قدری
از و بهر جوالدوزی کرده قرین آتش دارند اگر دوان قشو حیسیت الاشوی

دیپاره چپاره فام گرم الی با جوالشند ثابیتر تازه دوالت بلغم زکرد باشد ازیجاوه کدشا

زبدع بفتح اول وثانی ف سکه ولشیل ازی مشک م مهن طح داق منضج محلل
مرخی تازه ماخوذ از شیر میش ص شکر یا بوب حامضه ل روغن شسته زبرجد
ع بفتح اول وثانی وسکون رای مهمله وفتح جیم م ہمین نام سنگی ست تمنیق الواء
المہملہ زبد البحر ع بفتح اول وثانی وضم دال مہملہ وسکون لام وفتح موحدہ وسکون
حار مہملہ ورای مہملہ ف کفدریا ہ سمندر پہین طح ی ۳ گویند بلکہ گویند ق مجلی
خ دردی زردی مائل ش یکدانگ تا دو دانگ ص کیترا وروغن کدو ل
حجر القیشور یا بورق ارمنی زبد البحیرع بسکون لام وفتح موحدہ وکسر حای مہملہ
وسکون تحتانی ف چیزیست کہ گرد سرگردنی جمع میشود مانند یخ ودرمیان بستہ
وگیاہ باشد مانند حجر السپوس بود بشکل زبد البحر ست بسیار سوراخ زبد القمرع بفتح قاف
ومیم ہم حجر القمر زبد القواریرع بسکون لام وفتح قاف وواو والف وکسر رای مہملہ
وسکون تحتانی ف کف آبگینہ ہ کاچ لون تمنیق اللام زبل ع بکسر اول وسکون
ثانی ف سرگین ہ لید طح دق معفن زبیب الجبل ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون
تحتانی وضم موحدہ ثانی وسکون لام وفتح جیم وموحدہ ثالث م مویزج تمنیق الواو
زبان گاؤ ف بفتح اول وثانی والف وکسر نون با کاف فارسی والف وواو
مجہول م گاوزبان تمنیق الماء زبان برہ ف بفتح موحدہ ثانی ورای مہملہ خرفا ہا
م بارتنگ زبودہ ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح دال مہملہ ع کراث
م گندنا تلنیق وتمنیق الجیم زجاج ع بضم اول با جیم والف وجیم ثانی ف
آبگینہ وشیشہ ہ کاچ طح ای ۲ گویند ب اق ملطف مجلی خ سفید شفاف صا
ش نیمدرم زج ف بضم اول م تراقروت تمنیق اللام زجمول بفتح اول وسکون
ثانی وضم میم وسکون واو ولام م تخم کشوث تلنیق الدال المہملہ وتمنیق
الراء المہملہ زدوارع بفتح اول وسکون دال مہملہ با واو والف ورای مہملہ م جدوار

مرطب معرق وسبک وخاصیت مقوی اعضا ودافع اخلاط ثلثہ ودرمنافع برابر آبجیات است دیگر بہان شیر را ہمین نام است مسوخ مسکن صفرا واخلاط ثلثہ

بفتح اول وسکون ثانی وضم سین مهمله وسکون واو ودال مهمله ف زرد چوب
زرنباد ع بضم اول وثانی وسکون نون باموحده والف ه کچور طح ی ۲
ق ملطف مفتّی مفرح مقوی ل معده ومبهی خ آنچه زرتری بکار وپاره نکرده باشند
وتلخ ترش یکدرم ص فوتنج وسنبل یا صندل ل یک نیمورن درونج وچهار دانگ
وزن آن طر حشقوق بری ونیموزن حب الاترج یا شیطرج ورآس با نیموزن
سنبل زرنیخ زر ه بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر خاء معجمه
وفتح زاء معجمه ثانی وسکون راء مهمله ثانی ه هرتال طح ی ۳ ق معفن مقرح
قاتل خ ارمنی تو بتوش نیمدرم ص قی کردن بآب گرم وروغن وشیر تازه ل
نوره تمنیق الواء المهمله زریرف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وراء مهمله
ثانی فا سپرک تمنیق الکاف زرشک ف بکسر اول وثانی وسکون شین معجمه وکاف
ع ابنر باریس ونیز گلیست خوشبو زرک وزریک ف بکسر اول وسکون ثانی
در لغت اول وکسر ثانی وسکون تحتانی در لغت ثانی هم زرشک تمنیق الکاف
الفارسی زرنگ ف بفتح اول وثانی وسکون نون وکاف فارسی هم زردآب
گل کازیره ونیز درختی ست کوهی وچوبش بسیار سخت باشد وازان تیره وتیر
وعصای زین وامثال آن سازند گویند که چون چوب ورا در گیرانند آتش او
قریب بده روز بماند ونیز نام زرشک وزردچوبه وخردل تمنیق اللام زراوند
طویل بفتح طاء مهمله وکسر واو وسکون تحتانی ولام هم زراوند دراز طح ۳ ی ۲
ق مفتح محلل مفتّی مدر خ زعفرانی سطبر تر از انگشت نرش یکدرم تا دو درم
ص عسل یا انبر باریس ل شیطرج یا زرنباد وقسط ونیموزن فلفل و دو دانگ
وزن آن بسفایج ونیموزن انزروت تمنیق النون زرقون سریانی بفتح
اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو ونون هم سرنج ه سندور زربون

بفتح اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو م گل شقایق تمنیق الواو زرد خوف
بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله وفتح خاء معجمه وسکون واو م گیاهی ست که گلش
زرد وخوشبوست زروف بفتح اول وضم ثانی م زالو تمنیق المائنه زراقع بضم اول
وثانی والف وفتح فا وخفاء ها ف شتر گاو وپلنگ زرده فا بفتح اول وسکون ثانی
وفتح دال مهمله م زردی میان تخم مرغ زرنیلف بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون
وسکون تحتانی وفتح لام م ریواس تمنیق التحتانی زرجامی ف بفتح اول وسکون
ثانی با جیم والف وکسر میم وسکون تحتانی م نوعی از انگور زردک ریکی ف بفتح
اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وکسر کاف وراء مهمله ثانی وتحتانی
مجهول وکسر کاف فارسی م شقاقل زرقوری رومی بفتح اول
وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وکسر راء مهمله م رجل الغراب تمنیق العین
المهمله وتمنیق الدال المهمله زعفران الحدید بفتح اول وسکون عین مهمله وفتح فا وراء
مهمله وضم نون وسکون لام وفتح حاء مهمله وکسر دال مهمله وسکون تحتانی ودال مهمله
ثانی ف زنگ آهن طح ی تمنیق الواء المهمله زعرور بضم اول وسکون ثانی وضم
راء مهمله وسکون واو وراء مهمله ثانی ف کیل طب ی ۲ ق قابض خ سرخ رسیده
ش سه درم تا پنجدرم ص راز یانه ل بغیرا تمنیق النون زعفران بفتح اول وسکون
ثانی وفتح فا وراء مهمله والف ونون ه کیسر طح ۲ ی ا ق محلل منفتح منضج مفرح
مقوی ل منوم خ تازه سرخ تیز بوی ش نیمدرم تا یکدرم ص انیسون وزرشک
یا جلوش سفرجل ل قسط بوزن وی وکمنوزن آن پوست سلیخه تمنیق الغین
المعجمه وتمنیق الواء المهمله زغار ف بفتح اول وغین معجمه والف وراء مهمله م شاخ
درخت انگور زغیرع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف مرو سفید و تخم کتان
ه السی تمنیق الکاف زغاک ف بفتح اول ثانی والف وکاف م شاخ درخت انگور

۱۷۱

استعمال کنند لبن ابجمل یا رسنه شیر شتر را گویند سده بکشد و دیگر سا تا ره وضیق النفس در بوما نافع بود لبن البعیر یا رسی شیر شتر گویند

تمنیق اللام زغال بضم اول و فتح ثانی والف ولام ه کویلہ تمنیق النون زغن ف
بفتح اول و ثانی وسکون نون م غلیواز ه چیل تنسیق الفا تمنیق الفوقانی زفت
ف بضم اول وسکون فا و فوقانی ودائی ست چسپنده که از صنوبری بر حاصل
شود وآن بر تقسیم ست رومی و یابس و رطب ط ح ی ۲ ق محلل ملحم مجلی قروح خ
براق صاف با کلا لسک ش از رومی بگیدرم تا دو درم ص کثیرا یا اسفیداج وکافور ل
جا و شیر و ملک البطم و موم و قطران تمنیق القاف زغیرف اندلسی بکسر اول و ثانی و
سکون تحتانی و بغیر تحتانی نیز آمده و فتح را و حیثانی وفا و ثانی ف عنا ب تنسیق القاف
وتمنیق المیم زقوم بفتح اول وضم قاف وسکون داو و میم ه سینده و تنسیق
الکاف تمنیق الموحده زکاب ف بفتح اول و کاف والف و موحده م سیاهی
و دات و مداد و مرکب ج تنسیق الکاف الفارسی و تمنیق الموحده زکالاف
بضم اول کاف فارسی والف ولام والف ثانی و موحده م زکاب تمنیق اللام
زکال ف بضم اول و کاف فارسی الف ولام م انگشت نا افروخته ه کویله بن سلکا
تمنیق الهاء زکاله ف بضم اول یا ثانی فارسی والف و فتح لام و خفاء ها ع مداد
تنسیق اللام وتمنیق الکاف زلوک بفتح اول وضم لام وسکون واو و کاف م
زالو تمنیق الواو زلو ف بفتح اول وضم لام وسکون واو م زالو تمنیق الهاء
زله ف بکسر اول و فتح ثانی مشدد و خفاء ها م جانوریست مانند ملخ که در هوای گرم
بخانه و حجره افرا و کند تنسیق المیم و تمنیق الجیم الفارسی زمچ بفتح اول و
سکون میم و جیم فارسی ه پچکری و بکسر اول و فتح ثانی مشدد م غلیست که آنرا چرغ
گویند تمنیق الدال المهمله زمرد بضم اول و ثانی و را و مهمله مشدده و سکون دال مهمله
هیثان ط ب ی ۲ ق مجفف خ سبز شفاف کننده ش یک قیراط ص مشک ل
مرجان تمنیق الغین المعجمه زنابوغ ف بفتح اول و ثانی والف وضم را و مهمله و سکون

مدر قاطع گرم خاخ مصری که از کوه بیت المقدس گیرند ش چهارم ص صمغ عربی بلا
عناب ل فو دیخ ویر سیاوشان ونمیوزن عرز نحوش تمنیق القاف زواوق
بضم اول با ثانی والف وضم همزه وسکون واو ثانی وقاف ف سیماب زوق
بضم اول وسکون ثانی ف تخم خرمای جنگلی تمنیق النون زوان بفتح اول وثانی
والف ونون م یاسمین تمنیق التحتانی زدنی ف بضم اول وسکون ثانی وکسر
نون وسکون تحتانی م زالو تنسیق الهاء وتمنیق الالف زهر گیاه ف بفتح
اول وسکون ثانی ورای مهمله وکسر کاف فارسی با تحتانی والف م گیاهی ست
که هرگاه ورق او آدمی بخورد بمیرد تنسیق الحاء المهمله زهرة الملح بفتح اول
وسکون ثانی وفتح رای مهمله وضم فوقانی وسکون لام وکسر میم وسکون لام ثانی
وحای مهمله ف نباتی ست که در نیل مصر بر روی آب پیدا شود و در آبهای ایستاده
و نهرها نیز سودیخ زعفرانی سنگ شود گیرنده تمنیق الراء المهمله زهر الحجر ع بسکون
لام وفتح حای مهمله وجیم وسکون رای مهمله م خراز الصخر زهر ف بفتح اول وسکون
ثانی ع سم ه بس تمنیق السین المهمله زهرة النحاس ع بضم فوقانی وفتح نون
مشدده با حای مهمله والف ف چیزیست که چون مس بگدازند و آب باران زنند کف پیدا
گردد و آنرا بدین نام خوانند خ سفید تمنیق الکاف زهک ف بفتح اول وسکون ثانی
وکاف م شیر زنان و شیر ماده حیوان نوزاییده ه پیوسی تمنیق المیم زهم بضم و
فتح اول وسکون ثانی ومیم هم ورنباد تنسیق الیاء التحتانی وتمنیق الالف
زیراه بکسر اول وسکون تحتانی با رای مهمله والف ع کمون تمنیق الموحده زیتون الکلب
ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون واو وضم نون وسکون لام
وفتح کاف وسکون لام ثانی وموحده هم زیتون بری تمنیق الفوقانی زیت
ع بفتح اول وسکون ثانی وفوقانی ف روغن زیتون طح دنج تر ص

175

پیدا میشود ... در اکثر کتب این فن می نویسند که گاوزبان نیست که بزبان هند آنرا ... گویند حکما این قول اعتماد ندارند و گویند

ترست ـ رگیدرگ جداکرده رگها انواع بیول ست از ذاذ فرع از قوانز وبار سنگ ابلان پاره

سا ساکیشت سریانی بهر دو سین مهمله و بعد الف و رای مهمله بکسر کاف و سکون شین
معجمه و فوقانی ف تخم انجره تمنیق الجیم ساخیرج ف بکسر موحده و سکون تحتانی
و فتح رای معجمه و سکون جیم ف مردم گیاه تفاح ساج ف بسکون جیم هم باده مرغ گنجه
هم پاره که درخت سال طب ی ۳ ساج ع بکسر دال مهمله گویند برگ قرنفل ست
و گویند برگ درختیست که دارچینی پوست اوست و کبابه ثمر او و گویند برگ درخت
صندل ست که پتج طح ی ۲ گ ینج ۲ ارق ملطف و مقوی معده خ تازه کا
یکه بیش بزردی مائل بود و بروی بسبزی مائل باشد و قوی رایحه سیاه مانند فرنفل
مانند وزن و شکننده نباشد نی یکمثقال عس مصطگی یا شراب به یا صندل ل
سنبل الطیب یا سلیخه یا طالیسفر ساج ف بکسر رای مهمله جانوریست خوش آواز
شارسانج ف بفتح رای مهمله و سکون نون مرغیست کوچک ضعیف سیاه رنگ
که در آذربایجان سوران گویند و سارنگ و سانج نیز خوانند تمنیق الدال المهمله
سارف بسکون رای مهمله هم خوک سارع بکسر رای مهمله ف کنه که در بدن حیوان
می چسبد تمنیق الواو المهمله سابره بفتح موحده حیوانیست هندی که از چرم او شلوار
سازند و بند کمر و بند شمشیر نیز ط گوشت او ح ی ساخکدار و سار شکدار ف بفتح
رای مهمله و سکون خای معجمه و کاف با دال مهمله و الف در لغت اول و سکون شین
معجمه در لغت ثانی شجرة البق سار ف جانوریست پرنده سیاه رنگ که خالهای سفید
دارد و خوش آواز بود و بیشتر شکار ملخ کند و نیز شتر را مانند سارف بفتح سین مهمله
ثانی هم شارک که سار و بضم سین مهمله ثانی نی که از و قلم سازند سامندر ف بفتح
میم و سکون نون و فتح دال مهمله هم جانور سمندر که در آتش نسوزد ساسو
بضم میم و سکون واو هم الماس سایه پروره بفتح تحتانی و خفای ها و فتح موحده فارسی
و سکون رای مهمله و فتح واو هم حیته تمنیق الزاء المعجمه سایرف بکسر میم و سکون تحتانی

از برگ سیول و بمقدار خورد ترست و بزبان هندش را کالمی خوانند و طبعش سرد و خشک ست ... و در دوم در ... و بدل آن ... آن حماض بستانی ... بوره لسان

وزای معجمه م سنگی که بدان کارد و شمشیر تیز کنند تمنیق السین المهمله سارس ه بفتح را
مهمله و سکون سین مهمله ثانی م جانوریست مشهور بهند بیست ساسالیوس بسین مهمله ثانی و
الف ثانی و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو م انجدان رومی و کاشم رومی ط
ح ی ۲ ل خردل سفید یا انجدان طیب ساس ف بسین مهمله و الف ه
کهٹمل کرمیست خورد که خون آدمی بخورد ساویس ف بکسر او و سکون تحتانی م
نخاله سایوس ف بضم تحتانی و سکون واو م اسغول تنسیق الشین المعجمه
سایه خوش ف بفتح تحتانی و خفا ها و ضم خا معجمه و واو معدوله و شین معجمه درخت پان
تمنیق الصاد المهمله سام ابرص ع بکسر میم و فتح همزه و سکون موحده و فتح
را مهمله و سکون صاد مهمله ف ماترنگ و چلپاسه و سپکلی و چهپکلی و نکتکی ط ح
ی ق مفسخ آنچه در بساتین باشد ص روغن زرد و عسل و آب گرم ل زریع تمنیق
الغین المعجمه ساغ ف بسکون غین معجمه نام مرغیست مانند سار تمنیق الکاف
سابزک ف بکسر موحده و سکون تحتانی و فتح زای معجمه و سکون کاف م سابیخ
سارخک و سارشک ف بفتح را مهمله و سکون خا معجمه در لغت اول و سکون
شین معجمه در لغت ثانی م پشه سارک ف بفتح را مهمله م سار و ستابه برک ف
بفتح تحتانی و خفا ها و فتح موحده و را مهمله م گیاهیست که چون شتر بخورد بخواب
رود تمنیق اللام سال ه بسکون لام ع ساج تمنیق المیم سام ف بفتح
سین مهمله ثانی و سکون میم م آبنوس سام ف م آتش تمنیق النون ساخن
ف بکسر خا معجمه و سکون نون ع صاروج ساوادران بدال مهمله و الف ثانی
و فتح واو و را مهمله و الف ثالث م سواد القصاة و سیهک و اوران گویند چیزیست
مانند صمغ که در اندرون بیخ گردگان که مجوف شده باشد باشد و گویند میان
درخت بطم کهن بسیار باشد و او را ابن آب خوانند طب ۳ ی ۳ ف قابض خ

۱۷۹

ان سبز ... بلدش بزبان
هندوی لاکه
گویند چه درختی
است و آن در
بلم است که در
زمین هندوستان
بسیار باشد
گرم است در
درجه اول و خشک
است در درجه

باتل بسیرخی بش و دو دانگ ص زعفران ل فیلزهرج یا دو دانگ وزن آن بنج فی
یا آمله و اقاقیا ساطریون بفتح طاء مهمله و سکون راء مهمله و ضم تحتانی و سکون واو
م خصی الثعلب ساگون بفتح کاف فارسی و سکون واو درخت مشهور هندیست
که برگهاش گوش فیل ماند و دوشی بلسن گش چون بسوزان سالیون ف بکسر لام
و ضم تحتانی و سکون واو م تخم کرفس کوهی سانبهرلون بسکون نون و فتح هاء
و اظهار ها و سکون راء مهمله و ضم لام و واو مجهول ع ملح مجین و اندرانی سان ف
سفان و سنگی که بدان کارد و غیره تیز کنند که آنرا فشان نیز خوانند ساوان با واو و الف
ثانی غلط است مشهور ف شاخ تمنیق الواو سارو ف بضم راء مهمله و سکون واو
م صاروج مبدل و مجهول م جانوریست سیاه رنگ که در هند بهم رسد و مانند طوطی سخن
گوید و آنرا شادر و شارک نیز گویند ساوف زر خالص که شکسته و ریزه ریزه باشد
ع قراضه و نیز بوته خار دار سفید رنگ که در ایش یک گز باشد و آنرا چون بهم
بسوزند و نیز در میان کرم پیله بگذارند تا پیله بران تند تمنیق الهاء ساده ف بفتح
دال مهمله و خفا ها ع ساذج سارونذ ف بضم راء مهمله و سکون واو و فتح نون م زانکو
سا ناقه بکسر نون و فتح قاف پیاده پیاشان تمنیق التحتانی ساتهی ه بکسر فوقانی
و اظهار ها و سکون تحتانی ف قسمی از شالی برنج هندیست ساجی ه بکسر جیم
ف شخارساری ف بکسر راء م سارسالی بکسر لام م انجدان رومی و کاشم رومی
تمنیق الموحدة البلم و تمنیق الالف سبع الشعر بفتح اول و سکون موحده
و ضم عین مهمله و شین معجمه مشدده و فتح عین مهمله ثانی با راء مهمله و الف م افتیمون
تمنیق الفوقانی سبلت ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون فوقانی
م بروت تمنیق الجیم سبح ع بفتح اول و موحده و سکون جیم ف شبه طب
تمنیق الخاء المعجمه سبخ ف بکسر اول و فتح ثانی و سکون خاء معجمه م نمک

وفتح ها در لغت ثانی م سپر غم تمنیق النون سپستان بکسر اول و ثانی فارسی و سکون سین
مهمله ثانی با فوقانی والف و نون ف سنگ پستان ه لسوڑا طمع گویند ح رق
ملین منضج خ پر گوشت ش پانزده تا سی عدد ص آملیل عناب سپندان بکسر اول
و فتح ثانی فارسی و سکون نون با دال مهمله و الف ه اسپند تمنیق الواو سپید سر
بفتح اول و کسر ثانی فارسی و تحتانی مجهول و دال و فتح سیم و سکون را مهمله و واو مجهول
نباتی ست مانند لبستان افروز که ساق آن سپید بود تمنیق الها سپاره ف بفتح اول
و ثانی فارسی والف و فتح را مهمله م سنباده تمنیق التحتانی سپاری ه بضم اول با ثانی
فارسی والف و کسر را مهمله ع نوفل سپیدوی ف بفتح اول و کسر ثانی فارسی و تحتانی
مجهول و دال مهمله و ضم را مهمله و سکون واو م قلعی تمنیق التاء الفوقانی و تمنیق
الواو المهمله ستاوره بفتح اول و فوقانی والف و فتح واو و واو مشهور رهند نیست
ستور ف بضم اول و ثانی و سکون واو بطریق عموم هر جانور چارپایی و بطریق خصوص
اسپ و شتر تمنیق الکاف ستباک ف بفتح اول و سکون ثانی با موحده والف و کاف
م سپند سوختنی تمنیق الکاف الفارسی سترنگ ف بفتح اول و سکون فوقانی و فتح را
مهمله و سکون نون و کاف فارسی نباتیست شبیه آدمی که در زمین چین روید گویند که
نگونسار بود چنانچه ریشهایش بجای موی سر باشد و نر و ماده دستها در گردن هم آورده باشند
و پاها در هم محکم ساخته و نر پای راست بر پای چپ ماده افتاده و ماده را بعکس آن
و هر کس که آنرا بکند در زمان بمیرد یا بعد از سالی بمیرد و هر گاه که این را بکنند از اطراف
بوته آن خاک را خالی کنند چنانچه باندک قوت کنده شود پس ریسمان گاو یا سگ
ببندند تا بجانب طعمه بدود و آن از بیخ بر آید هم استرنگ مردم گیا و سگ کن ع بیروج
الصنم تمنیق الها ستیه ف بفتح اول و ثانی و خفا ها م انگور تمنیق الصیو و تمنیق
الطاء المهمله جلاط یونانی بفتح اول و سکون جیم با لام والف و طا مهمله ف یاسمین

تنبیق الراء المهملة وتمنیق الالف سرپیونکاه بفتح اول وسکون رای مهمله
وضم بای موحده فارسی واظهار ها وسکون واو ونون باکاف والف قسمی از چیز تمنیق المولک
سراج القطرب ع بکسر اول با ثانی والف وضم جیم وسکون لام وضم قاف وسکون
طای مهمله وضم رای مهمله ثانی وسکون موحده گویند که این نام مشتق از دو چیز است
یکی سراج وآن چراغ ست دوم قطرب وآن جانوریست که آن را طیبوث گویند
و در شب شب پیمیست وچون این گیاه بشب روشن است او بسیکه تر ست پس مشابهت
بسراج وقطرب هرکه در شب روشن اند وگویند که قطرب این گیاه را دوست دارد
و در شبها طلب کند طلح ی اف قابض مجذب نوش بیدم ص کیثرال زوفاید
باد آورد سرب ف بضم اول وسکون ثانی ه شیشا سرخاب بضم اول وسکون ثانی
با خای معجمه والف م مرغابی سرخ رنگ ماده آن حیض کند وسرخی که زنان با سفیدآب
جهت خوش آیندگی بر رخساره بمالند وغازه تمنیق الجیم سرنج ف بکسر اول
وثانی وسکون نون وجیم ه سفندور تمنیق الدال المهملة سرآد بفتح اول و
ثانی والف ودال مهمله ع تلال ف غوره خرما سرخ مرو بضم اول وسکون ثانی
وخای معجمه وفتح میم وسکون رای مهمله ثانی رستنی باشد که برگش شبیه ببرگ بستان افروز
بود وساق آن سرخ خوش رنگ وخوش آینده وآن را نازک بدن نیز خوانند
سرسیاد بفتح اول وسکون ثانی با سین مهمله ثانی والف ف پنجنکشت سرند
بکسر اول وثانی وسکون نون ف جامه یک ه سوال ومشتقه را نیز خوانند تمنیق الراء
المهملة سرف بفتح اول ورای مهمله ع راس بضم اول شرابیکه از برنج سازند ونام نوع
از ماهی که طول آن یک گز است وخرطومی بزرگ دارد مانند پیکان واکثر حیوانات
را ایذا کنند رساند سرسوره بفتح اول وسکون ثانی وخای معجمه وفتح میم وسکون
واو م ساگ چوک تمنیق الزاء المعجمة سرخ مرزف بضم اول وسکون ثانی وخای معجمه

قندی می‌کلدم
سرکه سه ران
ریزند پیش
پدید آید شود
و پنج جمع شود
و بعد از آن
بالا ریش
بیالایند
پس از آن
بکرپاس دیگر
۱۸۴

پوست انار وگویند قردیا نا دانزروت وبضم را مهمله هم شاخ حیوان تمنیق الف
سرک بضم اول وسکون ثانی وفتح لام وخفا ها هم شقاقل سروالف بضم اول و
سکون ثانی با دا و والف وفتح لام هم علفی ست که بر سرش خارهای تیز بوند و هرکجا بجا
رسد در جامه فرو رود وجدا نشود سروسیاه ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر او وسین
مهمله ثانی با تحتانی والف واظهار ها هم درخت نازوع صنوبر صغار سریجه ف بفتح
اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح جیم فارسی م مرغ فاطیع صعوه ومولا تمنیق التحتانی
سرخ پای ف بضم اول وسکون ثانی وخاء معجمه با موحده فارسی والف وتحتانی م سرخ
ترشع ع حماض ه چوکا سرطان بحری ونهری وهندی ع بفتح اول وسکون ثانی با
مهمله والف وکسر نون وفتح موحده وسکون حاء مهمله وکسر را مهمله ثانی وسکون تحتانی
ف خرچنگ ه کیکڑا اط بحری یعنی دریائی ب ی ونهری یعنی جوی ب ر وهندی
ب ر محرق اوی ۳ ق بحری محلل خ نهری از جوی بزرگ شیرین آب ش یکدرم تا
پنجدرم ص باماش نختن باطین قبرسی ل از بحری وزنع یا سرطان خشک یا صدف
یا نخذ ف چینی سرکه هندی بکسر اول وسکون ثانی وفتح کاف وهمزه بلینه ها وها ثانی وسکون
نون وکسر دال مهمله ف آبکامه کانجی سروجبلی م درخت عرعر سرسی بفتح سین
مهمله ثانی وکسر لام هم سروی که راست باشد تنبیق السین المهمله وتمنیق الدال
المهمله سسعد یونانی بفتح اول وسکون سین مهمله وفتح عین مهمله وسکون نون و
دال مهمله م عود بلسان تمنیق السین سیسالیوس بفتح اول وثانی والف وکسر
لام وضم تحتانی وسکون واو وسین مهمله ثالث م انجدان کاشم رومی تمنیق النون
سسطیعون سریانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی وضم عین
وسکون واو ونون ف سیر گاذرونی تنبیق الطاء المهمله وتمنیق الالف
سطرکا رومی بفتح اول وطاء مهمله وسکون راء مهمله با کاف والف م اصطرک

۱۸۶

تتمیق الحاء المهمله سطاح بفتح اول وثانی والف وحاء مهمله م هرنبا تیکه بر روی
زمین گسترده شود او را بدین نام خوانند تتمیق السین المهمله سطرالیوس یونانی
بفتح اول وسکون ثانی بارا مهمله والف وکسر طاء مهمله ثانی وضم تحتانی وسکون واو
وسین مهمله ثانی فنباتی ست که او را هیچ نیست وبر روی آب پیدا شود وریش
مانند ورق بادرنجبویه بود وکوچک تر از وی و از نعناع بزرگتر طب دسطلیوس یونانی
بضم اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو م گلنار تتمیق الکاف سطراک
وسطواک سریانی بفتح اول وسکون ثانی بارا مهمله والف وکاف ودر لغت اول
وبا واو ودر لغت ثانی م زرنباد تتمیق النون سطرونیون یونانی بفتح اول وسکون
ثانی وضم راء مهمله وسکون واو وکسر نون وضم تحتانی وسکون واو ونون ثانی فت
چوبک اشنان تنسیق العین المهمله وتتمیق الدال المهمله سعدع بضم اول
وسکون عین مهمله ودال مهمله وهو تماطیح ی اگویند ق مجفف در بعضت بعضی
سقوی ماغ ودل وسعد نح کوفی فربه خوشبوی بستانی سفید بعد از ان شیرازی
بعد از ان هندی که چون سیاهی از و بجز اشند سفید وفربه بود بش بلدرم حب قند
وصندل وانیسون وگویند خسی وخیارک دار چینی ووج تتمیق الواء المهمله
سعترف بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون راء مهمله ساهو تلنیق الفاین
المعجمه وتتمیق الدال المهمله سغوعف بضم اول وغین معجمه وسکون واو ودال مهمله
م مرنج سنگخوار تتمیق الواء المهمله سغبر رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده
م سرخس سغرف بضم اول وفتح ثانی جانوریست که سیمهای ابلق بر پشت ان
باشد وچون کسی قصد گرفتن آن کند خود را چنان بجنباند که آن سیمها را انداخته
وساهی تلنیق الفا وتتمیق الجیم الفارسی سیچوف بفتح اول وسکون فا
وجیم فارسی م خربزه نارسیده تتمیق الدال المهمله سفرودف بفتح اول وسکون فا

۱۸۷

است و علاوه بی توستدار ومصطکی مصطکی ست شقاق ازین الان لوبیزدانه الملک

وضم رای مهمله و واو مجهول و دال مهمله م مرغ سنگخوار ع قطاة سفند سفید بفتح اول
وثانی وسکون نون وکسر دال مهمله وفتح سین مهمله ثانی وکسر فا ثانی وتحتانی مجهول
ه اسپند تمنیق الراء المهمله سفرف بضم اول وثانی وسکون راء مهمله م سنجو
ه ساهی تمنیق السین المهمله سفاردیکوس یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر
دال مهمله وسکون تحتانی وضم کاف وسکون واو وسین مهمله ثانی ف نوعی
از پیاز بری طح ی تمنیق اللام سفال ف بکسر اول وفتح فا بالف ولام م گل پخته
ه ٹھیکری وپوست گردگان وبادام وپسته وفندق وپوست انار خشک شده
وامثال آن را نیز گویند سفرجل بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح جیم وسکون
لام ف آبی ه بهی طب ی ۲ ق قابض وحابس خون ومقوی دل ومعده خ
بزرگ رسیده س ده ورم از آب وص رطب یا عسل ل کمثری تمنیق النون
سفندولیون یونانی بفتح اول وثانی وسکون نون وضم دال مهمله وسکون واو
وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ونون ثانی ف زیره بری تمنیق الیا سفنج
ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی وخفا ها م خربزه نارسیده تمنیق
القاف وتمنیق الالف سقمونیا ع بفتح اول وسکون قاف وضم میم وسکون
واو وکسر نون با تحتانی والف صمغی ست مسهل واز یتوعات ست ف محموده ط
ح ی ۳ گویند ۲ ق مسهل صفرا خ انطاکی صافی سبک برنگ ابریشم وجالیدن
دست خورد شود وسفید بود وچون در آب حل کنند مانند شیر ماند ش یکقیراط
تا دو دانگ ص مجون ساختن آب به ترش وسیب وگلاب که در او تقیح کرده
باشند سماق واز وقرص تنک سازند ودر سایه خشک کنند وقدر شربت بیشتر
از مجون نه دانند وبعد از آنکه در به سیب یا پیاز یا زردک مشوی کرده باشند ص
کتیرا یا مصطکی وانیسون ونشاسته بروغن بادام دود قوه اگر محموده را با بنفشه

پارسی ادرا ماش گویند طبیعت مصطکی گرم خشک است درد ودرجه مقل عصاره قسطرا گویند جمن قسطر الیرا دانه آب آن کنند آن را

۱۸۸

صلابه کنند کارسوی کند ل ۳ زن حب الخروع یا ماهو دانه تمنیق الراء المهمله
سقار بضم اول وفتح ثانی والف ساجی سقنقور بفتح اول وثانی وسکون نون وضم
قاف ثانی وسکون واو ریگ ماهی گویند از نسل تمساح ست وآن چنانست
که نهنگ بر ساحل رود نیل خایه می نهد وبچه می دهد هرچه در آب رود نهنگ ست
وانچه بر ریگ میماند سقنقور ست ط چون تازه بود ح ۲ وچون نمکسود کنند خشک
گردد وحرارت از رطوبت زیاده تر شود وگویند ح ۲ ی اق بهیج خ ترک در وقت
بهار وموسم هیجان ایشان صید کرده باشند ش از گوشت وی یکمثقال تا سه
مثقال ص عسل یا شوربای عدس الخصی الثعلب تنها یا با خردل یا ذکر گاو خشک
سوده ونیم وزن زردک تمنیق الزاء المعجمه ستز بفتح اول وکسر ثانی مشدد و
سکون زای معجمه ع علک الانباط وعلک البطم ف صمغ درخت بن تمنیق السین
المهمله سقنقس بفتح اول وثانی وسکون نون وضم قاف ثانی وسکون سین
مهمله ثانی م سقنقور تمنیق اللام سقاقل بفتح اول با ثانی والف وضم قاف
ثانی وسکون لام م شقاقل تمنیق النون سقنع بفتح اول وکسر ثانی وسکو
نون ع دبس ف سیلان یعنی عسل رطب سقوردیون یونانی بضم اول وثانی و
سکون واو ورای مهمله وفتح دال مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثانی م سیر بری
وسیر سو سقولوقندریون یونانی بضم اول وثانی وسکون واو وضم لام وسکون
واو ثانی وفتح قاف ثانی وسکون نون وفتح دال مهمله یا معجمه سکون رای مهمله وضم
تحتانی وسکون واو ثالث م سقولوقندریون ف زنگی دارو ط ح ای ۲ گویند
مع ق ملین ش دو درم ص وردیا مصطکی یا عسل ل غافث یا کما دریوس
یا پوست کبر یا نیم وزن آن تخم کرفس تنسیق الکاف وتمنیق الالف سکلیا
یونانی بفتح اول وکسر کاف سکون تحتانی وفتح را مهمله وسکون عین مهمله با لام

١٨٩

سوختن دی بکوبند پس آن بود که نمک را بشویند بکبار در رها کنند یا خشک شود پس هر روز یکی بنهد و نزدیک بنهند و بر سر آتش بنهند در آتش سوخته گردد یک کنند در یا کنند یا از آن که با آن نیست آن زبان سوخته شود دارن لفت سقنقور ست دانهد وکسا

والف هم سپناج تمیق الجیم سکبینج یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده
و سکون تحتانی و فتح نون و سکون جیم ف صمغی ست مثل انگوزه کاکندل طح
ی ۳ ف محلل ملطف سفت خ صافی بیرون سرخ اندرون سفید زود گدازنده
و بویش میانه حلتیت و قنه تیز بوی ش یکدرم تا یکمثقال ص ل السوس ل
بارزد سفید یا نیمون جاوشیر از هر یک نیم دانگ بوزن آن سکنج ف بفتح اول و کسر
ثانی هم سونیز سکونج ف بضم اول و ثانی و واو مجهول و فتح یا و سکون نون م خیار
تمیق الواو المهملة سکر العشر بضم اول و فتح ثانی مشدده و ضم را مهمله و سکون لام
و ضم عین مهمله و سکون شین معجمه و را مهمله ثانی ف صمغیست که از درخت عشر یعنی
آک بیرون می آید در سوفته گل وی که خشک گردد جمع میشود آنرا بدین نام خوانند
هم تیغال و شکر کوهی طح سکرج بضم اول و فتح ثانی مشدد ف شکر طح دا
گویند ف محلی بلین سفید شفاف هندی مش بست درم ص زبان مرش ساکه
مموضات یا وطباشیر الوی سیاه یا سپید خراسانی با عسل من تمیق الزاء المعجمه
سکز ف بفتح اول و کسر ثانی و زاء معجمه م مصطکی و گویند سقز تمیق الکاف
سک المسک بضم اول و کاف مشدده و سکون لام و کسر میم و سکون سین مهمله ثانی و
کاف ثانی ف مرکبی ست از مازو و ناغره و قلنجه و لسان العصافیر و صندل سقاصری
و سنبل الطیب عسل طح ی ۲ سکسک ف بضم اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله
ثانی هم درخت ناخ سک بضم اول ع مرکبی ست و گویند عصاره آمله طح ی ق
مقوی دل خ خوشبو مش نیم درم ص صندل ل آمله و گویند سنبل و بفارسی بکسر اول
هم سرکه تمیق النون سکاهن ف بکسر اول و سکون ثانی و همزه و فتح ها و سکون
نون هم رنگ سیاهی که از سرکه و آهن سازند و بدان جامه چرک رنگ کنند سکنجبین ع
بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و ضم جیم و کسر موحده و سکون تحتانی ف سرکه و انگبین

مساوی ممزوج کنند ف معنی سکنگبین ف بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و
ضم کاف فارسی و کسر موحده و سکون تحتانی هم سکنجبین تمنیق الماء سکاست و سکاشه
سکاشته سکاسته بضم اول و ثانی و الف در همه لغات و سکون سین مهمله ثانی و فتح فوقانی
و خفاء ها در لغت اول و فتح سین مهمله در لغت ثانی و سکون شین معجمه و فتح فوقانی در
لغت ثالث و فتح شین معجمه در لغت رابع هم رکاسه سکسنبویه و می بفتح اول و سکون
ثانی و فتح سین مهمله ثانی و سکون نون و ضم موحده و سکون واو و فتح تحتانی ف
تخم پستان دگوینیج پنجنگشت تنسیق الکاف الفارسی و تمنیق الموحده
سکالب ف بفتح اول و سکون کاف فارسی با لام و الف موحده حیلو نیست شبیه
بسگ که در دریا بهم رسد هم حند بیدستر او دبلا و تمنیق الواء المهمله سکرف
بضم اول و ثانی هم رکاسه سکنکورف بفتح اول و ثانی فارسی و سکون نون و ضم
کاف فارسی ثانی و سکون واو ع عنب الثعلب تمنیق الکاف سکک ف بفتح
اول و ثانی فارسی و سکون کاف ه چیز اسک ف بفتح اول ع کلب ه کتا تمنیق
الواو سکالف بفتح اول و سکون ثانی فارسی با لام و الف و واو مجهول هم
سکالب تمنیق الماء سکالف بفتح اول و ثانی فارسی و فتح لام و خفاء ها هم کمین
سک سکرنه ف بضم اول و ثانی فارسی و سکون راء مهمله و فتح نون و ها هم رکاسه
تمنیق التحتانی سکآبی و سکلابی و سکلاوی بفتح اول و سکون ثانی فارسی در
در هر سه لغت و مد همزه و کسر موحده و سکون تحتانی در لغت اول و لام و الف و
کسر موحده در لغت ثانی و کسر او در لغت ثالث هم بیدستر تنسیق اللام و تمنیق
الالف سلق الماء ع بکسر اول و سکون لام و ضم قاف و سکون لام ثانی با میم
و الف ممدوده ه جار النهر تمنیق الفوقانی سلاجت ه بفتح اول و ثانی و الف
و کسر جیم و سکون فوقانی هم قسمی از سلارس سلت ع بکسر اول و سکون لام ف

چه برهنه سلحفات بضم اول و فتح ثانی و سکون حاء مهمله با فا و الف ف سنگ پشت
که کچهوا طمع ق مرطب خ بزرگ ص ورد تمنیق الدال المهمله سلسدیه بفتح
اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله ثانی و سکون دال مهمله م سلسی تمنیق الواء المهمله
سلور بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و راء مهمله ف نوعی از ماهی ست در نیل مصر
تمنیق السین المهمله سلارس ه بکسر اول و ثانی و الف و راء مهمله و فتح راء مهمله ثانی
و سکون سین مهمله ثانی م سیوه سا یله تمنیق الطاء المهمله سلیط یونانی بفتح اول
و کسر ثانی و سکون تحتانی و طاء مهمله ف روغن زیت تمنیق القاف سلق ع بکسر
اول و سکون ثانی و قاف ف چقندر طح ی اق محلل ملطف مجلی خ شیرین
سفید ص سرکه ل شلغم سلمق بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم ه کهیترا تمنیق الکاف
سلک ع بضم اول و فتح ثانی و سکون کاف ف کبک بچه تمنیق المیم سلجم ع بفتح
اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون میم ف شلغم طح ر۲ ق ر۱ خ بستانی تازه ص
توابل ل جزر سلم بفتح اول و ثانی م درخت مغیلان تمنیق الها سلاحه بفتح اول
و ثانی و الف و فتح حاء مهمله و خفاء ها ف بول بز کوهی ست که بهنگام تهیج بر سنگ
کرده باشد و سنگ سیاه گردد مانند قیر تمنیق سلافه بفتح اول و ثانی و لام و الف
و فتح قاف شیره انگور و گویند درد شراب سلخ الحیه ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم خاء معجمه
و سکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی مشدد ف پوست افگنده مار ه کینچلی طح ب ی
خ ماخوذ از مار سفید سلیخه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح خاء معجمه ف پوست
درختی ست ه کهیلی کهیلا طح ی ۲ گویند ۳ ق مجفف ملطف مدر مفتح و مقوی
دل و معده خ سرخ معطر اندک تلخ تمام عفص و چون بشکنند بر او شبه گردی ماند و برانه
تشبیه سوده خوش مانند قرفه پیچیده ش یک درم ص کثیرا الکسل دارچینی با اسارون
تمنیق التحتانی سلق بری ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر قاف و فتح موحده

بیماری نرگس
خوانند طبیعت
وی معتدل
بود و در گرمی
و خشکی لطیف
بود و بعضی گویند
گرم و خشک است
در اول درجه
و گویند در
سوم درجه

۱۹۲

مغذی و سپیج خ صحوی رقیق پوست کوچک فلوس متوسط در خوردی و بزرگی
و لاغری و منتره از بد بوی مسکنش آب شیرین سنگریزه یا رملی بر تابه بریان کرده
عسل ص روغن بادام و فلفل م بعد از و زنجبیل مربی و شراب ل لحم تمنیق اللام
سماقیل بفتح اول و ثانی و الف و کسر قاف و سکون تحتانی و لام هم سماق سمندل
و سمندول ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم دال مهمله در لغت اول سکون
واو در لغت ثانی هم سمندر تمنیق المیم سمسم ع بکسرهر دو سین مهمله و سکون هر دو میم
ف کنجد یا تل طح را گویند ۲ ق محلل ملین سپیج خ تازه بزرگ دانه ش یک کف ص
بریان کردن و با عسل خوردن ل بزرگتان در ثملیس و معاجین شعر بادام یا خشخاش سفید
و عسل سمیع بفتح اول سکون ثانی ف نهر و شش ه بس تمنیق النون سمندر بهین ه
بفتح اول و ضم ثانی و سکون نون و ضم دال مهمله و سکون رای مهمله و کسر موحده فارسی
و اظهار ها و تحتانی مجهول و نون ف کف دریا سمندر لون ه بفتح اول و ضم ثانی و
دال مهمله مشدد و سکون رای مهمله و ضم لام و واو مجهول ع ملح محیط ف نمک دریا سمقین
بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون سین مهمله ثانی و فتح میم ثانی و ضم های مهمله
و سکون واو هم آذان الفار سمن ع بفتح اول و ثانی ف روغن گاو و گهیو طح تر
اق منضج محلل ملین خ تازه ص جمیع مقویات معده امار سل مسکه د بضم اول و فتح ثانی
ف گل سه برگ سموریون یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و رای مهمله و کسر موحده
و ضم تحتانی و سکون واو ثانی ف کرفس بری سمین ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی ف چربی گوشت طح ر خ ماخوذ از حیوان مستعمل ص زنجبیل محلل سمینو
بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و ضم تحتانی و سکون واو هم سمنه و هر ترکیبی که
بدن را فربه کند آنرا سمنه خوانند تمنیق الها سمانه ع بفتح اول و ثانی و الف و فتح
نون و خفا ها هم جانوری حقیر سمنه ع بضم اول و سکون ثانی و فتح نون هم حب السمنه

١٩٤

ف نقل خواجه ۀ چرویحی سمدف بکسر اول و فتح ثانی م رنگ سبز که بزردی آب

بهم رسد تمنیق التحتانی سمانی بفتح اول و ثانی والف وکسر نون ف غلیست

دریائی که اورا قتیل الرعد خوانند بدان سبب که چون آواز رعد شنود بمیرد سمسم

بری بکسر هر دو سین مهمله و سکون هر دو میم و فتح موحده وکسر را مهمله مشدده جبلهنگ

ف تخم زرد خار تسبیق النون وتمنیق الالف سناع بفتح اول و نون الف

ه بهون ترور طح ی ف سهل سواخ مکی حجازی که با برگهای سورد ماند و بر کشتر

از هر دو طرف املس و غضر تش مائل بزردی و پاک از چوب و خس هش در مطبوخ از

چهار درم تا هفت درم و کوفته تا سه درم ص هلیله زرد و بنفشه و ورق گل و صمغ عربی

و کثیرا یا اجاص و تمر هندی ل از یکی یکوزن و نیم سنا نجدی یا مصری باید و در

سنا دیگر و گویند بسیفل ج و شاهتره سنگهارا بکسر اول و خفا ثانی و فتح کاف فارسی

و اظهار ها والف و را مهمله ثمر یست خار دار هندیست بشکل فندق که در آبها روید

و بالای ثمر او سه خار باشد تمنیق الموحد ۀ سنبل الطیب ع بضم اول و سکون

ثانی و ضم موحده و لام و کسر طا مهمله مشدده و سکون تحتانی و موحده ثانی ۀ چهره طح

ی ۲ گویند ۳ ق مفتح محلل مقوی باغ و دل خ سوی تازه سبک خوشبوی چون

سعد واشق کوچک خوشه مجفف زبان چون بخایند بویش در دهان در رنگ کند

ش نیم درم ص کثیرا یا طباشیر ل دو وزن آن اذخر یا یکوزن سافج هندی یا

مصطکی سنبل الکلب ع بضم اول و سکون ثانی و ضم موحده و لام و سکون لام

ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث ف میوه درخت سپیدار و گل لسان العصافیر

سنجاب ف بکسر اول و سکون ثانی با جیم والف جانوریست مشهور که اندکی

از موش کلان تر باشد و از پوستش پوستین سازند گرمی وی کمتر از سمور است

طح ی تمنیق الفوقانی سنبوت بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو

نگردد و اگر در سوراخ ادبیریزند بمیرد و چون بخایند نوسادر و در دهان ... اندازند بکشند زود و چون با روغن بیامیزند و بر برص بمالند بعد از تنقیه

باسند دیش در نام خوانند سندروس دیبات درا تعویذ اوراتها

وفوقانی ۵ زیر آسنگ پشت بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وضم موحده
فارسی وسکون شین معجمه م لاگ پشت کا کھپوا تمنیق الجیم سنباج بالضم
اول وسکون ثانی باموحده والف فتح دال مهمله وسکون جیم ف سنباده کا کرند
که بر و اقراز ها تیز کنند طرح ی ۳ ق مفرح تمنیق الخاء المعجمه سنبخ ف بفتح
اول و ثانی وسکون خاء معجمه م نمک تمنیق الدال المهمله سنجد ف بکسر اول
وسکون ثانی وکسر جیم وسکون دال مهمله م غبار سنساد بفتح اول وسکون ثانی
باسین مهمله ثانی والف ف جای تیری تمنیق الراء المهمله سنجفر بفتح اول
وسکون ثانی و فتح جیم وسکون فا و راء مهمله م زنجفر سندر ف بفتح اول وسکون
ثانی وضم دال مهمله م سندروس سندوره بکسر اول وخفاء ثانی وضم دال مهمله وسکون
واو م سرخ سنکمرف بفتح اول وسکون ثانی و فتح کاف فارسی وکسر میم وتحتانی
مجهول جانوریست پرنده سنکین سار ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی
وسکون تحتانی و نون ثانی با سین مهمله ثانی والف نام طائریست سیاه رنگ
که بر پشتش نقطهای سپید باشد م سار و سنوج ع بکسر اول و فتح ثانی بشدد وسکون
واو ف گربه بلی طرح ر تمنیق الزاء المعجمه سنیز ف بضم اول کسر ثانی و زاء معجمه
م سیاه دانه سنگوبز بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وکسر واو وسکون تحتانی
ع زنجبیل ۵ سونٹھ تمنیق السین المهمله سندروس ف بفتح اول وسکون ثانی
و فتح دال مهمله وضم راء مهمله و واو مجهول وسین مهمله ثانی م صمغیست شبیه کهربا زرد رنگ
روغن کمان از و سازند طرح ی ۲ گویند ق مجفف صافی شی نیم مثقال
ص بوزیدان ل کهربا ولک سندروس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم
دال مهمله وسکون واو وکسر قاف م سرخ سنکرک ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح
کاف فارسی وراء مهمله وسکون کاف ثانی م تکرگ تمنیق اللام سنبل ف بضم اول وسکون ثانی

معروف که گرم است و در درد دل دفع شکست درد دوم قابض است نیلوفر پارسی است و نیلوبرگ نیز گویند

والف وضم های ثانی و واو مجهول وکسر لام ص دوای هندیست طح ق ملین
سنگ بصری بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی و فتح موحده و صاد مهمله
وکسر را مهمله ف توتیا سفالکسه کمیر یاستی ف بکسر اول و ثانی م ریم آهن
تتمیق الواو وتتمیق الالف سوناه بضم اول و واو مجهول با نون و الف
ف زر وطلا تتمیق الموحدة الفارسی سوپه بضم اول وسکون واو و موحده
فارسی ف آب تتمیق الفوقانی سوادالقضات ع بفتح اول و ثانی والف وضم
دال مهمله وسکون لام وضم قاف و فتح ضاد معجمه مشدد و والف فوقانی م مازو ه
ماجهپل تتمیق الجیم سورج بضم اول وسکون ثانی و فتح رای مهمله وسکون جیم
ف نوعی از کفدریا تتمیق الخاء المعجمه سوخ ف بضم اول وسکون ثانی و خای معجمه
م پیاز تتمیق الدال المهمله سوادالسند وسوادالهند بفتح اول و ثانی
والف وضم دال مهمله وکسر سین مهمله مشدد و ثانی وسکون نون با دال مهمله در لغت
اول وکسر ها در لغت ثانی نوعی از سلیخه است که آن را سلیخة السواد گویند ل صدف
سوسپند ف بفتح اول سکون ثانی و سین مهمله ثانی و فتح موحده فارسی سکون
نون م شیر گیاه که دوده هی تتمیق الراء المهمله سوادالنهر بفتح اول و ثانی والف
وضم دال مهمله و فتح نون مشدد و سکون ها و رای مهمله م کشنت برکشت سوسمار
بضم اول وسکون ثانی و سین مهمله ثانی با میم والف م جانوریست مثل شکل
راسو ع ضب گوه سویق الشعیر ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم
قاف و فتح شین معجمه مشدد وکسر عین مهمله وسکون تحتانی ثانی ف پست جو
ه ستو جو کی طب ی اص قند سفید تتمیق السین المهمله سوس ع
بضم اول وسکون ثانی و سین مهمله ثانی ف مهک ه مرهتی طح ی گویند مع
گویند اب ق مقوی دل و محلل و ملطف و مجلی خ بیخ زرد تنگ ش یکمثقال

بلغت وادی القرن م خلال سیف الغراب ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فا وسکون لام وضم غین معجمه بارا مهمله والف م نوعی از سوسن م دلبوس سیمابیف بکسر اول وسکون ثانی با میم والف ه یار اسینبه ه بکسر اول وثانی مجهول خفا نون ف قسمی از باقلای هندیست تمنیق الفوقانی سیکران الحوت ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح کاف ورای مهمله والف وضم نون وسکون لام وضم حای مهمله وسکون او وفوقانی م ما هیزهرج تمنیق الجیم سیسج ف بفتح اول وسکون ثانی وجیم م موی تمنیق الخاء المعجمه سیالخ ف بفتح اول وسکون ثانی والف وکسر لام وسکون خای معجمه م خار خسک تمنیق الدال المهمله سیهنده بکسر اول وثانی مجهول وضم های خفا نون ودال هندی م زقوم تمنیق الراء المهمله سیارف بکسر اول با ثانی والف م کشکینه وآن نانی ست که از چیزی بپزند سیسج پیرف بکسر سین مهمله وسکون ثانی وخای معجمه وفتح سوحده فارسی م بچه جانوران پرنده که نو بیرون آمده سیرف بکسر اول وسکون ثانی ه لسن سیسنبر بکسر اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون نون وفتح سوحده م سی سنبل وسه سنبل وتمام سبزی باشد میان نعناع وپودینه زیرا که پودینه چون در کنار دست نشان نماید سیسنبر ویده چون باز بکرند دیگر نقل کنند نعناع برآید وبویش تیز باشد طبی ۳ ل در تحلیل وتلطیف مانند تمنیق الزاء المعجمه سیاکیرف بفتح اول وثانی والف وکسر کاف وسکون تحتانی ثانی م نمد تمنیق السین المهمله سیسالیوس بکسر اول وسکون ثانی با سین مهمله ثانی والف وکسر لام وضم تحتانی ثانی وسکون واو رف نوعی از صمغ ست مثل انگوزه وآن انجدان رومی وکاشم رومی ست وگویند تخمی ست مثل کمون کرمانی که بوی ترنج دهد طح ی ۳ ف محلل وملطف خ رومی کوچک ق وبیخش خوشبوی ومنفش طلیت وتخم کاشم نیمه صف سرطانیقی ل خردل سفید یا انجدان

یا خطر اسالیون تمیق الکاف سیکسرک و سیکیسک سیلک و سیلک ف بکسر اول
و سکون ثانی و کسر سین مهمله ثانی و سکون رای مهمله و کاف در لغت اول و کسر
سین مهمله ثانی در لغت ثانی و کسر کاف اول در لغت ثالث و کسر لام در لغت
رابع م کرم گندم خوار تمیق الکاف الفارسی سماهنک ف بکسر اول و سکون
ثانی با میم و الف و فتح ها و سکون نون و کاف فارسی م قشا بری تمیق اللام
سیال بفتح اول و ثانی و الف و لام ف یا سمین بکسر اول اسم هندی ست تا
ف شغال سیمول بکسر اول و سکون ثانی با میم و الف و فتح ها و سکون ثانی و ضم بای موحده
و سکون واو ع تشی ه ساهی سینبل ف بکسر اول و فتح ثانی و اظهار ها و ضم سین
مهمله ثانی و سکون نون و ضم موحده م سیسنبر تمیق النون سیبوس ف بفتح
اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو و فتح سین مهمله ثانی و سکون نون
م اسغول سیپارون بکسر اول و سکون ثانی با سین مهمله ثانی و الف و ضم رای
مهمله و سکون واو ف چوب یاه وانه طح ی ۲ سیسیان بکسر و فتح اول و سکون
ثانی و فتح سین مهمله یا ثانی با موحده و الف م حب لفقیر سیسون بکسر اول و
سکون ثانی و ضم سین مهمله ثانی و سکون واو م درختیست هندی مشهور که تصفیه
خون دوای تو بیست سیکران بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و رای مهمله و الف
ع بنج البنج سیلان ف بکسر اول و ثانی مجهول با لام و الف شیره که از خرما رسیده
بچکد سیندهالون ها بکسر اول و ثانی مجهول و خفای نون و فتح دال مهمله با اظهار ها
و الف و ضم لام و واو مجهول م نمک سنگ تمیق الواو سیسرو ف بکسر اول و فتح
ثانی و سکون سین مهمله ثانی و ضم رای مهمله و سکون واو م کرم گندم خوار سیوف
بکسر اول و ثانی مجهول و واو مجهول م سیب سیاه دانه ف بکسر اول یا ثانی لغت و
و اظهار ها با دال مهمله و الف ثانی و فتح نون ه کلونجی سیجند ف بکسر اول و سکون ثانی

۲۰۲

وکسر جیم فارسی وسکون عین معجمه وفتح نون م جانوری باشد که شکاریست تمنیق التحتانی
شیلی ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی م ریم آهن بود
ف بکسر اول م سنگ ترقیم الشین المعجمه وتنسیق الالف وتمنیق الفوقانی
شاه درخت ف بفتح اول وسکون ثانی واظهار ها وفتح دال مهمله ورا مهمله وسکون
خاء معجمه وفوقانی م درخت صنوبر تمنیق الجیم شادنج بفتح دال مهمله ونون
وسکون جیم م شادنه وحجر الدم ط تا شسته اوج ای ۲ وشسته او ب اگویند
۲ ف قابض مجفف حابس خ ن خ مدسی که از عدس پهن تر باشد وبسیار سرخ سیاه
مایل وشکن ومغسول ش نیم مثقال ص عصاره زرشک ل بیوزن آن روغن
سوخته وچهار دانگ وزن آن توتیای کرمانی یا حجر مقناطیس سوخته شاهتج
ع بسکون ها وفتح فوقانی ورا مهمله ف شاهتره بیت پاپره ط ح ای ۲ گویند
ب اق بفتح منقی مسهل صفرا خ سبز تازه تلخ ش از آب او نیم رطل تا دو ثلث
رطل وخشک در مطبوخ تا ده درم ودر غیر مطبوخ تا هفت درم ص کیمو وعسل
ل بیوزن سنا یکی وچهار دانگ وزن هلیله زرد وتنهای کهنه شاهلوج ع
بشین معجمه والف وها وضم لام وسکون واو ف شاه آلو زرد وسپید تمنیق
الخاء المعجمه شلخ ف بسکون خا درخت وشاخ حیوانات وعطریست که از گریه
حاصل شود ع زباد شاناخ ف بجیم والف ثانی ه غله ساقوا تمنیق الدال المهمله شماهند
ف بسکون کاف وفتح میم وسکون نون ودال مهمله م نمد تمنیق الراء المهمله
شارف بسکون را مهمله م شغال وجانوریکه مانند طوطی سخن گوید وآنرا شارک
وشار نیز گویند شانه سرف بفتح نون وخفا ها وفتح سین مهمله ع هدهد شاه انجیر
ف با اظهار ها وفتح همزه وسکون نون وکسر جیم وسکون تحتانی م انجیر وزیری
تمنیق الطاء المهمله شاه بلوط با اظهار ها وضم موحده ولام وسکون واو و

۲۰۳

باب الیا
یاقوت معربست او یاکند که بپارسی نام اوست و او چهار نوع سپید و زرد و کبود و سرخ

وطار مهمله م بلوط الملک وآن شیرین تر از بلوط باشد طمع ی ا ق قابض
خ رسیده وترش د و دو م ص شکر یا عسل ل خرنوب یا بلوط یا مغز تمنیق القاف
شاداِنق بدال مهمله والف ثانی وفتح نون م شهدانج ف تخم بهنگ تمنیق الکاف
شارک ف بفتح راء مهمله وسکون کاف م جانور سار و کنجشگ است شاسک
ف بفتح سین مهمله م تیهو شالوک ه بضم لام وسکون واو ف بیخ کوبل شانک
ف بفتح نون م سنگدانه مرغان شانه سرک ف بفتح نون وخفا رها وفتح سین
مهمله وراء مهمله م هدهد شاهبانک ف بسکون ها با موحده والف وفتح نون
م تش سگ غ بنفسج الکلاب شاهبانج تمنیق الکاف الفارسی شاشک ف
بفتح شین معجمه ثانی وسکون نون وکاف فارسی م تیهو تمنیق اللام شاخل ف بفتح
خاء معجمه وسکون لام م علف البیت ه اپهر شاطل بکسر طاء مهمله ودوائی است هندی
مانند کمات خشک ه شاهبل طح ی ۳ ش تیهو م تمنیق المیم شاه اسپرغم
وشاه اسپرم وشاه اسپرم وشاهسپرم وشاه هسپرم وشاسفرم ف باظهار ها
وکسر همزه وسکون سین مهمله وفتح موحده فارسی وسکون راء مهمله وفتح غین معجمه وسکون
میم در لغت اول وسکون راء مهمله در لغت ثانی وفتح هاء ثانی در لغت ثالث وفتح
هاء اول وسکون سین مهمله در لغت رابع وسکون هاء اول وفتح هاء ثانی در لغت خامس
وفتح فاء در لغت سادس گویند در عهد کسری یعنی نوشیروان حاری بنزدیک سرآمد
وازدهن قدری تخم سیاه خورد و بینداخت کسری فرمود تا این تخم را کشتند از آن
این رست ع ریحان طح ای ۳ ق تحنش قابض م سنوم خ سعتری که کرمانی و
بحالی خوانند ص نیلوفر تمنیق النون شابرن وشابورکان وشابورن شادرن
ف بضم موحده وفتح راء مهمله وسکون نون در لغت اول وواو مجهول وفتح راء مهمله
باکاف والف در لغت ثانی وفتح راء مهمله در لغت ثالث وضم دال مهمله با راء مهمله

۲۰۴

والف در لغت رابع م فولاد معدنی شان ف بسکون نون م خانه زنبور عسل که
دران عسل باشد م گواره شاهین ف بکسر ها و سکون تحتانی جانوریست شکاری
شمیق الافواه شاه دارو ف باظهار ها و دال مهمله والف و ضم را مهمله و سکون واو
م شراب گویند جمشید خواست که اکثر اوقات خلق از انگور منتفع شوند آب انگور
بگرفت و در ظرفی نهاد چون بجوشید و صاف شد هر روز بچشیدی چون از جوشیدن
باز ایستاد و تلخ شد گمان برد مگر زهر قاتل گشته و آنرا در گوشه نهاد جمشید را
کنیزکی بود که معشوق او بود ناگهان بدرد شقیقه مبتلا آمد وازدرد بیطاقت گشته
بمرگ تن داد و با خود اندیشید که ازان زهر مقداری بخورد تا یکبارگی خلاص شوم
قدحی برداشت و بخورد اثری بران مترتب نگشت قدحی دیگر بخورد اهتزازی در خود
یافت پس چند قدحی پی درپی بخورد و دیدنی بود که نه غنوده بود و سر بالش نهاد و
یکشبان روز بخفت چون بیدار شد ازان بیماری اثری نمانده بود واقعه را
بعرض جمشید رسانید جمشید آنرا شاه دارو نام نهاد شمیق الماشا وشه ف بفتح
دال مهمله یا معجمه و نون و خفا ها ع شادنج سنگ سرخیست که بسیاهی زند
و زود بشکنند و آن عدسی هست و کاد رسی و از دیار هند و طور سینا آورند شاله
ف بفتح نون و خفا ها م شان شاه بسه ف باظهار ها و ضم موحده و فتح سین مهمله
ع اکلیل الملک شاهتره ف باظهار ها و فتح فوقانی و را مهمله مشدد ع شاهترج
شاه دانه ف باظهار ها و دال مهمله والف و فتح نون م تخم بهنگ شایه ف بفتح
تحتانی م میوه شمیق التحتانی شاه توت ف بکسر موحده و ضم را و سکون واو و کسر
میم و سکون تحتانی ف فلفل سفید شاه تشتی ف بفتح نون و همزه ملینه ها و فتح
دال مهمله و سکون شین معجمه تانی و کسر فوقانی کنگهی شاه بوی ف باظهار ها و ضم موحده
و واو مجهول م عنبر شاه چینی ف باظهار ها و کسر جیم فارسی و سکون تحتانی م

برزمین می نهد و بعر و شتنی آن چرامی کند تمیق الکاف شبان فریک و شبان فریو
ف بفتح اول و ثانی با الف و نون و کسر فا و را مهمله و تحتانی مجهول و فتح موحده ثانی
و سکون کاف در لغت اول و فتح واو در لغت ثانی م مرغ شبان فریب شب چراغ
بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و را مهمله و الف و فتح غین معجمه ف کرم شب تاب
شب خیزک بکسر خا معجمه و تحتانی مجهول و فتح زا معجمه ف تره تیزک ع رشاد تمیق
الکاف الفارسی شبرنگ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح را مهمله و خفاء نون و
کاف فارسی م گلی ست خورد و سیاه رنگ باندک زردی درو و سنگ سیاه براق که
آنرا شبه نیز خوانند طب می تمیق المیم شبرم بکسر اول و سکون ثانی و کسر را مهمله
و سکون میم قسمی از یتوعات ست ۸ بسولاطح ۲ ی ۳ ف مسهل صفرا خ سبک
که رنگ سا قش مائل بسرخی باشد شش دانگی و گویند نیم درم تا یکدرم ص در سرکه
یا در شیر تازه خیسانیدن ل نیمورن با زریون یا قثا الحمار تمیق النون شبگون ف
بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون واو و نون هم شب چراغ تمیق الواو
شبان فریوف بفتح اول و ثانی و الف و نون و فتح فا و کسر را مهمله و تحتانی مجهول
و واو مجهول م شبان فریک تمیق الها شباره ف بفتح اول و ثانی مشدده و الف
و فتح را مهمله و خفاء ها م شپره شب الاشکافه بفتح اول و ضم ثانی مشدده و سکون
لام و فتح همزه و سکون سین مهمله با کاف و الف و فتح قاف قلیه ه نباتی شبوق بفتح اول
و ضم ثانی و سکون واو و فتح قاف م خماهن شبه ف بفتح اول و ثانی م سنگ شبرنگ
شب یازه بتحتانی و الف و فتح زا معجمه ه چمگاط تمیق التحتانی شبوی ف بفتح اول
و ضم ثانی مشدده و واو مجهول و تحتانی مجهول م گلیست کبود و سفید و دیگر الوان
که شب بوی دهد شبیبی ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر موحده ثانی
ف برگ بز البنج ق مخدر لطیف تنسیق الموحدة الفارسی و تمیق الزاء المعجمه

شتپوزرف بفتح اول بضم موحده فارسی مشدده وواو مجهول وزاء معجمه شیره تمنیق
الکاف شپرک ف بفتح اول وثانی فارسی مشدد وراء مهمله چپگاد تمنیق الهاء
شپره ف بفتح اول وثانی فارسی مشدده وراء مهمله وخفاء هاء چمگاد شپیشه ف بفتح
اول وکسر ثانی فارسی وفتح شین معجمه ثانی کرمیست که اکثر در تابستان در جاهاء
پشمین و گندم و دیگر غله ها بیفتد و آنرا اتاه سازد تمنیق التاء الفوقانی وتمنیق الهاء
المهمله شترخارف بضم اول وفوقانی وسکون راء مهمله باخاء معجمه والف وراء مهمله ثانی
عبنسی از خارکه شتر آنرا برغبت تمام چرا کند شترمرغ ف بضم میم وسکون واو هم
اشترمرغ تمنیق الزاء المعجمه شترغازف بغین معجمه والف وزاء معجمه درخت انگدان
تمنیق النون شتردندان ف بفتح دال مهمله وسکون نون با دال مهمله ثانی والف
ونون ثانی نوعی از زاج مصریست تمنیق الواو شترگاوف بکاف فارسی الف
وواو مجهول هم زرافه که سر آن بسر شتر ماند وگویند بسر گاو کوهی ماند وسینه وسم وشاخ
همه بگاو ماند شاخش از شاخ گاو کوچکترست وریگتر ورنگش چون پوست پلنگ
پرخال ودم بدم آهو ودندان بدندان خرماند وگردن ودستها بسیار دراز و
پایها کوتاه وگویند زانو ندارد وگویند که چون ناقه حبشی با گاو کوهی جمع شود این
تولد شود ودر ولایت توبه بسیار است تمنیق الهاء شتره ف بفتح اول وثانی وخفاء هاء هم
انگور تمنیق التحتانی شترپای ف بموحده فارسی والف وتحتانی مجهول هم گیاهیست
که برگش چون پای شتر ماند تمنیق الجیم وتمنیق الموحدة شجرة الدب بفتح
اول وسکون جیم وفتح راء مهمله وضم فوقانی ودال مهمله مشدده هم درخت زعرور
تمنیق الفوقانی شجرة الحیات بسکون لام وفتح حاء مهمله وتحتانی مشدده والف هم
درخت سرو تمنیق المثلثه شجرة البراغیث بسکون لام وفتح موحده وراء مهمله والف
وکسر غین معجمه وسکون تحتانی هم درخت غافث تمنیق الزاء المعجمه شجرة الوز

بطبیخ شود در وگران وبهی دبخاصیت مقوی دل و مهیج اعضاء مشتهی طعام ودافع فساد باد وصفرا وشیره آن بطبیخ ترطیب ورکشائی

بسکون لام و فتح حاء ف درخت اسپرک ثمر آن لسان العصافیر ست
تمنیق العین المهمله شجرة الضفادع بفتح ضاد معجمه مشدد و با فا و الف
و کسر دال مهمله م کبیکج ف کس وبران تمنیق الفا شجرة الخطاطیف
بسکون لام و فتح خاء معجمه با طاء مهمله و الف و کسر طاء مهمله ثانی
و سکون تحتانی م ماسیران تمنیق القاف شجرة البق بسکون
لام و فتح موحده م سفیدار ف درخت پشه شجرة البهق بسکون
لام و فتح موحده و ها م قثاء بری ف شوره شجرة الدبق بکسر
دال مهمله مشدده و سکون موحده م درخت سپستان شجرة الینبوع
ع بکسر نون مشدد و سکون موحده ف درخت کنار تمنیق
الکاف شجرة آسے مالک و بهمزه ملینه با و فتح همزه و کسر موحده
و سکون تحتانی با میم و الف و کسر لام ف نوعی از اشنان تمنیق السلیم شجرة ابراهیم
بکسر همزه و سکون موحده با راء مهمله و الف و کسر ها و سکون تحتانی ف پنجنگشت شجرة آدم
بفتح دال مهمله مشدد ف شنکار شجرة رستم بضم راء مهمله ثانی و سکون سین مهمله و ضم فوقانی
م زراوند طویل شجرة مریم بفتح میم و سکون راء مهمله و فتح تحتانی م بخور مریم تمنیق الطا
شجرة الکلب بهمزه و کسر کاف و فتح لام م شجرة الله شجرة الله بفتح اول و ثانی و راء مهمله
و ضم فوقانی و لام مشدد با الف تقدیسی و اظهار ها ف درخت دیودار شجرة بارده
با موحده و الف و کسر راء مهمله ثانی و فتح دال مهمله م لبلاب شجرة حره بضم حاء مهمله و فتح راء
مهمله مشدده ثانی ف آزاد درخت ۵ نیب تمنیق التحتانی شجرة موسی بضم میم و سکون
واو و یا سین مهمله و الف مقصوره ف درخت سرگل بدان سبب بموسی علیه السلام
نسبت کرده اند که گویند که موسی علیه السلام آتش ازان درخت بدید تمنیق
الحاء المهمله و تمنیق الموحده شجر الذبع بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و

ودافع تپ ردو تلطیع سرد وجو بهند کراز الکیتا وقسم دوم افعال ثلاثه فسادی پد بود ودافع کرد دملین بلمکد

ودال مهمله مشدد وسکون موحده ف پیه خرس ل پیه سگ تمنیق الحاء المهمله شحم المرخ بسکون لام وفتح میم وسکون راء مهمله وحاء مهمله م خطمی بری تمنیق الراء المهمله شحم البقرع بسکون لام وفتح موحده وقاف ف پیه گاو ل لبط شحم الخنزیرع بسکون لام وکسر خاء معجمه وسکون نون وکسر زاء معجمه وسکون تحتانی ف پیه خوک خ باخوذ از خنزیر جوان ل پیه سگ تمنیق الضاد المعجمه شحم الارض ع بسکون لام وفتح همزه وسکون راء مهمله ف پنبه دانه تمنیق الطاء المهمله شحم البط بسکون لام وفتح موحده وسکون طاء مهمله ف پیه قاز ق مسکن اوجاع تمنیق الدال شحم الحنظل بکسر میم وفتح حاء مهمله ثانی وسکون نون وفتح ظاء معجمه وسکون لام م مغز تمر اندرین ق مسهل بلغم ش از یکدانگ تا دو ثلث درمی یا نیم درم ص اگر از شکایت سحج او ترسی پس سحق کن با مثل او کتیرا واز و قرص تنک ساز و درسایه خشک کن تمنیق الیم شحم ع بفتح اول وسکون ثانی ومیم ف پیه چربی طح دگو نیدب ق ملین خ از حیوان کامل ص لیمون وزنجبیل مربا سمین تنسیق الخاء المعجمه وتمنیق الراء المهمله شخار بضم اول وخاء معجمه والف وراء مهمله م قلیه بمجمی تمنیق الها شخکاسه ف بفتح اول وسکون ثانی با کاف والف وفتح سین مهمله وخفاء هاء م الل شخیره بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح راء مهمله م شخار تمنیق التحتانی شخلی ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام م خار گیاه تنسیق الراء المهمله وتمنیق الموحده شراب بفتح اول وراء مهمله با الف ع خمر ونیز اطلاق کنند بر شربها تمنیق المثلثه شربث ع وشربانی بفتح اول وسکون راء مهمله وفتح موحده وسکون مثلثه م خراجیون ف کندنا ی کوهی تمنیق الفاء شرف ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وسکون فاء م شیر خشخاش تمنیق الکاف شرزدک ف بکسر اول وثانی وسکون زاء معجمه وفتح دال مهمله م آلوی کوهی ولان

ودافع تپ و فساد بلغم و باد ودماغ و دیدن ... وقسم سیم این سرد و بسیار بزرگ است و پالیسره تلطیع سردست وملین ودافع فساد و باد وصفرا حامل ...

وسکون تحتانی ثانی م خندروس تلنسیق الغین المعجمه وتمنیق التحتانی
شتغالی ف بکسر اول با غین معجمه و الف وکسر لام م نوعی از انگور تلنسیق الفا
وتمنیق الجیم شفلج بفتح اول وسکون فا و فتح لام وسکون جیم م ثمر کبر تمنیق
الکاف الفارسی شفترک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی ورای مهمله
وسکون نون وکاف فارسی م میوه سرخ وسفید شبیه بشفتالو م شلبر و شلبل
تمنیق الواو شفادار ف بکسر اول با ثانی والف ودال مهمله والف ثانی وضم
رای مهمله وسکون واو م پازهر تمنیق التحتانی شفنین ع بفتح اول وکسر اول سکون
ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر نون ثانی وفتح موحده وکسر رای مهمله مشدده
ف مرغ بوتیمار خ کوچک تلنسیق القاف وتمنیق الراء المهمله شقار بضم
اول با قاف والف ورای مهمله ه ساجی شقر بفتح اول وثانی م شقایق تمنیق القاف
شقراق ع بفتح اول وسکون ثانی با رای مهمله والف وقاف ثانی ف مرغیست
که کاسشکنک گویند و آن کلاغ سبز ست تمنیق اللام شقاقل ع بفتح اول
وثانی والف وضم قاف ثانی ف گزر دشتی ه پهاڑکی گاجر د برالی و د دهالی سوالی
وکاکولی وسیالی طح دا گویند ۲ ق مهی ومفرح مقوی دل خ زرد هندی ش
دو درم ص آمله یا عسل ل بوزیدان یا چلغوزه یا دارچینی یا تخم زردک تمنیق النون
شقایق النعمان بفتح اول وثانی والف وکسر تحتانی وضم قاف ثانی وکسر نون
مشدد وسکون عین مهمله با میم والف ثانی ف گل لاله طح ی ا گویند ۲ گویند
ح راق مجلی جاذب سنوم ش نیم درم ازگل او ص غیر ل شیح شقردیون رومی
بفتح اول وثانی وسکون رای مهمله وفتح دال مهمله وضم تحتانی وسکون م اسقوردیون
ف سیر تلنسیق الکاف وتمنیق الالف شکوثا بضم اول وکاف وسکون
واو با ثلثه والف ف تخم کشوث تمنیق الموحده شکبیع بفتح اول وسکون ثانی

برای صفراوی مزاج لقیمیست وسوداوی را مناسب باشد ومصلح آن مغز دانه ویست که مثل بادام بریان کرده خورند و بعضی گویند که صفراوی

۲۱۴

ف بفتح اول و ثانی م شلغم و بکسر اول و ثانی ع صمغ تمنیق النون شلون ف بفتح
اول و ضم ثانی و سکون واو م جنبی ز اشغال تمنیق الهاء شلمابه ف بفتح اول و سکون
ثانی با میم و الف و فتح موحده م شلغمی که در آب جوشانیده باشند تمنیق المیم و تمنیق الالف
شمشیر بفتح اول و سکون میم و کسر شین معجمه ثانی با راء مهمله الف م اذان الفار تمنیق
الفوقانی شملیت ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی ه میتهی
ع حلبه تمنیق الحاء المهمله شمج بفتح اول با ثانی م حلزون ف سفید مهره ه سنکهه
تمنیق الخاء المعجمه شماخ ف بفتح اول با ثانی و الف م شاباخ شلغم ف بفتح اول
و سکون ثانی و فتح لام م شلغم تمنیق الدال المهمله شمشاد ف بفتح اول و کسر اول سکون
ثانی با شین معجمه ثانی و الف م درختی معروف است ه بیری و نیز نام م مرزنجوش شملیه ف
بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی ع حلبه ه میتهی تمنیق الراء المهمله
شمار بفتح اول و سکون ثانی با ثانی و الف ف بادبان شمشار ف بکسر اول و سکون
ثانی با شین معجمه ثانی و الف م درخت شمشاد شمشیر بضم اول و سکون ثانی و کسر شین
معجمه ثانی و سکون تحتانی م قافله صغار تمنیق الراء المعجمه شملیز ف بفتح اول و سکون
ثانی و کسر لام و سکون تحتانی م شملیت تمنیق العین المهمله شمع ع بفتح اول
و سکون ثانی ف موم ه مین ط معرق نضج بلیغ خ زرد بی خلط که بوی عسل دارد
تمنیق المیم شمام ع بفتح اول و ثانی با الف ف دستنبویه ه کچری تمنیق الهاء
شمدانه ف بفتح اول و سکون ثانی با دال مهمله و الف و فتح نون م عناب شمه
ف بکسر اول و فتح ثانی م شیره ملائی تمنیق النون و تمنیق الفوقانی شنبلیت
ف بفتح اول و سکون نون و فتح موحده و کسر لام و سکون تحتانی و فوقانی م گلیست
زرد رنگ بشکل و قد مانند بهار نارنج همچنان شگفته و بوی تیز دارد و آنرا گل راهر و نیز
خوانند تمنیق الجیم شنج ع بفتح اول و سکون نون و جیم م نوعی از حلزون ف

کجک گویند قصبک طب ی ۲ گویند تمنیق الدال المهمله شنبلید بفتح اول
وسکون ثانی وفتح موحده وکسر لام وسکون تحتانی ف شنبلیت وگویند گل سورنجان
طح می خ سفید تازه تمنیق الراء المهمله سنجار وشنقار وشنگار بفتح اول وسکون
ثانی با جیم والف وراء مهمله در لغت اول وبا قاف در لغت ثانی وبا کاف فارسی در لغت
ثالث م الوخلسا گیاهیست که برگش سیاه وبیخش سبز است تمنیق الزاء المعجمه
شنبلیز وشنگوبیز بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وکسر موحده وتحتانی مجهول
در لغت اول وکسر واو در لغت ثانی م شرابیکه از درخت خرما حاصل شود وسیندی
وبزبان پهلوی زنجبیل را گویند تمنیق الشین المعجمه شش ع بضم اول وثانی
وسکون شین معجمه ثانی خرمائیکه دانه آن سخت نشده باشد تمنیق الغین المعجمه
شغ ف بضم اول وثانی م شاخ گاو تمنیق الکاف الفارسی شنگ ف
بفتح اول وسکون ثانی م چیزیست خوشبو صمغ که تنه اش سفید وراست و املس
باشد وسر آن چتر بند وچوب آن در کمان بکار آید ودر خراسان بنفش خوانند
وبکسر اول ه غله ایست وقسمی از خیار که دراز وکج بود ودر شیراز کلونده خوانند وگیاهی
که در اصفهان لاله شنگ گویند تمنیق اللام شنگال ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح کاف فارسی ولام وسکون لام ثانی م غله شنگ تمنیق النون شنان
بضم وکسر اول با ثانی والف م فراسیون شن ف بفتح اول گیاهیست که از او
لیسپان سازند تمنیق الهاء شنبلیله ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وکسر
لام وسکون تحتانی وفتح لام ثانی م حلبه شنده له بضم اول وسکون ثانی وفتح وکسر
دال مهمله وفتح لام م توری تمنیق التحتانی شنگرف زاولی ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح کاف فارسی وسکون راء مهمله وکسر فا با زاء معجمه والف وواو وکسر لام م
سرنج ه سندور تمنیق الواو وتمنیق الالف شواصر الفتح اول و واو والف

وفتح صاد مهمله وراء مهمله ف نوعی از سیر سجاسب چی شوکه بیضاء ع بفتح اول وسکون
ثانی وفتح کاف وهمزه ملیشه با وفتح موحده وسکون تحتانی باضاد معجمه ف باد آور وشویلا
بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی بالام والف م بر نجاسب تمیق الموحدة شوبیم
بفتح اول وسکون ثانی م عسل تمیق الفوقانی شوات ف بفتح وضم اول با ثانی والف جانوری
است پرنده مانند مرغابی که هم در آب وهم در خشکی زندگانی کند وگویند پرنده ایست سرخ رنگ
که هر زمان برنگی ولونی برآید م بوقلمون تمیق الدال المهملة شوادف بفتح وضم
اول با ثانی والف ودال مهمله م شوات تمیق الراء المهملة شوغار بضم اول وثانی
مجهول با غین معجمه والف وراء مهمله ف زاک سفید تمیق الزاء المعجمة شوره گرف
بضم اول وثانی مجهول وفتح راء مهمله وخفاء ها وفتح کاف فارسی ع اثل م درخت جهائی
شمشیرف بضم اول وسکون ثانی وشین معجمه ثانی وکسر میم وسکون تحتانی ع قاقله صغار
شونیز بضم اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ف سیاه دانه طح ی ۲ ق
مقطع مجلی محلل مدر شربتش نیم مثقال تا دو درم مص کثیرا و کاسنی ل صمغ زیتون یا تخم
ترهٔ تیزک تمیق الطاء المهملة شوخط بفتح اول وسکون ثانی وفتح خاء معجمه ف
خوشهٔ ارزن تمیق العین المهملة شوع بفتح اول وسکون ثانی ف درخت بان
تمیق الکاف شوالک ف بفتح اول وثانی والف وفتح لام ه مرغی است که هر زمان
برنگی نماید ع ابو براقش شوشک ف بضم اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه ثانیه م
جانوری شوکة العلک ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وضم فوقانی وسکون لام
وکسر عین مهمله وسکون لام ثانی م نوعی از پاذر یون تمیق النون شوکة الدهن ع
بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وضم فوقانی وفتح دال مهمله مشدده وسکون
نون م نکک شوکران بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وراء مهمله والف ف لفت
نیز گویند که تخم تنبک رومی ف و درس طب ای ۴ ق مخدر شیر یشش بار م

ص شراب صرف لی بزر البنج و تخم لفاح تنمیق الواو شوشو ف بضم هر دو شین معجمه و سکون
هر دو واو م از زن تنمیق الهاء شوکه ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف م سکانے
تنمیق التحتانی شویه ف بکسر اول و ثانی م شپش ه سوا تنسیق الهاء تنمیق
الموحده شهاب بفتح اول با ها و الف م رنگ سرخی که مرتبه اول از گل
کافزیره کشند و در عربی شیر تیک با آب آمیخته تنمیق الجیم شهدانج ع بفتح اول
و سکون ثانی با دال مهمله و الف و فتح نون م شهدانه ف تخم بنگ طح ی ۲ ق
مجفف خ البستانی ش سه درم ص بریان نمودن ل بوزن آن کنجد نیم وزن
فلفل تنمیق الهاء شهدانه ف بفتح اول و سکون ثانی با دال مهمله و الف و
فتح نون ع م شهدانج شهنگانه ف بفتح اول و ثانی و سکون نون با کاف
فارسی و الف و فتح نون م شاله تنسیق الیاء التحتانی و تنمیق الالف
شیباف بکسر اول و سکون تحتانی با موحده و الف م اخی شیرگیاف بکسر اول
و سکون ثانی و راء مهمله و کسر کاف فارسی با تحتانی ثانی ه دو دهی تنمیق الفوقانیه
شیرخشت بکسر اول و سکون ثانی و راء مهمله و کسر خاء معجمه و سکون شین معجمه
ثانی تمیست که در خراسان چون شبنم بر درخت سیاه چوب که درختش
الی بر و بغایت صلب باشد نشیند طح معتدل ف ح ق مسهل صفرا خ شفاف
باشد صمغ ش از هفت درم تا سی درم ل یک نیم وزن آن شیرخشت یا بوزن
آن تنمیق الجیم شیرآملج بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و مد همزه و سکون
میم و فتح لام و سکون جیم ف شیر آمله چون آمله را در شیر خیسانیده باشند آنرا
بدین نام خوانند ط بی ۳ گوینده دخ باید که چند روز آمله را در شیر خیسانیده
باشند ش یک مثقال شیرج بکسر اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله ف روغن
کنجد و شیرین ه میناتیل طح ساق ملین فوا که قابض ص زیست مفسول

شیرزج بفتح زاء معجمه ف شیرخشت طح ی شیطرج ع بکسر اول وسکون تحتانی
وفتح طاء مهمله وراء مهمله ف شیتره ه چیتا طح ی ۳ ق مجلی منقی خ هندی ش
یک مثقال ص مصطکی یا ورد یا صندل ل فوه یا بجکیر یا عقرقرحا تمیق الحاء
المهملة شیح ع بکسر اول وسکون ثانی وحاء مهمله ف درمنه طح ی ۳ گویند
ح ۲ هی اق مقطع محلل خ از منی ش نیمه درم ص ترس یا شراب ریباس یا شراب
اترج یا بنفشه ل برنگ یا افسنتین تمیق الخاء المهملة شیرخشت بفتح موحده
وسکون خاء معجمه وکسر شین معجمه ثانی وسکون تحتانی ثانی وراء مهمله ثانی ف
بیخ سست زرد رنگ که از هندوستان وکشمیر خیزد ه هرنی طح ی ش وانگی
انیمه درم تمیق الزاء المعجمه شیبة العجوز ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح
موحده وضم فوقانی وسکون لام وفتح عین مهمله وضم جیم وسکون واو م اشنه
شیراز بکسر اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله بالالف ع ریحان شیشیر بکسر اول
وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی م شونیز تمیق السین المهمله
شیرکس ف بکسر اول وثانی مجهول وراء مهمله وفتح میم وکاف فارسی ع عنکبوت
تمیق القاف شیرزوق بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله وضم زاء معجمه و
سکون واو وقاف م شیرزج تمیق الکاف شیرخشک بضم خاء معجمه وسکون
شین معجمه ثانی ف بید خشک وبید انگبین نمیست یعنی نعمتی ست که چون شبنم
در خراسان درخت بید نشیند طح گویند مع ب ح ق ملین خ سفید شیرین ش
ده درم ل ترنجبین شیشک ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه ثانی و
فتح تحتانی ثانی م گوسپند یکساله شیشک ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه
ثانی وفتح تحتانی ثانی م تیهو تمیق المیم شیلم ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح
لام وضم آن وسکون میم گویند دانهاسے صلب گرد است که بعضی سیاه وبعضی

سرخ درمیان کشت گندم روید و گویند یاسمین جنگلی ست طح ی ۳ و گویند م ا
یح ۲ ق ملطف مجلی محلل مسکر ح اوکن فر بص کزبره خشک ل جند قوقی و در و نع
قوباگندم شیم ف بکسر اول و سکون ثانی ماہی است غلوس دارع جینده
تنمیق النون شیان بکسر اول با ثانی والف ف پ سیاوشان تنمیق الواو شیشو
بکسر اول و سکون ثانی و ضم شین معجمه ثانی و سکون واو م تهو تنمیق الهاء شیرا
بکسر اول و سکون ثانی با راء مهمله والف و فتح موحده ف خشخاش شیره بکسر اول و سکون
ثانی و فتح راء مهمله نوعے از بوزه که بنگ داخل سازند شیلانه ف بکسر اول و سکون
ثانی با لام الف و فتح نون م عناب شیلونه ف بکسر اول و ثانی مجهول و ضم لام و
سکون واو و فتح نون م لاک پشت شیمه ف بکسر اول و ثانی مجهول و فتح میم م نوعے
از انگور تنمیق التحتانی شیاف خوزی بکسر اول با ثانی والف و کسر فا و ضم معجمه و
واو مجهول و کسر زاء معجمه و سکون تحتانی م توش در ہندی تیج شیخ عیشے ف بکسر
اول و سکون ثانی و کسر خاء معجمه و فتح حاء مهمله ثانی و موحده و کسر شین معجمه ثانی ف
فلفل سیاه ترقیم الصاد المهمله وتنسیق الالف وتنمیق الموحده
صاب بصاد مهمله والف و موحده م حنظل و گویند قثاء الحمار ست و گویند از یتوعات
و گویند دیودار ست تنمیق الفاء صابون القاف بضم موحده و سکون واو و ضم
نون و سکون لام با قاف والف و فاء م چوب اشنان تنمیق النون صابون
بضم موحده م طح ی ۲ ق مفرح محرق خ کهنه ص قے کردن آب گرم و روغن
کنجد و خوردن شوربائے چرب با روغن و مرغ ل بوره واشنان تنمیق الهاء صاحبه
بکسر حاء مهمله و فتح تحتانی م خبرف زرک هرگاجی تنسیق الباء الموحده کاف
تنسیق الراء المهمله صبار بضم اول با موحده والف و راء مهمله م تمر ہندی صبر
بفتح و کسر اول و سکون موحده ها ایلوا و مشتر طح ای ۲ گویند ۳ ق مجفف مدمل

سهل خ سقوطری که لونش تیره باشد و بویش بد و براق چون صمغ باشد و چون بشکنند
پاره پاره زود و تر خرد شود و مطلقاً سنگریزه در و نباشد بش تا سه درم و با دیگر مسهلات از
یک نیم درم تا یک مثقال ص صمغ و کتیرا ل سر احمر تسمیق التحتانی صیبر بفتح اول و
کسر ثانی و سکون تحتانی م عصاره سنا یا سنا تنسیق الحاء المهمله و تسمیق
الالف صحناء بفتح و سکون حاء مهمله با نون و الف ف ماهیابه طع حی ۲ گونه ح
ی ۲ ق مقطع محلل بش یکدرم تا دو درم ص کتیرا مصطگی و ورد و مقل و اگر در
اسافل شخصی علتی باشد بیاشیر دارا با مقل جهت سرد و یبس و محرور را به کتیرا
مخلوط سازد و اگر در معده و جگر علت باشد با مصطگی و گل سرخ بدل حضض و
در نفع معده فستین تنسیق و تسمیق الدال المهمله صدیوید بفتح اول و
سکون دال مهمله و کسر موحده فارسی و تحتانی مجهول و فتح واو و سکون نون هم
عصے الراعی صندید المحدید بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم دال مهمله ثانی
و سکون لام و فتح حاء مهمله و کسر دال مهمله ثالث و سکون تحتانی ثانی م زعفران آهن
تسمیق الفاء صیدف بفتح اول و ثانی و سکون فاسیبے طب ای ۲ ق مجفف خ
سفیدی که در آب شیرین باشد بش از دو یک مثقال و از آب او سه درم ص عسل
یا عناب ل و فخ یا کمربا تنسیق الراء المهمله و تسمیق الالف صبراع
بفتح اول و کسر راء مهمله و سکون تحتانی با راء مهمله ثانی و الف م باد سیح تسمیق
الموحده ضرب بفتح اول و سکون ثانی ع صمغ هر گوند تسمیق النون صرفان ع
بکسر اول و سکون ثانی با فا و الف هم نوعی از خرما هندی سرخ فربه و خرمای
کنتوم و سرب را نیز بدین نام خوانند تسمیق الواو صرو بفتح اول و سکون راء
مهمله م سقوکران تسمیق الهاء صراه بفتح اول و سکون راء مهمله و الف و فتح موحده
و خفاد با خنگلے که زرد خواهد شد م صرع ع بفتح هر دو صاد مهمله و سکون راء مهمله

اول و فتح را مہملہ ثانی ف جرو اسک لہ جھینگر ش ستہ عدد یا پنج یا ہفت جانور
تنسیق العین المہملہ و تمیق الراء المہملہ صعتر بضم اول و
سکون عین مہملہ و فتح فوقانی و سکون را مہملہ قسمے از پودینہ بری ست ف او
و کالوتے طاح ی ۳ ق بفتح و ملطف و منفشے خ کوچک ورق ش نیم مثقال
تا یکدرم ص سرکہ ل فو تنج تنسیق الغین المعجمہ و تمیق النون صغبین
بفتح اول و سکون غین معجمہ و کسر موحدہ و سکون تحتانی م تنج تنسیق القاف
و تمیق الراء المہملہ صقر ع بفتح اول و سکون قاف و را مہملہ طائری ست
شکاری ف چرغ طاح ی تمیق السین المہملہ صقالیس بفتح اول و ثانی
و کسر تحتانی و سکون سین مہملہ گلہری تنسیق و تمیق اللام صلصل ع بہ فتح
ہر دو صاد مہملہ و سکون ہر دو لام م تکہ و عقعق ھ ہوکا صل ع بکسر اول ف تاریست
کہ افسون نمے پذیرد تمیق النون صلون ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو
م خرنوب نبطی تنسیق المیم و تمیق الموحدہ صمغ السداب بفتح اول و
سکون میم و ضم غین معجمہ و سین مہملہ مشدد با دال و الف ل دو وزن حلتیت
تمیق المثلثہ صمغ المحروث ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین معجمہ و سکون
لام و فتح میم ثانی و سکون حا مہملہ و ضم را مہملہ و سکون واو م حلتیت تمیق الدال
المہملہ صمغ القتاد بفتح قاف و مثلثہ و الف کتیرا صمغ عسفید بفتح اول
و سکون ثانی و کسر غین معجمہ و فتح سین مہملہ و کسر فا با تحتانی مجہول ھ گوند درخت
کر ہری تمیق الراء المہملہ صمغ الصنوبر بفتح صاد مہملہ مشدد و ثانی و نون و فتح
موحدہ ص راتینج صمغ الکنگر بسکون لام و فتح کاف و سکون نون و فتح کاف فارسی
ل نیج واشیشعان دو رستے کردن جوز الفے تمیق الراء المہملہ صمغ اللوز ع
بفتح لام مشدد و سکون واو م صمغ بادام خ سفید یا خوار درخت جوان ل صمغ عربی

و کثیرا تمییق الصاد المهملة صمغ الاجاص بسکون لام و کسر همزه و با جیم مشدد
والف م صمغ آلوق سفت مدل خ ماخوذ از درخت کهن تمییق الطاء المهملة
صمغ البلاط بکسر موحده با لام والف ف از سنگ ساخته وآن چیزی ست که از
رخام سنگ سازند و گویند که از معدن بهم رسد و نام مرکبی ست که از صبر و مر و
خون سیاوشان و ملک و انزروت و صمغ عربی از هر یک جزوی و اصل مرجان و
زاج از هر یک نیم جزو کوفته بیخته بآب صمغ عربی ابسرشند و بر دیوار چیزی زنند و بگذارند
تا خشک شود و هر چند کهنه شود نیکو بود تمییق الغین المعجمة صمغ ع بفتح اول
و سکون ثانی و غین معجمه صموغ جمع وی ف از دو شلم و گویند طرحی گویند صمغ
ق مغربی قابض و حابس خ عربی شفاف سفید صاف کی چوب زرد گدازنده در
آب تمییق الفاء صمغ الحرشف بسکون لام و فتح حاء مهمله و سکون راء مهمله و فتح شین
معجمه م کنگری تمییق المیم صمغ البطم بسکون لام و ضم موحده و سکون طاء مهمله و
میم ثانی م مستقطر حرمی ۲ ش یک درم ص مفصل و کثیری ال کثیرا تمییق النون
صمغ الزیتون بفتح زاء معجمه مشدده و سکون تحتانی و ضم فوقانی و سکون واو ه
اصطرک ل عصاره طرا اشیث یا شونیز تمییق التحتانی صمغ الجوز الرومی ع بسکون
لام و فتح جیم و سکون واو و کسر زاء معجمه و ضم راء مهمله مشدده و سکون واو و کسر میم
و سکون تحتانی ف کهربا صمغ الکمثری بسکون لام و ضم کاف و فتح میم مشدده و سکون
مثلثه و فتح راء مهمله و الف مقصوره ف صمغ درخت امرود و خز از درخت کهن ش
و دو شقال صمغ عرشی بکسر غین معجمه و فتح عین مهمله و راء مهمله و کسر موحده و گویند
درخت کیکر ط م گویند حر گویند ب ی ش و دو شقال ص کثیرا و شراب صندل
و گلاب صمغ بادام و حب الآس تمییق النون و تمییق الواو الراء المهملة
صندل احمر ع بفتح اول و سکون نون و فتح دال مهمله و کسر لام و فتح همزه و سکون

حا مهمله و فتح میم و سکون را مهمله ف صندل سرخ ھ رگت چندن طا ب ی ۲ گویند

سرل فوفل صنوبر صفار ع بفتح اول و ثانی و سکون واو و فتح موحده و کسر را مهمله و صاد

مهمله ثانی با غین معجمه و الف ھ درخت چیڑه طا مع ح گویند ح ۲ ای گویند اک رفت

صنوبر کبار ع بکسر کاف با موحده و الف ف درخت چلغوزه طا ح اسا ۲ ق سمن خ

تازه بزرگ سفید ش پانزده عدد ص جوارش سفرجل ل دو وزن او خشخاش

تنميق الضاد المعجمة صندل ابيض ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله

و کسر لام و فتح همزه و سکون تحتانی و فتح تحتانی و سکون ضاد معجمه ف صندل سفید

ھ چندن طا ب ی ۲ گویند ۳ گویند ساق مقوی دل خ مقاصری ش نیم مثقال ص

جلاب شکر طبرزد ل اشنه یا فوفل تنميق الواو و تنميق الضاد المعجمة ضوف

الارض بضم اول و سکون واو و ضم فا و سکون لام و فتح همزه و سکون را مهمله و

ضاد معجمه م فراسیون تنميق الفا ضوفن ع بضم اول و سکون ثانی و فاف شم طا

ح ی ۳ ق مسخن مجفف اکال ل شعر تنميق الهاء ضوطله بضم اول و سکون ثانی

و فتح طا مهمله و لام و خفا با ف نوعی از چغندر تنميق الضاد المعجمة فی تنسيق

الالف و تنميق اللام ضال ع بضاد معجمه و الف و لام ف کنار تنميق النون ضان

ع بضاد معجمه و الف و نون ف میش ھ بھیڑی تنسيق الباء الموحدة و تنميق اللام

ضبع عرجاع بفتح اول موحده و عین مهمله و همزه لینه و فتح عین مهمله ثانی و سکون را

مهمله با جیم و الف ف کفتار گوشت او ح ی ۲ تنميق الموحدة ضب ع بفتح

اول و سکون موحده ف بچه سوسمار که اول مے زاید او را حل مے گویند و بعد

ازان غیداق خوانند و بعد ازان مطبخ و بعد ازان حصرم و چون بتمامی رسد ضب

گویند طا ح ی ق شکل او مجلی خ متوسط ص حصرم تنميق الراء المهملة ضبر

بفتح اول و ثانی و سکون را مهمله م درخت جوز بوا تنسيق الراء المهملة و تنميق الموحدة

ضرب بفتح اول و راء مهمله و سکون موحده م عسل و گویند جانور خارپشت
تنمیق التاء المعجمة ضرس العجز ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله و
سکون لام و فتح عین مهمله و ضم میم و سکون واو و زاء معجمه ف خسک تنمیق
العین المهملة ضرع ع بفتح اول و سکون ثانی و عین مهمله ف پستان حیوان
انسان ه چوچی ط ب ی خ ماخوذ از حیوان که گوشتش نیکو بود و در شیر بسیار
بود ضریع ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف نباتی ست دریائی که بر ساحل
دریا باشد ط ح ی تنمیق المیم ضرم بفتح اول و سکون ثانی و میم م اسطوخودوس
تنمیق الواو ضرو بفتح اول و ثانی و واو مجهول م نوعی از حبة الخضراء ط ح ی ۳
گویند ۲ گویند ح را ق مخفف خ شیر تازه ص سفرجل تنمیق الهاء ضروع الکلب
ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم عین مهمله و سکون لام و فتح کاف و سکون
لام ثانی و فتح موحده و خفا ر باف درخت زقوم تنسیق الغین المعجمة و تنمیق
السین المهملة ضغابیس ع بفتح اول یا غین معجمه و الف و کسر موحده و سکون
تحتانی و سین مهمله جمع ضغبوس ست ف خیار زه ه ککڑی ضغبوس ع بضم اول
و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو ف خیار زه و گویند خربزه نارسیده تنسیق
الفاء و تنمیق العین المهملة ضفدع ع بفتح اول و سکون فا و فتح دال مهمله و
سکون عین مهمله ف غوک و وبک ه مینڈک و دادر تنمیق النون ضفائر الجن
ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر تحتانی و ضم راء مهمله و سکون لام و کسر جیم ف
پرسیاوشان تنسیق الواو و تنمیق الراء المهملة ضومر ع بفتح اول و سکون
ثانی و فتح میم و سکون راء مهمله م بادروج تنمیق النون ضومران ع بفتح اول و
سکون ثانی و ضم میم و راء مهمله و الف و نون ف سپید مشک و گویند ریحان ل
بدرم یا بلخه تنسیق الیاء التحتانی و تنمیق النون ضیمران ع بفتح اول و سکون

تحتانی وضم میم با را مهمله والف ونون م ریحان تـ ضیم الطاء المهمله و
تنسیق الالف وتمیق الراء المهملة طا لیسفر بطاء مهمله والف وکسر
لام وسکون تحتانی وسین مهمله وفتح فا وسکون راء مهمله ف پوست بیخ زیتون
هندی وآن قشر هندی ست طعم گویند ۳ ق قابض شربت یک مثقال ص
عسل با رب السوس ل سنبل الطیب وتمیوزن سافنج یا مقل و اهیل مساوی یا
چهار دانگ وزن آن کمون وتمیوزن اجمل یا بوزن او عذبه وتمیوزن بسباسه
تمیق السین المهملة طاوس ع بضم همزه وسکون واو هم مورد گوشت و ۲ م
تمیق الکاف طا خک ف بفتح خاء معجمه باردخت تیمم منولی تمیق المیو
طالم بفتح لام ف نرنج زرد تمیق النون طا لقون بکسر لام وضم قاف وسکون
واو ف نوعی ست مصنوعی که بدبر کرده باشند نیز پیال نحاسی که در کمین کار خیسانیده
باشند تمیق الهاء طارچلفه یونانی بسکون راء مهمله وکسر طاء مهمله وتحتانی وفتح قاف
م حب الملوک طار یقد یونانی بکسر راء مهمله وسکون تحتانی وفتح قاف م وند
تنسیق الباء الموحدة وتمیق الالف طبقا بفتح اول وسکون موحده با قاف
والف م خندروس تمیق الخاء المعجمة طبیخ ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
وخاء معجمه ف خربزه وادویه که با آب بجوشانند و بپزند تمیق الدال المهملة طبرزد
بفتح اول وکسر ثانی وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه معرب تبرزد ست یعنی نبات مصری
از جنس اول ه ابلوج و یک سنگ را نیز بدین نام خوانند از جهت سختی و صلبی ه ر و
تمیق الراء المهملة طبا ریکبر اول باء ثانی والف ف نوعی از انجیر سرخ بزرگ
طباشیر ع بفتح اول وثانی والف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی ه نیلوجن طب
ی ۲ گویند ۳ ق قابض مجفف مقوی دل ومعده م سفید سبک و زود خرد شود
سرش ود دانگ ص گلاب و گویند مصطکی و انیسون و گویند رب السوس نیموزن کافور

تمیق الهاء طرتیلیه بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده وسکون تحتانی وفتح لام و
خفا ها م طرتیلین بلسیق الفاء وتمیق اللام طرفسیل م بکسر اول وسکون فا وکسر شین
معجمه وسکون تحتانی ف حدس تقشر که با سر کر پخته باشند تلسیق اللام وتمیق الالف
طلاء م بکسر اول بالام والف ف خمر کهن وتیز بمعنے زرد دار و سے که با آب رقیق ساخته
باشند طلسیا بفتح اول وکسر لام وسکون تحتانی با سین مهمله والف ف نوعی از صدف
کوچک تمیق الحاء المهملة طلح م بفتح اول وسکون ثانی م موز ه کیلا تمیق
العین المهملة طلع م بفتح اول وسکون ثانی ف اول میوه خرما که بهار خرما گویند
طب ای ۲ ق مجفف ممسک ص تمر وعسل ل کثیری تمیق القاف طلق م بفتح
اول وسکون ثانی م کوکب الارض ه ابرک وبهوڈل طب ای ۲ ق قابض خ نماک
بیاب براق ص روغن وآب گرم ل طین قیمولیا تلسیق المیم وتمیق الالف طرا
زومے بفتح اول وسکون میم با راء مهمله والف ف بید انجیر تمیق المیم طمطم م بکسر
هر دو طاء مهمله وسکون هر دو میم م سماق ه تن ٹریا تلسیق وتمیق الموحدة
طوب ع بضم اول وسکون واو به لغت اهل مصر خشت پخته تمیق الطاء المهملة
طوطیع بضم اول وسکون ثانی وطاء مهمله ثانی ف بنبه تمیق النون طوطاق از یونا
یونانی بضم اول وسکون ثانی با طاء مهمله ثانی والف وقاف ف فتح همزه وسکون
غین معجمه وکسر راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثانی ع ملق جبلی م طلیو طولیدون
رومے بضم اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی وضم دال مهمله وسکون
واو ثانی ع عنب الثعلب تمیق الهاء طهاره یونانی بفتح اول وثانی والف وفتح
راء مهمله وخفا ها ف بیش ه بس تلسیق الهاء وتمیق الفاء طهف بفتح اول
وسکون ها وفا ف درست یا طعامے است که از ذرت سازند تلسیق الیاء التحتانی
وتمیق الالف طیا یونانی بفتح اول با تحتانی والف ف نوشادر طین قیمولیا بکسر

اول و سکون ثانی و کسر نون و فتح قاف و سکون تحتانی ثانی و ضم میم و سکون واو
و کسر لام با تحتانی تا الف ف سنگ رخام لطین مصری تنبیق الموحدة طین ال[illegible]
ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون لام و فتح عین مهمله
و را مهمله و سکون موحده م اوخر تنبیق الفوقانی طین الحکمت ع بکسر
اول و سکون تحتانی و ضم نون و سکون لام و کسر حا مهمله و سکون کاف و فتح
میم و سکون فوقانی ف گل حکمت و آن مرکبے ست تنبیق المثلثة طین توث
ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون واو و مثلثه ف عو و ساک و موزه دور
حیوانے ست سرخ که برو نقطهای سیاه بود و از ذراسیچ خردتر و اکثر بر خوشه انگور
بود و ل ذراسیچ یا کرم سبز درخت صنوبر تنبیق الجیم طین توج بکسر اول و سکون ثانی
و ضم با و سکون واو و جیم ف تیهوج پونا طامع خ فربهی که در فصل خریف کنند
تنبیق الراء المهملة طین احمر ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر نون و فتح همزه و
سکون حا مهمله و فتح میم و سکون را مهمله ف گل سرخ که آن را اسفره نیز گویند هـ گیرو
طین اخضر ع بفتح همزه و سکون خا معجمه و فتح ضاد معجمه ف نیل طین اصفر ع بفتح همزه
و سکون صاد مهمله و فتح فا م طین الضیم زرد تیره رنگ که هندوان در قشقه بکار برند
هـ پیوڑی تنبیق السین المهملة طین بلشاموس شین معجمه و الف و ضم میم و سکون
واو و سین مهمله م کوکب ساموس و آن قائم مقام گل مختوم است ط مع ح ب
تنبیق المیم طین مختوم ع بفتح میم و سکون خا معجمه و ضم فوقانی و سکون واو ف
گل مختوم گل سرخ رنگ است بغایت املس ط مع ح ب ق قابض و مفتح
و مقوی دل و حابس خون و مدمل ریش و ورم ل در تریاق بدل نداد و در
قبض خون سطر یا طین ارمنی که بجون نیز گویی سرشته باشند تنبیق النون
طیطان مصریانی بکسر اول و سکون ثانی یا طا مهمله تانے و الف ف گندنا صحرائی

۲۲۹

طیلافیون یونانی بفتح اول وسکون ثانی ولام والف وفتح فا وضم تحتانی ثانی وسکون واو ف نوعی از حی العالم طین ع بکسر اول وسکون ثانی ف گل هستی ط مجموع کلهاب سی ف خفف ش یک درم ص هند بال از بعضے بعضے تنمیق التحتانی طیقیے روسے بکسر اول وسکون تحتانی وکسر قاف وسکون تحتانے ثانے م وادسے طین ارمنے بفتح ہمزہ وسکون راء مهمله وفتح میم وکسر نون ثانے ف گل ارمنے گل ست تیرہ رنگ طب سی خ در دوے کہ بی رنل وبعد از سخن چون بر زبان نهند بچسپد ص گلاب ل طین ملاکے طین فارسی بفا والف وسکون راء وکسر سین مهمله ف گل سرشوی طب سی خ مائل بسرخے ش دو مثقال طین قبرسی بضم قاف وسکون موحده وفتح راء مهمله وکسر سین مهمله گلے ست سرخ گلگون کہ چون در دست بمالند سرخے او در دست بماند وچون بشکنند درانددرون وے رگها زرد بود وچون بر زبان نهند بغایت بچسپد ل طین مختوم طین نیشاپوری بکسر نون وسکون تحتانی با شین معجمه والف وضم موحده وسکون واو وکسر راء مهمله گل ماکول وگل خراسانے وآن را خام وبریان کرده بخورند وبدان منقل نمایند ش یک درم تا دو مثقال ترقیم الظاء المعجمة وتنسیق الباء الموحدة وتنمیق التحتانی ظبے ع بفتح اول وسکون موحده وتحتانی مجهول ف آہو ہ ہرن ومرگ تنسیق الفاء وتنمیق الالف ظفر بفتح ظاء معجمه وسکون فا با راء مهمله والف ف بو دنہ ہ بری تنمیق الزاء المعجمة ظفیرة العجز ع بفتح اول وکسر ثانے وسکون تحتانے وفتح راء مهمله وضم فوقانے وسکون لام وفتح عین مهمله وضم جیم وسکون واو ف خار خسک تنمیق الهاء ظفیره بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح راء مهمله وخفا ہا ف بو دنہ برے تنسیق اللام وتنمیق الفاء ظلف ع بکسر اول وسکون لام

و قاف سم هلاہل طف ی ۳ ق مجفف خ سخت ص زبدل شاخ تمنیق المیم علیم بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م ف ذکر نعام تنسیق الیاء التحتانی و تمنیق النون
علیان ع بفتح اول و تحتانی و الف و نون ف یاسمین بری کہ گل کو چاپ دارد
هرجائی جی ط م ی ۳ ق محرق کاوسے ص روغن گل ل و فلی و عنصل
ترقیم العین المهملة و تنسیق و تمنیق الالف عاقرشمعا بعین مهمله و
الف و کسر قاف و سکون راء مهمله و فتح شین معجمه و سکون میم با عین مهمله
ثانی و الف م شنکار عاقر قرحاع بفتح هر دو قاف و سکون هر دو راء مهمله با حاء
مهمله اکرکرا ط ۳ ی ۳ ق محلل حاذب ملطف خ تیز محرق گزنده زبان ضربه
غلیظ و بعد از شکستن درونش سفید باشد ش و دانگ گویند و درم تا
ست درم ص مویزج یا رب السوس ل در غرغره تو فج و درم مهمار سعده
راسن یا دار فلفل و عسل و گویند شیطرج تمنیق الجیم عاج ع بسکون جیم ف
دندان فیل هر ہاتھی دانت ط ی ق مجفف خ سفید پاک ش نیم درم
از نشارهٔ او ص رب الصنوبر ل شاخ بز تمنیق اللام عاقول بضم قاف
و سکون واو و لام ف درخت ساج هر سال تنسیق و تمنیق الباء الموحدة
عنب بفتح اول و موحده و سکون موحدهٔ ثانی ف کچو مو عبعب بفتح و سکون
ثانی و فتح عین مهمله ثانی م ثمر کاکنج ف کچو مو تمنیق الراء المهملة عبهر ع بفتح
اول و سکون ثانی و فتح ها و سکون راء مهمله ف نرگس عبیر بفتح اول و کسر ثانی
و سکون تحتانی م زعفران تمنیق الطاء المهملة عبیط ع بفتح اول و کسر ثانی
و سکون تحتانی و طاء مهمله ف پسته تنسیق التاء الفوقانی و تمنیق المیم عتم
بضم اول و سکون فوقانی و میم ف زیتون کوهی ط ۳ ی ۱ تنسیق الجیم
و تمنیق الموحدة عجب بفتح اول و سکون جیم م حب النیل عجم الزبیب ع به فتح

۲۳۱

شش نیم مثقال ص بلوط و جوز السرو عرق الکافور ع بکسر اول و سکون ثانے و ضم
قاف و سکون لام با کاف و الف و ضم فا و سکون دا و ف زرنباد عروق الشجر
بضم اول و ثانی و سکون و او و ضم قاف و فتح شین معجمہ مشددہ و جیم م کندر
و گویند عرق الصبا غین عروق الصفر ع بضم اول و ثانے و سکون و او و ضم
قاف و کسر صاد مہملہ مشددہ و سکون فا دو نوع ست بزرگ او زرد چوبہ و
خورد وی مامیران ف وار زرد و زرد چوبہ ھر ہلد صلاحی ۳ گویند ۲ ق محلل لطف
مدر حیض شکنندہ سنگ شش نیم درم ص قرص کافور نیم وزن مامیران یا نیم وزن
عاقرقرحا تمتیق السین المہملة عرق یابس ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر قاف
با تحتانی و الف و کسر موحدہ و سکون سین مہملہ ف رنگبار جی تمتیق الضاد المعجمة
عرض ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم ف زنگ و سبزی کہ بر آب بہم رسد
عروق ابیض ع بضم اول و سکون ثانے واو و کسر قاف و فتح ہمزہ و سکون
موحدہ و فتح تحتانی م لوزیدان تمتیق الفا عصف بفتح اول و سکون
ثانے و فتح صاد مہملہ و سکون فا م کما فیطوس ف ماش وار و عرق سحاری
بضم اول و ثانے ع قصب لی عروق الاصفر ع بضم اول و ثانی و سکون
واو و ضم قاف و سکون لام و مد ہمزہ و فتح صاد مہملہ ف پوست بیخ کبیر طب
حار یابس خ باریک شش نیم مثقال ص عسل ل ورا و ویہ سپر چہار دانگ وزن
آن حلتیت یا سکنجبین تمتیق القاف عروق ع بضم اول و ثانے و سکون
واو ف بیخہا تمتیق الکاف عروسک ع بضم اول و ثانے و سکون واو و فتح
سین مہملہ ھر کرمہ بیر بہولی تمتیق المیم عرقیم ع بکسر اول و سکون ثانے و
کسر صاد مہملہ ف بادنجان عروق واربرم بدال مہملہ و الف و سکون راء مہملہ
و کسر با و فتح راء مہملہ ثانے ف بیخ مہک عم بضم اول و سکون ثانی

ف نوعے از ناہے تمیق النون عن بفتح اول و ثانے ف چیزی ست کہ
زیادہ میشود و ظاہر میگردد نزدیک زانو و سم اسپ ع عظم شبق ھ گھوڑے
کا پر عروق الصباغین ع بضم اول و ثانے و سکون واو و ضم قاف و فتح
صاد مہملہ و باء موحدہ مشددہ و الف و کسر غین معجمہ و سکون تحتانی ف زرد چوبہ
تمیق الھباء ع و سک در پردہ ف بضم اول و ثانے و سکون واو و فتح
سین مہملہ و کسر کاف و فتح دال مہملہ و سکون راء مہملہ ثانے و فتح موحدہ و فارسی
و سکون راء مہملہ ثالث و فتح دال مہملہ ثانی و خفاء ہاء م کا کنج تمیق التحتانی
ع فج بری بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و کسر جیم و فتح موحدہ و کسر راء مہملہ
مشددہ و سکون تحتانی م سافج تنسیق الزاء المعجمہ و تمیق الراء المہملہ
ع زیر الصغیر و کبیر بضم اول و فتح زاء معجمہ و سکون تحتانی و ضم راء مہملہ و فتح
صاد مہملہ مشددہ و کسر غین معجمہ و سکون تحتانی ثانے و کسر راء مہملہ و فتح واو و
کاف و کسر باء موحدہ و سکون تحتانی ثالث م قنطوریون دقیق و غلیظ
تنسیق السین المہملہ و تمیق الدال المہملہ عسل القصب و الطبرزد بفتح
اول و سین مہملہ و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح قاف و صاد مہملہ و کسر
موحدہ و فتح واو و طاء مہملہ و موحدہ ثانے و سکون راء مہملہ و فتح زاء معجمہ
و سکون دال مہملہ م شیرۂ نیشکر و شیرۂ نبات ھ رس ح راعسل داؤد بکسر
لام با دال مہملہ و الف و ضم ہمزہ و سکون واو م ادتانی تمیق اللام عسل
ع بفتح اول و ثانے و ضم لام و فتح نون مشدد و سکون حاء مہملہ م شہد
ھ مہو و مدطح می ۲ ق مدل بجلے او ساخ صادق الحلاوہ خوشبوی سپید
مے مائل ببیعے بعد از ان صیفے ش د واوقیہ و در معجون د بر ابرادویہ تا سہ
برابر ص انار و ربوب فواکہ و حماض اترج و خل ل سکنجبین شیرین تمیق التحتانے

عسل لبنی ع بفتح لام ثانی و موحده و کسر نون م میعه سائله تنمیق الشین المعجمة
وتنمیق الراء المهملة عشر بضم اول و سکون شین معجمه و راء مهمله از تیوعات
هد درخت اکه ط ۲ ی ۳ ق محرق ش از شکر او و دو درم ص نشستن در آب سرد
ل شیر ص تنمیق القاف عشرق بکسر اول و ثانی و سکون راء مهمله ف مرده سنگ
تنمیق الهاء عشقه بکسر اول و ثانی و فتح قاف ف نوعی از لبلاب تنمیق الصاد
المهملة وتنمیق الالف عصارة مامیثاء بضم اول با صاد مهمله و الف و فتح
راء مهمله و همزه ملینه با میم و الف و کسر میم ثانی و سکون تحتانی با مثلثه و الف
ثالث م سیاف مامیثا ط ب ی اخ زرد سبک ل حضض یا پوست درسیه
تنمیق الموحدة عصاب بضم اول با ثانی و الف و موحده م شیطرج عصب
ع بفتح اول و ثانی ف پی م نسج تنمیق الفوقانی عصاره غافت بضم اول
با ثانی و الف و فتح راء مهمله و همزه ملینه با غین معجمه و الف و سکون فا و فوق
ف فشرده غافت تنمیق المثلثة عصارة طراثیث بهمزه ملینه با فتح طاء
مهمله و راء مهمله و الف و کسر مثلثه و سکون تحتانی و مثلثه ثانی ف فشرده ل ایل
عصاره قرط تنمیق الجیم عصارة البنج بضم فوقانی و سکون لام و فتح باء موحده
و سکون نون ف افشرده بزرالبنج ل عصاره عوسج تنمیق الدال المهملة عصاره
خشخاش اسود بهمزه ملینه با فتح هر دو خاء معجمه و سکون شین معجمه اول و کسر ثانی
و فتح همزه و سکون سین مهمله و فتح واو با دال مهمله ف افیون تنمیق الراء المهملة
عصفر ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون راء مهمله ف خس و خسک ط ح
ی ۲ ق مسحل خ سرخ نص روغن بنفشه ل زهرة الملح یا آرد سفر حل عصفور
ع بضم اول و سکون ثانی و ضم فا و سکون واو ف گنجشک ه خانگی چرب و
بکیری ط ح ی ۳ خ فربه صید تنمیق الذال المعجمة عصارة شجرة الجوز

بفتح شین معجمه وجیم وراء مهمله وضم فوقانی وسکون لام وفتح جیم ثانی وسکون واو
ف افشرده درخت گروگان ل مرزنجوش تمییز السین المهملة عصارة السوس
بضم فوقانی وسین مهمله مشدد وسکون واو وسین مهمله ثانی م رب السوس
ف بشیرازی آب خشک شده مهک طامع ح د عصارهٔ انبرباریس بفتح همزه
وسکون نون وفتح موحده وسکون راء مهمله ثانی وموحده باالف وکسر راء مهمله ثالث
وسکون تحتانی ف افشرده زرشک ل دو وزن آن زرشک منقی عصارهٔ
لحیة التیس بکسر لام وسکون حاء مهمله وفتح تحتانی وضم فوقانی وفتح فوقانی
مشدد ثانی وسکون تحتانی ثانی ف افشرده درخت سرس تازه ل اقاقیا
تمییز الظاء المعجمة عصارة القرظ بسکون لام وکسر قاف وسکون راء مهمله
م اقاقیا تمییز اللام عصارة المثل بسکون لام وکسر میم وسکون مثلثه ولام
ثانی م رب السوس تمییز النون عصارهٔ افسنتین بفتح همزه وسکون فاء وفتح
سین مهمله وسکون نون وکسر فوقانی وسکون تحتانی ونون ثانی ف افشرده
افسنتین حب ریوند ل سه وزن آن از ورق آن عصارهٔ شقائق النعمان بفتح
شین معجمه وقاف باالف وکسر تحتانی وضم قاف ثانی وفتح نون مشدد وسکون
عین مهمله باسیم والف ثانی ف افشرده لاله ل عصارهٔ بخور مریم تمییز الهاء
عصبه بضم وفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وخفاء هاء م ریحان سلیمان
گویند لبلاب عصفیره بفتح اول وسکون ثانی وکسر فاء وسکون تحتانی وفتح
راء مهمله ف خیری زرد تمییز التحتانی عصی الراعی ع بفتح اول وثانی والف
مقصوره وراء مهمله مشدده والف وکسر عین مهمله ف کسته ه لال ساگ ط ب
ی ۲ گویند شاخ بستانی سرخ مائل بسیاهی ص صندل ل عنب الثعلب تلسیق
الصاد المعجمة وتمییز الفوقانی عضات بکسر اول وضاد معجمه والف وفوقانی

ف هر و قتیکه خارناک بود بدین نام خوانند تنمیق السین المهملة عضرس بضم اول
وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون سین مهمله ف خطمی بڑے تنمیق اللام عضل ع بفتح اول و ثانی
م عضله ف ششکک ماهیکے تنمیق الهاء عصایه بفتح اول و ثانی والف وفتح
تحتانی م ضب تنسیق الطاء المهملة وتنمیق الموحدة عطب ع بضم اول
وطاء مهمله ف پنبه تنمیق الدال المهملة عطارد بضم اول باثانی والف وکسر راء
مهمله م سنبل رومی تنمیق اللام عطضل بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف ف بشیک
تنسیق الظاء المعجمة وتنمیق المیم عظلم بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام ف
درخت نیل عظم ع بفتح اول وسکون ثانی ف استخوان هرها طب ی ۲ ق
مجفف نه سخت کاواک ص بزر قطونا ل صدف تنمیق الهاء عظایه ع بفتح اول با
والف وفتح تحتانی ف حیوانی ست سام ابرص آسا گوشت او بیاو رد و ذکر ست و ماده
او را ازو فرج تنسیق الفاء وتنمیق الصاد المهملة عفص ع بفتح اول وسکون فا و
صاد مهمله ف مازو هر با جو پهل ط ب ۲ گویند ای ۳ گویند ۲ ق قابض و حابس خون
نه سبز نمے سوراخش یک درم ص صنوبر ل حفت بلوط و ثمرة الطرفا و
قرط و حب الآس وقشور الرمان وهلیلج اصفر و دو لے همه بانید یکدیگر اند در طبیعت
تنسیق القاف وتنمیق الموحدة عقاب ع بضم اول با قاف والف وموحده ف
آله کیده طاح ی عقرب ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله ف کژدم هر
بچهو طب ی ق شکننده سنگ مثانه نه تران ضعیف ولاغر از زیاده باشد و نیش
او سطبش از سوخته او یک دانگ ص دواء اطلیت ل جنت حصات خون تیس
عقید العنب ع بفتح اول وکسر قاف وسکون تحتانی وضم دال مهمله وسکون لام
وکسر عین مهمله وفتح نون ف دوشاب انگور تنمیق الراء المهملة عقار ع بضم
اول با ثانی والف ف شراب ع خمر تنمیق القاف عقعق ع بفتح عینین وسکون

قاقلن ف قالنجه ه مهو کا طح ی اعقیق ع بفتح اول وکسر ثانے وسکون تحتانے
ف سنگ مشہور طب ی اق مجفف خ یمنے بسیار سرخ شفاف ش نیمدرم ص
تخم کدو ل کہربا تنمیق المیم عقار آدم بضم اول با ثانے وکسر راء مہملہ ومد ہمزہ
وفتح دال مہملہ سخاث تنمیق النون عقار کوہان روسے بضم اول با ثانے و
الف وکسر راء مہملہ وضم کاف دواو مجہول باہاء الف ثانی م عاقر قرحا عقربان
بفتح اول وسکون ثانے وفتح راء مہملہ وموحدہ والف م اسقولوقندریون
ف سنگے دار و تنمیق التحتانی عقرب بحری بفتح اول وسکون ثانے وفتح
راء مہملہ وکسر موحدہ اول وفتح موحدہ ثانے وسکون حاء مہملہ وکسر راء مہملہ
ثانی ف گژدم دریائے وآن ماہیے است کہ بر سر وے خارے بود کہ بدان
مے زند و بگزد ه سینگے مچھلے تنسیق الکاف و تنمیق الموحدہ عکوب ع بفتح
اول وضم کاف وسکون واو م کنگر تنمیق الفوقانی عکاذیت ع بفتح اول وثانے
وضم راء مہملہ وفتح زاء معجمہ مشددہ وسکون تحتانی ف ذرہ می زیت خ کھمن
تنمیق الراء المہملة عکبر ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحدہ ف موسیائے
مجلے بشیرازی برمر وگویند وسخ الکور ہمین است ش یک مثقال تا دو مثقال
تنمیق السین المہملة عکرس ع بہ فتح اول وسکون ثانی وفتح راء مہملہ م ارنب
تنمیق الکاف علک ع بفتح اول و ثانے وسکون کاف ثانے م سعد
تنمیق الہاء علکہ بفتح اول وسکون ثانے وفتح نون وخفاء ہا م سورنجان
تنسیق اللام و تنمیق الموحدة علیق الکلب ع بضم اول وفتح لام وسکون تحتانے
وضم قاف وسکون لام ثانے وفتح کاف وسکون لام ثالث ف ورخت گل
خ عصارہ وے کہ در آفتاب خشک کنند ل شوکة المصریة تنمیق المثلثة
علث بکسر اول وسکون ثانے ف کاسنے ہ سے تنمیق السین المہملة علس یا السرع

بکسر اول وسکون ثانے وکسر کاف با تحتانی والف وکسر موحده م فلفونیا
ست وآن نوعے از اتینج است ف زنگباری علوفس بفتح اول وضم ثانے
وسکون واو وکسر فاء خبازے ه جز تنمیق الطاء المهملة علک الانباط ع
بکسر اول وسکون ثانے وضم کاف وسکون لام وفتح ہمزه وسکون نون و
فتح موحده والف ف صمغ بطم م صمغ درخت خنجک طح ی ۲ گویند ب ا ق
منضج محلل خ ز ر و معتدل القوام بقدر بلحص مضمضه بآب طبیخ مورد ل مصطگی
تنمیق القاف علق ع بفتح اول وثانے وسکون قاف ف ز الوطب رق جاذب
خون خ انچه در آب شیرین میباشد ص پاشیدن خاکستر بران عضو ل خراطین
علیق ع بضم اول وفتح ثانے وسکون تحتانی ف درد توت سه گل طب سے
ق قابض خ تر و تازه ش از بیخ او ده درم ص بیخ مهک ل شگوفه انار تنمیق
الکاف علک ع بکسر اول وسکون ثانے ف ہر صمغے که توان خائید تنمیق المیم
علقم ع بفتح اول وسکون ثانے وفتح قاف وسکون میم م حنظل وگویند قثاء الحمار
و هر چه تلخ بود آن را علقمه خوانند علک البطم ع بکسر اول وسکون ثانی وضم
کاف وسکون لام ثانے وضم موحده وسکون طاء مهمله م سقز تنمیق التحتانی
علیسے بفتح اول وثانے وکسر سین مهمله م صبر تر علک بغدادی بفتح موحده
وسکون غین معجمه با دال مهمله والف وکسر دال مهمله ثانے م مصطگی م سفید
ال بندیسے تنسیق المیم وتنمیق الجیم علمج بفتح اول وسکون میم وفتح لام
وسکون جیم ف نوعے از خربوزه که گوشت او سرخ وسبز او را ہیچیان با تخم
خورند م خربوزه زمستانی تنمیق الدال المهملة عمرو بفتح اول وسکون میم و
فتح زاء معجمه ف کرفس تنمیق الراء المهملة عمار بفتح اول وثانے مشدده والف
ف مورد تنمیق النون وتنمیق الالف عنقا بفتح اول وسکون ثانی با قاف

والف م سپیمرغ تنمیق الموحدہ عُناب ع بضم اول وثانے مشدد والف و
موحدہ ف جیلان وسیلان ھ ولایتی بیرط مع گویندح دا گویند ب اق طین خ
جب جالنے تازہ کرم ناخوردہ شیرین ش در مطبوخ پانزدہ عدد ص شکر ل کشمش
یا مویز منقے یک نیم وزن آن سپستان عنب الثعلب ع بکسر اول وفتح ثانی وضم
موحدہ وفتح مثلثہ مشددہ وسکون عین مہملہ ثانی مشددہ وفتح لام ف
روباہ تربک ھ مکوہی دپیپوٹن ط ب د اگویند ۲ گویند ح راق برادع خ زرد تازہ
ص قند با عسل ل سادہ اوران یا البطباط عِنَب ع بکسر اول وفتح ثانے ف انگور
ط پوست اوسے وگوشت او ح ر ودانہ او ب ر ق معتدسے محلل خ سپید
رقیق شیرین ص جلنجبین ال زبیب عندلیب بکسر اول وسکون ثانے وفتح دال مہملہ
وکسر لام وسکون تحتانے ف مرغ ہزار داستان تنمیق الفوقانی عنبرت بہ فتح
اول وسکون ثانے وفتح موحدہ وضم راء مہملہ وسکون واو ھ خرول ھ رائی عنزروت
بفتح اول وسکون ثانے وفتح زاء معجمہ وضم راء مہملہ وسکون واو ھ انزروت عنکبوت
بفتح اول وسکون ثانے وفتح کاف وضم موحدہ وسکون واو ف دیوپا ھ مکڑی
ط ح ق منشف خ انچہ تنیدہ او سفید باشد ص سرکہ و روغن گل ل اسفنج
تنمیق الدال المہملۃ عُنجُدع بضم اول وسکون ثانی وضم جیم وسکون دال
مہملہ ف دانہ مویز تنمیق الراء المہملۃ عَنبَر ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح
موحدہ وسکون راء مہملہ عطرے ست مشہور ط ح ۲ ی اق مقوے دماغ
ودل خ اشہب چرب سفید سست سبک ش ولنگے ص شمع عربی یا بوئیدن
کافور وخیار ل دو دانگ وزن آن مشک دو دانگے مرد دانگے زعفران یا بوزن
آن مشک ومرو زعفران عَنقَر بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف مرزنگوش
تنمیق القاف عَناق بفتح اول وثانے والف وقاف ف بزغالہ تنمیق اللام عنصل ع

بفتح اول و سکون ثانی و ضم صاد مهمله م اسقیل ف پیاز موش و پیاز دشتی
و کشنده موش هم کانند اسمیق المنیو عندم بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله
و ابقم عنم بفتح اول و سکون ثانی ف گلنار تنمیق الها عنب الجیم ع بکسر اول و فتح
ثانی و ضم موحده و سکون لام و فتح حا مهمله و تحتانی مشدده و خفا ها ف ثمر
هزارچشان و تمرکبر را نیز گویند تنسیق الواو و تنمیق الموحده لا عود الصلیب
ع بضم اول و سکون واو و ضم دال مهمله و فتح صاد مهمله مشدد و کسر لام و سکون
تحتانی م فا دانیا و آنچیز نیست که در گردن کودکان آویزند تنمیق الجیم عود الفالوج
بسکون لام با فا و الف و ضم لام ثانی و سکون واو و فتح دال مهمله ف نکار
عود الوج ع بسکون لام و فتح واو ف چوب اگر هم ع عوسج ع بفتح اول و سکون
واو و فتح سین مهمله ف نوعی از علیق است و نوعی از دام غیلان است و چون
خشک شود آن را ضریع خوانند طف ۴ ق رابع ۲ بیا بانی سبز ورق ص کنیز
یا مصطگی اشنه یا فوفل جهت درمهای گرم یا علیق تنسیق الحاء المهمله عود البر
ع بکسر را مهمله مشدده و سکون تحتانی اسمی است مشترک بزبان شام فا دانیا و
بزبان مصر یا میران و نام قشر اصل انبر باریس که آن را ابرسی و ارغیس خوانند و عود الوج
را نیز بدین اسم خوانند عود القرح ع بسکون لام و فتح قاف و را مهمله م عاقرقرحا
تنسیق السین المهمله عود العطاس ع بسکون لام و فتح عین مهمله با طا مهمله مشدده
و الف م کندش هم چکنی تنمیق النون عود بلسان ع بکسر دال مهمله و فتح موحده و
لام و سین مهمله و الف و نون ف چوب بلسان ط ح ی ۳ خ الملس اسمی خوشبو
لش نیم مثقال ص کثیرا ل حب بلسان تنسیق الهاء عود الدرقه ع بفتح دال مهمله
مشدد و سکون را مهمله و فتح قاف ف بیخ انگدان تنسیق التحتانی عود هندی
بکسر ها و سکون نون و کسر دال مهمله ثانی هم اگر که از هند آورده سازند ط ح ی ۲ ق

بفتح مدر مقوی دماغ و دل ۲خ مسندلی ش شیمد رصہ تا یک سیم درم ص ورق گل سرخ
ل درشکم بستن صندل زرد و درمعاجین دو دانگ وزن آن وار چینی دو دانگ
وزن آن زعفران دو دانگ وزن آن زراوند مدحرج وگویند مصطگی و سنبل
تنسیق الھا وتمیق النون عہن ع بکسر اول وسکون ہاو نون ف صوف و پشم
تنسیق الیاء التحتانیہ وتمیق الموحدۃ عبسوب ع بفتح اول وسکون تحتانی وضم سین
مہملہ وسکون واوم اذان الفار و بادشاہ زنبور وعسل را نیز نام خوانند
عین الدب ع بفتح اول وسکون ثانی وضم نون ودال مہملہ مشددہ م چشم خرس
تمیق الدال المہملۃ عین الدیہم بسکون لام وضم ہر دو ہا وسکون ہر دو دال
مہملہ اسم نباتی ست با فرفیتکہ معروف است باذان الفار و مسمی تنسیق
الواو المہملۃ عیون البقر ع بضم اول وثانی وسکون واو وضم نون وسکون
لام وفتح موحدہ وقاف وسکون راء مہملہ نزد اہل مغرب واندلس اجاص ست
وگویند انگور سیاہ کلان کہ صادق الحلاوت نیست تمیق الطاء المہملۃ
عیدان البطباط بکسر اول وسکون ثانی ودال والف وضم نون وسکون لام
وفتح موحدہ وسکون طاء مہملہ وسکون موحدہ ثانی والف وطاء مہملہ ثانی ساکن
ف چوب کستہ تمیق المیم عیثام ع بفتح اول وسکون ثانی ومثلثہ والف ف
درخت چنار تمیق النون عیزران ہہ بکسر اول وثانی مجہول وزاء معجمہ یا
راء مہملہ والف م قسمے از زعرور طب ی ۲ ق قابض ۲خ انچہ بوئے سیب دہد
ص عسل ل سفرجل تمیق الہا عیون الدیکہ ع بضم اول وثانی وسکون واو و
ضم نون وکسر دال مہملہ مشدد وسکون تحتانی ثانی وفتح کاف وخفا ہاء ف
چشمک خروس وحبہ سرخ وسیاہ گھونگچی ورتی ط ۲ ی تر قیم الغین المعجمۃ
وتنسیق وتمیق الالف غالا لوطا یونانی بہ غین معجمہ والف ولام الف وضم

ماہے طرح می خ سفید خشن تتمیق المیم غژم ف بضم اول و ثانی م کیش و شتر
و گوسفند و میش و شتے تتمیق الهاء غژه آشیمه ع بفتح اول و سکون ثانی با ها و الف
و فتح شین معجمه و خفاء ہا م زنجبیل شامی و گویند مسند هی هر کوانچه تتمیق التحتانی غژی
ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف سریشم پوست گاو یا گاومیش را در آب
مے پزند و صاف مے نمایند و قرص مے سازند طرح مکی ف غژی مخفف سفید
صاف مے ش نیم در مرص طبیخ الاصول ل دفیق زفت تنسیق النا ء المعجمه
و تتمیق اللام غزال ع بفتح اول و زاء معجمه مشدده و الف و لام ف شیر خر بکسر
اول و ثانے مخفف ف آہو بره تنسیق الفاء الفارسی و تتمیق الالف غژغاو
غژگاف بفتح اول و سکون زاء فارسے در لغت اول و کاف فارسے در لغت
ثانے م گاو سے کہ در کوہہا مابین ملک خطا و ہندوستان پیدا شود و بترکی
آن را قطاس خوانند ہم سرہ گاے تتمیق الموحده غژب ف بضم اول و سکون
ثانی فارسے م دانہ انگور کہ شیرہ و تکس یعنے تخم انگور در میانش باشد تتمیق المیم
غژم ف بضم اول و سکون ثانی فارسے م غژب تتمیق الواو غژغاو و غژگاو ف
هم سرہ گاے تنسیق السین المهملة و تتمیق الالف غسا بفتح اول و سین مهملہ
م آلچہ تتمیق الجیم غسلیج بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام م عرطنیثا تتمیق الکاف
غساک بفتح اول و ثانی و الف م گیاه پیچان کہ عشقه است غسک ف بفتح
اول و ثانے م کرم ساس هر کھٹمل تتمیق اللام غسل ہم فتح اول و ثانے ف
خطمی تنسیق الشین المعجمة و تتمیق الهاء غشه ف بکسر اول و فتح شین معجمه و خفاء ہا
م برگ نی صحرائے تنسیق اللام و تتمیق الالف غلوقیرا یونانے بضم
اول و لام و سکون واو و کسر فاء و سکون تحتانی و کسر راء مهملہ یا تحتانی ثانی
و الف ع اصل السوس هر ملٹھی غلیجن آغ یا سریانی بضم اول و فتح ثانے و سکون

تحتانی وکسر جیم وسکون نون و فتح ہمزہ وسکون غین معجمہ ثانی وکسر را مہملہ

با تحتانی ثانی م شنکطرا شیع ف پودنہ کوہی غلیجن پودنہ واغریا کو تمنیق الجیم الفارسی

غلفج بفتح اول وثانی وسکون فا و جیم فارسی م زنبور سرخ تمنیق الیاء الفارسی

غلیواژ بکسر اول وثانی وتحتانی مجہول با واو والف و چیلہ تمنیق النون

غلیجن سُریانی ف پودنہ بری تمنیق الہا غلفہ بضم اول وسکون ثانی و

فتح موحدہ فارسی وخفاء ہا م جانور عکہ غلیتہ ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون

تحتانی وفتح فوقانی م گیلہ ہے کہ از ان جوال سازند تنسیق المیم وتمنیق

الکاف غمخورک ف بفتح اول وسکون ثانی وضم خا معجمہ و واو مجہول و فتح

را مہملہ وسکون کاف م جانور بوتیمار تمنیق اللام غملول بفتح اول وسکون ثانی

وضم لام وسکون واو م مغاک ہی ف سوزہ تمنیق المیم غمام بفتح اول وثانی

والف م ابر تنسیق النون وتمنیق الراء المہملۃ غنجار و غنجر ف بفتح اول

وسکون نون با جیم والف و را مہملہ در لغت اول و فتح جیم در لغت ثانی

م غازہ تمنیق الشین المعجمۃ غنجرش و غنجمرش ف بفتح اول وسکون ثانی

و فتح جیم وکسر را مہملہ وسکون شین معجمہ در لغت اول و فتح میم وکسر را مہملہ

در لغت ثانی م غوک غنداش ف بضم اول وسکون ثانی و دال مہملہ با میم

والف م لوبیا تمنیق الکاف الفارسی غننک ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف

فارسی م خزیر تمنیق اللام غنجال ف بفتح اول وسکون ثانی با جیم والف

م سیوہ ترش تمنیق الہاء غنجارہ و غنجرہ ف بفتح اول وسکون ثانی با جیم

والف و فتح را مہملہ وخفاء ہا در لغت اول و فتح جیم و را مہملہ در لغت ثانی

م غازہ غندہ ف بضم اول وسکون ثانی و فتح دال مہملہ م رتیلا تمنیق

التحتانی غنقیلی بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی وکسر لام

وسکون تحتانی ثانی ف شلغم تنسیق الواو وتمنیق الالف غوشاف بضم اول
واو مجهول با شین معجمه والف م سرگین حیوانات وخوشهٔ انگور وخرما وجو وگندم
وامثال آن تمنیق الدال المهملة غوشاد ف بضم اول وثانی مجهول وشین
معجمه والف ف سرگین حیوانات تمنیق الشین المعجمه غوش ف م سرگین حیوانات
تمنیق الکاف غوشاک ف م غوشا غوک ف بضم اول وثانی مجهول ف نجد
م سینڈک تمنیق الهاء غوره ف بضم اول وثانی مجهول وفتح راء مهمله وخفاء
هاء اول هر میوه غوزه بفتح زاء معجمه ف پنبهٔ ناشگفته که در غلاف باشد و بناء
فاسے م غنچه غوشته وغوشه بضم اول وثانی مجهول وسکون شین معجمه و
فتح فوقانی در لغت اول وفتح شین معجمه وحذف فوقانی در لغت ثانی
م نوعے از کماة وفطر تنسیق الیاء التحتانی وتمنیق القاف غیداق بکسر اول
وسکون تحتانی با دال مهمله والف ف بچه ضب که از مرتبه حل فراتر شده باشد
تنسیق المیم غیم بفتح اول وسکون ثانی م غمام تمنیق الهاء غیاریه بفتح اول وثانی
والف وکسر راء مهمله وفتح تحتانی وخفاء ها م عنب الثعلب تقسیم الفاء تنسیق
وتمنیق الالف فاشرا یونانی بفا والف وکسر شین معجمه با راء مهمله والف م
هزار چشان وهزار افشان وکرمة البیضا وکرم رشتے ف تحویش طرح ی ۳ ل
در سنج ونیم وزن بساسه فافیرا بکسر فاء ثانی وسکون تحتانی وراء مهمله م
بردسے فاذانیا یونانی بواو والف ثانی وکسر نون با تحتانی م عود الصلیب
طرح ی ۳ گویند م ح ق فالیص مخفف بفتح [illegible] ول خ روسے [illegible]
نیم مثقال ص کثیر ال[illegible] فاریقون [illegible] پوست انار [illegible]
وخر ساق آهو وچون [illegible] بدل شود تمنیق الجیم فالج بفتح
دال مهمله وسکون جیم ف سنگے سست زرد که سفیدی وسبزی زند م باد زهر کانی

هرزہر مہرہ تمنیق الدال المہملۃ فادزہر بفتح زاء معجمہ وسکون دال مہملہ ہر پاسنگ
تمنیق الذال المعجمۃ فانید بکسر نون وسکون تحتانی ہر نبات سفید کہ آنرا طبرزد گویند تمنیق
الزاء المعجمۃ فادزہر بسکون دال مہملہ وفتح زاء معجمہ وسکون
ہا وراء مہملہ پادزہر وبہر دارو کہ حفظ روح ودفع ضرر سم کند بدین اسم خوانند
وآنچہ مخصوص است حجر التیس وحجر الحیہ وپادزہر کانی فاریقون بفتح اول فا سرش
ہر چہ را فاغرہ بکسر غین معجمہ ہر گل رانگ حنا تمنیق السین المہملۃ فاغوس ع
یونانی بکسر لام وسکون راء مہملہ وضم غین معجمہ وسکون واو ہر صمغ تقلق
فاناقس اسقلینوس یونانی بانون والف ثانی وکسر قاف وسکون سین مہملہ
وفتح ہمزہ وسکون سین مہملہ ثانی وفتح قاف ثانی وکسر لام وسکون تحتانی و
ضم نون ثانی وسکون واو ہم نوعی از دو قوی کبیر تمنیق الشین المعجمۃ فاربیش
بفتح راء مہملہ وضم فوقانی وسکون لام وکسر موحدہ وتحتانی مجہول وشین معجمہ
ہر بیش ہر بیش کور فاغوش سریانی بضم غین معجمہ وواو مجہول ہم شیطرج تمنیق
الظاء المعجمۃ فاظرہ بظاء معجمہ وبیشتر تمنیق النون فاتریسین بفتح
وسکون راء مہملہ وکسر سین مہملہ وسکون تحتانی ہم اسپندان فادن بفتح دال
مہملہ ہر سنواڑ فاشرستین یونانی بکسر شین معجمہ وراء مہملہ وکسر سین مہملہ وسکون
تحتانی یعنی دافع شعت علت فتشتمندان وسیاہ دارو طرح تک فاجیلے
الملقب تنہم مثقال ہر زیاد بدل بوزن او وسہ پنج ونیم وزن لسباسہ فاناقس
ابلاقلیون یونانی بنون والف ثانی وکسر قاف وسین مہملہ وفتح ہمزہ وسکون
موحدہ وراء مہملہ والف ثالث وفتح قاف ثانی وسکون لام وضم تحتانی وسکون
واو ہر صمغ حاشیر فاناقس حیرونیون یونانی بنون والف ثانی وکسر قاف
وسین مہملہ وفتح حاء مہملہ وسکون میم وضم راء مہملہ وسکون واو وفتح نون ثانی

وضم فوقانی وسکون واو ثانی ف نوعی از زرد فراز کوچک تتمیق الهاء فاجشه بکسر جیم وفتح شین معجمه و خفاش ام جند سید ستر فاخته بسکون خاء معجمه وفتح فوقانی
هر بندی که طوگوشت او ح ی فاعیه بکسر عین مهمله وفتح تحتانی م فل پیچ نیلوفر
هندسے فاغیه ع بکسر غین معجمه وفتح تحتانی ف گل حناط م ۳ ح ب وهر فورے کہ
خوشبو بود نیز باین نام خوانند وگویند گل رامی حنیا فاغره ع بکسر غین معجمه وفتح
راء مهمله ف فاخره وکیابه وشگافته تتمیق التحتانی فاشرسنے بسکون شین معجمه
وفتح راء مهمله وسکون سین مهمله وکسر نون م سپندان تنسیق الجیم وتتمیق
اللام فجل ع بضم اول وسکون جیم ولام ف ترب ھ مولی ط برگ او ح ۳ ی
ق مقطع ملطف وبرگ او مغثی خ بستانی سبز تازه ش از مربای او وه ورص ص
عسل تنسیق الخاء المعجمه وتتمیق الهاء فخفره ف بفتح اول وسکون خاء معجمه و
فتح فاء ثانی وراء مهمله م فلجو تنسیق الراء المهملة وتتمیق الفوقانی فرفت بہ فتح
اول وسکون ثانی وفتح فاء ثانی وسکون فوقانی ف شاهتره تتمیق الخاء المعجمه
فرخ ع بفتح اول وسکون راء مهمله م چوجه مرغ وفراخ بکسر اول جمع آن فرفخ بفتح
اول وسکون ثانی وفتح فاء ثانی م البقلة الحمقا تتمیق الدال المهملة فرزد ف
بضم اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه ھ سبزه دوب فرصاد ع بکسر اول وسکون
ثانی باصاد مهمله والف ف توت فرغند ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح غین معجمه
وسکون نون ع عشقه ھ امربیل تتمیق الراء المهملة فرغور ف بفتح اول وسکون
ثانی وضم غین معجمه وواو مجهول م تیهو فرفخین بفتح اول وسکون ثانی وفتح فاء
ثانی وکسر خاء معجمه وسکون تحتانی م البقلة الحمقا فرفون بضم اول وسکون ثانی
وضم فاء ثانی وسکون واو م فرفیون وبفتح اول وضم فاء ثانی م لبودینه یا تیهو
فرفین بفتح اول وسکون ثانی وکسر فاء ثانی وسکون تحتانی ف بنفشه وگویند

فرنیوفرقلین بفتح اول وسکون ثانی وکسر فاء ثانی وسکون تحتانی ف تخم تورک وخرفه
تمنیق الواو فراشتو و فرستو بفتح اول وثانی والف وسکون شین معجمه وضم فوقانی و
سکون واو در لغت اول وکسر اول وثانی وسکون سین مهمله در لغت ثانی کم از شترک
فرع بفتح اول وسکون ثانی وواو مجهول ف پوستین گرمترین پوستین روباه پس
سمور پس پلنگ پس قاقم بعد از آن بره تمنیق الهاء فرزه ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح زاء معجمه وخفاء هاء سبزی دروب فرشه ف بضم اول وسکون ثانی و
فتح شین معجمه شیر حیوان نوزائیده هر چیزی فرغنده ف بفتح اول وسکون ثانی و
وفتح غین معجمه وسکون نون وفتح دال مهمله عشقه هاسیل فرسه بفتح اول وسکون
ثانی وفتح میم ف بنفشه فربقیه یونانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح
قاف ف حلبه بتثلیث السین المهملة وتمنیق العین المهملة فسوة الضبع بضم اول و
سین مهمله وفتح واو وضم فوقانی وفتح ضاد معجمه مشدده وضم موحده وسکون عین
مهمله سماروغ تمنیق القاف فستق ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون
قاف ف پسته حار در ۲ ی گویند سا ۳ ق مفتح سپهی تازه فربه بزرگ سبز از پوست
بیرون او نیم درم ص زرد آلوی خشک یا تخم خیار ل مغز بادام ومغز [illegible]
مغز جوز ونیم مغز پسته یا فندق تمنیق النون فسلیون بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام
وضم تحتانی وسکون واو م اسبغول تمنیق الهاء فستق الهادی ع بکسر اول وسکون
ثانی وضم فوقانی وقاف وسکون لام با الف وکسر واو وفتح تحتانی وخفاء هاء ثانی
م حب البان هر تخم بکاین فسفسه بفتح اول وسکون ثانی وفتح فاء ثانی وسین مهمله ثانی
م اسپست تر بتثلیث الشین المعجمه وتمنیق العین المهملة فشاع ع بکسر اول با شین معجمه و
الف وعین مهمله ف شهر نباتی ست که چون بر شاخهای انگور پیچیده شود ومفسد وی بود
تمنیق الصاد المهملة وتمنیق الباء مفتوحه سم بفتح اول وسکون صاد مهمله وفتح فاء ثانی

مزاج آن مزاج
سوداوی

وصاد مهمله ثانی هم اسپست چون تر بود فصفصه رطبه گویند و چون خشک گردد قت
علف گویند ف نجفه تلسیق الضاد المعجمه وتمیق الالف فضا بکسر اول با ضاد معجمه و
الالف ف دانه مویز تمیق الهاء فضه ع بکسر اول و فتح ثانی مشدد ف نقره هر دو با
طب ۲ ق ورق او مقوی دل خ خالص ش یک دانگ ص مقل ل فیروزه تلسیق
الطاء المهمله وتمیق الراء المهمله فطر ع بکسر اول و سکون طاء مهمله و راء مهمله هم مار وغ طب ۳ سا گویند
دو انواع است یک نوع فقع که بفارسی هیکل خوانند و دیگر نوشته و یک نوع فقیل
و مجموع انواع را کمات خوانند و بدترین همه فطر بود و نوعی در شیب سرگین سعید و نوعی
در شیب خم شراب و آنچه سرخ بود زهر بود و آنچه سفید بود یا زهر و آنچه در زیر خم شراب بود
پوست او نیز زهر است و گویند قسمی از وست که در کشمیر او را کنگچهو گویند بفتح کاف و نون
و خفاء ها و فتح کاف فارسی و ضم جیم فارسی و ها و سکون واو خ سفید تمیق النون
فطر اسالیون یونانی بکسر اول و سکون ثانی با راء مهمله و الف و سین مهمله و الف ثانی
و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو هم تیل اسالیون ف تخم کرفس کوهی تلسیق العین
المهمله وتمیق السین المهمله فعیلاسوس یونانی بفتح اول و کسر عین مهمله و سکون
تحتانی با لام و الف و ضم سین مهمله و سکون واو و سین مهمله ثانی ف چوب اشنان
تمیق النون فعولیون رومی بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر لام و ضم تحتانی و
سکون واو ثانی هم حنا تلسیق القاف وتمیق الحاء المهمله فقاح الملح بضم اول با قاف
و الف و ضم حاء مهمله و سکون لام و کسر میم و سکون ل ثانی هم زهرة الملح فقاح ع
بضم اول و ثانی و الف ف گل و شگوفه تمیق الدال المهمله فقد بفتح اول و سکون
ثانی ف تخم نخجشت تمیق الراء المهمله فقاح الاذخر ع بضم اول با ثانی و الف
و ضم حاء مهمله و سکون لام و کسر همزه و سکون ذال معجمه و فتح خاء معجمه هم گل اذخر خ
خوشبو ص بارزد ل قصب الذریره تمیق العین المهمله فقاع ع بضم اول

با ثانی والف وعین مهمله ف لوزه وبکنی ق ملطف ص عسل وافاویه ل رایب
تمنیق المیم فقاح الکرم ع بسکون لام و فتح کاف وسکون را مهمله و میم ف
اول وآن شگوفه انگور بود طب تمنیق النون فقلامینون بفتح اول وسکون
ثانی بالام والف وکسر میم وسکون تحتانی وضم نون وسکون واو ف چوبک اشنان
تنسیق اللام وتمنیق الدال المهمله فلنجود وفلنخیدف بفتح اول وسکون لام و
وضم خا معجمه وسکون واو ودال مهمله در لغت اول وکسر خا معجمه وسکون تحتانی در لغت
ثانی ص تنبیه دانه فلفل اسود ع بکسر هر دو فا وسکون لام اول وکسر لام ثانی وفتح همزه وسکون
سین مهمله وفتح واو ص فلفل سیاه ه کالی مرچ ط ح ته ق ملطف مفتح ش ده درم
ص عسل یا بادالقرع ل یک نیم وزن فلفل سفید یا زنجبیل فلفل الغرو بسکون لام
ثالث وضم غین معجمه و را مهمله وسکون واو وسمة تمنیق الذاء المعجمه فلفل دراز ف
بفتح دال مهمله و را مهمله با الف ه پیپل تمنیق الضاد المعجمه فلفل ابیض ع بفتح همزه و
سکون موحده وفتح تحتانی ف فلفل سفید ط ح ته ی ته خ سبک ش از تسوی
تا نیم مثقال ص عسل ل زنجبیل تمنیق الکاف فلنجمشک بفتح اول وثانی وسکون
نون وفتح جیم وکسر میم وسکون شین معجمه و کاف ف بالنگوی خرد تمنیق اللام
فل ع بضم اول وسکون لام ف بیخ نیلوفر هندی ط ح ی ۳ ص عسل ل تفاح ع
تمنیق النون فلفلمون بکسر فائین وسکون لامین وضم میم وسکون واو ف لوخ
کوهی ط ح ی تمنیق الهاء فلفل الصقالبه بفتح صاد مهمله مشدد وقاف والف
وکسر لام ثالث وفتح موحده ف تخم پنجنگشت فلفلمویه بکسر فائین وسکون لامین و
وضم میم وسکون واو وفتح تحتانی ف بیخ درخت فلفل دراز ه پیپلامول ط
ح ی اش تا یک مثقال تا دو مثقال ص عسل ل دار فلفل یا تا رمشک یا دو فا
وزن آن سورنجان و نیم وزن مغز خسک دانه فلنجه بفتح اول وثانی وسکون نون

۲۵۳

و فتح جیم م انلنجه فلف بفتح اول و ثانی مخفف و مشدد هم پوسی فلیفله بفتح اول و
کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح فا ثانی و لام ثانی ف تخم عود بزبان اندلسیه نانخواه
و گویند تخم پنجنگشت تمنیق التحتانی فلفل بچے بفتح موحده و کسر را مهمله مشدده تخم
سنبهالو تسنیق النون و تمنیق الالف فنا بفتح اول و ثانی ف روباه تریاک
تمنیق الکاف فنک ف بفتح اول و ثانی م جانوریست که از پوست او پوستین
سازند فنطافلون بکسر اول و سکون ثانی و طا مهمله با الف و فتح فا ثانی و ضم لام
و سکون واو ف پنجنگشت تسنیق الواو و تمنیق الدال المهمله فواد بفتح اول و
واو و الف ه سهنگر تمنیق اللام فوفل ع بضم اول و سکون ثانی و کسر فا ثانی ه
سپاری طب ی ۳ گویند ح ی ۳ ق قابض راوع خ زرین ش نیم درم ص
صمغ ل صندل سرخ دو دانگ و نیم وزن آن بذر البنج فول ع بفتح اول و سکون
ثانی ه باقلا فوفل بضم اول و سکون واو و فتح با ف شوره تمنیق المیم فوم ع بضم اول
و سکون ثانی ف گندم تمنیق الواو فو یونانی بضم اول و سکون واو بیخی است
باریک خوشبو مانند سنبل الطیب بلکه قسمی از سنبل الطیب است ه جال کرے طح
می ق مفتح خ تازه خوشبو ش نیم ص رازیانه یا رب السوس ل سنبل یا کبابه یا
قاقله سیاه تمنیق الهاء فوده ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله خمیر خشک
که از آن آبکامه بسازند فوشنه بضم اول و ثانی مجهول و کسر شین معجمه و فتح نون م نوعی از فطر
قوه ع بضم و فتح اول و فتح ثانی مشدد ف روناس ه مجیٹه طح ی ا گویند ب ق
مدر خ ا مفتح تازه سرخ باریک ش نیم مثقال و مطبوخ دو درم ص انیسون با تخم
بارتنگ ل یک نیم وزن سلیخه یا شیطرج درطل تمنیق التحتانی فوتنج جبلی بضم اول و
ثانی مجهول و سکون فوقانی و فتح نون و کسر جیم و فتح جیم ثانی و موحده و کسر لام و
سکون تحتانی ف پودنه کوهی طح ی ۴ خ خشبوی تازه سبز کوچک ورق ش

یک نیم درم ص کثیرا ل یک نیم وزن فو فتح نهری یا فو تنج نهری بفتح نون و سکون
ها و کسر را مهمله ف پودنه جوئی طح ق ملطف محلل سبز و ترش یک م تا یک مثقال
ص کثیرا یا رب السوس ل نعناع یا جعده تنسیق الیاء التحتانی و تنمیق الجیم فیروزج
بکسر اول و سکون تحتانی مجهول و ضم را مهمله و واو مجهول و فتح زا معجمه و سکون جیم ف پیروزه
طب ی اخ نیشاپوری کهنه فیلزهرج بکسر اول و سکون ثانی و لام و فتح زا معجمه و سکون
ها و فتح را مهمله گویند درخت حضض است و ثمر وی مثل فلفل است و حضض عصاره او ست
ط م ع تنمیق الدال المهمله فیدع بفتح اول و سکون تحتانی و دال مهمله ف زعفران
سوده تنمیق النون فیجن ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون نون م
سداب ترقیم القاف و تنسیق و تنمیق الالف قار اسیاع بقاف و
الف و را مهمله و الف ثانی و کسر سین مهمله با تحتانی و الف ثالث ف الوبالو قاقیا
بکسر قاف ثانی با تحتانی م اقاقیا تنمیق الموحدة قاتل الذئب ع بکسر فوقانی
و ضم لام و کسر ذال معجمه مشدد و سکون تحتانی و موحده م خربق سیاه قاتل الکلب ع
بکسر فوقانی و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث ه کچلا
تنمیق الکاء المهمله قاتل النمر ع بکسر فوقانی و ضم لام و فتح نون مشدد و کسر
میم م ماذریون قارم قیر ر ل قاقله صغار ع بضم قاف ثانی و فتح لام و همزه
ملینه ها و کسر صاد مهمله با غین معجمه و الف ف ہیل هر الایچی خرد طح ی ۲ گویند
مع ق ملطف و مقوی دل و معده خ تیز بوئی ش یک درم ص قند یا طباشیر
با شیره تخم خرفه یا سکنجبین ل قرنفل یا کبابه و سنبل قاقله کبار بضم قاف ثانی و فتح لام
و همزه ملینه ها و کسر کاف با موحده و الف ثانی ه الایچی کلان طح ی ۳ گویند
مع ق ملطف و مقوی دل و معده خ گزنده زبان و تیز بوی ف ش یک درم ص
قند یا طباشیر ل یک نیم وزن قاقله صغار یا یک نیم وزن کبابه و نیم وزن سنبل یا

نیم وزن قفل تنمیق القاف قاتل العلق ع بفتح عین مهمله ولام وسکون قاف م
نوعی از مرزنگوش قاق ع ف گوشت خشک و هر چیزی که خشک سازند بدین
نام خوانند تنمیق اللام قاتل النحل ع بفتح نون وسکون حاء مهمله ولام ف
نیلوفر تنمیق النون قاطون بضم طاء مهمله وسکون واو ف نوشادر تنمیق الهاء
قاتل اخیه ع بفتح همزه وکسر خاء معجمه وسکون تحتانی واظهار هاء م خصیة الثعلب قاتل نفسه
بکسر فوقانی ولام وفتح نون وسکون فا وکسر سین مهمله واظهار هاء م نوعی از اشق
قاتوله ع بضم فوقانی وسکون واو وفتح لام ه دہا توره قانصه ع بکسر نون وفتح صاد مهمله
م سنگدانه مرغان ه پتهری ط ح رق سفیدی خ از طائر فربه ص سرکه و آب زیره
تنمیق التحتانی قاقلی بضم قاف ثانی وکسر لام وسکون تحتانی نباتی است مانند
اشنان وگویند مانند کشوث ط ح ی اف مسهل بش از آب او نیم رطل ص کشوث الاسیا
تنسیق الباء الموحدة وتنمیق الجیم قبج ع بفتح اول وسکون موحده ف کبک
م التشخواره ط گوشت او ح ر تنمیق الراء المهملة قبابر ع بفتح اول وثانی
والف وکسر موحده ثانی وسکون راء مهمله ف چکاوک یا ط ح ی خ فربه بریان کرده
تنمیق القاف قباق بفتح اول وثانی والف وقاف ثانی ف کدو وتنسیق ؟
تنمیق التاء الفوقانی قتع بضم اول وسکون فوقانی م آهنی است تنمیق الدال
المهمله قتاد ع بفتح اول وثانی والف م درخت خارداری ست که صمغ وی
کثیرا است بشیرازی ف کم ط ح رتنسیق الثاء المثلثه وتنمیق الالف
قثاء ع بفتح اول و مثلثه ف خیار دراز ه ککری ط ب ر م ف مدر محلل خ نیشا بوری
تحته تازه ص عسل یا درنگ تنمیق الدال المهمله قثد ع بفتح اول وثانی
وسکون دال مهمله ف خیار بالنگ ه کهیرا ط ب رتنمیق الراء المهمله قثار
ع بفتح اول وثانی والف وضم همزه وسکون لام وکسر حاء مهمله یا میم والف ثانی ؟

وراء مهمله ه کربلا طح ی ۳ ق مسهل بلغم و منقی خ رسیده ش یک م تا یکمثقال
و گویند عصارهٔ او ده دوا ثق ص کتیرا مثل او یا صمغ و ورد ل ماهودانه تنمیق المیم
قثاء النعام ع بضم نون با عین مهمله و الف م حنظل کوچک تنمیق الهاء قثاء الحیه
ع بسکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی و خفاء یا م زراوند طویل و گویند حنظل کوچک
تنمیق التحتانی قثاء هندی بری بکسر با و سکون نون و کسر دال مهمله و تحتانی و
فتح موحده و کسر راء مهمله بستنبل قثاء هندی ف خیار چنبر تنسیق الدال المهمله
و تنمیق الالف قدسیا بالفتح اول و سکون دال مهمله و کسر سیم با تحتانی و الف م
اقلیمیا تنمیق الحاء المهمله قداح ع بفتح اول و ثانی و الف م نصف تنمیق
الدال المهمله قدید ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف گوشت خشک
ح از حیوان نر تنمیق المیم قداح مریم بفتح سیم و سکون راء مهمله و فتح تحتانی م
نوعی از حی العالم تنسیق الراء المهمله و تنمیق الالف قراصیا ع بفتح
اول و راء مهمله و الف و کسر صاد مهمله یا تحتانی ف آلو بالو طح ر ۱ ق ملین
رسیده سیاه ش یک کف در نقوع ص جلنجبین ل اجاص قردمانا بضم اول و
سکون ثانی و ضم دال مهمله یا سیم و الف و نون م کرویا جبلی طح ۳ ی ۲ ق
مفتح ملطف مدر ح تازه زرد فربش یک مثقال ص انیسون یا صندل ل خردل
وحرمل و مشکطرامشیع قرطمانا بضم اول و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و سیم و الف
و نون م قردمانا قرسطالیون یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و سکون
واو و کسر میم و سکون عین مهمله یا سیم ثانی م ثفل روغن زعفران طح ی ۳ خ فربه
سیاه بی چوب و بعد از گداختن در آب برنگ زعفران ماند و بعد از خائیدن رنگ
دندان کند قرسیا بضم اول و سکون ثانی و کسر سیم با تحتانی م توتیا تنمیق الحاء
المهمله قرح ع بفتح اول و سکون ثانی و حاء مهمله م شوتیز تنمیق الدال المهمله

قرادو قردم بضم اول و ثانی با الف و دال مهمله در لغت اول و بکسر اول و سکون
ثانی در لغت ثانی ف کنه و گویند هـ بهنگرا قرسید ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر
میم و سکون تحتانی ف خشت پخته تمیق الراء المهمله قرن البحر ع بفتح اول
و سکون ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح موحده و سکون حاء مهمله ف کهربا قرنیه
بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی هـ اندراین تمیق الزاء المعجمه قرمز بکسر اول
و سکون ثانی و کسر میم ع دود الصباغین ف کرم رنگریزان که بدان ابریشم و
صوف رنگ کنند تمیق السین المهمله قرطاس ع بکسر اول و سکون ثانی با
طاء مهمله و الف ف کاغذ طب ای ۲ ق مجفف خ مصری ص کثیر الدود ولن
بردی تمیق الضاد المعجمه قراض بفتح اول و ثانی و الف ف بابونه قریض بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف تخم انجره تمیق الطاء المهمله قراطع بفتح
اول و ثانی و الف ف تخم نیل تمیق الظاء المعجمه قرظ بضم اول و سکون
ثانی م نوعی از سپست و بکسر اول م نوعی از کراث و بفتح اول و ثانی و سکون ثانی نیز م
کرت و آن صمغ درخت فلفل است و اقاقیا عصاره اوست طب ی ۳ ق
قابض ش یک درم ص آب کد و ل جلنار تمیق العین المهمله قرع ع بفتح
اول و سکون ثانی و عین مهمله ف کدو طب ر ۲ ق بلین خ تر و سبز و شیرین
ش از آب او نیم رطل ص خردل سیرل تریز تمیق الکاف قربوک بضم اول و
سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو ف شبرک تمیق اللام قرنفل ع
بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم فوقانی و سکون لام و فتح قاف ثانی و راء مهمله
و سکون نون و ضم فا م قرفة الطیب پوست چوب و درخت را قرفه
خوانند و آن پوستی سطبر بود و بلون قرفه و طعم قرنفل دارد و غیر حلاوت دارچینی
ل قرنفل ع بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم قاف پیچک هـ لونگ طح

٢٥٨

کرویاقرون بضم اول و ثانی وسکون واو ف شاخها وسر وپاه سینگ طب ہی ق
مجفف خ ازابل نیش نیم درم ص سداب ل حافر تمیق الواو قرقوسیانی بضم اول و
سکون ثانی وضم قاف ثانی وسکون واو م زعفران تمیق التحتانی قرطم ہندی
بضم اول وسکون ثانی وضم طار مہملہ وکسر میم دہاہ وسکون نون وکسر دال مہملہ م
حب النیل قرفۃ الدار چینی ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح فا وضم فوقانی وفتح دال مہملہ
مشددہ والف وسکون را مہملہ وکسر جیم فارسی وسکون تحتانی وکسر نون م چوب دارچینی
ہج طح ی ٣ ق ملطف مقوی جگر ومعدہ دبیبی خ گزندہ زبان ش نیم مثقال ل
نیم وزن قرنفل ونیم وزن دارچینی قرنفل بستانی م فرنجمشک تنسیق السین المہملہ
وتمیق الالف قسا بفتح اول وسین مہملہ م سلیخہ تمیق الموحدہ قسب بفتح اول و
وسکون ثانی ف خرما بیرون وان نوعی از خرما ہندی خشک است طح ی
تمیق الراء المہملہ قسطیر بکسر اول وسکون ثانی وکسر طاء مہملہ وسکون تحتانی
ف قلعی تنسیق السین المہملہ قسوس بضم اول و ثانی وسکون واو م لبلاب
بزرگ طح ی ٢ ق مجلی ومنقی خ تازہ ص شاہ بلوط قسولیدوس یونانی بفتح اول و
ضم ثانی وسکون واو وکسر لام وسکون تحتانی وضم دال مہملہ وسکون واو ثانی م کاکنج
تمیق الطاء المہملہ قسطع بضم اول وسکون ثانی ہر کتہ طح ی ٣ ق مفتح سدہ
مسہی مفرح خ تازہ سفید فربہ ش نیم درم ص انیسون یا گلشکر یا خطمی ل نیم وزن عاقرقرحا
یا مبیج تمیق النون قسطوریون یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم طاء مہملہ وسکون
واو وکسر راء مہملہ وضم تحتانی وسکون واو ثانی م جند بیدستر تمیق التحتانی قسطبحری
بضم اول وسکون ثانی وکسر طاء مہملہ وفتح موحدہ وسکون حاء مہملہ وکسر راء مہملہ ہیکامول
قسط شامی بشین معجمہ والف وکسر میم م راسن قسط ہندی بکسر ہا وسکون نون وکسر
دال مہملہ م قسط تلخ تنسیق الشین المعجمہ وتمیق الموحدہ قشر الجوز الصلب ع

بکسر اول وسکون شین معجمہ وضم راء مہملہ وسکون لام وفتح جیم وسکون واو وکسر
زاء معجمہ وضم صاد مہملہ مشددہ وسکون لام ثانی ف پوست گردگان خشک تمیق
الجیم قشر الاترج ع بسکون لام وضم ہمزہ وسکون فوقانی وضم راء مہملہ ف پوست
ترنج طح ی ۲ تمیق الراء المہملہ قشر الجوز الاخضر بسکون لام ثانی وفتح
ہمزہ وسکون خاء معجمہ وفتح ضاد معجمہ ف پوست سبز بیرون گردگان قشعر ع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح عین مہملہ ف خیار دراز تمیق الزاء المعجمہ قشر الارز ع
بسکون لام وضم ہمزہ وراء مہملہ ثانی ف پوست برنج وآن از جملہ سموم قتالہ است
تمیق الشین المعجمہ قشمش بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم ف کشمش تمیق الضاد
المعجمہ قشر البیض ع بسکون لام وکسر موحدہ وسکون تحتانی ف پوست تخم مرغ ھ
انڈے کے چھلکے طب ی ۲ تمیق التحتانی قشر القصب الفارسی بسکون لام
وفتح قاف ثانی وصاد مہملہ کسر موحدہ وسکون لام ثانی با فا والف وراء مہملہ وکسر سین
مہملہ ف پوست نے فارسی طح ی ۳ تنسیق الصاد المہملہ وتمیق الالف
قصب ع بفتح اول وثانی مہملہ وکسر موحدہ وفتح موحدہ ثانی با واو مشدد والف ع
قصب الذریرہ تمیق الموحدہ قصب ع بفتح اول وصاد مہملہ ف نی طح ی ۲
گویند برگ او ب را ق ملطف خ بیخ او از ورق او غریب تمیق الدال المہملہ
قصد بفتح اول وثانی م عوسج تمیق الراء المہملہ قصب السکر بفتح اول وثانی و
ضم موحدہ وسین مہملہ مشدد وکاف مشدد ف نیشکر ھ کانٹا او کھ طح ۲ ساخ
شیر آن آبدار قصفیر بکسر اول وسکون ثانی وکسر فا وسکون تحتانی م قلعی تمیق الہاء
قصاع ع بضم اول ثانی با الف وفتح عین مہملہ ف سنگ ابے یعنی قندر ر ھا و بلاؤ
قصب الذریرہ ع بفتح اول وثانی وضم موحدہ وفتح ذال معجمہ مشدد وکسر راء مہملہ وسکون
تحتانی وفتح راء مہملہ ثانی ھ چراتیا طح ی ۲ ق ملطف خ ہندی ش یک دم و

نون باتحتانی والف ف زنگباری قلیمیا بکسر اول وثانی وسکون تحتانی وکسر میم باتحتانی
ثانی م اقلیمیا تتمیق الموحدة قلب بضم اول وسکون ثانی ف باش هندی ه غلہ گوجه
وگویند بنوا ط ب ر۲ گویند ح ی قلوب ع بضم اول وثانی وسکون واو ف ولها
ط ح ر ماخوذ از حیوان کوچک وندان تتمیق الفوقانی قلت ع بکسر اول وسکون
ثانی ع کاسه الحجر ه کلتهی ط ح ای ۲ ق مدر منقی مفتت ش دو درم وگویند نیم
مثقال ص نشاسته وکثیرا کتابه تتمیق الدال المهملة قلقند یونانی به فتح
اول وسکون ثانی وفتح قاف ثانی وسکون نون وعدال مهمله ف نوعی از زاج ط ح
ی ۴ تتمیق الراء المهملة قلقطار یونانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف
ثانی وطاء مهمله والف م نوعی از زاج ف زاک شتر وندان وزاک زرد ط ح ی ۴
ق محرق کاوی مقرح خ سبز مجی ص شوربای چرب ل ه زاجی که باشد بدل
آن زاج دیگر کنند تتمیق السین المهملة قلقدیس یونانی بفتح اول وسکون ثانی
وفتح قاف ثانی وکسر دال مهمله وسکون تحتانی م زاج سفید کرمانی ط ح ی ۴
تتمیق اللام قلقل بکسر قافین وسکون لامین وقلقلات وقلاقل نیز ف
درخت حب القلقل تتمیق النون قلسدارین سریانی بفتح اول وسکون ثانی و
فتح سین مهمله وکسر دال مهمله یا نون والف وراء مهمله وکسر دال مهمله ثانی وسکون
تحتانی م دارشیشعان تتمیق التحتانی قلاری بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهمله
وسکون تحتانی م نوعی از انجیر قلے ع بکسر اول وثانی م قلیا ه ساجی ط ح ی ۴
ق محرق مجلی اکال خ از اشنان ص لعابات ل زریخ تتمیق المیم وتتمیق
الحاء المهملة قمح ع بفتح اول وسکون میم وحاء مهمله ف گندم تتمیق اللام
قمل ع بضم اول وثانی مشدد وسکون لام ف شپش ه جون تتمیق الهاء قمحه
بفتح اول وسکون ثانی وفتح حاء مهمله ع قصب الذریره تتمیق النون

۲۶۳

تمنیق الالف قنطا بکسر اول و سکون نون با طاء مهمله والف ص و م الاخوین تمنیق الموحده
قنب ع بکسر اول و فتح ثانی مشدد و ف بنگ ه بهانگ و بجا و گویند بهندی نامند
که از ریسمان سازند و قسمی از دو بنگ است ط ح ۲ ی و گویند ق محدر ش بکدرم
تا دو درم تمنیق الذال المعجمة قنفذ ع بضم اول و سکون ثانی و ضم و فتح فاف
خار پشت ه سیاهی ط ح ی ش از گوشت وی بجدرم ص عسل تمنیق الراء المهملة
قنابر ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر و ضم موحده و سکون راء مهمله ف سرخ چکاوک
ط ی خ ف به بریان کرده قنطار بکسر اول و سکون ثانی با طاء مهمله والف م سا و آورن
قنفر بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف ثانی و کسر ا صمغیست شفاف مانند
سندروس ف لعل مصری تمنیق السین المهملة قندس بضم اول و سکون ثانی
و ضم دال مهمله و سکون سین مهمله ف کندش حیوانیست که جند بیدستر خایه اوست ه
اودبلاو قنطس یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله ف درخت مکور تمنیق
الطاء المهملة قنبیط ع بکسر و فتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و سکون تحتانی ف
کرنب رومی ط م ب ج گویند ح ا ی ۲ ق مجفف خ تازه زردل کرنب تمنیق اللام
قنبیل م بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و سکون تحتانی ه کمیلا ط ح ی ۲ گویند
ق مجفف خ سرخ مائل بزردی ش دو درم و گویند در مسهلات نیم مثقال ص
صمغ عربی یا انیسون ل رازیانه یا بنگ کابلی یا تخم ارمنی تمنیق النون قندران ف
بفتح اول و سکون ثانی و کسر دال مهمله با راء مهمله والف م سقر قنطوریون بفتح اول
و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و سکون واو و کسر راء مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی
ط ح ی ۳ ق مقطع مفتح ملطف مسهل بلغم مدر حابس دم خ دقیق ش از کبیر دو درم و از
دقیق یک مثقال تا دو مثقال ص از کبیر صمغ عربی و کثیرا صندل یا هندبا ل از
کبیر حناد و دانگ وزن آن سورنجان و بوزن آن لبنی و از دقیق پسیاوشان

و نیم وزن حنا یا زراوند مدحرج تتمیق الهاء قته ع بضم اول و فتح ثانی مشدد ف
بهرزه و گویند صمغ حلال یا موبیت هر برجا ط ۲ ی ۳ گویند ح ۳ ی ۲ ق محلل ملین خ
ورزد و گداز نده و تند بو وسش و در سرا ایسیم نبیدرم ص بنفشه ل سکبینج د وه وزن یا یک نیم
وزن جاوشیر و در ضعف معده و جگر یک نیم وزن ریوند چینی و گویند اشق تتمیق الیحتانی
قنابری م بفتح اول و ثانی والف و فتح موحده و کسر راء مهمله م سر نیست ط ح ب ا ق
محلے ص شیرج ل کبر تنسیق الواو و تمیق الالف قوتیر بضم اول و سکون واو و کسر مثلثه
و سکون تحتانی با راء مهمله و الف ف نوشادر قورسا یا یونانی بضم اول و سکون ثانی و راء
مهمله یا سین مهمله و الف و بیم م عود بلسان قوسیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر سین
مهمله یا تحتانی م قسط قوطو یا یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و سکون واو ثانی
با میم آذریون بری قونیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر نون با تحتانی ف آب
چکیده خاکستر تتمیق الراء المهمله قوتر بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانیه
درخت وج قور بضم اول و سکون ثانی ع قطن تتمیق السین المهمله قوردوس بضم
اول و سکون ثانی و راء مهمله و فتح دال مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی ف گیاهیست
که بپارسی ناغ خوانند هر کاک جنگلی دشتی قوقالیس یونانی بضم اول و سکون ثانی با قاف
ثانی والف و کسر لام م قنبریا قولامیوس بضم اول و سکون ثانی با لام والف و
کسر میم و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م شجره مریم تتمیق الصاد المهمله قوانص ع
بفتح اول و ثانی والف و کسر نون ف سنگدانه ای مرغان ه ماخوذ از مرغان تازه
فربه تتمیق القاف قوناق بضم اول و سکون ثانی با نون والف ف گاورس هم
لهذا تتمیق النون قوطولیدون یونانی بضم اول و ضم طاء مهمله و سکون هر دو واو
و کسر لام و سکون تحتانی و ضم دال مهمله و سکون واو ثالث م نوعی از حی العالم
تتمیق التحتانی قودقی بضم اول و سکون ثانی و کسر خاء ف حیوانی است بحری

تنسیق الیاء التحتانی وتنمیق الالف قیمولیا بکسر اول وسکون تحتانی وضم میم وسکون واو وکسر لام با تحتانی م طین قیمولیا ط ب ٢ ی ٣ ق مجفف رادع ل طین ارمنی قینا بکسر اول وسکون ثانی با نون والف ف نوعی از بقلة الحمقا تنمیق الباء المهمله قیرع بکسر اول وسکون ثانی هر ال قیشوس بفتح اول وسکون ثانی وضم شین معجمه وسکون واو ف نوعی از کف دریا ط ح ی ق محلل منقی خ سباب سفید سوخته ل در جلا ظروف چینی تنمیق السین المهمله قیرس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر را مهمله ف موم قیطس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر طاء مهمله ف سور وتنمیق الطاء المهمله قیلوط بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون واو ف عرق گندنا بر شامی تنمیق اللام قیل بکسر اول وسکون ثانی م قیر تنمیق المیم قیقیوموم بفتح اول وسکون ثانی وضم صاد مهمله وسکون واو ف سرنجاسب که قسمی از افسنتین است ط ح ا گویند ٢ ی ٢ گویند ٣ گویند ١ گویند ٢٦ ی ا ق مقطع ملطف محلل مدر منفعت خ تازه زر ریش یک مثقال تا دو درم ص انیسون ل بابونج یا شیح ارمنی و بد مصلح بارد بابونه یا افسنتین تنمیق النون قیطاقون بفتح اول وسکون ثانی با طاء مهمله والف وضم قاف ثانی وسکون واو م سرس قیقیس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف ثانی وکسر هاء م قنفه تنمیق التحتانی قیحی ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر حاء مهمله وسکون تحتانی ثانی م خردل قیرو طی ع بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو وکسر طاء مهمله ف مرهمی که از موم و روغن گل و صندلین و ورق گلسرخ واکلیل الملک و زعفران و کافور سازند قیصر بفتح اول وسکون ثانی وکسر صاد مهمله ف زرد آلو ترقیم الکاف وتنسیق وتنمیق الالف کاکرسنگهاهر بکاف والف وکاف فارسی ثانی فتح جیم وسکون نون وفتح کاف فارسی ثالث واظهار ها والف ثانی دوائی هندی است هم مسمی کاه ر هاف با ظهار ها وضم را مهمله با موحده والف هم کیوره

تتمیق الفوقانی کات ف بفوقانی م نوعی از برنج که در ولایت شوستر بهم رسد گویند
که چون آنرا بکارند تا هفت سال بار آورد کاسپشت ف بفتح سین مهمله و خفاء ها و ضم
موحدهٔ فارسی و سکون شین معجمه م لاک پشت تتمیق الجیم کاج ف بجیم تازی م درخت
نارو کاسج ف بضم سین مهمله م خارپشت کاکنج بفتح کاف ثانی و نون ف عروس
در پرده و کچو موطب مع گویندی اگویند ۳ ق مخدر م حب بزرگ کوهی سرخ رسیده
ش دو ورم و گویند سه و انه ص معجون گل ل عنب الثعلب یا حب القنا یا بنج سفید
کالوج ف بضم لام و سکون واو م کبوتر تتمیق الخاء المعجمه کالوخ ف بضم لام و سکون
واو و خاء معجمه م گنبد تا تتمیق الراء المهمله کاسر الحجر ع بکسر سین مهمله و ضم راء مهمله
و سکون لام و فتح حاء مهمله و میم م بزر القلت ه کلیتی کافور بضم فا و سکون واو عطر
است مشهور طب ۳ ق مبرد مسکن مقوی و مفرح دل و حابس خون خ قیصوری
سفید که بزردی زند ش یک قیراط ص بنفشه و نیلوفر و زعفران یا مشک یا معجون گل
و عنبر ل دو وزن طباشیر و یکوزن صندل سفید و گویند کهربا تتمیق الزاء المعجمه
کافز بفتح فا ه گرد و نداکانارف با نون و الف ثانی م بن خوشهٔ خرما تتمیق الزاء الفارسی
کاژ ف بزاء فارسی م درخت کاج م صنوبر تتمیق السین المهمله کاس بسین مهمله
ف خوک نر کانس ه مجفار فوت م قسمی از کاه است که گلش در آخر بهار مثل پنبه
سفید بر می آید تتمیق الشین المعجمه کاکرش ف بضم کاف ثانی و سکون راء و
م بنفشه تتمیق الغین المعجمه کاغ ف آتش تتمیق الکاف کاروانک ف
بسکون راء مهمله با واو و الف و فتح نون م طایریست که بر کنار آب نشیند کاسجوک ف
بسکون سین مهمله و ضم جیم و واو مجهول م خارپشت کاگ ه بکاف فارسی ثانی
ف زاغ و بکاف عربی ثانی م کبک کالک ف بفتح لام م کدو و گویند خربزهٔ نارسیده
کاورک ف بسکون واو و فتح راء مهمله م خیار کبیر و ثمر کبیر کاریجک ف بفتح واو و سکون

عا قرقرحا کا لنجرف بکسر لام وسکون نون وفتح جیم م فاختہ ع صلصل کا لوہ بفتح لام وواو
م عا قرقرحا کا لہ ف بفتح لام م کدو یا خربوزہ نارسیدہ کا مہ ف بفتح میم م مرجان کا نجھہ ھ
بخفا نون و فتح جیم فارسی وا ظہار یاف آبگینہ کا وہ ف بسکون واو و فتح نون م کاغذ
و گویند کرم شب تاب بتمنیق التحتانی کا وہی بکسر دال مہملہ وگویند لوا وھ گل کیوڑہ طح
ی کاف محلل خوشبو ص ر غ گل ل روغن بریان کا س مر ی ھ بسکون سین مہملہ و فتح
میم وکسر را مہملہ درخت ہندیست ھ کنبار کا سنے بفتح سین مہملہ وکسر نون ع سند با
کا فوری ف بضم فا وسکون واو وکسر را مہملہ ع ا لہوان کا ک ناجی بسکون کاف ثانی
باسم والف ثانی وکسر جیم ع عنب الثعلب کا کوق ف بضم کاف ثانی وسکون واو و
کسر فوقانی م سعتر کا نگنی ھ بخفا نون وضم کاف فارسی وکسر نون ثانی ف ارزن
تنسایق الباء الموحدۃ وتمنیق الالف کبد ابفتح اول و موحدہ ودال مہملہ
م کفشیر ع لحام ھ کو بیر و گویند سریشم و در عربی بمعنے جگر بتمنیق الموحدۃ کبد الذیب بہ فتح
اول وکسر ثانی وضم دال مہملہ وکسر ذال معجمہ مشددہ وسکون تحتانی ف جگر گرگ ل نیم
وزن وار فلفل بتمنیق الفوقانی کبت ف بکسر اول وسکون ثانی م زنبور عسل کبریت ع
بکسر اول وسکون ثانی وکسر را مہملہ وسکون تحتانی ف گوگرد ھ گندھک طح ی ۲ ف
ملطف جاذب خ زرد ناک س یک درم تا دو درم ص طبیخ ہندی ل زنیخ جہۃ آتش
افروختن کبیت ف بفتح اول و ثانی وسکون سین مہملہ م حنظل ھ اندراین بتمنیق الجیم کبیاج
کبریا بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی و فتح کاف ثانی م نوعی از کرفس بری
بشیرازی ف کس مریان ھ کو ابج طح ی ۲ ف محلل خ نوص ر غ گل ل انجرہ بتمنیق الدال
المہملہ کبید م بفتح اول وکسر ثانی وسکون دال مہملہ ف جگر ھ کلیجا طح ر ق معتدل ی ح
از مرغ یا مرغابی جوان ف بہ کبید ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی م کبد ابتمنیق
الراء المہملہ کبتر ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح فوقانی وسکون را مہملہ م کبوتر کبر م بفتح

بفتح اول وثانی م کرافی وبسکون ثانی م ماکیان وکبک وسرطان و بضم اول
وسکون ثانی م پشم نرمی که از بن موی بزروید وآنرا بشانه آورده بریسند وشال و
امثال آن بافند کریشک ف بکسر اول وثانی وتحتانی مجهول وفتح شین معجمه م جوزه
مرغ تمتیق الکاف الفارسی کرگ ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی م کرگدن
که گینڈا تمتیق اللام کریل ه بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ولام نبات هندیست
خاردار بی برگ که ثمر او را بهندی ٹینٹ گویند بکسر فوقانی هندی وتحتانی وخفا نون
وفوقانی هندی ثانی وازو اچار سازند تمتیق المیم کرکم ف بضم اول وسکون ثانی وضم
کاف ثانی م زعفران کرم ع بفتح اول وسکون ثانی ف رز درخت انگور ط ح تحلف
قابض خ بستانی ص کثیر او صمغ عربی ماشکر و بفتح ثانی ف کلم کروش الغنم ع بضم اول و
ثانی وسکون واو وضم شین معجمه وسکون لام وفتح غین معجمه ونون م فیلیون
تمتیق النون کردیلن بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله وسکون تحتانی وکسر
لام م نوعی از سیسالیوس کرکروهن بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف ثانی وضم
راء مهمله ثانی وواو مجهول وفتح ها م سک المسک مرکبی است ط ح ی ۲ کرکرهن بریک
بفتح هر دو کاف وسکون هر دو راء مهمله وفتح ها م عاقرقرحا کریون رومی بفتح اول وسکون
ثانی وضم تحتانی وسکون واو م قنطوریون دقیق تمتیق الوا و کرباسو وکربسو ف بفتح
اول وسکون ثانی با موحده والف وضم سین مهمله وسکون واو ودر لغت اول وفتح
موحده وضم سین مهمله در لغت دوم م جانور چلپاسه کرجنوف بفتح اول وسکون ثانی و
فتح جیم وضم فا م طائر پوپه کروف بفتح اول وضم ثانی م پرده سفید عنکبوت که در آن
بیضه نهد کرکرهه بفتح هر دو کاف وسکون هر دو راء مهمله وضم ها م عاقرقرحا تمتیق الهاء
کرباسه وکربسه ف بفتح اول وسکون ثانی با موحده والف وفتح سین مهمله در لغت اول
وفتح موحده در لغت ثانی م چلپاسه کرتنه ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی

سکون واو و کاف ثانی م لاک پشت کشکرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی
درا مهمله م جانور عکه کشکف بفتح اول و سکون ثانی م پنیو و فروت تمنیق اللام کشاخل ف
بفتح اول و ثانی و الف و کسر خاء معجمه م علهٔ شاخل هزار تمنیق النون کشکین ف بفتح اول
و سکون ثانی و کسر کاف ثانی و سکون تحتانی م نان جو کشن بضم اول و سکون ثانی م خربزه
تمنیق الواو کشکاو ف بفتح اول و سکون ثانی با کاف ثانی و الف م کشکاب کشتوف بفتح
اول و سکون ثانی و ضم فوقانی م انگور نیم پخته کشکاف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف ثانی
م کشکاب تمنیق الهاء کشته ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م شفتالو و زردآلو و امرود
و امثال آن که تخم او بر آورده خشک کرده باشند کشکنه و کشکینه ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر
کاف ثانی و فتح نون در لغت اول و کسر کاف و سکون تحتانی در لغت دوم م نان جو کشنه ف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون م نوعی از سماروغ تمنیق التحتانی کشنی ع بکسر اول و سکون
ثانی و کسر نون م کرسنه کشوث رومی بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر مثلثه و ضم راء مهمله و
سکون واو ثانی و کسر میم م فسنتین تنسیق الضاد المعجمه و تمنیق النون کضنبون یونانی
بفتح اول و سکون ضاد معجمه و فتح نون و سکون شلثه و ضم موحده و سکون واو و نون ثانی
ف بادنجان بری تنسیق العین المهمله و تمنیق الموحده کعب ع بفتح اول و سکون عین
مهمله ف باشنه ایری ط بی ق مجفف خ از غزال شب نیم در مرض ربو السوس
ل استخوان ساق تمنیق الکاف کعک ع بفتح اول و سکون ثانی هر کاک نان تبرک
حضرت خواجه قطب الدین بختیار کاکی قدس الله سره که در دیار دهلی معمول است
تنسیق الفاء و تمنیق الالف کفدریا بفتح اول و کسر فا و فتح دال مهمله و سکون راء مهمله
با تحتانی هر سمندر تمنیق الموحده کف الذئب ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد و کسر ذال معجمه
مشدد و سکون تحتانی م حنظیا کف الکلب ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون لام و فتح کاف
ثانی و سکون لام م اشنان تمنیق الجیم کفنج ف بفتح اول و ثانی و سکون نون م نوعی از

ماهی ست که مانند سقنقور بغایت بهی است ع سمکة الصید تتمیق الدال المهمله کف

الاسد ع بسکون لام و فتح همزه و سین مهمله م ع طنفیا کفر الیهود بفتح اول و ثانی و ضم راء مهمله و

سکون لام و فتح تحتانی و ضم ها و سکون واو م قفر الیهود تتمیق الراء المهمله کفشیر ف بفتح

اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه و سکون تحتانی داروی که زر و نقره و دیگر فلزات بدان

پیوند کنند تتمیق الزاء المعجمه کفچلیز ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تحتانی

مجهول و زاء معجمه م جانوری است آبی که سر و تنه مدور دارد و دم باریک خروع و غموص و

وعاسیص جمع آن تتمیق السین المهمله کفناقس بفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم قاف

و سکون سین مهمله م و نلی ه کنیر تتمیق العین المهمله کفت الضبع ع بفتح ضاد معجمه مشدد و ضم

موحده م کبیکج تتمیق الفاء کف بفتح اول م بقلة الحمقا تتمیق الکاف کفچلیک ف بفتح

اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تحتانی مجهول و فتح زاء معجمه ع و غموص تتمیق اللام

کفچه نول ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و خفاء ها و ضم نون و واو مجهول م مرغی

است که ترکی فاسق پران گویند تتمیق الهاء کفچلیزه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم

فارسی و کسر لام و تحتانی مجهول و فتح زاء معجمه م کفچلیک تتمیق التحتانی کفری بضم اول و سکون

ثانی و کسر راء مهمله ع جفری ف پوست بهار خرما خوشبو تتسیق الکاف و تتمیق الالف

گکڑاه بضم اول و سکون ثانی با راء مهمله هندی ف خروس گکروندا ه بضم اول و سکون ثانی

و فتح راء مهمله و سکون واو و خفاء نون بدال مهمله م کافر گکوڑا ه بفتح اول و ضم ثانی بواو مجهول

با راء مهمله نبات هندی است که ثمرش بعروس در پرده نماید و بخش ه کٹول تتمیق الشین المعجمه

گکش و گکیش ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون شین معجمه در لغت اول و کسر اول و تحتانی

مجهول و کسر کاف ثانی و تحتانی مجهول ثانی در لغت ثانی م تراتیزک تتمیق الکاف گک ف

بفتح اول و سکون کاف ثانی نالی که از آن روغن خشک سبز دم کاک و گیاه را نیز گویند و بضم اول م

بالکیالی که از تخم کردن باز مانده باشد تتمیق الهاء گکچه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی

فصل ضاد معجمه

فصل عین مهمله

وخفاء ها م پنبه دانه تمییز التحتانی کگرآسینگے ه بفتح اول وسکون ثانی با رای مهمله والف وکسر
سین مهمله وخفاء نون وکسر کاف ثالث م دوای هندیست کگرهی ه بفتح اول وسکون
ثانی وکسر رای مهمله هندی ف خیار دراز و بضم اول ف ماکیان تمییز اللام وتمییز الالف
کلاف بفتح اول و لام والف ص ورع وغوک کلیاف بکسر اول وسکون ثانی با لتحتانی م شتخار
ه ساجی کلیمنداه بفتح اول و کسر ثانی وتحتانی وخفاء نون با دال مهمله ف تربز تمییز الجیم
کلیواج ف بکسر اول و ثانی وتحتانی مجهول با واو والف م غلیواز تمییز الحاء المهمله
کلح بکسر اول وسکون ثانی ف بیرزد کلموح بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو م رسن
تمییز الدال المهمله کلوخ امرود ف بضم اول و ثانی وسکون واو وخاء معجمه و فتح همزه وسکون میم
وضم رای مهمله و واو مجهول ثانی م نوعی از امرود تمییز الراء المهمله کلاور ف بفتح اول و ثانی
والف وفتح واو وسکون رای مهمله م ورع کلهاره بفتح اول و ثانی ومشدد واظهار ها والف
ه گل کتول تمییز الزاء المعجمه کلوزف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو م غوره پنبه شگفته
کلیز ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی م زنبور تمییز الزاء الفارسی کلموژ ف بفتح
وضم اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو م جلباسه تمییز السین المهمله کلس ع
بکسر اول وسکون ثانی ف آهک م نوره ه چونه تمییز الشین المعجمه کلاش ف بفتح اول و
ثانی با الف ع عنکبوت و نسج آنرا کلاش خانه گویند کلاموش ف بفتح اول و لام الف و
سکون کاف فارسی وضم میم وسکون واو م موش دشتی تمییز الغین المعجمه کلاغ ف
بفتح اول وسکون ثانی والف م زاغ ه کرال و کاگ و کوا کلرغ ف بفتح اول و ثانی وضم
میم وسکون رای مهمله م نوعی از کرکس که بر سرش پر نباشد تمییز الفاء کلناف ه بفتح
اول وسکون ثانی با نون والف ه کنیر تمییز الکاف کلکنک بکسر اول وسکون ثانی و فتح
کاف ثانی وسکون نون م تخم خرفه کلاک ف بفتح اول و ثانی م کوف و بوم و خربزه نارسیده
و غوره پنبه ناشگفته وگاو مثل زرچوان و بضم اول وسکون ثانی م پشم نرمی که از بز موی

فوقانی م قطر طب د۲ ق ردی الغذا خ محلل ص مونیر وقلقل تتمیق الدال المهملة
کمون اسود ع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر نون و فتح همزه وسکون سین مهمله
و فتح واو ثانی م کمون بریست وشونیز را نیز گویند تتمیق الراء المهملة کماشیر بفتح
اول وثانی والف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی م صمغ کرفس کوهی که قطر اسالیون گم
اوست ط ح ی ۲ گویند ۳ ق مذیب محلل خ زرد تیز بو بشا دو دانگ ص گل صندل
ل جاوشیر تتمیق الذال المعجمة کمیذ ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ع بول
بیشیاب ه موت تتمیق السین المهملة کمادریوس سریانی ویونانی بفتح اول وثانی
والف و فتح دال مهمله وسکون را مهمله وضم تحتانی وسکون واو ف نام دارد ط ح
ی ۲ گویند ۳ ق ملطف مدر محلل خ تازه بری که بعد از ادراک تخم برگیرند پش یک
مثقال ص سفرجل ل غافث یا اسقولوقندریون یا تخم حماض بری یا تخم شلغم بری
کمافیطوس یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر فا وسکون تحتانی وضم طاء مهمله وسکون
واو ف هشش دارد ط ح ۲ ی ۳ ق مفتح محلل خ بستانی ش یک مثقال ص انیسون
یا زعرور ل نیم وزن سیسالیوس ودو دانگ نیم وزن آن سلیخه یا کمادریوس یا جعده
تتمیق الکاف کرکر ه بفتح اول وسکون ثانی و فتح را مهمله وسکون کاف ثانی م میوه هندی
است تتمیق المیم کمکام ف بفتح اول وسکون ثانی با کاف ثانی والف ع افواه الطیب
و گویند صمغ درخت بطم کمکم ف بضم اول وسکون ثانی وضم کاف ثانی م زعفران
تتمیق النون کمالیون یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو
نوعی از مازریون سیاه کمون ع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو انواع است کرمانی
وفارسی وشامی ونبطی هر ز برا ط ح ی ۲ گویند ۳ ق محلل ملطف بغشی مفتح حابس خون
مسهل خ کرمانی ش دو درم ص کتیرا گویند حل ل نانخواه یا از کرمانی یک نیم وزن نبطی
و از فارسی نیم وزن کرمانی یا تخم کرفس تتمیق الواو کمون حلو بفتح اول وضم ثانی وسکون

ثانی مجهول و کسر کاف ثانی و فتح لام م غوره نیم شگفته تنمیق اللام کوپل ف بضم اول و
ثانی مجهول و فتح موحده فارسی و سکون لام م شگوفه کوپل ف بضم اول و ثانی مجهول و
جانور یوم و بفتح اول و ثانی بزبان هندی م نیلوفر تنمیق المیم کوم ف بفتح اول و سکون ثانی
و فتح لام م فلفل کوهم ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح ها گیاهی است که در زمین سند یا
روید و بیخ آن شبیه بیخ نی باشد تنمیق النون کوکن ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح
کاف ثانی م چغند و غله نیست کوهن ف بضم اول و ثانی مجهول و کسر ها و سکون تحتانی
م کوهم تنمیق الواو کو دوه بضم اول و ثانی مجهول و ضم دال مهمله م غله ایست هندی
کوکو ف بضم اول و ثانی مجهول و ضم کاف ثانی م خانگینه تنمیق الهاء کواره ف بفتح اول و
ثانی و الف و فتح رای مهمله م خانهٔ زنبور کوانچه بکسر اول با ثانی و الف و خفای نون و فتح جیم
فارسی و اظهار ها م دوای هندیست کوبله ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح موحده فارسی
و لام م شگوفه کوتاه پاچه و کوته پاچه ف بضم اول و ثانی مجهول با فوقانی و الف و اظهار ها با موحده
فارسی و الف ثانی و فتح جیم فارسی در لغت اول و فتح فوقانی و اظهار ها در لغت ثانی م
کوتاه پا لوتهه بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی هندی و اظهار ها م قسط کورزه ف بفتح
اول و ثانی و سکون رای مهمله و فتح زای معجمه میوه کبر کوژده ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح
زای فارسی و دال مهمله م کنجده کوژه ف بضم اول و سکون ثانی و فتح زای فارسی م خر سفید
رنگ ای الحمر کوکله ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح کاف ثانی م هدهد کوکه ف بضم اول و ثانی
مجهول و فتح کاف ثانی م چغند کو دبرکوه ف بضم اول و ثانی مجهول و اظهار ها و فتح موحده
و سکون رای مهمله و ضم کاف ثانی و واو مجهول ثانی عنبر مطبق کوه ف بضم اول و فتح
ثانی م غورهٔ پنبه و کوکنار و پیلهٔ ابریشم و امثال آن تنمیق التحتانی کوتاه پای و کوته پائی
ف م کوتاه پا کوری ف بضم اول و ثانی مجهول و کسر رای مهمله م غله ایست مانند چینه
که خود رو باشد کوپل گگری ه بفتح اول و ثانی و خفای نون و سکون لام و فتح کاف ثانی

کیزرف بکسر اول وسکون ثانی م شبد کیکیرف بکسر اول وسکون ثانی وکسر کاف ثانی و
سکون تحتانی ثانی م ترانیزک تمنیق السین المهمله کیخرس بفتح اول وسکون ثانی و
خاء معجمه وفتح راء مهمله جانورس کیلاس بکسر اول وثانی مجهول بالام والف مسلکی
تمنیق الشین المعجمه کیشف بکسر اول وثانی مجهول م مرنام جانوری است که از پوستش
پوستین سازند کیکیش بکسر اول وثانی مجهول وکسر کاف ثانی وتحتانی ثانی مجهوله
ترانیزک تمنیق الکاف کیک بفتح اول وسکون ثانی ع برغوث پشو وبکسر اول و
ادمی ومرد یک چشم کیلاک بکسر اول وفتح ثانی ولام ع زعرور تمنیق اللام کیل
بکسر اول وفتح ثانی ع زعرور کیمال بکسر اول وسکون ثانی بامیم والف م جانوریست
که بیشتر در طرف شیروان است از ان پوستین کبود سازند تمنیق النون کیلکان بکسر اول وثانی
مجهول وفتح لام با کاف ثانی والف م نوعی از کراث تمنیق الواو کیسو بکسر اول وثانی مجهول
وضم سین مهمله م جعده کیلو بکسر اول وثانی مجهول وضم لام ع زعرور کیموت بفتح اول و
ضم ثانی م کاهو تمنیق الهاء کیسگونه بکسر اول وثانی مجهول وفتح سین مهمله وسکون راء مهمله و
ضم کاف فارسی وسکون واو وفتح نون م جعده کیه بکسر اول وفتح ثانی ع مصطکی

تقسیم الکاف الفارسی وتلفیق الالف وتمنیق الموحده گاداب

بکاف فارسی والف وسکون واو وبهمزه م جامه غوک تمنیق الجیم گاوزهرج بسکون
واو وفتح زاء معجمه وسکون ها وفتح راء مهمله گاوزهره سنگیست که در زهره گاو بهم رسد
یا در شیردان او متکون گردد از گاوان هندوستان مانند پادزهر در لون وخاصیت آنچه
در میان زهره بهم رسد مثل زرده تخم مرغ است وبشیرازی اندرزا خوانند ع حجر البقر تمنیق الدال
المهمله گاورد بکسر راء م گاوکوهی تمنیق الراء المهمله گاجره بفتح جیم زردک
گاوشیر بسکون واو وکسر شین معجمه وسکون تحتانی صمغ درختیست کوتاه ساق و
برگش ببرگ انجیر ماند لیکن گردتر وکوچکتر وگویند مثل برگ زیتون لیکن برگ زیتون از آن

دراز تر و ساق وی چون خیار زه کشیده بود و گلش زرد باشد و تخمش خوشبو و نیز ساق آن
بشکافند و صمغ بگیرند م جاوشیر ط ح ی خ زعفرانی رنگ که بزرد و در آب حل شود و اول که
بیرون آید سفید باشد و چون خشک گردد زرد شود و هر گاه در آب حل شود مانند شیر نماید
تتمیق النون الجیم گاز ف بسکون زای معجمه ع علف هـ گهاس تتمیق السین المهمله گاورسم
ف بسکون واو و فتح رای مهمله و سکون سین مهمله ع جاورس هـ علیا جره تتمیق الکاف
گاوک ف بفتح واو هـ کنه تتمیق الکاف الفارسی گالبنگ بسکون لام و فتح موحده
و سکون نون م هر بنگ گیاهیست که در ایام بهار و زراعت جو و گندم بروید و غوره گندم
کار کند مانند غوره لاله و اندرون آن دانه چند معدود باشند و خوردنش مستی آرد و شعور
شعور ساز و تتمیق اللام گال ف هـ غله کنگنی و نیز بمعنی شغال ع عنکبوت و ریتلا و غوره پنبه
ناشگفته و عروس تتمیق المیم گاوچشم ف بسکون واو و فتح جیم فارسی و سکون شین معجمه
م بابونه گاو ع عین البقر و اقحوان گلی ست که بیرونش سفید و اندرون زرد است ط ح ی
تتمیق النون گاوزبان ف بسکون واو و ضم زای معجمه با موحده و الف ع لسان الثور هـ
گاجهه ما تنا گاوزن ف بکسر واو و تحتانی مجهول و فتح زای معجمه م زهره گاو تتمیق الهاء گاوزهره
ف بسکون واو و فتح زای معجمه و سکون ها و فتح رای مهمله م گاوزهره ح تتمیق الباء
المهمله و تتمیق الهاء المهمله گپ ف بفتح اول فارسی و موحده م سنگیست که
ازان ظروف و اوانی مانند دیگ و کاسه و صحن سازند تتمیق الجیم و تتمیق المیم گپسل ح
بفتح اول فارسی و سکون جیم و کسر موحده فارسی و سکون تحتانی و فتح موحده فارسی ثانی
م چمچاپ تتمیق الراء المهمله و تتمیق الفوقانی گرغست ف بفتح اول فارسی و
سکون رای مهمله و فتح غین معجمه و سکون سین مهمله م غست تتمیق الجیم گردناج ف بفتح اول
فارسی و سکون ثانی و دال مهمله با نون و الف م گردانیده کباب که مرغ یا گوشت گوسپند
و دیگر حیوانات در آب بجوشانند و سپس با دویه حاره بر گردانیده کباب کنند خ مرغ فر

فارسی وفتح ثانی والف وضم کاف فارسی ثانی وسکون واو وفتح نون م گلگونه که زنان
برروی بمالند گلغونه ف بضم اول م گلگونه گل گونزه ف بضم اول فارسی وکسر لام وضم کاف
وسکون واو وفتح زاء معجمه گل نسرین گل گنیده ف بضم اول فارسی وکسر ثانی وفتح کاف
فارسی ثانی وسکون نون وفتح دال مهمله گیاهیست بغایت بدبو وکلیکان وکماکاف
بضم اول فارسی وکسر ثانی م غوره تپیه وبکسر اول م دانه انگور که از خوشه جدا شده بیفتد ٭
تمنیق التحتانی گگی فارسی ف بضم اول فارسی وکسر ثانی با موحده فارسی والف وسکون
راء مهمله وکسر سین مهمله وسکون تحتانی م گلی است بغایت سرخ وخوشرنگ م گلنار پارسی
تلسیق المیم وتمنیق الفوقانی گمست ت بفتح اول فارسی وسکون میم وسین مهمله م سنگ
جمست جوهری است فرومایه که کبود سرخی مائل ست ومعدنش قریب بمدینه مکرمه معظمه
هرکه در ظرف او شراب بنوشد مستی نیارد واگر پاره ازین در شراب اندازند همین خاصیت
دارد واگر در زیر بالین نهند خواب نیکو بیند تمنیق الزاء المعجمه گیزف بکسر اول فارسی وثانی و
سکون تحتانی وزاء معجمه م شاشه ع بول تلسیق النون وتمنیق الالف گندگیاف بفتح
اول فارسی وسکون نون ودال مهمله وکسر کاف فارسی ثانی با تحتانی والف م خرس سیاه
تمنیق الدال المهمله گنبد ف بضم اول فارسی وسکون نون وفتح موحده م خیمه گنبد
ف بضم اول فارسی وسکون ثانی م خصیه تمنیق الراء المهمله گنبهار ه بفتح اول فارسی
وسکون ثانی وفتح موحده واظهار ها والف م درختیست هندی که کاسه سبز گنجار ولنجار
ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وجیم والف وفتح راء مهمله در لغت اول و وفتح جیم وراء مهمله
در لغت ثانی م گلگونه تمنیق الشین المعجمه گنگش ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وکسر
دال مهمله وسکون شین معجمه م گوگرد تمنیق الکاف گندک ه ف گوگرد تمنیق الهاء گنبه
ف م غنچه گنجاره وگنجه ف م گلگونه تمنیق التحتانی گنجابی ه بکسر اول فارسی م کرمیست بسیار باریک
که در ریسمانها بجاهای نمناک بهم رسد تلسیق الواو وتمنیق الالف گوروخیا ه بضم اول

بضم اول فارسی م رو ائی هندی است گوش ماهی م معده تکسلیق الهاء و تنمیق
الراء المهمله گهیرگواره بکسر اول فارسی و اظهار ها بضم تحتانی و واو مجهول و ضم کاف
با واو ثانی والف ع نبات صبر تنمیق النون گهن بضم اول فارسی و سکون ثانی م کرمی
است که چوب بخورد و چوب را چون نشاره سازد تنمیق التحتانی گهنگچه بضم اول فارسی
و اظهار ها و سکون نون و فتح کاف فارسی ثانی و اظهار های ثانی و کسر جیم فارسی عیون البقر
ف سرخ هرتی گهیا توری بکسر اول فارسی و اظهار با تحتانی والف و ضم فوقانی
و واو مجهول و فتح راء مهمله و کسر همزه م تخم بزرگ از توری است که بالیده و چوب شده
از پوست و بالایش معرا از خطوط تکسلیق الیاء التحتانی و تنمیق الدال المهمله گید بکسر اول
فارسی و سکون تحتانی م علیواز تنمیق الغین المعجمه گیاغ ف بکسر اول فارسی م گیاه ع تبن
تنمیق الهاء گینه ف بکسر اول و فتح نون م آبگینه تنمیق التحتانی گی ف بفتح اول فارسی
و سکون ثانی تحتانی جانوری است که پیش ابلق است و سپاهی او برسر نصب کنند م دم
تمت فهم اللام و تنسیق و تنمیق الالف لالا بلام والف و لام الف ثانی
گیاهی است که از جانب مکه معظمه آرند ع تنمیق الجیم لاج ف بسکون جیم م سگ ماده
تنمیق الدال المهمله لاورف م مناک و عنبر لاون و بمعنی گل شکوفه لازورد ع ف
لاجورد هر اوش طح ی ۲ گویند ۳ ی ۳ ق مسهل سودا و مقوی دل خ بدخشی
ش یک درم و گویند یک مثقال مصلحه لحجر ارمنی بالداق الذهب کانی تنمیق
الراء المهمله لاشکر ف بکسر میم و سکون شین معجمه و فتح کاف و سکون راء مهمله ع
شجر اللبن تنمیق السین المهمله لاس ف م ابریشم خز و یا بیر و سگ ماده و ماده هر حیوان
لا یوریدوس بضم تحتانی و سکون واو و کسر راء مهمله و سکون تحتانی ثانی و ضم دال مهمله
و سکون واو ثانی م حب الساسوانه و شجره معشوق نیز تنمیق الکاف لاک ف بسکون کاف
لاک لیستهمی است که بسبب دود هوا بر شاخ درخت کنار و بعضی درختهای دیگر

که مخصوص ملک هند است منجمد گردد و آنرا کوفته بپزند و رنگی حاصل کنند که سرخ قرمزی باشد
و نخاله و سفل آن خنجر و شمشیر و کارد و امثال آن و دسته محکم کنند و سر نامه بآن مهر نمایند
هلاکهه لاوک ف بفتح واو م نان تنک که آنرا لواش نیز خوانند تنمیق اللام لال هـ به لام
ثانی م جواهریست که آنرا لعل گویند تنمیق النون لادن بفتح دال مهمله م قسمی است از عنبر
زیتون ط ح ا ما ۲ ق بلطف منضج محلل خ چرب خوشبوی مائل بزردی لپا ریل لبی سفل
که در روغن حل شود ش یک درم ص صندل گلاب ل لبنی تنمیق الهاء لاونه ف بکسر
دال مهمله و فتح نون م گیاهی ست که از پوست ساق آن ریسمان سازند هن لاخشه ف
بکسر خاء معجمه و فتح شین معجمه ف تماج ه سینویی لاغیه بکسر غین معجمه و فتح تحتانی ف نوعی از
یتوعات است که گلش زرد باشد مانند گل شبت و ورقش نیز زردی زند و در دامن کوهها
روید ط ح ی گویند ه ق مفرح خ بسیار شیر دارش دو دانگ ص صمغ و کتیرا ل تنوم
لاکهه بفتح کاف و اظهار ها ف لک و لاک ط ب تنمیق التحتانی لاجی ف بکسر جیم فارسی
ع قاقله لاله وختری ف بفتح لام ثانی و همزه ملینه یا ضم دال مهمله و سکون خاء معجمه و فتح
فوقانی و کسر راء مهمله م آذرگون ع شقائق النعمان تنسیق الباء الموحدة و تنمیق
الالف لباع بکسر اول با موحده ف زنک هـ پیوسی ط ب تنمیق الموحدة لبلاب
بفتح اول و سکون ثانی با لام و الف و موحده ثانی م عشق پیچه ط ح ی ۲ گویند ب ق
محلل و مسهل صفرا خ سپیش از آب آن از نیم رطل تا دو ثلث رطل و گویند سمی د ص
قند با مسهل ی ل ورق خطمی یا خبازی یا شاهتره تنمیق الحاء المهمله لبلاب القمح ع
بضم اول و ثانی والف و ضم موحده ثانی و سکون لام ثانی و فتح قاف و سکون میم ف
نشاسته تنمیق الغین المعجمه لبن المغرم بفتح اول و ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح میم
و سکون عین مهمله ف شیر ل شیرگاو تنمیق الشین المعجمه لبن الخشخاش ع بسکون لام ثانی
و فتح خاء معجمه و سکون شین معجمه یا خاء معجمه ثانی والف و شین معجمه ثانی ف افیون تنمیق الضاد المعجمه

گوشت خوک ؎ بری لحیة الجماع بکسر اول وسکون ثانی وفتح تحتانی وضم فوقانی وسکون لام ثانی وکسر حاء مهمله ثانی با میم والف ف پرسیاوشان تمنیق السین المهمله —
لحیة التیس ؏ بفتح فوقانی وسکون تحتانی ه درختست سرس طب ای ۲ ق قابض ترو تاش ش از یک مثقال تا دو درم ص رازیانه یا طباشیر یا تخم گل یا گلنار یا طرا ثیث یا نیم وزن عصاره آن یا بطم تمنیق المیم لحم ؏ ف گوشت ه انس وسکون وسیراطح را گویند سی ق معتدل خ سیانه فربهی ولاغری وعضله ولحم خصے تمنیق النون لحم الحملان ؏ بفتح حاء مهمله ثانی وسکون میم با لام والف ف گوشت بره طح ۶ گوشت حولی یعنی یکساله تمنیق الهاء لحینس الاکلیلی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر نون وضم سین مهمله و سکون لام ثانی وکسر همزه وسکون کاف وکسر لام ثالث وسکون تحتانی ثانی وفتح لام رابع و خفاء ها ف نوعی از خیری جبلی است که آن را خزامی نامند ف ارواح تمنیق الحاء المعجمه وتمنیق الجیم الفاسے لخج ف بفتح اول وسکون با قین ه زاک سیاه تمنیق الخاء المعجمه لخ ف بضم اول ع بربی تمنیق الهاء لخجه ولخشه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی در لغت اول وفتح شین معجمه در لغت ثانی م اخگر لخلخه سلیمانیه بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام ثانی وخاء معجمه ثانی وهمزه ملینه با وضم سین مهمله وفتح لام ثالث وسکون تحتانی با میم والف وکسر نون وفتح تحتانی مشدده ثانی ف نقل روغن زعفران تمنیق الزاء المعجمه وتمنیق الموحده لزاق الذهب ؏ بفتح اول فنا معجمه مشدده والف و ضم قاف وفتح ذال معجمه مشدده با وسکون موحده م اشق تمنیق الهاء لزنیه بفتح اول و سکون ثانی وفتح موحده م جو تمنیق السین المهمله وتمنیق الموحده لسان الکلب ؏ بکسر اول با سین مهمله والف وضم وسکون لام ثانی وفتح کاف وسکون لام ثالث م لسان الحمل ونیز جماض تمنیق الراء المهمله لسان العجم ؏ بفتح موحده وسکون حاء مهمله م سیبا لسان الثور ؏ بفتح مثلثه مشدده وسکون واو ف گاوزبان ه گا تسطه ما ناط

لام ثانی ق متحدر تنسیق الهاء وتمنیق الالف لهسوژ اهـ بفتح اول وسکون ها وضم سین
مهمله و واو مجهول بارا مهمله هند م پستان تمنیق الجیم لهنج ف بفتح اول و ثانی وسکون
نون م سنگ فسان تمنیق النون لهسن هـ بضم سین مهمله ف سیر تمنیق الهاء لهه
بفتح اول وانهارها م شراب وبجفاها م درخت باجود بضم اول م طائر عقاب تنسیق
الیاء التحتانی تمنیق الجیم لیلنج ف وسرپائی بفتح اول وسکون تحتانی وفتح لام ثانی
وسکون نون م نیل لینج سرپائی بکسر اول وسکون ثانی وفتح نون فنلومی از اقلیمیا است
که در جزیره قبرس در معدن نحاس یابند تمنیق الراء المهمله لیلوپر ولینوفر ف بکسر اول
سکون ثانی وضم لام ثانی و واو مجهول وفتح موحده فارسی در لغت اول وضم نون و
واو مجهول وفتح فا در لغت ثانی م نیلوفر گلے است که میان آب بروید و کبود وسرخ
وسفید رنگ شود واندرونش زرد باشد وچون آفتاب طلوع کند بشگفد تمنیق الکاف الفارسیه
لیلنگ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام ثانی وسکون نون لیلنج لیولنگ ف بکسر اول و ثانی
مجهول و واو مجهول وضم لام ثانی وسکون نون م برف تمنیق اللام لیلوپل ف بکسر اول وضم لام
ثانی و واو مجهول وفتح موحده فارسی وسکون لام ثالث م نیلوفر تمنیق الواو لیموادره ف بکسر
اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو با دال مهمله والف وضم راء مهمله وفتح نبائی است
کوهی که در بهار از میان سنگها برآید و بوی لیمو کند طح ی لیمو ف بکسر اول وسکون ثانی وضم میم
م نیبوط پوست و ورق او ح ی احماض زب ف قابع مره ص حل ع روغن ل انتج تمنیق
التحتانی لینوفر هندی بکسر اول وسکون ثانی وضم نون و واو مجهول وفتح فا وکسر راء مهمله و یا
وسکون نون وکسر دال مهمله وسکون تحتانی ثانی هـ سبند تمنیق المیم تنساق تمنیق
الالف تارح بمیم والف ممدود ف آب هـ جل م پانی د با دست حیات وزندگانی طف یا
ق م طب خ آب چشمه که از جانب مشرق بشدت بیرون آید مقابل شمال و بر سنگ روان
بود و براق و صافی و سبک وزن وچون آفتاب بر وتابد زود گرم گردد وچون زائل شود زود

ثانی بنبیذ هی ست که از گندم وجو وجاورس سازند وآنرا بوزه وبکسیم گویند تتمیق التحتانی
مرزا الراعی ع بکسر اول وسکون ثانی م عصی الراعی تنسیق وتتمیق الزاء المعجمة الفارسی
مرزقوف بکسر هر دو میم وسکون هر دو زاء فارسی م مگسی سبز رنگ که چون بر گوشت نشیند
گنده کند کرم پیدا سازد م خرمگس وترکی کولکان گویند تنسیق السین المهملة وتتمیق الکاف
مسحقونیا سریانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح حاء مهمله وضم قاف وسکون واو وکسر
نون با تحتانی والف ف آبگینه ه کانچ لون ل آبگینه سفید وقلی گاذران تتمیق
الفوقانی ست ف بضم اول وسکون ثانی ع سعد ه موتها تتمیق الدال المهملة
مسواک القرود بکسر اول وسکون ثانی با واو والف وضم کاف وسکون لام وضم قاف
وراء مهمله وسکون واو ثانی ودال مهمله م اشنه تتمیق الراء المهملة مسارف بفتح اول
وسکون ثانی با فوقانی والف ه مروا مسطار ع بکسر اول وسکون ثانی با طاء مهمله والف
ف شراب بدست افشرده زود مست کننده مسمقور بربری بفتح اول وسکون ثانی
وفتح میم وضم قاف وسکون واو م زراوند طویل مسور ه بفتح اول وضم ثانی ع عدس
ف نو سرخ تتمیق السین المهملة مس ف بکسر اول ع نحاس ه تانبا تتمیق الکاف
مسک ع بکسر اول وسکون ثانی ف مشک ه کستوری طرحی ۲ ق ملطف ومقوی
دماغ ح تبی شک کیف قیراطین کافور ل عنبر نجوش تتمیق اللام مستعجل ع م بوزیدان
تتمیق النون مسقاطون رومی بکسر اول وسکون ثانی با قاف والف وضم طاء مهمله وسکون
واو ونون ف عود هندی ه اگر مسن ع بکسر اول وفتح ثانی ف سنگی ست که کارد وشمشیر
از ان تیز کنند ه سان طب ی ق مجلی م سنبر س باو بدل طین قیمولیا تتمیق الواو
مستیوه ف بفتح اول وسکون ثانی وفوقانی وضم راء مهمله وسکون واو م نوع دوم
مازریون که آن را هفت برگ وخامالاتی خوانند تتمیق الهاء مسته ف بضم اول وسکون
ثانی وفتح فوقانی ع سعد ه موتها تتمیق التحتانی مصواک الراعی ع بکسر اول وسکون

یک کف ص سکنجبین ساده ل خوخ تتمیق العین المهمله مشکطرا شیع یونانی بکسر اول
وسکون ثانی وکسر کاف وضم طاء مهمله یا راء مهمله والف وفتح میم ثانی وکسر شین معجمه و
سکون تحتانی م پودینه بری ف رنک ط ح ی ۳ گویند ۴ ق بفتح ملطف مدر مقو
معده خ نورسیده شا نیم درم ص سر که با صمغ ل قرص ها دور او را عدس مرو دون
یا اکلیل الملک با شقائق وگویند پودینه تتمیق الکاف مشکک ف بضم اول سکون ثانی
وفتح کاف وسکون کاف ثانی ع سعد مشکنک ف بضم اول وسکون ثانی وفتح کاف
ونون م جانوریست کوچک شبیه بکبک که بیشتر در کنارهای آب نشیند مشکنبک ف
بضم اول سکون ثانی وکسر کاف وسکون تحتانی وفتح نون م نام حلوایی است
مشنگک ف بضم اول وفتح ثانی وسکون نون وفتح کاف فارسی ن شنج مشنگ
ف بضم اول م شنج تتمیق المیم مشکدم ف بضم اول وسکون ثانی وکاف ضم دال
مهمله م جانوریست سیاه رنگ بغایت خوش آواز تتمیق النون مشک الریان ع بکسر
اول وسکون ثانی ه ناگیسر مشک زمین ف بضم اول وسکون ثانی وکسر کاف وفتح
راء معجمه کسر میم وسکون تحتانی ع سعد تتمیق الواو مشتوف بضم اول وسکون ثانی
ه گلی ست سرخ رنگ تتمیق الهاء مشخنه ف بضم اول وفتح ثانی وسکون خاء معجمه
وفتح نون م نوعی از حلوا مشکدانه ف بضم اول وسکون ثانی وکاف با دال مهمله والف
وفتح نون م دانه خوشبوی که آنرا سوراخ کرده در هار کشند و در هندوستان از جانب
مکن پور که مدفن حضرت شاه بدیع الدین مدار قدس سره است بسیار آرند تتمیق التحتانی
مشک هندی بضم اول وسکون ثانی وکسر کاف وها وسکون نون وکسر دال مهمله م
تتمیق الصاد المهمله و تتمیق الراء المهمله مصبر بضم اول وفتح صاد مهمله و باء
مهمله نیز موحده مشدده وسکون راء مهمله ه ایلوا تتمیق الغین المعجمه مصنع بفتح اول
وسکون ثانی م تمر غوسنج تتمیق المیم مصاح الروم ع بکسر اول وسکون ثانی

باشلثه والف م مرکبی ست که اورا العوق لوز گویند تمنیق الجیم مطنج ع بضم اول و فتح ثانی
و کسر نون مشدد و سکون جیم ف بچهٔ سوسمار که در مرتبهٔ سیوم بنمو رسیده باشد تمنیق
الخاء المعجمه مطبوخ ع ف ورشاب و هر چه پخته شده باشد باتش تمنیق الطاء المهمله
مط بفتح اول م جلنار تنسیق العین المهمله و تمنیق الالف معاع بکسر اول ف روده
انتری طب ق لبین خ از حولی گوسفند تمنیق الدال المهمله معده بفتح اول و
سکون ثانی م خصی الثعلب تمنیق الراء المهمله معصفر ع بفتح اول و ثانی رفاه
کسبه سفار بکسر اول و سکون ثانی م جمع اجاص تمنیق القاف معشوق ع بفتح اول و
سکون ثانی از اجانام جمی ست و از نبات ماهو وانه تمنیق النون معلین ع به ضم اول و
کسر ثانی م مازران تمنیق الهاء معده ع بکسر اول ف شکم هـ اوجهری طب ے
تنسیق الغین المعجمه و تمنیق الثاء المثلثه مغاث ع بضم اول با غین معجمه ف
بیخ انار دشتی که درخت حب القلقل باشد طح ۲ گویند ق مغری جابر خ
بغدادی سفید مائل بزردی ش دو درم مصلح ل و رطلا قلت یا نیم وزن زراوند
تمنیق الدال المهمله مغد بفتح اول و سکون ثانی ف بادنجان و گویند لفاح بری و
گویند نوعی از کمات کوچک مغرود ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء مهمله م سماروغ
تمنیق النون مغیلان ع بضم اول و کسر ثانی هـ درخت کیکر و ببول تمنیق الهاء مغره
بضم و فتح اول و کسر ثانی و فتح راء مهمله ف گل سرخ هـ گیرو طب ی ۲ ق قابض مجفف
خ سرخ رودش ش نیم مثقال مص ل شادنج مغموسه بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم
ثانی و سکون واو و فتح میم ثالث ف قلیه بادنجان تنسیق الفاء و تمنیق الحاء
المهمله مفرج ع بضم اول و فتح فا و کسر راء مهمله مشدد ف گاوزبان تمنیق الدال المهمله
مفرود بفتح اول م نوعی از کمات کوچک تمنیق النون مفرح قلب المحزون ع م ریحان و
بادرنجبویه تنسیق القاف و تمنیق الالف مقلیاثا سریانی به فتح اول تخم سپندان

تمنیق اللام منسل به فتح اول و سین مهمله ف زرنیخ سرخ تمنیق النون نیج زداوستان
بضم اول و سکون ثانی ف تخم ضیمری من ع به فتح اول و ثانی مشدد ف هر طلی عیز شبنمی
که بر درخت یا سنگ افتد مانند ترنجبین و گزانگبین و شیرخشت و بیدخشت طح ا مع ی یا
ق محلل ملین خ صافی لون سف دودرم ص سکنجبین ل شکر و یانی مخفف نبات سے
تمنیق الهاو منتوف بفتح اول و ضم فوقانی م نوعی از گیاهی کوچک تمنیق الهاء منتجوشه
رومی بضم اول و فتح فوقانی و شین معجمه م سنبل رومی یعنی ناردین مندعوره روسے
بضم اول و فتح دال مهمله و ضم عین مهمله و فتح را مهمله م بیرو به مندله ف بفتح اول م عود
خام تمنیق التحتانی مندلی ف بفتح اول ف عود هندی تمنیق الواو و تمنیق الالف
موتهاه بضم اول ع سعد موگیا ف م سنبل سونگاه تخفار نون ع مرجان تمنیق الجیم موج م
م پوست بیرون سرکنده که رسن از و ریسمان سازند تمنیق الدال المهمله مورد ف
بضم اول م آس گویند که عصای موسی علیه السلام از چوب مورد بود تمنیق الراء المهمله
موش خوار و موش گیر ف بضم اول و سکون ثانی م قسمی از غلیواز تمنیق الزاء المعجمه
موز ع ه کیلا طح م ا گویند م ق ملین خ بزرگ شیرین رسیده ص مصلح ل سکه
و عسل تمنیق السین المهمله موحرس ه م صمغ درخت سنبل تمنیق الکاف موونک
ه با لها یا روائی هندی ست موگ ف م ماش تمنیق الکاف الفارسی مونگ ه م
ماش تمنیق اللام مول ع بضم اول و سکون ثانی م عنکبوت ه بیخ نبات تمنیق المیم
مورداسفرم بضم اول و ثانی مجهول و سکون را مهمله و دال مهمله و کسر همزه و سکون سین مهمله
و فتح فا و سکون را مهمله ثانی و میم ثانی ف مورد بری طح ی ۲ خ رومی موم ف
بضم اول ع شمع ه مین تمنیق النون موراسون یونانی بضم اول م شقاقل موم امین
ف بضم اول و ثانی مجهول و سکون میم ثانی و همزه و کسر موحده و سکون تحتانی و
مومیائی گویند که این نام مهی ست که از غار آن مومیائی حاصل شود تمنیق الواو مو

وسکون تحتانی وفتح نون م پوستین تتمیق التحتانی موتی ه ف مروارید ع لولو موشر
در هندی ف بضم اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه وفتح دال مهمله وسکون را مهمله و
فتح موحده وسکون نون وکسر دال مهمله ثانی م بوشش در هندی موگی یونانی ع حرمل
و بزبان هندی ف ترب مومیائی ف بضم اول وثانی مجهول وسکون میم ثانی
با تحتانی والف مشهورست بهمین نام سوم یعنی شمع ویای نام دهی ست که در موضع
منبع اوست وآن کانی ست وعشری وحجری ط ۲ ی اق الملف محلل سهو
خ کانی منافع ورم ص قفر الیهود موندهی ه بضم اول وسکون ثانی وخفا نون وکسر
دال مهمله هندی م دوا هندی ست عظیم النفع هندی ست که گلش تکمه آسا وتالابها
روید ط ۲ تنسیق الهاء وتتمیق الالف مها بفتح اول وواو الف وهی نیز آمده ف
سنگ بلور مها سیاه بفتح اول وثانی والف م دوائی هندیست طب مهر گیا
ف بکسر اول وکاف تازی م سترنگ مهوا م بفتح اول وواو ف درخت گلچگان
تتمیق الراء المهمله مهاور م بفتح اول ف نگیست که از لاکه می سازند تتمیق الکاف
مهک ف بفتح اول وثانی م بلیلهٔ تتمیق اللام مهائل ومهانول ف بکسر نون ودر لغت
اول وضم نون در لغت ثانی م افیون خالص تتمیق المیم مهدم م بفتح اول وضم دال
مهمله م جانوریست ذی مخلب که دم ابلق دارد واز آن پر تیر سازند تتمیق الواو مهره
جان دارو ف بضم اول م مار مهره که از تریاق ست ه سانپ کا من مهره گاو ف
گاو زهره وگوروچن تتمیق الهاء مهدمه بفتح اول ودال مهمله ومیم ثانی ف نوعی از
چوب اشنان مهر گیاه ف بکسر اول وکاف فارسی م مهر گیا مهیاوه ومهیوه ف بفتح
اول م نانخورشی ست که اکثر مردم لار از ماهی ریزه ترتیب دهند تتمیق التحتانی مهی
بضم اول ه حبشی تنسیق الیاء التحتانی وتتمیق الالف میداه بکسر اول و
سکون ثانی با دال مهمله والف دوائی هندی مشهورست میشا ف بکسر اول و

المهمله میشهارف بکسر اول و ثانی مجهول با شین معجمه و فتح موحده و ها و الف م اقحوان
تنمیق النوع للمعجمه میزف بکسر اول و ثانی مجهول م مینیاب میمیز ف بکسر هر دو میم و سکون
هر دو تحتانی م مویز تنمیق الکاف میخک ف بکسر اول و فتح خا معجمه م قرنفل میرک
ف بکسر اول و ضم را مهمله م مورچه تنمیق الکاف الفارسی میگ ف بفتح اول و سکون
ثانی و کاف فارسی م ملخ تنمیق اللام مین مهل هر بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و کاف
و اظهار ها ع جوز القی تنمیق النون میسوسن بفتح اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله و واو مجهول
و فتح سین مهمله ثانی ف شراب سوسن میهین هر بفتح اول و سکون ثانی و فتح ها
ف مسکه تنمیق الواو مینوف بکسر اول و ضم نون م آبگینه و زمرد میوف بکسر اول و
ثانی مجهول م موی تنمیق الهاء میعه ع بکسر اول و فتح عین مهمله و نوع ست سائله
و البنی و ثقل وی را یابسه گویند هر سلارس ط ح ۳ ی آگویند ح ی ۲ ق ملین منضج منوم
مدر خ سائل خوشبوی سفید مائل بزردی بق دو دانگ تا یک مثقال ص مصلحه
یا نیلوفر یا رازیانه یا کافور ل جند بیدستر و روغن یاسمین یا جاوشیر یا زیبق یالادن
تنمیق التحتانی میانسراي ف بکسر اول و ثانی با الف و سکون نون و فتح سین مهمله
و را مهمله و الف ثانی م نوعی از انگور سلیخی ع علیه سینڈا سینگی هر بکسر اول و ثانی مجهول
و خفا نون و فتح دال مهمله هندی و اظهار ها و الف و کسر سین مهمله و سکون تحتانی ثانی
و خفا نون ثانی و کسر کاف فارسی قسمی از دو دهی که دوا هندی ست می ف
بفتح اول ع خمر هر مد و گلاب را نیز گویند تمت قسم النون و یلیه قسم الواو تنمیق الالف
نافت بنون و الف م آب ناخن کوبا ف بضم خا معجمه و کسر نون و ضم موحده و واو
مجهول با تحتانی ع اظفار الطیب هر نکهه نار کیر الکسر را مهمله و کسر کاف فارسی و سکون
تحتانی با را مهمله م خشخاش سیاه ناگ مالاه بسکون کاف فارسی با موحده فارسی
و الف و لام هر گاشکری تنمیق المهمله ناب الکلب ع بضم موحده و سکون لام

ف نارمشک تتمیق الزاء المعجمة الفارسیے نازٔ ف م درخت کاج تتمیق السین المهملة
ناعیس بربری بکسر غین معجمه و سکون تحتانی ف نارمشک تتمیق الشین المعجمة
ناخن خوش ف بضم خاء معجمه ثانی دوا و معدو لہ ع اظفار الطیب تتمیق الغین المعجمة
نان کلاغ ف بکسر نون ثانی و فتح کاف و لام الف م رستنیست که از زمین نمناک بروید تتمیق الفاء
ناف ف بفاکرم صدرت تتمیق الکاف نارمشک ف بسکون راء مهمله و کسر میم ہ ناگکیسر
ط ح ی ۲ گویند ح ی ۳ ف ملطف و مقوی دل خ خوشبو مش نیم درم ص طباشیر ل
یک نیم وزن آن سنبل نیم وزن پوست بیرون پسته یا نیم وزن زنجبیل یا نیم وزن
قسط ناک ہ عنبر و مشک و غیره و امثال آن که مغشوش باشند و قسمی ست از امرود
که بهترین اقسام اوست و در هندی جانوری ست شبیه به نهنگ تتمیق الکاف الفارسی
نارنگ ف بفتح راء مهمله م نارنج تتمیق اللام نارجیل بسکون راء مهمله و کسر جیم ف نارگیل
و جوز هندی ہ ناریل و کهوپرا ط ح ساف سهی س یک درم ص فانید نارگیل ہ
بفتح تحتانی م جوز هندی نارشیان ہ بسکون سین مهمله ف پوست انار تتمیق النون
ناخن پریان ف بکسر نون و فتح موحده فارسی و سکون راء مهمله یا تحتانی و الف و نون
ثالث ع اظفار الطیب ناردین رومی بسکون راء مهمله و کسر دال مهمله م سنبل رومی
ط ح ای ۲ گویند ۳ ق قابض طبع خ فربه خوشبوی سفید ائل ص کثیرا یا عسل ل
سنبل هندی ناروان و نارون ف بسکون راء مهمله با واو الف در لغت اول و فتح
واو در لغت ثانی درختیست خوش قد و خوش اندام و گلنار فارسی نازک بدن بضم زاء
معجمه م رستنی سرخ و ناگدون ہ بسکون کاف فارسی و فتح دال مهمله ف نارچوبه
تتمیق الواو ناجو ف بضم جیم و سکون واو م درخت صنوبر ناخن ولیه بکسر دال مهمله
ہ نکهه نارخو ف بسکون راء مهمله م گل انار ناره بضم راء مهمله م جانوری ست خوش آواز
مانند بلبل نازو ف بضم زاء فارسی م درخت ناجو تتمیق الهاء ناره ف بسکون

ع بفتح را مهمله مشدد و سکون عین مهمله م کمات تمیق الذال المعجمه نبیذ ع بفتح
اول و کسر ثانی ف شراب خ از سیلان رطب تمیق السین المهمله سق رطب و یابس
ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر قاف و فتح را مهمله و سکون طا مهمله و موحده و
تحتانی و الف و کسر موحدهٔ ثالث ف کنار تر و خشک هیرط تراوب ادم گویند
خشک او بی ق قابض مجفف خ بزرگ رسیده ش سته درم ص محل ل عنبر
تسلیق الجیم و تمیق الموحده نجب بفتح اول و سکون ثانی ف هر قشر را بدین نام
خوانند اما مخصوص ست به سلیخه تمیق الراء المهمله نجارفا بفتح اول م گلگونه تمیق النون
نجوان بفتح اول و سکون ثانی با واو و الف م زعفران تنسیق الحاء المهمله تمیق
السین المهمله نحاس ع بضم اول با حاء مهمله و الف ف مس ج تا نباطح ی ۳ ن حاد
محرق خ رقیق املس سرخ از هر دو طرف زود گداز شده شف شیدرم ص کتیرا ل
از توبال رو مفتح نحاس مکلس بضم م و فتح کاف و فتح لام مشدد ف مس کشته
تمیق القاف نحاس محرق ع بضم میم و سکون حاء مهمله و فتح راء مهمله م رو سوخته تمیق اللام
نحل ع بفتح و سکون ثانی ف مگس عسل تمیق المیم نجام ع بضم اول ف مرغابی تلسیق الخاء
المعجمه و تمیق الجیم اضاد سے نخ ف بفتح اول و سکون خاء معجمه م گیاهیست که از و
جاروب سازند تمیق الدال المهمله نخود و نخند ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم
فارسی و دال مهمله بلغت اول و فتح جیم فارسی و سکون نون در لغت ثانی
م ریگ آهن تمیق الراء المهمله نخیر ف بفتح اول م بز کوهی تمیق العین المهمله
نخاع ع بکسر اول ف حرام مغز طب ی ا تمیق اللام نخل ع بفتح اول ف درخت خرما
ق قابض خ ثمر تازه ل سکنجبین ل از طلع کشری تمیق الهاء نخاله ع بضم اول ف
سبوس ه سبوسی طی ی ا ق مجلی لین خ از گندم ص نشاسته ل آرد جو نخکله ف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و لام گردگانی که سخت باشد و زود شکسته نشود

گردگان تمیتو السین المهملہ نرجس ع بفتح اول وکسر جیم ع معرب نرگس ط ۲ ۲ ی
گویند ۳ ی ۲ گویند ۳ ق محلل ملطف ۶ ھفت زرد ہ ص نیلوفر ل نسرین یاجری
تمیتو الکاف نرسک ف بفتح اول و ثانی وسکون سین مہملہ ع عدس ھ مسور ۔
تمیتو التحتانی نرگنڈے ھ بکسر اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی وخفاء نون
وکسر دال مہملہ ہندی ف پنجانگشت تنسیق السین المهملہ وتمیتو الالف نساک
بہ فتح اول وسکون سین مہملہ کاف با موحدہ م شش عدس تمیتو الفوقانی
نسیج العنکبوت ع بفتح اول و ثانی م ابر کا کیا نسوت ع بکسر اول وضم سین مہملہ و واو مجہول
م ترید تمیتو الراء المهملہ نسترف بفتح اول ھ گل سیوتی نسر ع بفتح اول ف کرگس
ھ گیدھ ط گوشتش ۳ ی تمیتو الکاف نسک ف بفتح اول ع غلہ عدس تمیتو النون
نسترن ف بفتح اول وسکون ثانی م گلپیست ھ سیوتی نسرین ف بفتح اول ف ورد
چینی ھ گل سیوتی یا کوجا ط ۳ ی ا گویند ۲ گویند ۳ ق مقوی دماغ ش یک درم
تا سہ درم ص کافور ل نرجس یا یاسمین تنسیق الشین المعجمہ وتمیتو الالف
نشاع بکسر اول ف نشاستہ ط م گویند ی ا گویند ب سا ۲ ق حابس خون و
مسکن و قابض ومغری خ سفید ش دو درم ص عسل ل گرد آسیا یا سنج مغسول یا
نور محض تمیتو الکاف نشک ف بفتح اول وسکون ثانی م درخت نار و تمیتو الهاء
نشارہ ع بضم اول ف بورہ ہر درخت و برادہ ہر چیز نشاستہ بکسر اول ع لباب القمح
نشیمہ ف بکسر اول و ثانی وتحتانی مجہول و فتح میم ف روباہ ترکی ھ ساہی تنسیق
الضاد المعجمہ وتمیتو الراء المهملہ نضار بفتح اول وضاد معجمہ ف درخت گز کہ بر کوہ
روید آنرا اثل گویند تنسیق الطاء المهملہ وتمیتو النون نطرون بفتح اول ف
بورہ ارمنی ھ جواکھار ط ۳ ی ۳ ق مجلی ص صمغ عربی یا طباشیر ل نمک تلخ اندرانی
یا شبت تنسیق وتمیتو العین المهملہ نعنع ع بفتح ہر دو نون وسکون ہر دو عین مہملہ

وسکون ثانی و فتح دال مهمله م تره تیزک تنسیق الهاء و تمنیق اللام دُل ف
بضم اول و سکون ثانی م درخت کاج ع صنوبر تنسیق الیاء و التحتانی و تمنیق
الکاف دنبانک ف بکسر اول و تحتانی مجهول و سکون نون بادال مهمله و الف و فتح نون
ثانی م نافه مشک تمنیق النون دین بکسر اول و سکون ثانی ف انگور سیاه تمنیق الهاء
تیره بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و راء مهمله ف گل سفید کوچک طب زدنجبه
فتح اول و سکون ثانی ف نهال خربوزه و بره ف بفتح اول و سکون ثانی م ساق درخت
توقیم الهاء و تنسیق الالف و تمنیق الراء المهمله هادر بضم دال مهمله م
شنه تمنیق الکاف هاک ف م تخم مرغ تمنیق اللام هال اول بضم کاف ه سنبل ا
تنسیق الباء الموحدة و تمنیق الدال المهمله سبید بفتح اول و کسر موحده ف تخم حنظل
تنسیق الموحدة الفارسیه و تمنیق النون سپلون ف بفتح اول
م افیون تنسیق التاء الفوقانی و تمنیق الهاء هفته ف بفتح اول و سکون
فوقانی و فتح شین معجمه م نخ تنسیق الجیم و تمنیق الدال المهمله
هجند ف بفتح اول و جیم و سکون نون م سر غنست تنسیق و تمنیق الدال المهمله
هدهد بضم هر دو ها و سکون هر دو دال ف مرغ سلیمان تمنیق اللام
هل بفتح اول و سکون ثانی م رائی تمنیق الهاء هلیله بفتح اول و سکون ثانی و فتح
موحده م کری است کوچک و کلان و سرخ و سیاه بسیار بادار و در برسات بجا
تناک بهم رسد ه گنجائی تمنیق التحتانی هندل زنگی بفتح اول و سکون ثانی
و کسر لام و فتح زاء معجمه و سکون نون و کسر کاف فارسی ه نسوت تنسیق و تمنیق الراء المهمله
هرف بفتح اول و سکون راء مهمله م دانه مصر که در کشت زار گندم روید و از میان آن کشت
دور کنند ه بهر و بکسر اول م کریه تمنیق السین المهمله هراس ف بفتح اول ه درختی است
بسیار خاره قلویس بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و لام ه بقلة الیهود ف نوعی از

خرم زاد که یکی از اجداد او بهمن بن اسفندیار بود اخنوخش نام مردی بصلاح حال و صدق مقال اشتهار داشت
و وجه معیشتش از صیدلت یعنی چیدن ادویه از صحرا و شناختن آن میگذشت و هر روز بصحرای آندیار
و کوهسای آن ولایت میرفت و ادویه و عقاقیر جمع میکرد و بشهر آورده بعطاران میفروخت روزی
در اثنای سیر و سیاحت و تفحص ادویه نظرش بر گوزن کوهی افتاد که بر قله ایستاده فریاد میکرد و گاهی
دست و گاهی دم خود بر زمین میزد و حرکات عجیبه و احوال غریبه از رفتار او مشاهده نمود و گاهی در
حین جست و خیز نگاه بجانب آسمان میکرد و از روی نشاط و خوشحالی آوازهای غیر مکرر از وی سر میزد
چون اخنوخش انحالات از آن گوزن دید حربه بر داشته در کمین او شد و نزدیک او رسیده چنان
بر انداخت که بیکبار از پا افتاد خنوخش در حال او را ذبح کرد و در اثنای ذبح نظرش افتاد که در دهن او صمغی
بزرگ است و دید که نیم خائیده در دهنش مانده اخنوخش را از مشاهده این تعجب زیاده شد فی الحال
شکم او بشگافت و از زهره که بزبان فارسی ابزاهر زهانه گویند سنگ املس هموار یافت اخنوخش سنگ
مذکور را بر چوب تر شک نهاده بخدمت ملک خرم زاد آورد و حقیقت گوزن تماما آنچه مشاهده کرده بود
مذکور ساخت ملک خرم زاد حکیم ارسطاسیوس که از اجداد حکیم بقراط و از تلامذه حکیم اقلیدس صاحب تصانیف کثیر
و برادر زاده او بود و در مملکت فارس منصب وزارت ملک خرم زاد داشت طلبیده آنچه از اخنوخش
صیدلانی شنیده بود باو تقریر کرد حکیم ارسطاسیوس پس از تامل بسیار از اخنوخش پرسید که دهن
این گوزن کف داشت یا نه او گفت دهن گوزن بسیار پر کف بود پس حکیم از اخنوخش سوال کرد
که در دم او یا پای او جراحتی هم بود یا نه جواب داد که در جانب دم او کوئی سبز رنگ و چنان مرئی
میشد که پوست از آن موضع کنده اند پس حکیم بملک گفت که خوراک این گوزن همیشه افعی بود چنانچه
از علامات معلوم شده و در زهره های او دو سنگ متولد میشود که یکی از آنها تریاق زهر است و
دیگری خاصیت زهر هلاهل دارد و ملک تبسم نموده فرمود که این را بمحک تجربه امتحان باید نمود
الحکم ملک هشت نفر از بندیخانه حاضر ساختند ملک با نهامهربانی نمود که آیا شما واجب القتل
هستید یا نیستید جواب دادند که بمقتضای شرع قتل ما واجب است پس ملک فرمود که

مردم ازین ترکیب منافع بسیار یافتند بلکه جوانی از سر یافتند و مطلقا ضرری بظهور نگشت صفت آن
فادزهر دو نیم مثقال و عنبر اشهب یک مثقال مشک سه طسوج سنبل الطیب یکمثقال و ربع قرنفل
هفت دانه مجموع را سه روز متوالی بخورند و از شیرینی و ترشی و سفیدی بغایت گریزان باشند
و غذا نخود آب بگوشت بره که دارچینی و قرنفل داشته باشند بخورند و از متنقلات بادام قندی
و شربت نبات و گلاب و عرق بیدمشک تناول نمایند و بعد از خوردن ترکیب نوشیدن
آب سرد راضی نشوند که مبادا قولنج شود و باین ترکیب قدری زعفران نیز تجویز کرده که داخل سازند
که ازان تفریح تمام حاصل شود و دیگر پادزهر حیوانی یکمثقال یاقوت سرخ رمانی دو جو لعل
بدخشانی دو جو مروارید سفید سه جو زهر سه جو صندل سفید سوده یکجو عود هندی یکجو ورق طلا
یکجو ورق نقره یکجو مصطکی یکجو سنبل یکجو و مشک و عنبر یکجو مجموع این از یک مثقال زیاده نیست
باید که هر کدام علیحده علیحده حلایه کنند و وزن کرده ترکیب سازند سه حب بندند و هر روز یکی
ازان ناشتا فرو برند و گلاب گرم یا عرق بیدمشک از پی آن بخورند و میان روز مرغ فربه
در نخود آب پخته بخورند و آخر روز شربت با عرق بیدمشک بیاشامند و یکهفته قبل از خوردن
احتراز کنند از حموضات و بقول و مباشرت و لحوم و اگر در سالی دوبار احتیاج افتد یکنوبت
اول روز نوروز بشرط مذکور بخورند دیگر روز پانزدهم خوراک آن دو دانگ و نیم مثقال بود نوعی دیگر
فادزهر نیم مثقال یاقوت رمانی لعل بدخشانی از هر یک پنجدانگ زبرجد یکدانگ ورق طلا
و ورق نقره چهار عدد و مشک یکجو و بهمین قدر عنبر و مثل او مصطکی و نیمدانگ عود هندی کوفته
بیخته بگلاب سرشته سه حب مساوی سازند هر روز یکحب فرو برند و بعد ازان دو قاشق گلاب
بنوشند و قریب بظهر نخود آب مرغ فربه و قدری برنج با فاویه بخورند و آخر روز نبات بشربت
عرق بیدمشک بخورند و مربای سیب شیرین و جوارش عود هندی و جوارش مصطکی
پسته قندی و بادام قندی تنقل کنند و یکهفته پیش ازان و یکهفته بعد ازان و یکهفته در اثنای
آن از ترشیها و سبزیها و روغن و شیر و ماست و نیز از مباشرت اجتناب کنند که فائده تمام و

که بجانب پوست او بازگشته است وباندکی او نخته وجراحات اندرون تنش مطلقا سند مل شده

ازینحال تعجب بسیار نمودند و کسی پیش ملک افریدون فرستاده از حقیقت حال خبر دادند ملک

جماعه را که در علوم طبیبی ماهر بودند و دانا جهه استفسار اینواقعه تعین فرمودند انجماعه بحکم ملک

بدانموضع رسیده تفحص وافی نمودند وهر چه برروی آن آب وکنارهای آن بود ازانموضع

خوشیده همه جمع کردند وبر جراحتها و کوفتها و اعصاب وکسر استخوانها بیازمودند بغایت سریع النفع

یافتند و ازین حقیقت ملک افریدون را آگاه ساختند ملک شکر حکیم علی الاطلاق بجا آورده

که چنین تریاقی بدین نیکوئی وبسیاری منافع در عهد من پیدا گردید فرمود که بران غار دری

نهادند وحوضی اساس کردند و در پیش او از آهن باریک شکل غربالی ساخته نصب ساختند

تا آب صافی در رگذران سوراخها بدررود وموسیائی بازماند معارف ومشاهیر وقت راکه

عصات وحکام باشند مامور گردانید تا بدان موضع رفته هر یک مهر خود بدان در نهادند تا سال

دیگر مستحفظان وصاحبان مهر خود بدانموضع میروند وان در بحضور ایشان گشاده میشود وهر چه

موسیائی حاصل شده باشد بحضور ایشان برسانند و بازمهر انجماعه مختوم ساخته بحضور ملک می

برند و اکنون نیز بهمین ضوابط محفوظ ومضبوطست وسالی بود که صد درم حاصل میشود وسالی

بود که کمتر ازین وجه تسمیه موسیائی این چشمه برکنار دهی است که بیاهی موسوم است چه موم

یعنی شمع ویاهی نام آن دیه باین وجه تسمیه مومیائی خوانند وچون موسیائی از پاذ زهرات

بزرگ است ودر منافع بسیار ملوک پارسیان بر ملوک دیگر بدو چیز فخر میکنند اول بپاذ زهر دویگر

بموسیائی وموسیائی دوای مفرد است که قایم مقام مرکب وتریاق میشود وهرگاه مرکبی کیبه

میکنند قوت او زیاده زیاده شود وآن چهار نوع است معدنی در کوه فارس در اصفهان

بهم رسد بشکل زبان گاو وآنجا نگاهبانان ملک میباشند وبعد از سه ماه اندرون غار میروند

ومیگیرند و بازدرش مقفل میسازند وحوالی آن غار جاهای بسیار است که موسیائی بیرون

می آید بصورت زفت وحجری از ولایت روم می آرند از جبال شهر روز وجبال اکراد این

۳۲۹

مومیائی میشود و برای درد هر موضع چون بنوشند نفع تمام دهد مجربست و گویند آنچه از آب جیرد
نقره بود و منافع آن نزدیک بمنافع مومیائی است و نیکوترین مومیائی معدنی است که از
ولایت دارآب جرد فارس نقره و طبع و گرم بود در سیوم و ملطف و محلل باشد بنا بر قول دیسقوریدوس
و بقول شیخ الرئیس گرم بود در آخر درجه دویم و خشک بود در اول و مقوی روح بود بخاصیت
و مومیائی معدنی زود بر آتش بگدازد و در طعمش بد غارت و حدت و مرارت باشد و آنچه فلوسبت
نایکسبت تقطریت و حجری کوفته میشود و چون نرسازد ضاد ازرق باشد و حشری بقول شیخ و
اذابیت نمیکند در امتحان جودت و رداوت مومیائی بقول ارسطاطالیس اگر خواهی که او را بیازمائی
بگیر جگر گوسفند و به نی لیشکافند پس فی الحال مومیائی بمال چون بهم چسبد نیکوست و الا بد و نیز
پای مرغی بشکنند و لیشب قدری مومیائی در خمیر کرده در گلویش فرو برند اگر نیک است روز دیگر
پای شکسته او درست شود خاصیت و منافع مومیائی و قدری شربت آن بدانکه مومیائی بهم از
ادویه بیتافیست و بهم در انواع علل نفعش بجدیست و او سم جمیع حشرات را نفع کند لطلا و شربا
و استخوان شکسته را بپیوندد و بقول شیخ الرئیس ابوعلی سینا اگرچه مومیائی در آب مرزنگوش
حلکرده در بینی بچکانند درد شقیقه و درد سر کهن را ببرد و صرع و سر گشتن را نیز سود مند بود و
همین قدر اگر در روغن یاسمین حلکنند و در گوش تقطیر سازند سود مند بود و اگر کسی را از گوش
ریم آید بیجواز و در روغن گل و آب غوره حلکرده و فتیله بدو آلوده در گوش نهند ریش گوش را
درست سازد و یکجبه از و مثل آن جند بیدستر در روغن حب البان حلکرده در بینی بچکانند
درد سر کهن را زایل کند و چون یکجبه با شیر خر بدهند خونیکه در مرض سل بیرون می آید باز دارد
و یکمثقال از و چون با آب زیره و نانخواه و کرویا بدهند خفقان معدی را ببرد و رطوبتی را که در فم
معده جمع شده باشد دور سازد و هر سقطه که بر معده و سینه و جگر افتاده باشد نافع آید و
یکمثقال با گشکاب که عناب و سپستان و بیخ سوسن در و جوشانیده باشند حلکرده بسته
ناشتا بدهند همه انواع سرفه را ببرد و یکمثقال از و با سکنجبین غرغره کنند خناق بگشاید و یکمثقال

آنکه در وافیمون جوشانیده باشند متوالی هفت روز بدهند از آن علتها آبان یابد و جهه ارتعاش
نهند انگ در آبکه در وشعر فارسی وکوهی جوشانیده باشند یا و بدهند ارتعاش به برود و اختناق
رحم را دو حبه سنگ مومیائی با بیکه در وسافج هندی جوشانیده باشند بدهند نجات یابد و تب ربع
را با بیکه در وافسنتین و بادآورد جوشانیده باشند نهند انگ مومیائی بدهند آن تپ ربع را رفع سازد
و جهه ازان فواق را زائل سازد چون بطبیخ کرفس بیاشامند و جهه سرفه چون بیاشامند زود نفع
کند تا موضع کسر و نهند انگ در آبکه انیسون جوشانیده باشند حل کنند و بر شکم مستسقی طلا نمایند تا نفع
برای غشی بر سینه طلا کنند بسیار قوی گردانند دل را بطریق نفوذ بگلاب و بقول ارسطاطالیس
بیهوشی که سکسو فیکرده باشند با مومیائی آمیخته در گوش اصم چکانند نیکو کنند اگرچه اصم مادرزاد
باشد و محمد ذکریا در کتاب باه نقل کرده که اگر کسی را منی خرج شده باشد و خواهد که حالی بجای او
باز شود در آخر حرکت دو جو یا دو نخود مومیائی در نیم درم شنک عسل سفید حل کرده بخورد و اگر
محرور المزاج باشد با شراب سکنجبین بنوشد که بسیار مجرب است و بنگار و این از اسرار است
حب مفرح مخترع صاحب مفرح النفس که نقل کرده که بعد از تجربه نموده که سستی که بعد از جماع
طاری میشود مطلقا مدرک نشود و نیز این حب جهة سقطه و ضربه نافع است و همچنین نافع است جهة
دهن و خلع صفت آن مومیائی کانی سه جزو صمغ عربی یکجزو و نیم برابر برود نبات بگلاب حل نموده
حب بندند و نیم مثقال ازین حب تناول نمایند و اگر بالای او شراب صرف بیاشامند انفع خواهد
بود و یا بماء العسل نیز والله اعلم بالصواب سبب کمی سپید چوب چینی و استعمال و فواید و مضار
مصلح و شربت و بدل آن و آنرا بیخ چینی و بیخ حیات نیز نامند غالبا در زمان قدیم نبوده یا
آنکه بوده لیکن عمل در نیامده و شهرت نیافته و لهذا اطبای اسلام خاصیت آن در کتب خود
نیاورده لیکن در سنه ۹۲۰ نهصد و بیست چون فرنگیان پرتگال منصرف به بلاد هندوستان
گشتند این بیخ را بهم رسانیدند و ازان زمان تا امروز که یکهزار و سی و هشت است در میان
عالم شهرتی پیدا کرده دو صد سال و کسری باشد که استعمال این در میان مردم شایع شده

پیدا میسازد و دران جزیره قرار و سکونت میدید اہل کشتی قدری آب و نان با و داده نیز بوداع
او راضی می شدند بعد از آنکه توسه و زاد او ر و بتمامی می شد شروع در خوردن گیاه و بیخ مینماید از
اتفاقات جسته جسته گیاه این بیخ جنتی می افتد و پس از کندن بیخش خوشمزه و گوارا تر از بیخهای
دیگر بذائقش در میگیرد پیوسته در خوردن آن مبادرت و مزاولت مینماید از اوان اکلش بعد از
روزی چند جراحتهای او بالکلیه روی باندمال می نهد و در خود فرقی غریب مشاهده میکند
بهمچنین مدتی درین جزیره بسر می برد ناگاه بعد از عهدی بعید باز ہمان کشتی یا کشتی دیگر بدان
جایگاه میرسد و اہل کشتی که او را میشناختند می بینند که بغایت توانا و فربه شده از و تفتیش آنچه
می نمایند او از ابتدا تا انتها احوال مداومت اکل این بیخ گیاه مذکور بیان میکند جماعه از بیخ
مذکور بسیار میگیرند و باطراف و جوانب می برند و بدان سود تا بحد میدارند از انمیان باز در میان
جهانیان مشتهر گشته بر تقدیر وقوع روایتین چون دران صحرا نمک ہم نمیرسید و اکل این بیخ
نمک بوده هر جا که می بردند بی نمک میدادند لیکن در خوردن او تنها منفعتی چند هست که بجای
خود گفته خواهد شد و طبیعت بیخ مذکور حکما متاخرین چون حکیم علی گیلانی و حکیم دوائی گیلانی
اکبرشاهی گرم و خشک است و اکثر از حکما متاخرین این عصر برانند که گرم و تر است و دلیل میگویند
که این بیخ چون مفرح و مقوی است او آن بارد یابس است پس علاج مرض نقیض میباشد و چون
حرارت تند ندارد پس در درجه اول خواهد بود و چون تقطیع و تذویب و تسهیل میکند می باید
که تر باشد و این امر چون ظاهر تر است پس رطوبت بدرجه ثانیه باشند لیکن جمهور برانند که
خشک است و اینکه دافع سودا است بالخاصیت باشد نه بالطبع این بیخ را خواص بسیار است
از بسکه آثار خوب ازین مشاهده کرده اند گفته اند که گویا این از عجایبات پرورش یافته چون
اکثر بعد از تنقیه بدن مناسب بکار میبرند و بیشتر خوب از نمک و لبنیات و حموضات و ترشیها
و غذاهای بسیار بخورند نفع می یابند و این را خواص بسیار خواهد بود که هنوز به تجربه نرسیده
و اعتقاد حکیم عماد الدین محمود آنست که حرارت او در اول مرتبه درجه اول است و رطوبت

کروق شیخ خت منصور باشد و ازینجا معلوم شد که بجهة مرض ورق شیخ خت فایده بسیار ازین
شربت است و الا با وجود رطوبت غریبی اگر مرطوبی بوده باشد ممنوع است و در مزاج صفراوی
چون اصلاح یبوست آن میکند و حرارت او را اشتعال و حدت و سورت فرو می نشاند
قریب باعتدال می آورد و نیز ازین دوا النفع بسیار متصور است و اطفال را از استعمال این
دوا چندان فایده نیست بلکه بیم ضرر است چه حرارت غریزی اینها مغمور رطوبت غریزیه است
وقتیکه رطوبت این بیخ نیز علاوه آن شود محتمل است که حرارت بحیثیتی منتشر شود که تدارک آن
متعسر باشد و امراض مزمنه حادث شوند و بلغمی مزاجان را نیز خالی از ضرر نیست بلکه ضرر در اینها
بیشتر است خصوصا وقتیکه مرطوبی باشند چه حرارت ضعیفه این بیخ در مزاج اینها تاثیر نمی‌تواند
کرد و از جهة رطوبت ضرر بسیار متوقع است و دموی مزاجان را اگر در حالت صحت بسبب
دوائیست که باین بخیست استعمال نمودن آن خالی از خطر و ضرر نیست اما هرگاه مزاج اینها از
اعتدال منحرف شده باشد در عود نمودن بحالت اول بسیار ممد و معاون خواهد بود و بهترین
اوقات بحسب فصول اوسط بهار و اوایل خریف و طرفین تابستان و وسط تابستان
میان خریف و انتهای آن و در زمستان خوب نیست در قدر شربت آن آنچه [illegible]
اطبای متاخرین در مطبوخات استعمال نموده اند در شربت آن اختلاف بسیار شده چه بعضی
صد و شصت مثقال در بیست روز جوشانده میخورانند که هر روز هشت مثقال در شربت
میشود و بعضی دیگر سیصد مثقال در بیست روز بکار می برند که هر روز پانزده مثقال در شربت
می افتد و آنچه بالفعل اشتهار دارد صد و شصت مثقال است و بخصه کرده میجوشانند
که هر روز قدر شربت هفت مثقال و سه دانگ و پنج حبه صورت ظهور پیدا میکند و چون
مقرر است که این وزن مذکور را در یکمن آب بوزن طب که صد و هشتاد مثقال است میجوشانند
که بخصه هر روز سه حصه بماند و از آنچه باقی بعد از سکناب و استیفای فایده بنجار آن دو پیاله
قهوه خوری از آن آب میخورند و باقی آب را در شستن دست و طهارت و غیره استعمال نمایند

بیرد و موجب استرخاء الیاف و خمل معده است و آن باعث نقصان حرارت معده و قلت شهوت
چه در بیحالت بواسطهٔ کمی حرارت که آلهٔ جمیع قوتست از لذع انصباب سوداوی که موجب شهوت
احساس تمام واقع نمیشود و اگرچه حار رطب موجب تقویت قوت هاضمه است اما چون نسبت
استرخاء الیاف حرارتیکه در خمل معده است کم میگردد و بالاخره ضعف در آن نیز اثر میکند
پس چیزیکه دفع این اذیت میکند قرص گل مفرده و قرص صندل مفرده میشود اند بود و دوا
بر ضیر آن نیز مخل نیست و نیز چون بحسب تجربه معلوم شد که بیخ چینی در پیران و مرطوبی مزاجان
احداث حبس بول میکند و تقطیر آن چه مواد غلیظه که در عروق ایشان متحلب است
و این دوا بجهة قوت اذابت تدویت آن ماده مینماید و میخواهد که بعرق دفع کند و بواسطهٔ ضعف
قوت خود یا بجهة کثرت مواد تمام آن بعرق دفع نمیشود و بجانب گرده و مثانه میآید و در مسافت
با اخلاط غلیظه مختلط میگردد و بواسطهٔ کثرت غلظت از دفع آن عاجز میشود و حبس بول احداث
میگردد و یا بواسطه رطوبت ترکیب این دوا است و نیز رطوبت بسیاریکه از بدن ایشان جدا
میسازد و رباطی که موجب امساک بول است سست شده تقطیر بول پیدا میشود پس
در بیحالت مصلح آن عرق بادیان و تخم کرفس و امثال آن خواهد بود خواه ممزوج نموده بخورند خواه
بعد از آن تشرب نمایند و این عرقها در تفتیح مسام و تقویت حرارت او بجهة قوت او را از این
مخاطرات ایمن میسازد و موجب این مضرتها نمیشود و فرقهٔ ارباب تجربه بکلاب و عرق
بید مشک مصلح آن میدانند که با شیافه تناول نمایند و غذاهای لطیف بخورانند و از تبخرات و
مرطبات اجتناب جایز میدانند و اصل السوس را نیز مصلح میدانند که باینطریق سفوف
ساخته تناول نمایند صفت آن چوب چینی سه سیر اصل السوس پنج درم کتیرا یکدرم صندل سفید
الاچی زعفران از هر یک یکدرم تخم خیارین دو درم مشک یک دانگ همه را کوفته و بیخته سفوف
سازند و هر روز ناشتا یکمثقال با شربت صندل مناسب میدانند و بدینطریق تا سه روز
عمل مینمایند و اگر احتیاج باشد دو سه روز دیگر تناول نمایند که بغایت مفید است و بدل

در تعدیل مزاج آن بی نظیر است و در فواید شراب مسطور است که منافع شراب نفسیست
و بدنی نفسی مثل فرح و نشاط و سرور و ازالهٔ غم و خجل و امثال آن ممکن و مقدور نیست که هیچ
چیز درین امر مساوی آن تواند شد اما منفعت بدنی مثل انارت و اشراق و نکوئی رنگ
چهره و تفتیح مجاری و غیر آن با آنچه اگر این میتواند بود که از معاجین و مرکبات این آثار مستفاد شود
اما پیدا کردن دوا و شناختن آن خالی از مشقتی نیست پس بنابرین که شراب انگوری
در دفع عادیت سوداویه و تولد خون رقیق و روح لطیف و کثیر و نورانیت و اشراق عجیب
این فواید است در ازالهٔ امراض سوداویه بدل بیخ چینی میتواند شد و در ازالهٔ آتشک که
متقرح و متعفن شده باشد و چرک بسیار از و آید در نیوقت بدل چوب چینی بعد از تنقیهٔ عضو
راحت است صفت آن جدوار خطائی عاقر قرحا کندر مصطکی سورنجان قسط مغاث زراوند
مدحرج و طویل حب الغار مرصافی مقل سکبینج جاوشیر زرنباد از هر یک دو مثقال صابون رقی [illegible] مثقال
مرکب حنا سه مثقال آب لیمو بقدر حاجت زیبق چهار مثقال روغن بابونه روغن گل خیری روغن
سوسن روغن زیت کهنه روغن گل سرخ موم زرد سپید کرده شیر از هر یک ده مثقال روغنها را با موم
بگدازند و بیخها را با گلاب بسایند و صمغها را با سرکه حل کنند و زیبق را بسته کشند و مجموع را ترکیب کرده
مرهم سازند طریق استعمال آن جمعی در دفع مرضی که مناسبت آن دارد و تولید انزال مثل صندل
سائیده با ثمتوله خصیة الثعلب مصلایه کرده باشند نبات و گلاب بقدر حاجت و یکدانگ زعفران
پالوده پخته میدهند و اگر نیم دانگ عنبر اضافه کنند هم خوب است این یک شربت است و اگر
مزاج شخصی حار باشد بجای خصیة الثعلب لعابهای مناسب مثل لعاب بهدانه یا لعاب [illegible] قطونا
[illegible] نشاسته پالوده میدهند و مداومت کنند جایز است نوع دیگر یکسیر بیخ چینی کوفته و بیخته [illegible]
شیره و نبات و نیم سیر گلاب بقوام آورده و یکتوله عنبر با نبات مصلایه کرده بعد از آنکه حرارت شیره
فی الجمله کم شود بریزند و با شیره بر هم زنند بعد از آن آرد چوب چینی در آن ریخته و تر کرده خمیر سازند
بر دارند از آن هر روز بقدر دو [illegible] توله چوب چینی تخمین کرده بریزند نوع دیگر بطریق قهوه ساختن

ونمک وجماع اجتناب نماید اولی است نوع دیگر معاجین است که با دویه مناسب ترتیب
نمایند معجون که از مخترعات حکمای متاخرین تجربه است که اجزای فلاسفه افزوده و با بعضی ادویه
مفرحه قلبیه ترکیب کرده استعمال نموده بسیار سودمند آمده شربت اقل آن دو مثقال است صفت
آن چوب چینی هفتاد مثقال مصطکی عود زعفران سنبل ساذج تودری سرخ و سفید دارچینی فلفل
دار فلفل قرنفل زنجبیل گلسرخ شقاقل قاقله جوزبوا سعد کوفی اذخر لوز بیدان تخم مشک بهمنین صندلین
ورونج انیسون بادرنجبویه خصیة الثعلب جدوار طباشیر اشترغاز اسطوخودوس خولنجان
ریوند چینی از هر یکی دو مثقال عنبر اشهب مشک خالص از هر کدام یکمثقال قند سفید کوفته
ادویه بطریق متعارف معجون سازند معجون چوب چینی از مخترعات حکیم عماد الدین محمود شیرازی
زرنباد جدوار زرلوند مدحرج خولنجان بابونه سرخ ریوند چینی افتیمون بلیله سیاه شملیت مغسول
تربد سفید موصوف دارچینی سنبل مصطکی جوزبوا زعفران بسباسه قرنفل بیل از هر یک دو مثقال
بیخ چینی پانزده مثقال کوفته بیخته باشند چندان عسل بسرشته شربتی هر روز یکمثقال نسخه
دیگر چوب چینی شصت درم سیاه دانه هفتدرم قرنفل نیمدرم زنجبیل صمغ عربی زعفران از
هر یک نیمدرم مشک قدری کوفته بیخته باشند چندان عسل معجون کنند نسخه دیگر چوب چینی
یک آثار فلفلدراز فلفل گرد زنجبیل عاقرقرحا سرپاره جوزبوا قرنفل سیاه دانه نانخواه از هر یک بیست
مثقال عسل مصفی پنج آثار ادویه را کوفته بیخته در عسل معجون سازند شربتی موافق طبیعت
نسخه دیگر بلیله کابلی بلیله زرد بلیله آمله مجموعا مثقالی از دانه بلیله زنگی دارچینی بزبار سنبل اسارون
قرفه زعفران سورنجان مصری خولنجان سعد کندر دار فلفل زنجبیل بادآورد یا نانخواه تخم زردک
تخم شلغم جوزبوا لوز بیدان شقاقل عود هندی اجزای برابر چوب چینی بقدر مجموع دارو با عسل صاف
بقوام آورده معجون کنند و در ظرف چینی نگاهدارند شربتی دو و نیم مثقال از برای دفع درد استخوان
و اشتها و هضم طعام بغایت بی نظیر است و فواید دیگر بسیار بخشد نسخه دیگر از صدر الشریعه
که از معجون سورنجان زیاده و کم کرده چوب چینی تازه هشتاد مثقال سورنجان شیرین

تربد سفید موصوف چهار مثقال میوه سالم میوه بانسه پوده بری سنافج هندی سداب خشک سکبینج
مقل از هر یک مثقال بیخ انجدان سفید از هر یک چهار مثقال ریوند چینی پنج مثقال چوب چینی
بست مثقال و بعضی سه مثقال زنجبیل نیز اضافه میکنند اجزا کوفته و بیخته و دو شبانه روز در
سرکه کهنه بخیسانند و در سایه خشک کنند و باز بروغن بادام تلخ بست مثقال و در روغن تا حل
ده مثقال چرب کرده با سه وزن عسل کف گرفته معجون سازند شربتی یک توله با سکنجبین بدهند
مقل منقوی که در سرکه پرورده باشند یک استار با دو شیر عسل کف گرفته سکنجبین سازند
نسخه دیگر چوب چینی در ظرفی بقدر شش شش سیر آب کنند و نیم سیر از چوب چینی سوده آمیخته در ان
ریخته یکساعت رها کنند بر آتش که بجوش آید چون یکدو جوش بخورد دیگ خرد آرند و سر آن
دیگ را سر پوش کرده بخمیر بگیرند و بالای دیگدان بگذارند و هر گاه که بخار در یابند کرسی که در میان
سوراخی باشد و راه دیگر نداشته باشد اول دیگ را بر بالای انگشت افروخته گذارند و پس
کرسی مذکور بالای آن نهند و خمیری بران روزن کرسی گذارند که راه بدر رود باد و نباشد پس
ازان بر کناره کرسی نشسته چادری یا لحافی بر سر کشند چنانچه منفذ باد و نباشد خمیر از روزن
کرسی دور سازند و سه گهری یا هر قدر وقت که خواهند بنشینند تا بخار آن بجمیع اعضا رسد و
بعرق در آید بعد ازان بر خواسته آهسته آهسته ان چادر را از خود دور سازند که بسیار نفع
بخش است بهترین و خوشترین استعمال چوب چینی جوشانیدن و استیفاء بخاریان نمودن
است چون این طریق منفعت بسیار دارد و درین زمان مزاج مردم هندی نازک شده که بادو
بسیار زند باین مشقت راضی نمیشوند چه محنت پرهیزان کمتر از محنت درو نیست و ازو گداخته
عرق و طریق قهوه بسیار محمود است لیکن معجون و غیره که در دستور اهل هند است و حلوا و فالوده
و غیره اقسام خوردن او چندان خوب نیست چه تاثیر بیخ چینی ترقیق و اذابت مواد است
و مواد است و نفوذ این در بیخالت در عروق ضعیفه لطافت و سفوار و نیز چون بطریقی که
و در مزاج آن مذکور شد خالی از اجزای ارضیه نیست ممکن است که بعض اجزاء در عروق ضعیفه

ازان در میان پنج سیر آب صاف با آتش نرم بجوشانند و هرگاه آب بکی کند دیگر بریزند تا نیم پاس
چنین بجوشانند بعد از آن همین قدر بادیان خطائی و پاؤ توله دار چینی داخل ساخته دو گهڑی
دیگر بجوشانند و دیگر پنج شش قرنفل و اندک مشک و عنبر اضافه کرده چند جوشی دیگر داده بکار برند
گرما گرم در بیان قهوه و آن بقول حکمای متاخرین بارد است در درجه سیوم و یابس است در درجه
دوم و قابض است و احداث سودا می کند و مورث قولنج است و جمیع امراض سوداویه را قوت می دهد
و جلد را خشک و درشت می سازد و کم خوابی و سل و فرتوتگی نفس را زیادتی ارد و رنگ را تباه بسیار
و وهم و توحش می افزاید و سبب کابوس می شود و سبب اسودادی مزاجان بسیار بد است لیکن برای
بلغمیان و مرطوبیان بد نیست و بحالی می آرد و طبیعت را بیدار می دارد و استسقای خامه را که از حرارت
و رطوبت بهم رسیده باشد نفع می کند و قاطع شهوت و دافع نوم است و عربان که قهوه بسیار میخورند
مع هذا بکثرت جماع مشهور اند بواسطه آن ست که عمده غذای ایشان خرماست و آن ماده تولید منی
و انبعاث نفخ است از این جهت مضرت قهوه ضرر نمی رسانند و الا قهوه قاطع شهوت است منقول از حکیم
عماد الدین محمود شیرازی است که طبع قهوه هیچ شبهه نیست که بارد یابس است چون دو کیفیت آن ظاهر
است و لیکن بعضا ضرر نمی رسانند قائل باد درجه ثانیه باشد اما آنکه دو کیفیت متساوی اند یا یکی غالب
است موقوف است بتامل و آن ثمره ایست بقدر حب الغار دو پاره است مغز او در یک غلاف
است و او سیاه رنگ و پوستی است تنک تر از پوست پسته و غلیظ تر از پوست حب الغار در
پوست و مغز او هیچ کدام تلخی و تیزی نیست مگر اندک تلخی با قبض و لفاست محسوس می شود و
در مغزش چربی و صلابتی هست و اکثر پوست او را می جوشانند و آن را می خورند و در مکه معظمه
چنین معمول است و در بسیاری مواضع مغز را برشته می کنند چنانچه نزدیک باحتراق می شود و آنرا
به پوست مخلوط می جوشانند و در مکه معظمه مغز او را برشته میکنند و نیم سوخته چنان که طعم آن بتلخی
و سوختگی گراید و چون جوشیده شود پوست او بشنید باین مغز بریان کرده نقل مانند چه مقصود
ایشان از شیاهمید ایست غیر مضر طبیع او یعنی جوشانده او در تسکین جماع و افاده نشاط و خیل

او را جذب بکند و ثفل آنرا در میان آن بگذارند و بسیار بجوشانند و طبیخ او که بطبخ بسیار غلیظ

شده باشد مضر است و مکرر خوردن آن خوب نیست و هر روز یک دفعه اکتفا باید کرد و شرب آن عیا الیقین بکرور

در میان نیکوست و بناشتا خوردن نیکوست و اگر بالای طعام نخورند که از تعطیش آن اندیشه داشته باشند

و بر بالای دیگر چیز نخورند والله اعلم بالصواب در سبب بهم رسیدن تنباکو که بزبان هندی

بجر بهنگ گویند بفتح موحده و جیم و سکون رای مهمله و فتح موحده ثانی و ها و سکون نون و کاف فارسی در چه زمان

بروز کرده و آغاز ظهورش در ابتدای سلطنت عرش آستانی جلال الدین محمد اکبر بادشاه است و انتهای آن زر کشفی

جنت مکانی نورالدین محمد جهانگیر بادشاه است که سال هزار و چهارده هجری باشد و بیشتر از جانب فرنگ در این

دیار آمده و اکنون از جمیع اماکن هندوستان گشت کار او می شود و ارتکاب کشیدن دخانش شعار که و مه

گشته مشغوف و مرغوب جهانیان گردیده جوهر آن بقول حکیم علی گیلانی حار یابس است

و از سموم قتاله است و دخانش بسبب ناریت حار یابس است مجرب و مکدر حواس و قوی است

و محلل و مسخن جمیع اعضا و مضعف باه است و مزاج هر عضو که رطوبت بسیار باشد نافع است و در معده که رطوبت بسیار باشد

بنماید و اعانت هضم میکند و ضعف بصر که جهت اجتماع رطوبت یا بخار باشد سود کند و تنگی نفس که سبب

کثرت و غلظت بلغم سینه یا ششش و یا بسبب کثرت اجتماع بخار باشد نفع دارد و در مزاج هر عضو که رطوبت

زیاده از قدر حاجت باشد بسیار مضر است و هر چشمی را که بخار و رطوبت زیاده از مقدار ضروری باشد

تحلیل آن میکند و بصارت می افزاید و آنکه از مقدار ضروری کمتر باشد و زیاده نباشد نقصان تمام

دارد و رطوبت کبد را تحلیل میدهد و مجاری را خشک میکند و از آن قوت جاذبه کم میشود و از کیموس

باز می ماند و خشکی و درشتی جلد و هزال بدن بهم میرساند و سبب تپ دق و شیخوخت میشود

و امراض چند پیدا میکند که علاج آن متعذر باشد عزیزی میگفت که شخصی را قولنج بهم رسیده

قریب بنصف شب پیش من آمد هیچ دوا در آن وقت حاضر نبود و نزدیک مردان بود اجازت

دادم که تنباکو بکشد و دود آن فرو برد باندک استعمال خفت ظاهر شد چون دود فی الجمله محلل است پس دود محلل

قوی بجای تنباکو با مثال این مرض کار او میکند و هر نفعی که از تنباکو می آید از هر دودی می آید چه از خشک گلها مسخن

اگر حسن بینائی برافتاده بود پس از عهدی بعید باز رسیدم پرسیدم او را پاسخ داد که یک مدتے
برگ تنباکو را با برگ سنبهالو که او را در فارسی پنجنگشت گویند خشک ساخته بالمناصفه تنباکو نوشیدم
از خاصیت آن الله تعالی بینائی بمن ارزانی داشت و این از عجائب اسرار است و نیز تجربت [illegible]
که مصالح تنباکو بجز نیشکر نباشد که از وے جوش شده و لیکن آنکه هر گاه بارچه بدود تنباکو رنگ پذیرد [illegible]
اثر اشتوان زود رود و این تجربه راقم رسیده و جمعی برگهالیش سطبر او را در آب بیخ میجوشانند بعد از ان
بکار میبرند و گروهی با شکر جوشانیده میکشند و بعضی با قند آمیخته استعمال میکنند و فرقه با شکر سفید میخایند و جماعه
قدری کافور هم با او افزوده بکار مے برند و این گزیده روشی است ازوی آنکه هیچ مشتقے دل
باین ابتلای دخانی آخر الزمانی نشوند و بقیاس استیلای چنین بلیه ناگهانی نگردد

تمت

بعد از حمد و نعت بر ضمیر منیر حکماء والا تدبیر و اطباء فلاطون نظیر
پوشیده نماند که درین زمان راحت نشان کتاب الفاظ الادویه فی [illegible]
و حل الادویه و فرهنگ نصیریه حاشیه حسب فرمایش
صاحب تاجر با وقار سراپا تمیز شیخ عبد العزیز
در مطبع شمس هند لکهنو بصحت
کامل طبع شد